



- سرمایه اجتماعی،
- دیر آشنایی از یادشده
- نقش سرمایه اجتماعی
- در حوزه نظارت همگانی مدیریت شهری
- محله، حومه‌های شهری
- و سرمایه اجتماعی
- اعتماد شهروندان و مدیریت شهری
- انگاره‌هایی نهان از سرمایه اجتماعی
- در گذشته نه چندان دور
- اصول پیشنهادی نو شهرگرایی
- دربر نامهربانی محلات شهری
- تفلیس شهری در حال تغییر



## محور اصلی:

### شهر و سرمایه اجتماعی

طرح روی جلد: مربوط به محور اصلی  
عکس پشت جلد: مراکش، شهر موراگو

۱ مطالب مندرج در ماهنامه لزوماً بیانگر دیدگاه‌های سازمان شهرداری ها و دهیاری ها نیست.  
۲ ماهنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.  
۳ مطالب ارسالی به هیچ وجه بازگردانده نخواهد شد.  
۴ استفاده از مطالب و طرح های ماهنامه تنها با ذکر ماخذ مجاز است.  
۵ مقالات باید با لوح فشرده در محیط (فارسی word) همراه باشد.

## صاحب امتیاز:

وزارت کشور، سازمان شهرداری ها و دهیاریهای کشور

مدیرمسئول: حمیدرضا ارشادمند

زیرنظر: محمدرضا بهاروند

سرویس علمی، پژوهشی: عباس جلالی

سرویس فرهنگی، اجتماعی: مصطفی رستمخانی

سرویس بین الملل و حقوقی: فرشید قاسملو

سرویس خبر و گزارش: حدیثه گرشاسبی

همکاران این شماره:

صادق حیدری نیا، عمار داودی، ندا قدمی و محمددالوند

ناشر: انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

امور هنری: عصر پایش و پوش

طراح جلد: اصلاان اصلانی

صفحه آرا: الهام اسدی

نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بالاتر از بلوار

کشاورز، نبش کوچه میر، پلاک ۱۱۸۲

انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

کد پستی: ۱۴۱۸۷۳۳۵۱۶

تلفن: ۸۵ - ۱۲۸۲ - ۶۳۹۰

نمبر: ۶۶۴۲۸۰۸۹

ISSN: 16 06 7495

http://www.imo.org.ir

E.mail: shahrdariha91@yahoo.com

این شماره ماهنامه با حمایت مالی معاونت عمرانی و اداره کل شهری و امور شوراهای استانداری تهران بچاپ رسیده و لازم است از مدیران مرتبط استان به ویژه سرکار خانم ایروانی قدردانی نماییم.

- ۲..... یادداشت
- گزارش اصلی
- ۳..... سرمایه‌های اجتماعی، دیر آشنایی از یادشده / مصطفی رستمخانی/صادق حیدری نیا
- اندیشه و پژوهش
- ۱۴..... نقش سرمایه اجتماعی در حوزه نظارت همگانی مدیریت شهری /محمدحسن شربتیان
- ۲۰..... تأملی بر کارکردهای سرمایه‌های اجتماعی در سازمان‌ها/نساء شاهین
- ۲۲..... محله، حومه‌های شهری و سرمایه اجتماعی / ترجمه: آراز امین ناصری
- گفتگو
- ۳۰..... اعتماد شهروندان و مدیریت شهری / مصاحبه با دکتر علی اصغر محکی
- شهرداریها به روایت اسناد
- ۳۲..... انگاره‌هایی نهان از سرمایه اجتماعی در گذشته نه چندان دور/ عباس جلالی
- قانون شهر
- ۳۴..... حقوق شهری و شهروندی
- شورا و مشارکت
- ۳۵..... بررسی جایگاه مشارکت در برنامه ریزی مدیریت و توسعه شهرها/محمدباقر آسرای(شهردار آسارا)
- ۳۲..... سرمایه اجتماعی و رفتارهای زیست محیطی در ایران / غلامرضا خوش‌فر- صادق صالحی
- ۵۳..... بررسی پیامد رشد روند شهرنشینی در ایران به دست متفقین / عیسی حسنیو
- تجربیات جهانی
- ۶۰..... طراحی مجدد شهرها، مدرنیته، کارایی و برابری / ترجمه: کاوه زال نژاد
- شهرها و شهرداریهای جهان
- ۷۰..... تلاش شهروندان خلاق برای توسعه فضای سبز/ تنوع فرهنگی و پویایی شهر
- آموزش
- ۷۳..... اصول پیشنهادی نوشهرگرایی در برنامه‌ریزی محلات شهری/ سارا اصغرزاده
- ۸۰..... مشارکت شهروندان، سرمایه اجتماعی در مدیریت پسماند/ هاشم نوروزی فرد
- رهاورد سفر
- ۸۵..... تقلیس شهری در حال تغییر/ صادق حیدری نیا
- گزارش خبری
- ۸۹..... اهالی فرهنگ و قیمت کتاب
- ۹۱..... نسل قانونمند در راه است/ شیرین هادی‌زاده
- گزارش استان/تهران
- ۹۳..... اخبار کوتاه
- ۹۵..... رونمایی از ایستگاه مطالعه در شهرداری شهرکرد و ...
- اخبار سازمان
- ۹۷..... تشکیل شورای عالی هماهنگی حمل و نقل و ایمنی کشور و ...
- یک شهر یک نگاه
- ۹۸..... ارومیه، اراک، آستارا، اسفند، اصفهان، ایلام، بندرعباس، بندرگز، خرم‌آباد، خرمشهر و ...
- واژگان شهری
- ۹۹..... سرمایه اجتماعی
- معرفی پایگاه شبکه
- ۱۰۰..... سازمان پیشگیری مدیریت بحران شهرداری تهران/محمدطوبایی
- تازه‌های نشر
- ۱۰۱..... رویکردی نوین به ساخت مدارس(کتاب: زبان طراحی مدرسه)/ ندا خسروی
- ۱۰۳..... فهرست لاتین





■ حمیدرضا ارشادمش

سرمایه اجتماعی مفهومی مهم در علوم اجتماعی است که امروزه به عنوان یکی از مهمترین شاخصه های رشد در هر نظام اجتماعی مطرح و پیش نیازی برای توسعه موفق است. سرمایه اجتماعی ماهیتی فزاینده و غیر فردی است که در جامعه ایجاد و آن را در نیل به اهداف و حفظ اصل جامعه یاری می رساند. سرمایه اجتماعی را می توان منابع موجود در تعاملات اجتماعی و نظام هدفمند همکاری و همیاری میان اعضا جامعه دانست که باعث ایجاد شبکه های روابط معقولانه، حس اعتماد و مشارکت بین افراد یک جامعه می گردد و در نهایت جامعه را در دسترسی به هدف مشترک و حفظ ذات و انسجام آن کمک می کند. سرمایه اجتماعی را به عنوان ثروت نامرئی یک کشور در نظر می گیرند و آن را در بر گیرنده نهادها، روابط و هنجارهایی می دانند که تعاملات اجتماعی را شکل می دهد و موجب تقویت همکاری و به طور همزمان گسترش روابط حمایتی دو جانبه در اجتماعات و ملت ها شده و می تواند ابزاری ارزشمند برای مبارزه با بسیاری از نارسایی ها (و ناهنجاری های) اجتماعی در جوامع مدرن باشد.

افول سرمایه اجتماعی در هر جامعه، شهرها و کشورها را با مشکلات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی روبرو می سازد که نهایت آن فروپاشی اجتماعی است. در نقطه مقابل افزایش سرمایه اجتماعی باعث توسعه در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی ... و رشد متوازن کشور خواهد شد. انباشت سرمایه اجتماعی باعث بهبود چشمگیر کیفیت زندگی در کل اجتماع بوده و همچنین اجتماع از همکاری اجزا منتفع می گردد. افراد جامعه هم از مزایایی چون مساعدت، همدردی و دوستی با همسایگان بهره مند خواهند شد. این مفهوم دارای سه مولفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی است که این مولفه ها معلول و گسترش دهنده سرمایه اجتماعی هستند و از این حیث در جامعه، کشور و دولت ها اهمیت فراوان دارند. شاخص های سنجش سرمایه اجتماعی را می توان در چهار گروه عمده خلاصه کرد:

- ۱- میزان عضویت در انجمن ها و گروه هایی نظیر انجمن خانه و مدرسه، باشگاه های ورزشی، انجمن های صنفی و حرفه ای و محافل ادبی، هنری و علمی
- ۲- میزان اعتماد به سایر شهروندان
- ۳- میزان مشارکت در فعالیتهایی مدنی نظیر انتخابات، حضور در گردهمایی ها، راهپیمایی ها، مناظره های سیاسی، تعامل با روزنامه ها، نمایندگان مجالس و شوراها و ...
- ۴- میزان مشارکت در فعالیتهای داوطلبانه مانند نهادهای خیریه، گروه های همسایگی و هیات های مذهبی.

فعالیت های گروهی نشانه سرمایه اجتماعی بوده و خود سرمایه اجتماعی تولید کننده مشارکت و معیاری برای سلامت اجتماعی است. در شهرهای امروز محله به عنوان مبنای سرمایه اجتماعی مورد توجه بوده و اشاره به هنجارهای موجود در نظام اجتماعی می کند که در ساختار مدیریت شهری منجر به همکاری شهروندان با نهاد اجتماعی شهرداری و ارتباط متقابل شهروندان با مدیریت شهری می گردد. ایجاد و تقویت تعامل با شهروندان در ساختار مدیریت شهری موجب تقویت مدیریت محلی و فرصتی مناسب برای توسعه پایدار سرمایه اجتماعی در جامعه شهری و نهادینه کردن نظام مدیریت شهری با تکیه بر اعتماد عمومی می باشد. توسعه فرهنگ مشارکت محله ای به عنوان یکی از راههای سرمایه اجتماعی مدیریت شهری را از طریق بسط شبکه های اجتماعی، انسجام سازمان و تعاملات شهروندی یاری نموده و کمک شایانی به نهادینه کردن مدیریت شهری در جامعه می کند. از این رو موضوع فرهنگسازی، اشاعه و آموزش الگوهای شهروندی و نظارت همگانی شهروندان نسبت به عملکرد و خدمات مدیریت شهری به توسعه مفهوم سرمایه اجتماعی در مدیریت شهری به عنوان یکی از اصول محوری حکمرانی خوب کمک بسیار می کند. تقویت مولفه های مشارکت محله ای موجب افزایش سرمایه اجتماعی در سطح شهرها شده و تقویت کننده مدیریت شهری هماهنگ و هم جهت با مطالبات به حق شهروندان خواهد بود و در کل برای دولت های محلی الگویی دست یافتنی پیش روی خواهد نهاد.

بدون شک از آنجایی که شهرداری ها به لحاظ ماهیت وظایف و اینکه نهادی اجتماعی هستند و در تمامی لایه ها و سطوح با شهروندان به عنوان اصلی ترین صاحبان سرمایه اجتماعی در تماس و تعامل می باشند، در حوزه فعالیت خود بهترین و بیشترین بهره برداری و سودمندی از این سرمایه عظیم را می توانند احصاء نمایند.

# سرمایه اجتماعی دیر آشنایی از یاد شده

■ مصطفی رستمخانی  
■ صادق حیدری نیا

طی دو قرن اخیر، گفتگوهای فراوانی درباره‌ی تعریف و مفهوم سرمایه اجتماعی در گرفته و این مساله در سطوح مختلفی مطرح شده است. این تعاریف، سرمایه‌ی اجتماعی را در سه سطح خرد، میانی و کلان تعریف کرده و به همین نسبت برای آن نقش‌های متفاوتی در اجتماع قائل شده‌اند. در سطح خرد، واحد بررسی، فرد یا حضور فرد در بنگاه و یا گروه در مقیاس کوچک است. در سطح میانی، سازه‌ی سرمایه اجتماعی در قالب فرآیندهای اجتماعی مورد واکاوی نظری و تجربی قرار گرفته و در بخش دیگر، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک مفهوم برای مطالعه عملکرد نهادی و اقتصادی در سطح جمعی استفاده شده؛ در این نگاه، مقیاس و سطح تحلیل‌ها به سطح ملت‌ها یا مناطق تغییر یافته است.

هرچند که برای گفتگو درباره‌ی ظرفیت‌های سرمایه‌ی اجتماعی در واحدی به نام شهر و چگونگی به فعلیت رساندن آن باید به تعریف واحدی رسید اما تجربه نشان داده که مفاهیمی از این دست همواره محل مناقشه بوده‌اند. لذا ناچار با اجماعی حداقلی بر سر مفاهیم، باید به سراغ

کارکردها رفت. از آنجایی که درباره‌ی پذیرش سرمایه‌ی اجتماعی و نقش آن در عرصه‌های مختلف، اجماع حداکثری وجود دارد لذا این مساله را نقطه‌ی آغاز بحث قرار داده و در نشستی با همین موضوع، درباره چستی و مصادیق سرمایه‌ی اجتماعی و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل آن در ایران بحث و گفتگو شده است.

شرکت‌کنندگان در بحث:

**حسین ایمانی جاجرمی**، دکترای جامعه‌شناسی در گرایش جامعه‌شناسی توسعه، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

**محسن مسلم خانی**، کارشناس ارشد حقوق، مشاور رییس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

**سید قاسم ناظمی**؛ کارشناس ارشد ارتباطات فرهنگی، معاون هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.

**حمیدرضا صارمی**؛ دکترای شهرسازی، عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران



**صادق حیدری نیا**، دکترای تاریخ ایران اسلامی، عضو هیئت علمی گروه تاریخ و تمدن پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

**تجداربا** بدیهی است باید در ابتدا از چیستی «سرمایه‌ی اجتماعی» گفتگو شود، اما چون در پاسخ به این پرسش مباحث نظری بسیاری طرح شده که از موضوع این نشریه بیرون است، برای تحدید بحث و رسیدن به پاسخی روشن‌تر از چیستی سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه خودمان آغاز می‌کنیم و این پرسش را اینگونه مطرح می‌نماییم که سرمایه‌ی اجتماعی در یک شهر یا کشور اسلامی چه مصادیقی را شامل می‌شود و اساسا مؤلفه‌ها و آرمان‌های دینی و مذهبی چه نقشی در پیدایش سرمایه‌ی اجتماعی ایفا می‌کنند؟

**دکتر ایمانی:** از آنجایی که خواستید سرمایه اجتماعی را در ایران تعریف کنیم لازم است نکته‌ای را متذکر شوم که دانش کارشناسی، مرز ندارد، لذا شما می‌توانید از دستاوردهای نظری و تجربی دیگران استفاده کنید و البته این ملاحظه را هم داشته باشید که نسبت آن دستاوردهایی که شما از یک حوزه فرهنگی و تمدنی دیگر می‌گیرد با جامعه‌ی خودتان چیست. قبل از این که بحث سرمایه اجتماعی را مطرح کنیم من فکر می‌کنم باید به این سوال پاسخ دهیم که چرا سرمایه اجتماعی مهم شده و چرا ما در این باره به بحث نشستیم؟ من جواب این سوال را توسط سه پارادایم در اداره شهر می‌دهم. در حوزه اداره کردن شهر سه پارادایم داریم که ترتیب تاریخی دارند. پارادایم اول در مورد «اداره شهر» است. یعنی شهر عین یک سازمان اداری است که یک نفر مدیرکلی می‌خواهد تا آن را اداره کند. در این اداره کردن، چیزی که اهمیت دارد دستیابی به اهداف سازمان است. پارادایم دوم که جایگزین پارادایم اول می‌شود از اواخر دهه ۸۰ میلادی به این طرف مطرح شده است و طرح آن در کشور ما به اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ شمسی برمی‌گردد. این پارادایم، «مدیریت شهری» است که

در آن، شهر به عنوان یک شرکت تلقی می‌شود. چون در اواخر قرن بیستم دستاوردهای بخش خصوصی خیلی اهمیت پیدا می‌کند و شرکت‌های بزرگی متولد می‌شوند که به ثروت‌های هنگفتی دست می‌یابند و در عین حال کارایی بالایی دارند، بر این اساس و متأثر از این تجربه، گروهی از متفکران حوزه مدیریت، همان الگو و اصول اداره شرکت‌ها را در اداره شهر هم پیاده می‌کنند. در این پارادایم شهر درست مثل یک شرکت است لذا منابع، سرمایه انسانی و آموزش در اداره شهر خیلی اهمیت پیدا می‌کند. اما مسئله‌ی که در این پارادایم مورد توجه است به شراکت بخش‌های دیگر جامعه و مشارکت مردم توجهی ندارد. یعنی این موضوع در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. در این دو پارادایم بحثی راجع به سرمایه اجتماعی نداریم. در پارادایم اول سرمایه اقتصادی مهم است و در پارادایم دوم سرمایه انسانی.

اما پارادایم سوم «حکمرانی شهری» است. این پارادایم بر این نکته تاکید دارد که شهر را شهرداری به تنهایی نمی‌تواند اداره کند. مسائل شهری به قدری پیچیده و متناقض است که منابع شهرداری و حتی منابع دولت به تنهایی برای اداره شهر کافی نیستند. ضمن اینکه جامعه هم تغییر کرده، یعنی شما پیش از این با جامعه‌ای سروکار داشتید که تقاضاهای زیادی نداشت و سواد و تخصص هم در آن وجود نداشت. اما در جامعه‌ی امروزی آدم‌های تحصیلکرده و متخصص زیاد هستند. همه اینها مطالباتی دارند. همه تقاضا محور هستند یعنی تقاضا دارند که شهر به آنها خدمات و رفاه بدهد. بنابراین منابع کافی نیست و ما باید از همکاری و مشارکت بقیه بخش‌ها استفاده کنیم. اگر شهرداری مدیر شهر است، به مشارکت بخش خصوصی نیاز دارد تا منابع اقتصادی بیشتری جذب کند و مشارکت مردم (یا جامعه مدنی) را می‌خواهد برای اینکه بتواند هزینه‌ی کارهایش را پایین بیاورد و نیز مشروعیت سازمانی و





ما در کنار مفاهیمی که در جهان علمی امروز تولید شده نیازمند یک مطالعه میدانی در فضاهای عمومی جامعه خودمان هم هستیم. شاید اگر امروز عنصری به نام محلات دوباره بخواند تعریف شود پاسخی به این نیاز باشد که یک فضای جزئی‌تر و کوچکتر را بهتر بتوان مدیریت کرد

ما در کنار مفاهیمی که در جهان علمی امروز تولید شده نیازمند یک مطالعه میدانی در فضاهای عمومی جامعه خودمان هم هستیم. شاید اگر امروز عنصری به نام محلات دوباره بخواند تعریف شود پاسخی به این نیاز باشد که یک فضای جزئی‌تر و کوچکتر را بهتر بتوان مدیریت کرد. واقعیت این است که در شهری مثل تهران، به لحاظ گستردگی و جمعیت، حتی تعریف سرمایه اجتماعی کار آسانی نیست. فرهنگ‌های مختلف، خرده‌فرهنگ‌ها، سطح تحصیلات مختلف و... به گمان من تأثیرات خودشان را در حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی هم می‌گذارند. ما به یک عمومی‌سازی فکر و اندیشه در کشور نیازمندیم. چه‌بسا آنچه در خارج از حوزه‌ی جغرافیایی - فرهنگی ما اتفاق می‌افتد تماماً قابل‌تعمیم به فضای امروز ما نباشد زیرا آن جهان‌بینی و سپهری که ما در آن نفس می‌کشیم یک مقدار متفاوت‌تر از آن چیزی است که در فرهنگ‌های دیگر جریان دارد.

**شهریار** ما برای احصاء هر سرمایه‌ای، یک واحدی داریم، واحد سرمایه‌ی اجتماعی اگر فرد است ما چگونه می‌توانیم این سرمایه را افزایش دهیم؟

**دکتر ایمانی:** هر سرمایه واحدی برای سنجش دارد. مثلاً سرمایه اقتصادی واحدش پول است. مقدار پولی که شما در کیفیتان دارید میزان سرمایه شما اقتصادی شما است. سرمایه انسانی معمولاً واحدش مدرک تحصیلی است. اما سرمایه اجتماعی مثل دیگر پدیده‌های اجتماعی به راحتی قابل سنجش نیست. ولی شما یکسری معیارهایی دارید که براساس آن می‌توانید تخمین بزنید. مثلاً تعداد دوستانی که شما دارید یا آدم‌هایی که می‌شناسید یک شاخصی برای میزان سرمایه اجتماعی شما است. بنابراین تعداد دوستان و میزان رفت‌وآمدهای فرد با دیگران، میزان اعتماد شما به افراد دیگر و سازمان‌های عمومی، همه شاخص‌هایی برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی هستند.

**حیدری‌نیا:** همانطوری که شما فرمودید فرهنگ مشترک، اعتماد و اخلاق اجتماعی، محور منابعی است که سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند؛ اعتماد دوجانبه، بنیان رابطه بین انسان‌ها؛ شبکه، بستر رابطه و ارزش‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پیونددهنده این روابط، و عمل اجتماعی یا مشارکت، حاصل این روابط هستند که به شکل‌گیری، تولید و بازتولید منابعی که امروزه به سرمایه اجتماعی معروف است می‌انجامد. حال، اگر نگاهی به اجتماع خود بیاندازیم، تقریباً در تمام شهرهای بزرگ، با گروه‌های زبانی، مذهبی و قومی گوناگونی برخورد می‌کنیم که پیوندهای درون‌گروهی و

کارهایش را بالا ببرد. آن چیزی که جامعه مدنی (مردم) به عنوان سهم خود به شراکت می‌آورند را «سرمایه اجتماعی» می‌گویند.

بنابراین در پارادایم سوم است که بحث سرمایه اجتماعی مهم می‌شود. تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران می‌پذیرند مردمی که تا دیروز فقط خدمات را دریافت می‌کردند، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی دارند می‌توان از آن بهره گرفت. بنابراین ریشه توجه به سرمایه اجتماعی به نظر من تغییر نگاه و همچنین وجود این قابلیت‌ها و توانایی‌های مردم است. این بحث، یک بحث علمی است که همه کشورها آن را پذیرفته و به سراغش رفته‌اند.

**حیدری‌نیا:** به نظر شما در گام نخست نوعی نگاه اقتصادی باعث شد که سرمایه اجتماعی در دنیا به عنوان «سرمایه» جای خود را بازکند، همانطوری که به سرمایه اقتصادی به عنوان «سرمایه» توجه می‌شد این امر باعث شد که به این سرمایه هم از حیث اقتصادی و هم از حیث مدیریتی توجه شود. اما پرسش من این است که آیا می‌توانیم در جامعه خودمان به عنوان یک کشور اسلامی از ارزش‌ها و آرمان‌هایی صحبت کنیم که در این جامعه سرمایه سرمایه اجتماعی تلقی شود و وجه تمایز ما با کشورهای غربی باشد؟ به عنوان مثال آیا میراث معنوی یا یک سری ارزش‌ها و مفاهیم مثل خانواده شهید و ایثارگر و انجمن‌ها یا شبکه‌های مرتبط با آن می‌تواند سرمایه اجتماعی این جامعه باشد؟

**ناظمی:** به نظر من سرمایه اجتماعی ضرورت پیدا کرد چون در مدیریت شهری نیازمند یک مدیریت فراستانی شدیم. حرف من درباره ایران و جاهایی است که خودمان در آنجا رشد کردیم. مثلاً ۴۰ سال قبل در یک شهر روابطی حاکم بوده که این روابط شاید عنوان سرمایه اجتماعی را نداشته ولی همان کارکردها و نقش‌ها را ایفا می‌کرده است. مثلاً خیلی اختلاف‌هایی که در محله‌ها اتفاق می‌افتاد در خانه‌ی یکی از بزرگان آن شهر یا محله رفع و رجوع می‌شد، بدون آنکه نیازی به قوه‌ی قضاییه باشد. ولی چرا در ۲۰ سال اخیر این فضا تغییر پیدا کرده است؟ به خاطر اینکه شهر و جامعه ما از آن شکل سنتی بزرگتر شده و نیازمند ابزارهای دیگری است. اما در مورد ابزارهای دیگر می‌توان گفت که بسیاری از این ابزارها متأسفانه ابزارهای غیر بومی هستند که وارد مدیریت ما شده‌اند. هرچند که دغدغه‌های عمومی در جامعه سرچایش مانده ولی کارکردش را از دست داده است. وقتی عنصری به نام محله از بین رفت و شهر بزرگ شد، نهادهای سابق کم‌کم کارکردها و جایگاه خودشان را از دست می‌دهند در حالی که مابه‌ازایی هم برای آنها تعریف نشده است.

برخی از کارکردهای غیر بومی که هم وارد شده به جهت تضادی که با روش‌های قبلی داشته به خوبی جای خود را پیدا نکرده و باید به ناکامی آن اذعان کنیم. مثلاً آیا وضعیت شورای شهر امروز تماماً آن چیزی است که جامعه ما می‌طلبد؟ آیا در تهران، افرادی که در جایگاه شورای عالی شهر هستند می‌توانند نقش سابق ریش‌سفید محله را ایفا کنند؟ در وضعیت موجود که شاهد گسترش شهر هستیم نیازمند بازتعریف و باز طراحی وضعیت قبلی نیز هستیم این اتفاق به دلایلی مثل فرصتی که جنگ از ما گرفت عملاً با تأخیر صورت رخ داده است.

اگر ما به دنبال این باشیم که در یک جامعه هدف یک گروه مرجعی را تعریف کنیم که نقش آفرینی آن منجر به گسترش سرمایه اجتماعی باشد این مسأله باید به مفهومی همه‌گیر یا گزاره‌ای که همه سر آن توافق دارند تبدیل شود

مختص به خود را دارند؛ از سوی دیگر، شرایط اقتصادی و سیاسی کشور چه از بعد داخلی (مناقشات سیاسی) و چه فشارهای بین‌المللی به نحوی است که اعتماد عمومی نسبتاً آسیب دیده است، در عین حال به نظر می‌رسد بیش از هر زمان دیگری برای عبور از وضعیت فعلی نیازمند استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌ی اجتماعی هستیم؛ در چنین شرایطی چگونه می‌توان «اعتماد» را به عنوان هسته‌ی اصلی سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه بالا برد و به تبع آن احساس همبستگی را تقویت کرد؟

**مسلم‌خانی:** چیزی که به گمان من در این بحث خیلی مهم است این نکته است که جامعه ما به سرمایه اجتماعی باور قلبی داشته باشد در حالی که تنها امروزه اینچنین نیست بلکه بعضاً در حال خنثی کردن و تعدیل سرمایه اجتماعی هم هستیم. یعنی اگر در جایی سرمایه‌ی اجتماعی تولید می‌شود، مراکز مختلفی که در جامعه حضور دارند تلاش می‌کنند تا آن تضعیف یا خنثی شود. امروز در جامعه ایران تلاش‌هایی را از طریق نهادهای رسمی و غیر رسمی می‌بینیم که از تشکیل و شخصیت یافتن گروه‌های مرجع جلوگیری می‌کند. وقتی اوضاع اینگونه باشد هیچ وقت امکان استفاده از این سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی ممکن نخواهد بود. اگر ما به دنبال این باشیم که در یک جامعه هدف یک گروه مرجعی را تعریف کنیم که نقش آفرینی آن منجر به گسترش سرمایه اجتماعی باشد این مسأله باید به مفهومی همه‌گیر یا گزاره‌ای که همه سر آن توافق دارند تبدیل شود.

**حیدری‌نیا:** شما معتقد هستید که امروزه، عوامل تهدید کننده‌ی سرمایه اجتماعی بیشتر از عوامل تقویت کننده است.

**صارمی:** امروز در کشور ما به یک نقطه‌ای رسیدیم که ۵۴ میلیون جمعیت شهری را در ۱۲۰۰ شهر سکنا داده‌ایم که حدود ۴۲ درصد از آن در ۸ کلانشهرهای کشور ساکن هستند و چیزی حدود ۳۰ درصد از آن در ۸۰ شهر و ۲۸ درصد دیگر آنها هم در ۱۱۲۰ شهر دیگر ساکن هستند. از اینجا به خوبی می‌توانیم متوجه شویم که چه تحولاتی در شهرهای ما رخ داده است. یعنی اگر به سال ۳۵ برگردیم ما ۵ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر جمعیت شهری داشتیم و ظرف یک دوره ۵۰ یا ۶۰ ساله این جمعیت ۱۰ برابر شده است. تحولات دنیا خیلی سریع و تند است. آنقدر سرعت

تحولات شهری در دنیا سریع است که برخی از اندیشمندان بزرگ می‌گویند قرن ۲۱، قرن شهری است. بنابراین ما باید خودمان را برای ورود خیلی خوب به عرصه جهانی آماده کنیم. احتمالاً ما در آینده هویت‌های مشترکی خواهیم داشت. نزدیکی ارتباطات، تعاملات، فضای مجازی و... که امروزه دنیا را مدیریت می‌کند ممکن است یک هویت مشترکی را به وجود بیاورد. بنابراین ما اول باید به خودمان برگردیم. در طرح‌های بالادستی، اولین اصلی که برایمان خیلی مهم است «قانون اساسی کشور» است. در قانون اساسی دو محور کلی وجود دارد یکی مشارکت و دیگری هویت. طبق قانون اساسی، انتخاب شهردار بر عهده شورای محلات است، یعنی مشارکت از پایین دیده شده است. حال ببینید که الان چه وضعیتی داریم؟ آیا مشارکت مردم فقط در یک رأی دادن است که هر ۴ سال یا ۵ سال یکبار تکرار شود یا اینکه بسترهای دیگری هم وجود دارد.

موضوع دومی که می‌خواهم عرض کنم این است که آیا ما اساساً به سرمایه اجتماعی اعتقاد داریم یا نه؟ مثلاً در مقام گفتگو، مشارکت را قبول داریم اما عملکرد ما به گونه‌ای است که در آن اساساً به سرمایه اجتماعی اعتقادی نداریم. در این مجله که وابسته به یک نهاد سازمانی است این ضرورت که باید روی سرمایه اجتماعی کار شود به خوبی مدنظر قرار گرفته است. اما سرمایه اجتماعی ما الان کجاست؟ چند درصد است و آیا مردم به سرمایه اجتماعی اعتقاد دارند یا نه؟ آیا برای مردم فرهنگ‌سازی شده است؟ آیا بستر این سرمایه اجتماعی در شهرهای ما فراهم شده است یا خیر؟

اجازه دهید یک نمونه را ذکر کنم. ما در یک دوره‌ای از طرف سازمان به سنگاپور رفته بودیم. در جایی می‌خواستند خانه واگذار کنند. دختر و پسری آمده بودند خانه بگیرند. این خانه‌ها به صورت سازه‌های سبک بودند. از آنها سوال کردند که میزان درآمدتان چقدر است؟ گفتند روی هم ۸۰۰ دلار سنگاپور. آنها باید ماهیانه ۴۰۰ دلار به صورت اجاره به شرط تملیک پرداخت می‌کردند. به آنها گفتند اگر شما بروید داخل ساختمانی زندگی کنید که پدر و مادران هم در آنجا ساکن هستند به شما ۵۰ درصد تخفیف می‌دهیم. من پرسیدم چرا؟ گفتند مطالعات ما نشان داده افرادی که در نزدیکی پدر و مادرشان زندگی می‌کنند شرارتشان کمتر است. چون پول زیادی نداریم خرج زندان، پلیس، قاضی و... کنیم به این نحو سرمایه‌گذاری می‌کنیم. این موضوع نشان می‌دهد که در بحث سرمایه اجتماعی، هزینه‌هایی که باید برایشان خرج شود در مبدأ جلوی هزینه‌های اضافی آن گرفته می‌شود.

مثلاً گفتند قاتل مرحوم داداشی را اعدام کنید ولی هیچ کس نپرسید چرا؟ این فرد ۱۸ سال در مدارس ما، سینماهای ما، در شهر ما بزرگ شده است. باید درباره‌ی عواملی که منجر به کشور نامنی، یا شرارت در کشور می‌شود و نیروی



قاسم ناطمی  
کارشناس ارشد  
ارتباطات فرهنگی

انتظامی مجبور است هزینه گزافی را برای کنترل آنها صرف کند، بررسی و مطالعه شود. این یعنی پرداخت هزینه‌ها در مبداء. وقتی به این قضیه برسیم که هزینه‌ها را در مبداء پرداخت کنیم آن وقت باید روی بحث سرمایه اجتماعی کار کنیم. آن وقت است که باید روی سرمایه اجتماعی، سرمایه‌گذاری کنیم. سود و هزینه را محاسبه کنیم و ببینیم چقدر باید پرداخت کنیم. و چقدر در انتها می‌توانیم سود کسب کنیم.

اگر ما برای سرمایه اجتماعی یک صدم هزینه کنیم، چقدر هزینه‌های ما در انتها کاهش پیدا می‌کند؟

در تحولات شهری و زندگی نوین امروزی دو موضوع به وجود آمده، نخست آنکه شهرداری خودگردان شده و دوم اینکه سرمایه و هزینه آن را هم مردم می‌دهند. ولی در ایران، به رغم این وجود این دو واقعیت، مردم خودشان را صاحب شهر نمی‌دانند و تا وقتی که مردم حس نکنند صاحب شهر هستند، نمی‌توانند در مدیریت آن مشارکتی داشته باشند.

اگر امروز بخواهیم به بحث سرمایه اجتماعی بپردازیم ابتدا باید سرمایه اجتماعی را خوب بشناسیم و باور داشته باشیم که این سرمایه در همه عرصه‌ها (عرضه‌ای اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و...) غیر قابل قیمت‌گذاری است. همچنین باید چگونگی پیاده‌سازی سرمایه اجتماعی در کشور را فرابگیریم.

**تولید در مورد اعتماد اجتماعی که باعث تقویت احساس همبستگی می‌شود و زمینه‌های که به تبلور سرمایه اجتماعی در کلانشهرها کمک می‌کند در وضعیت تهدید هستیم یا در وضعیت حمایتی قرار داریم؟ یعنی در جامعه ما خیلی‌ها اعتقاد دارند افزایش خشونت، جرم و... نشانه دهنده کم شدن سرمایه اجتماعی است. ظاهراً ما در این وضعیت قرار داریم.**

**ایمانی:** جامعه‌شناسان، اعتماد را به ۲ دسته تقسیم می‌کنند؛ «اعتماد نازک» و «اعتماد ضخیم». اعتماد نازک به این معنا است که فرد اطمینان دارد که دیگران به او صدمه نمی‌زنند. این اعتماد زیربنای زندگی اجتماعی است و حداقل سطح اعتمادی است که برای گردش عادی جامعه لازم است. اما آن چیزی که برای جامعه مدرن لازم است «اعتماد ضخیم» است. اعتماد ضخیم به این معنا است که نه تنها دیگری به من صدمه نمی‌زند بلکه به من خوبی هم خواهد کرد. مدینه فاضله که ما در باورهای دینی و فلسفی

آن چیزی که برای اداره یک شهر مدرن لازم است «اعتماد برون گروهی» است، یعنی اعتماد به غریبه‌ها و کسانی که ما نمی‌شناسیم

خود از آن یاد می‌کنیم یک چنین چیزی است. اگر چنین باوری در جامعه وجود داشته باشد بسیاری از این مشکلات مثل دزدی، رشوه‌خواری، قتل و... نباید اتفاق بیفتد. این موارد، حوادثی است که برای جامعه‌ی فاقد اعتماد ضخیم رخ می‌دهد.

یک تقسیم‌بندی دیگری از اعتماد هم مطرح است؛ اعتماد درون گروهی و اعتماد برون گروهی. برای جامعه سنتی اعتماد برون گروهی لازم است ولی در شهر مدرن مسائل دیگری وجود دارد. نمی‌توان چند میلیون آدم را در جایی جمع کرد و مسئله نداشت. این جمعیت، خود به خود مسئله‌ی مشترکی را ایجاد می‌کند. عوامل دیگری هم در چنین فضایی مطرح است: مسایلی نظیر اندازه شهر و تراکم جمعیت، کمبود منابع و توانایی اداره کردن. آن چیزی که برای اداره یک شهر مدرن لازم است «اعتماد برون گروهی» است، یعنی اعتماد به غریبه‌ها و کسانی که ما نمی‌شناسیم. در جامعه سنتی اعتماد خیلی بالا است اما از نوع اعتماد درون گروهی است. اما در جامعه مدرن اعتماد درون گروهی الزاماً کارایی سابق را ندارد. برای اینکه بسیاری از افراد که در طول روز با آنها برخورد داریم افرادی هستند که ما نمی‌شناسیم. پس به نوع دیگری از اعتماد نیاز داریم که همان اعتماد برون گروهی است. حالا وارد سیاست‌های شهری بشویم. مثلاً تقویت سیاست محله محوری خیلی خوب است ولی چند درصد از وقت و زندگی ما در محله‌ها می‌گذرد. آن حوزه‌هایی که محله نیست و ما داریم در آنجا زندگی می‌کنیم نیاز به اعتماد برون گروهی دارد. یعنی شما باید کارهایی را پیدا کنید که اعتماد افراد را به همدیگر، به خصوص افرادی که همدیگر را نمی‌شناسند بالا ببرد. پس یکی از راه‌های تقویت سرمایه اجتماعی پیدا کردن همین سازوکارهای شناخت بیشتر افراد از همدیگر است. ما قبلاً گروه‌های بسته‌ای بودیم که در بچه‌ای به یکدیگر نداشتیم. اما در شهرهای مدرن گروه‌های مختلف از خودشان اطلاعات می‌دهند. (مانند حضور در شبکه‌های مجازی یا جشنواره‌ها و...)

متأسفانه درباره سنخ اعتماد اجتماعی آماری در اختیار نداریم و عمده بحث‌های ما بیشتر بر پایه حدس و گمان استوار است. لذا اگر مدیریت شهری می‌خواهد تحولات اجتماعی را دنبال کند و آگاه باشد حتماً باید آمار دقیق داشته باشد. مثلاً شهرداری تهران، شهرداری تبریز یا شهرداری مشهد هر سال باید گزارش اعتماد اجتماعی (یا سرمایه اجتماعی) شهر را منتشر کند تا ببینند این نوع سرمایه چه وضعیتی دارد.

**حیدری‌نیا:** در واقع می‌فرمایید که اعتماد درون گروهی به صورت ناخودآگاه وجود دارد لیکن ما نیازمند اعتماد خودآگاه هستیم.

**ایمانی:** براساس محدود اطلاعاتی که مربوط به آن سال‌هاست، خصلت جامعه ایرانی این است که اعتماد



محسن مسلم خانی  
کارشناس ارشد حقوق





حسین ایمانی  
دکترای جامعه‌شناسی

شعاعش خانوادگی و خویشاوندی است. یعنی از ایرانی‌ها سوال شده است که بیشتر به چه کسانی اعتماد دارید؟ عمده افرادی که نام برده‌اند افراد فامیل و خویشاوندان آنان هستند و هر چه به سمت افراد غریبه‌تر رفته‌اند از میزان اعتماد کم شده است. در حالی که این نسبت‌ها در جاهای دیگر برعکس است. یعنی همان مقداری که شما اعتماد به خانواده‌ات دارید به آدم‌های غریبه هم اعتماد دارید. یکی از مشکلات کشور ما بحث فرهنگ ضعیف کارهای حزبی است. تشکل‌های مردمی در کشور ما کم و ضعیف هستند. دلیلش این است که بستر اعتماد عمومی خیلی ضعیف است. شاید بخشی از دلایل آن هم این باشد که در جامعه ما دولت به دلیل وجود درآمدهای ثابت نفتی، به مردم نیازمند نیست.

**سوال:** گفتید که هر ساله باید گزارش سنجش اعتماد اجتماعی از سوی نهادهای مسئول ارائه شود. سه تن از دوستانی که در اینجا حضور دارند به نوعی مسئولیتی در سازمان‌های شهری برعهده داشته یا دارند. پرسش من این است که آیا مدیران شهری با اطلاع این گزارش را نمی‌دهند یا در جریان این مسایل نیستند؟

**مسلم خانی:** ما در این باره مشکل فرهنگی داریم؛ ظاهراً برای کار اجتماعی ساخته نشده‌ایم. همان‌طور که اشاره کردند، تحزب در کشور ما جواب نداده است. علاوه بر این، ما کار تشکیلاتی هم بلد نیستیم؛ یعنی در کارهای گروهی موفق نبوده‌ایم. در کارهای اقتصادی، دو نفر که با هم شریک می‌شوند، بعد از چند وقت از هم جدا می‌شوند و دیواری بین خود می‌کشند. تشکیلات سیاسی شکل گرفته درون جامعه‌ی ما عمدتاً منافی دارند که خاص و کوتاه‌مدت است. احزاب هم به دنبال منافع خود هستند، ولی تعریفشان از منافع، کوتاه‌مدت نیست. در کشورهای پیشرفته، معمولاً احزاب سالیان سال قدمت دارند، ولی در کشور ما، منافع این گروه‌ها، کوتاه‌مدت است؛ مثلاً در زمان انتخابات به یک-بارہ چهل حزب تشکیل می‌شود و اعلام موجودیت می‌کند و بعد از انتخابات هم بسته می‌شود. در ایران، مردم اصلاً نمی‌دانند حزب یعنی چه؟

بعد از انتخابات اخیر آمریکا، وقتی حزب جمهوری‌خواه در انتخابات شکست خورد، ده‌ها میزگرد تشکیل دادند تا آسیب‌شناسی کنند و ببینند که علت شکست‌شان و علت پیروزی دموکرات‌ها چه بوده است. در رویکرد اجتماعی هم، فکر می‌کنم در کشور ما «منافع ملی» تعریف نشده است. ما معنی کار اجتماعی را نمی‌دانیم و به دنبال منافع شخصی خودمان هستیم.

دو، سه سال پیش در تلویزیون فیلمی پخش شد که بعد از سه قسمت، دیگر پخش نشد. این فیلم درباره‌ی تناقض رفتاری ایرانیان بود. از آقای مغازه‌دار می‌پرسید که شما زباله‌هایتان را چه کار می‌کنید؟ مغازه‌دار می‌گفت: «من رأس

ساعت ۹ شب زباله‌ها رو در سطل زباله می‌اندازم.» بعد، فیلمی را که از او گرفته بودند نشان می‌دادند که رفتاری متناقض داشت. یا از خانمی سوال می‌کردند که «وضع رانندگی در ایران چگونه است؟» و او در جواب می‌گفت: «مردم خیلی بد رانندگی می‌کنند و باید آنها را جریمه کرد.» بعد می‌پرسیدند که «شما چگونه رانندگی می‌کنید؟» و در جواب می‌گفت: «من سعی می‌کنم در لاین خودم حرکت کنم یا چراغ را رد نکنم.» وقتی فیلم رانندگی خودش را نمایش می‌دادند، می‌گفت: «من عجله داشتم.» تناقض رفتاری ما خیلی زیاد است؛ یعنی یک شخصیت معنوی ظاهری داریم و یک شخصیت متناقض باطنی. در شخصیت ظاهری خود درباره‌ی حقوق شهروندی داد سخن سر می‌دهیم و خود را قانون‌مدار نشان می‌دهیم؛ ولی در خلوت خود، کاملاً با شخصیت اصلی‌مان تناقض داریم.

**حیدری‌نیا:** به نظر جناب آقای جلالی، رصد و سنجش سرمایه اجتماعی یا اعتماد اجتماعی، جز وظایف حاکمیتی سیاست‌گذار است و اساساً باید این رصد و سنجش به طور منظم وجود داشته باشد و بدانند که پایبندی جامعه به این مفاهیم چقدر است و اعتماد اجتماعی در چه سطحی قرار دارد و سرمایه اجتماعی در چه وضعیتی است. سپس براساس آن داده‌ها برنامه‌ریزی کند. حال پرسش اینجاست

**حوزه‌هایی که محله نیست و ما داریم در آنجا زندگی می‌کنیم نیاز به اعتماد برون‌گروهی دارد. یعنی شما باید کارهایی را پیدا کنید که اعتماد افراد را به همدیگر، به خصوص افرادی که همدیگر را نمی‌شناسند بالا ببرد**

که آیا این سنجش در نهادهای تصمیم‌گیر ما انجام می‌شود یا خیر؟

**مسلم خانی:** این فرهنگ را باید حاکمیت ایجاد کند. نمی‌گوییم که مردم در این قضیه سهیم نیستند، ولی در ابتدا، حاکمیت باید آن را ایجاد کند. وقتی این فرهنگ نهادینه شد، فرهنگ شهروندی در مردم به عادت تبدیل می‌شود. به نظر من، در این زمینه خیلی کار نکرده‌ایم.

**ناظمی:** از آنجا که شهرداری تهران نهادی متکی به مردم است و هزینه‌های مدیریت شهری را از مردم می‌گیرد، نیازمند مخاطب است. من چون در حوزه‌ی فرهنگی مجموعه کار می‌کنم، می‌دانم که شهرداری تهران یک مرکز مطالعات دارد و نیازهای شهری را مدام رصد می‌کند؛ ولی چون اشراف کاملی بر حوزه‌ی مطالعات شهرداری تهران ندارم نمی‌توان درباره‌ی جزئیات آن اظهار نظر کنم. البته سازمان فرهنگی - هنری که نهادی مخاطب‌محور است، رصد نیازها و علاقه‌مندی‌های اجتماعی را انجام می‌دهد. اگر این کار انجام نشود نمی‌توانیم بفهمیم مخاطبی

که با آن سروکار داریم در چه سطحی و نیازمند چه خدماتی است. مرکز مطالعات ما، در بخشی عمده‌ای از برنامه‌های فراگیری که در سطح تهران توسط سازمان انجام می‌گیرد از مردم نظرسنجی می‌کند. برنامه‌هایی که به شکل موردی اجرا می‌شوند آنها هم رصد می‌شوند ولی نه به اندازه‌ی برنامه‌های فراگیر در سطح تهران. من نمی‌گویم که به تمام خروجی‌های آن تحقیق پایبند هستیم ولی اگر غیر از این باشیم سازمان ما آسیب می‌بیند. موفقیت ما زمانی اتفاق می‌افتد که با مردم ارتباط را استمرار ببخشیم. اکثر برنامه‌های ما نیازسنجی می‌شوند. باز تاکید می‌کنم به این معنی نیست که ما به همه نیازهایی که مردم دارند پاسخگو هستیم. یکسری محضوراتی هست که سازمان‌ها با آنها درگیر هستند.

**صارمی:** در بحث سرمایه اجتماعی یکی از راهکارهای که می‌تواند ما را به مقصد برساند توجه به قوانین و ضوابط و دستورالعمل‌هاست. توجه کنید؛ ما خیلی از قوانین کشورمان را رعایت نمی‌کنیم ولی وقتی به خارج می‌رویم قوانین را رعایت می‌کنیم. در جامعه شناسی بحثی است به نام «فرهنگ اجباری و اختیاری». نباید این تصور را داشته باشیم که مردم ما توان تغییر اجتماعی را ندارند. اتفاقاً مردم ما خیلی زود می‌توانند تغییر اجتماعی را بپذیرند، مثلاً در بحث کارت سوخت شاهد بودیم که این اتفاق به خوبی رخ داد. اگر ما بستر فرهنگی‌مان را با ضوابط تعیین کنیم این اتفاق خواهد افتاد. بد است که در آمارهای سازمان بین‌الملل بگویند یک کشوری که می‌خواهد خودش را به عنوان الگو مطرح کند آمار کشته‌های تصادفش حدود ۳۰ نفر در ۱۰۰ هزار باشد. این سرمایه اجتماعی آسیب دیده است که این اتفاق افتاده است. در کشور حدود ۴۰ میلیون نفر آپارتمان‌نشین هستند ولی در هیچ کتاب درسی و دانشگاهی در مورد آپارتمان‌نشینی مطلبی نوشته نشده است.

**حیدری‌نیا:** شورای شهر در شهرهای مختلف جهان، به منزله‌ی شورای نخبگان شهر شناخته می‌شود که حلقه‌ی واسط مدیریت دولتی و مردم را تشکیل می‌دهد از این رو در شهرهای توسعه‌یافته، از شوراهای شهر به مثابه سرمایه‌ی اجتماعی تعبیر می‌شود. زیرا اعضای آن اولاً چهره‌ی نخبه و معتمد شهری هستند، ثانیاً به منزله نماینده‌ی منافع عموم مردم در هدایت تصمیم‌گیری‌های دولتی نقش ایفا کرده و در عین حال ماهیتی دولتی پیدا نمی‌کنند. آیا می‌توان برای شوراهای شهر در ایران نیز همین تعبیر را به کار بست؟ در واقع قصد ما این است که از منظر سرمایه‌اجتماعی، جایگاه و عملکرد شوراهای را نقد و بررسی کنیم.

در بحث سرمایه اجتماعی یکی از راهکارهای که می‌تواند ما را به مقصد برساند توجه به قوانین و ضوابط و دستورالعمل‌هاست

**صارمی:** چهارمین دوره‌ی انتخابات شورای اسلامی به زودی برگزار می‌شود. در این دوره قوانین کمی تغییر کرده و یکسری محدودیت‌هایی برای شرکت‌کنندگان گذاشته‌اند. چون ابزار سنجش نداریم نمی‌توانیم به راحتی راجع به شوراهای صحبت کنیم. شوراهای به عنوان آخرین حلقه دموکراسی در کشور ما همان بستر سرمایه اجتماعی هستند. اولاً باید توجه کنیم که ما به شورای اسلامی شهر چقدر اختیار داده‌ایم و باید چه میزان سرمایه اجتماعی از آن مطالبه کنیم؟ آیا فقر شهری که موضوعی در ارتباط با سرمایه اجتماعی است جایگاهی در شوراهای اسلامی شهر دارد یا اگر مصوبه‌ای بدهند قابل پیاده‌سازی هست؟ آیا در مباحث جرم و جنایت این آگاهی وجود دارد که کشور همه هزینه‌ها را در مقصد می‌دهد؟ آیا در مبدأ هیچ وظیفه‌ی برای شورای اسلامی شهر وجود دارد که از آنها مطالبه کنیم؟

به شوراهای شهر از دو منظر نگاه کنیم. بحث اول آن بخشی است که ما در ماده‌ی ۱۳۶ قانون برنامه سوم و ماده‌ی ۱۳۷ قانون برنامه چهارم اعلام کرده بودیم که وظایفی بر عهده‌ی شما قرار گرفته شده است که بعداً از شما مطالبه می‌کنیم.

بحث دوم این است که شوراهای اسلامی شهر، بیشتر شوراهای اسلامی شهرداری هستند، در حالی که جایگاه آنها بالاتر از این است. ما باید کمک کنیم که مردم جایگاه مشارکت‌شان تعریف شود. به نظر من همانطور که در مرحله اول عرض کردم، شورای اسلامی شهر حق انتخاب شهردار را ندارد و این شورای محلات هستند که حق انتخاب شهردار را دارند؛ این را قانون اساسی گفته است.

همچنین باید به آموزش و فرهنگ سازی توجه شود تا شوراهای اسلامی در بحث سرمایه اجتماعی وارد شوند. از آنجایی که وضع ما در شاخص‌های اجتماعی خوب نیست؛ یکی از جاهای مهمی که می‌تواند این شاخص‌ها را ارتقا ببخشد شورای اسلامی شهر است. ولی آن چیزی که مدنظر ماست و در دنیا نیز اتفاق افتاده خیلی متفاوت است.

**شاهین:** من مجدداً پرسش را مطرح می‌کنم که آیا شوراهای در ایران، سرمایه اجتماعی تلقی می‌شوند و نمایندگان آن نخبگان محلی هستند یا خیر؟

**ایمانی:** همین طرح بحث جای ابهام دارد. چون می‌دانید که شوراهای شهر بخشی از حاکمیت هستند.

**شاهین:** عرض بنده همین است که آیا شوراهای شهر باید بخشی از حاکمیت باشند؟

**ایمانی:** این برداشت که شوراهای حلقه واسط بین حکومت و مردم هستند نادرست است. چون شوراهای بخشی از حکومت هستند.

**حیدری‌نیا:** یعنی فلسفه وجودی‌شان این بوده که بخشی از حاکمیت باشند؟

**ایمانی:** بله. برای اولین بار در دوران مشروطیت، تحت



صادق حیدری نیا  
دکترای تاریخ

## وظایفی که ما از شوراهای و شهرداری‌ها می‌خواهیم یک وظایف فربه‌ای است که بعضاً از اختیارات آنها خارج است

عنوان انجمن بلدیة طرح بحث می‌شود و جزء اولین قوانین مجلس شورای ملی آن موقع «قانون بلدیة» تصویب می‌شود یعنی هدف مشروعیت آن است که حاکمیت را مردمی کند و نقش مردم در اداره امور بیشتر شود. یک سطح از اداره امور، سطح شهر است. پس شورای شهر، بخشی از جریان دموکراتیک کردن ساختار سیاسی است و بخشی از این ساختار تلقی می‌شود. کسی که عضو شورای شهر می‌شود بخشی از جریان قدرت می‌شود. چرا؟ چون تصمیماتش بر زندگی مردم مؤثر است و منابع قدرت را جابه‌جا می‌کند. پس شورا بخشی از حاکمیت و نهاد قدرت است. منتها در ادبیاتی که ما داریم به خصوص در بحث‌های مربوط به سرمایه اجتماعی؛ بخش مهمش همین است که تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد نهادهای دموکراتیک محلی بررسی شود که سرمایه اجتماعی جامعه چقدر در موفقیت اینها در رسیدن به اهدافشان تأثیر دارد.

**شورای اما در دوره مشروعیت انتخاب از پایین به بالا است. در آن دوران اعضای شورا توسط مردم انتخاب می‌شدند و بعداً رئیس شورا، رئیس بلدیة می‌شد. ظاهراً شرایط آن با وضعیت امروز متفاوت بود؟**

**ایمانی:** بله. چون شما دریچه‌های حکومت را به روی مردم باز کردید. در آن دوره یک سلطان است که مطلقاً دارد یک کشور را اداره می‌کند و مجلس و قانونی در بین نیست. اگر شما تاریخ مدیریت شهری را در ایران نگاه کنید، نشانه‌هایی از نهادهای جمعی اداره امور نمی‌بینید. ولی در دوران مشروعیت این وضع یکباره عوض می‌شود و می‌گویند آن کسانی که بر مردم باید حکومت کنند نماینده‌های مردم هستند. حکومت از حالت متمرکز به یک ساختار غیر متمرکز تبدیل می‌شود. یک ساختاری که در سطوح مختلف برای تصمیم‌گیری، برای توزیع قدرت اجازه ورود به مردم می‌دهد. حالا اینکه شیوه‌های کار به چه صورت است، در ادوار مختلف و نیز در هر کشور فرق می‌کند. مثلاً ما یک الگویی برای شوراهای داریم ولی در آمریکا خود افراد الگوها را می‌نویسند. هر شهری یک منشور شهری دارد. منشور شهری سازوکار اداره شهر را تعریف کرده و به رأی مردم همان شهر می‌گذارد و به نوعی قانون اساسی آن شهر است. اما سیری که ما داشتیم بی‌ارتباط با سرمایه اجتماعی نیست. از آنجایی که جامعه مدنی در ایران ضعیف بوده است و مردم قدرتی نداشتند جریان‌های اجتماعی هم از بالا به پایین تعریف شده است، یعنی چیزی از پایین نجوشیده است. در ایران این سابقه وجود دارد که دولت حزب ساخته است. حزب را که نباید دولت بسازد. حزب رستاخیز که

امروز وزارت کشور در ساختمان آن مستقر است را دولت و حاکمیت ساخته بود. در حالی که حزب برای جامعه مدنی است. حزب تجلی سرمایه اجتماعی است، تجلی اعتماد آدم‌ها برای کار کردن با همدیگر. NGOها و CBOها همین حالت را دارند. ما حزب و NGOهای خیلی قدرتمند نداریم ولی CBOهای خیلی قدرتمندی داریم. هیئت‌های مذهبی ما بی‌نظیر است. مثلاً همین مراسم عاشورا و تاسوعا را اگر قرار باشد دولت برگزار کند، به تشکیلات عظیمی نیازمند است که در هر جایی شعبه و کارمند داشته باشد.

ولی همین CBOها و تشکلات محلی خیلی عالی هستند. ۱۰ روز جریان‌های اجتماعی را مدیریت می‌کنند، بدون اینکه یک ریال از بودجه عمومی هزینه بشود. به این ترتیب در قسمت تشکلات محلی ما مشکلی نداریم. همین CBOها هست که جامعه را نگه داشته است. یعنی جامعه از خودش محافظت می‌کند. این قابلیت کار کردن در سطوح محلی (سطوح پایین) است.

ولی در سطوح بالاتر که سطح اداره‌ی کلی شهر باشد هنوز آنچنان به حالت مطلوب نرسیده‌ایم. برای همین است که ضعف داریم. بخشی از فساد که در مدیریت شهری وجود دارد به خاطر عدم نظارت است. وقتی ما گروه‌های ناظر متخصص نداشته باشیم که مدیریت شهری را نظارت کند جریان‌های فساد پیش می‌آید.

**حیدری‌نیا:** آیا فساد و ناکارآمدی ناشی از این نیست که شوراهای بیش از آن که نقش افکار عمومی یا تشکلهای مردم‌نهاد و گروه‌های اجتماعی را ایفا کنند، نقش حاکمیتی یا دولتی به خود گرفته‌اند؟ شما درست می‌فرمایید شورا از این جهت که قدرت دارد یک نهاد حاکمیتی به حساب می‌آید. ولیکن شوراهای که در عصر مشروطه تأسیس شدند یا شوراهای شهر در همه جای دنیا به نوعی دولت را مدیریت می‌کنند. یعنی شورا می‌خواهد بخشی از وظایف دولت را بگیرد و اختیاراتش را محدود کند و براساس منافع اجتماعی عمل کند. ولی وقتی برای اینها تمایز قائل نشویم و نقش واقعی شورا در شهر از نقش دولت در کشور متمایز نباشد یک نوع فساد ناخودآگاه پیش می‌آید. به نظر می‌رسد در بسیاری موارد، شورا نماینده منافع اجتماعی و گروه‌های اجتماعی نیست بلکه نماینده دولت است و تصمیمات دولت را ناچار است اجرا کند. عرض بنده این است که شوراهای ما در چه وضعیتی قرار دارند؟ آیا واقعاً نقش اجتماعی مثالی ایفا می‌کنند یا نه؟ آیا این یک رویه است که احزاب در انتخابات شورا نیز حضور داشته باشند؟

**ایمانی:** باید دو موضوع را از هم تفکیک کنید: یکی جریان مبارزات انتخاباتی و دیگری حضور در قدرت. در جریان مبارزات انتخاباتی، اعضا، نماینده حزب هستند و مواضع حزب خود را می‌زنند. ولی وقتی انتخاب شدند وارد یک نهاد عمومی می‌شوند که باید بی‌طرفی خود را حفظ کنند. دیگر اینجا نمی‌توان ملاحظات حزبی را وارد کرد. چون



حمیدرضا صارمی  
دکترای شهرسازی



جامعه آنها را به عنوان کسی انتخاب کردند که باید مدافع منافع عمومی باشند. این امر خودش یک آموزش و مهارت می‌خواهد. آدم سیاسی که وارد این حوزه‌ها می‌شود باید این دو عرصه را از هم تفکیک کند. حضور در قدرت و مبارزه برای قدرت با همدیگر متفاوت است، لذا باید دو عرصه را از هم جدا کرد.

نکته‌ی دیگر که ما در کشورمان نداریم و خیلی مسئله است، تفکیک «امر ملی» و «امر محلی» است. تقریباً در همه کشورهای توسعه یافته توجه نکنید امر ملی از امر محلی تفکیک شده است. مثلاً همین مدرسه‌ای که در استان آذربایجان شرقی آتش گرفت؛ تأمین بخاری برای گرمای مدرسه امر ملی است یا محلی؟ وزیر آموزش و پرورش مسئول گرمای یک مدرسه در روستا هست یا نیست؟ چون تفکیک نکردیم هم هست و هم نیست. هم می‌توانیم وزیر را مورد سوال قرار دهیم و هم او می‌تواند از خودش سلب مسئولیت کند. ۶۷ هزار تا مدرسه و ۴۰۰ هزار کلاس درس داریم. آیا وزیر می‌تواند به همه اینها سر بزند؟ اما اگر این امور را تفکیک کرده بودیم، می‌گفتیم آقای وزیر سیاست‌های آموزشی با شما است ولی اداره کردن مدرسه با خود مردمان محله است. بنابراین چون این دو عرصه از هم تفکیک نشده است موجب سردرگمی می‌شود. چون قانون شهرداری ما یک قانون قدیمی است و براساس الگوی دولت محوری، دولت مداری و همان پارادایم اول نوشته شده، لذا این موضوعات در آن لحاظ نشده است و امور محلی و امور ملی از هم منفک نیست.

**ناظمی:** اگر سه دوره‌ی شورای شهر را بررسی کنیم و یک نگاه واقع‌بینانه به موضوع داشته باشیم، به نظر من در این سه دوره - اگر چه دوره‌ی گذار بوده - ولی مسیری روبه‌رو رشد داشته است. ما وضعیت شورای اول را در شورای سوم هیچ کدام از شهرهای ایران تقریباً نداریم. احتمالاً بعضی جاها همچنان تنش‌ها وجود دارد ولی همان قدر که شوراهای اول در همه کشور حداقل در کلانشهرها سیاسی بودند، شوراهای سوم، شوراهای اجتماعی‌تر هستند. به نظر من این نکته‌ی خیلی ارزشمندی است و نباید توقع داشته باشیم که جامعه‌ای که همه فرهنگش متکی به سلطان (رئیس، یا شاه) بوده به یکباره به عقل جمعی قائل بشود و حرف آن را باور کند. چقدر واقعاً مردم هر شهر، شورای شهر را امین خودشان می‌دانند؟ احتمالاً درصد پایینی چنین نظری دارند ولی کم کم این نکته هم در افکار عمومی و هم در مدیران شهری تغییر پیدا کرده است. یعنی شورای شهر، امروز به دنبال اظهار نظر در جریانات سیاسی روزمره کشور نیست. این را می‌داند که حوزه نفوذ و تأثیرگذاری‌اش جای دیگری است.

یک مشکلی که به نظر من در این سه دوره موجب ناکامی شورای شهرها شده، این بوده که برخورد دولت با بحث شورا کج‌دار و مریز بوده است. یعنی اگر قانون معین کرده که وظایفی به شورای شهر واگذار شود باید این واگذاری در دوره‌های مشخصی اتفاق می‌افتاد. هرچند که یک دوره‌هایی، حاکمیت و دولت علاقه‌مندی نشان داده‌اند که بخشی از این وظایف را واگذار کنند. اگر بخواهم مصداقی صحبت کنم، مثلاً در حوزه کتابخانه‌ها قانون داریم که بخشی از درآمد شهرداری‌ها باید به امور کتابخانه‌ها داده شود.

از آن طرف هم کتابخانه‌ها را باید به شهرداری‌ها واگذار کرد. امروز به شهرداری اختیارات محدودی داده‌اند و وظایفی که از او می‌خواهند نامحدود است. این موضوع در مورد شورا هم صدق می‌کند؛ وظایفی که ما از شوراها و شهرداری‌ها می‌خواهیم یک وظایف فربه‌ای است که بعضاً از اختیارات آنها خارج است.

با این وجود، هم مردم و هم مدیرانی که به بدنه‌ی شهرداری وارد شده‌اند به این باور رسیده‌اند که نیازهای شهری را باید از شهرداری درخواست کرد. به خاطر همین است که وقتی در تهران مردم از شهردار سینما می‌خواهند شهردار نمی‌گوید این وظیفه من نیست. در حالی که ساختن سینما وظیفه ایشان نیست ولی امروز شهرداری این کار می‌کند به دلیل اینکه این باور در شورا و شهرداری جا افتاده است.

**حیدری‌نیا:** البته در اولین قانون بلدیة کارهای فرهنگی جز وظایف شهرداری تلقی شده است

**ناظمی:** بله، ولی اگر این طور باشد باید پلیس در اختیار شهرداری قرار داشته باشد. آیا این امر هست؟ امروزه شهرداری تهران در مدارس، کارهای عمرانی و ورزشی انجام می‌دهد ولی هیچ اختیاری در حوزه مدیریت آموزشی ندارد. اما مدیریت آموزش و پرورش هم علاقه‌مند است که این کارها را شهرداری انجام دهد.

**شیرازی:** چالش‌هایی که اشاره شد آیا همان تفکیک امر ملی از امر محلی نیست؟

**مسلم‌خانی:** بحث من به عنوان یک آسیب است. وقتی شما وظایفی را توقع دارید که شهرداری یا شورای شهر بر عهده بگیرد باید اختیارات آن را هم واگذار کنید. امروز بسیاری از مشکلاتی که در شهرها هست بیشتر به خاطر گسستی است که بین سازمان‌ها وجود دارد. چون مدیریت متمرکزی در بین نیست، هر کسی به طوری دارد کارش را انجام می‌دهد و به هیچ جا هم پاسخگو نیست. البته در حوزه مدیریت شهری، اوضاع کمی بهتر است؛ مثلاً اگر در یکی از شهرهای ایران یک حفاری را شهرداری انجام دهد، مردم جایی به نام شورای شهر دارند و شکایت می‌کنند و آنها هم حداقل نشان می‌دهند که دارند وظایفشان را انجام می‌دهند، یک بار شهردار را به آنجا می‌کشاند و می‌گویند چرا این اتفاق افتاده است.

به نظر من شورای شهر در این سه دوره به جهت حداقلی موفق بوده است در حالی که دولت به جهت اینکه متکی به درآمدهای نفتی است خودش را در مقابل مردم پاسخگو نمی‌داند. یکی از دلایل رشد کشورهای حاشیه‌ی ایران این است که یا نفت ندارند یا اینکه جامعه‌شان پاسخگو است.

از سوی دیگر، مسأله‌ی مشارکت مردم بسیار جدی تلقی شده است، مردم وقتی در کارها سهیم شدند خیلی بهتر از دولت و

عدم اعتماد باعث شد تا نگاه فردگرایانه ما تشدید شود و مردم بروند به سمتی که فقط به فکر خودشان باشند و به فکر اجتماع و شهر نباشند

## وضعیت عمومی جامعه چه از حیث فرهنگ عمومی و چه از نظر سیاست‌گذاری اجتماعی، شرایط مطلوبی برای تقویت سرمایه‌ی اجتماعی ندارد و بایستی برای تغییر این وضعیت برنامه‌ریزی شود

است؛ الان حداقل مجبورند ادای پاسخگویی را در بیاورند. ولی آن موقع استاندارد پاسخگویی مردم نبود.

**مسئله:** آن زمان حداقل استاندارد به دولت پاسخگو بود، الان شورا به چه کسی پاسخگو است؟

**ناظمی:** ما در جامعه‌ی زندگی می‌کنیم که خود دولت به هزار و یک دلیل پاسخگو نیست. استاندار دولت هم اگر بخواهد پاسخگویی دولت باشد، در جهت تأمین منافع دولت پاسخگو است. البته استاندار و وزیر کشور در انتخاب یک شهردار موثر بودند، اگر آن انتخاب، انتخاب درستی بوده در آن شهر اتفاقات خوبی افتاده، اما اگر آن انتخاب، انتخاب غلطی بوده یک ویرانه یا مشکلات دیگری در آن شهر ایجاد شده است. اما من معتقدم که امروز روند منتهی به جایی می‌شود که احتمال دارد وضعیت مطلوب‌تری پیش بیاید. من می‌گویم این وضعیت بهتر از شرایط پیش است.

همه ما به یکدیگر شبیه هستیم و دوست نداریم حوزه‌ی اختیاراتمان کوچک شود. وقتی قرار باشد در شهرداری منطقه، شهردار به مردم خوب خدمات بدهد این فرد تبدیل به یک رقیب برای شهردار مرکزی می‌شود. آیا این باور که مدیر میانی وظیفه دارد به عنوان یک فیلتر عمل کند و نگذارد کار از حوزه‌ی آن رد بشود تعریف درستی است یا غلط؟ متأسفانه این نگاه عمومی جامعه‌ی ماست. اما به نظر من شهرداری به ظاهر هم شده مجبور است که پاسخگویی مردم باشد در حالی که قبلاً این چنین نبوده است.

**مسلم‌خانی:** ما باید برای شورای شهر عده‌ای را تربیت و آموزش می‌دادیم. و بعد شورا تشکیل می‌دادیم و در این صورت ممکن است که به این نتیجه مطلوب برسیم.

**ایمانی:** ببینید شما نمی‌توانید شورا را تشکیل ندهید. چون جز حقوق اصلی مردم است و قانون اساسی یک فصلی را برای این موضوع گذاشته و آن را از ارکان کشور تعریف کرده است. وقتی تشکیل نمی‌دهید کارتان را ناقص انجام می‌دهید. به این ترتیب بحثی در مورد عدم تشکیل نمی‌شود کرد. البته من در دفتر آموزش شوراها کار کردم که یکی از وظایف آن آموزش اعضای شوراها بود، ولی آموزش‌ها چندان فراگیر و مؤثر نبود. ضمناً آموزش شوراها برعهده دولت نیست، مگر ما وقتی رئیس‌جمهور یا نماینده مجلس انتخاب می‌کنیم او را آموزش می‌دهیم.

**ژولیا آقای دکتر، وظیفه دولت آموزش شوراها نیست ولی آموزش مردم که هست؟**

**ایمانی:** شورا جزئی از مردم نیست بلکه شورا بخشی از حاکمیت است. البته این قضیه، به این برمی‌گردد که چقدر در آموزش‌های عمومی، آموزش سیاسی دارید و تا چه اندازه مردم را تربیت سیاسی کردید. آیا آموزش و پرورش این وظایف را برای خودش تعریف کرده است. تجربه‌های کار سیاسی، تجربه‌های مشارکت و تجربه‌های کار

حاکمیت توانستند آن کارها را پیش ببرند. خیلی از مشارکت‌هایی که در کشورهای مختلف اتفاق می‌افتد مشارکت‌های داوطلبانه است. این طور نیست که از مردم برای کاری که دارند انجام می‌دهند هزینه‌ای بگیرند. مردم خودشان را مسئول می‌دانند و رویکردشان، از رویکرد فردی به رویکرد اجتماعی تبدیل شده است. یک سیستم خود کنترلی هم حاکمیت ایجاد کرده است. وقتی من یک فضای سبزی را ایجاد می‌کنم خودم هم مراقبش هستم. در اندیشه‌ی حاکمیت ما، همیشه یک نگرانی وجود داشته که اگر ما این کار را به مردم تفویض کنیم آنها به خوبی ما نمی‌توانند کارها را انجام دهند. همین عدم اعتماد باعث شد تا نگاه فردگرایانه ما تشدید شود و مردم بروند به سمتی که فقط به فکر خودشان باشند و به فکر اجتماع و شهر نباشند. اگر این رویکرد همچنان ادامه پیدا کند ما در شوراها مان به نتایج موفقی نخواهیم رسید. الان نزدیک به ۱۲۰۰ شهر و چیزی حدود ۲۶ هزار دهیاری داریم که در همه اینها شورا (شورای روستا و شورای شهر) وجود دارد. اگر چند شهر بزرگ را کنار بگذاریم و به بقیه شهر نگاه کنیم، افرادی که برای عضویت در شوراها انتخاب شده‌اند، آموزش و مهارت لازم را ندارند. در واقع پیش از اینکه بستر شورا را آماده کنیم، انتخابات شورا را برگزار کرده‌ایم. به نظر من شورا در کشور ما موفق نبوده و نتوانسته‌ایم این مشارکتی که می‌خواستیم در مدیریت شهری ایجاد کنیم. اغلب افرادی که در شهرهای کوچک عضو شورا می‌شوند معنی کار شوراها را نمی‌دانند. ما قبل از اینکه بیاییم فرهنگ شوراها را ایجاد کنیم، انتخابات شوراها را برگزار کردیم. عرض بنده این است، در این سه دوره شورایی که برگزار شد اگر ما شورا نداشتیم واقعاً چه مشکلی برای این مملکت پیش می‌آمد؟ چقدر شورا توانسته است در حوزه مدیریت شهری کمک کند؟ من فکر می‌کنم اگر در جاهایی شهرداری موفق بوده عمدتاً قائم به شخصیت شهردار بوده است.

**حیدری‌نیا:** در چنین تحلیلی شما انتخاب شهرداری توانا توسط شورای شهر آگاه را نادیده می‌گیرید؟

**مسلم‌خانی:** باید متذکر شوم که بحث ما مطلق نیست بلکه نسبی است اما این امر یعنی انتخاب آگاهانه‌ی شهردار توانا اتفاق نمی‌افتد، زیرا افرادی که برای شوراها در شهرهای کوچک انتخاب شده‌اند خیلی کار گروهی بلد نیستند. این افراد توسط مردمی انتخاب شده‌اند که آنها هم آموزش درستی ندیده‌اند و فقط عضو شورا را انتخاب کرده‌اند و عضو شورا هم شهردار را انتخاب می‌کند. چند نفر از اعضای شورای شهر ما رویکردشان، رویکرد اجتماعی است. به خاطر همین است که تا به شوراها می‌گویید شهردار چه کسی باید باشد می‌گویند یک نفری که مهندسی عمران داشته باشد. در صورتی که رویکرد شهرداری، قبل از اینکه عمرانی و فنی باشد یک رویکرد اجتماعی است. به نظر من، به دلیل فقدان آموزش و نداشتن رویکرد اجتماعی، شورا یک شیر بدون یال و دم شده است.

**ناظمی:** به نظر من ما در یک دوره‌ی گذار قرار داریم. حتی در شهرهای کوچک کسی که آژانس مسکن دارد عضو شورای شهر شده است. ولی به هر حال مردم رأی داده‌اند. به ۱۶ سال قبل برمی‌گردم. این اتفاقا در آن زمان از نوع دیگری بود. یعنی استاندار به نیابت از انجمن شهر، شهردار را انتخاب می‌کرد. آنجا فامیل‌بازی هم دخیل بود. ولی یک نکته‌ای که الان هست و آن موقع نبود، مسأله پاسخ‌گویی

گروهی را در نظام آموزشی وارد کردید یا خیر.

**حیدری نیا:** پس به نظر شما، شورا از منظر اختیارات حاکمیتی، یک نهاد سیاسی است ولی رویکردش نباید سیاسی باشد؟

**ایمانی:** کار شورا یک کار سیاسی است، لیکن سیاست شهری، شورا قدرت را در دست می‌گیرد و منابعی را جابه‌جای می‌کند؛ هسته اصلی سیاست هم قدرت است و چون شورا دست به قدرت می‌زند و برای منافع عمومی تصمیم می‌گیرد بنابراین کار سیاسی می‌کند. همانطور که گفتیم تصمیماتش برنده و بازنده دارد.

به نظر من، قوت شوراها به چند عامل برمی‌گردد؛ یکی از آن عوامل سرمایه اجتماعی است. باید در جامعه اعتماد مردم بیشتر باشد و مراقب هم باشند و اگر کسی خواست کار خطایی کند به آن تذکر دهیم. ولی متأسفانه ما نسبت به هم بی تفاوت هستیم. اگر همکار من کاری انجام دهد که خطا باشد من به او تذکر نمی‌دهم پس کاری که می‌کند برای من مهم نیست. ولی در کشورهای پیشرفته اگر یک دلار جابه‌جا بشود همه اعتراض می‌کنند. ما تا چه اندازه بر کار شوراها نظارت داریم؟ ما رسانه‌های محلی قدرتمند نداریم. رسانه‌های ما عموماً ملی است و مسایل‌شان هم ملی است. در صورتی که بخشی زیادی از زندگی همه ما زندگی محلی است. باید دو سوال را نهادینه کنیم: حق ما در شهر چیست؟ و دیگر این که تکلیف ما نسبت به شهر چیست؟

عامل دیگری که در عملکرد شوراها - به خصوص در مهارت‌های سیاسی افراد - اثر می‌گذارد که خطا نکنند تقویت احزاب سیاسی است. یعنی افراد آموزش سیاسی را درون حزب‌شان می‌بینند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم انتخابات را پذیرفته‌ایم. یعنی ما هم به نوعی یک نظام دموکراتیک داریم و ادعا می‌کنیم که مردم سالار هستیم. این نظام خیلی شبیه بازار عمل می‌کند. مردم مشتریان هستند و تعدادی فروشنده

وجود دارد. این فروشنده‌ها کالاهای خودشان را عرضه می‌کنند. لیکن چون ما حزب سیاسی نداریم افرادی را انتخاب می‌کنیم که وابستگی حزبی ندارند. افراد وقتی خرابکاری کردند هیچ کس پاسخگو نیست. مثل خریدی که شما با ضمانت‌نامه از فروشگاه می‌کنید و خریدی که از دستفروش کنار خیابان انجام می‌دهید.

بنابراین چون ما حزب نداریم جایی نیست که پاسخگو باشد. و جایی نیست که دراز مدت فکر کند. در حالی که حزب درازمدت فکر می‌کند و برای صدسال برنامه دارد و می‌گوید من می‌خواهم باشم. ولی افق فکر یک فرد محدود است. بنابراین چون احزاب سیاسی موفقیت در مبارزات برایشان مهم است نیروهای خودشان را آموزش می‌دهند و مراقب هستند که آنها درست عمل کنند.

**حیدری نیا:** اگر اجازه فرمایید بنده به عنوان خاتمه‌ی بحث، در چند سطر مباحث مطرح شده را جمع‌بندی کنم؛ باتوجه به نکاتی که گفته شد، ظاهراً این آگاهی عمومی در بین نخبگان و مدیران ایجاد شده که توجه به سرمایه اجتماعی یک ضرورت است. در عین حال، وضعیت عمومی جامعه چه از حیث فرهنگ عمومی و چه از نظر سیاست‌گذاری اجتماعی، شرایط مطلوبی برای تقویت سرمایه‌ی اجتماعی ندارد و بایستی برای تغییر این وضعیت برنامه‌ریزی شود. از سوی دیگر، درآمدهای نفتی، عدم وجود احزاب و تشکل‌های مردم‌نهاد و ضعف اعتماد اجتماعی، مهم‌ترین موانع در تقویت شبکه‌های اجتماعی و به تبع آن سرمایه اجتماعی در ایران است. در عین حال به نظر می‌رسد در بعضی امور مانند نقش‌آفرینی شوراها شهر، با مسیر روبه رشدی مواجه هستیم هرچند هنوز به دلایلی از جمله کاستی‌های مهارتی و دانشی، عدم تفکیک نقش محلی از نقش ملی و تصدی‌گری دولتی با کاستی‌هایی مواجه هستیم، لیکن فردایی روشن و وضعیتی بهتر را به انتظار نشسته‌ایم.





# نقش سرمایه اجتماعی در حوزه نظارت همگانی مدیریت شهری



■ محمد حسن شریتیان  
هیئت علمی پیام نور خراسان جنوبی

## طرح مسئله

اشاعه پایه های دموکراتیک از طریق برقراری اصول قانون اساسی در هر جامعه ای به عنوان مهمترین اصل ایجاد سرمایه های اجتماعی حاکمیت و حکمرانی، نقش مهمی در توسعه پایدار جامعه از جمله توسعه شهری و مدیریت شهری دارد. بسترسازی فرایند الگوهای نظارت همگانی از سوی شهروندان بر عملکرد مدیریت شهری به عنوان یک حق شهروندی در اشاعه و تولید سرمایه های اجتماعی شهر در سطوح مختلف جامعه مردم سالار، کمک بسیاری به این فرایند می کند؛ بر این اساس ارتباط شاخص های سرمایه اجتماعی و عملکرد نظارت همگانی نسبت به فعالیت ها و خدمات مدیریت شهری از طریق روش کتابخانه ای، تبیینی و تفسیری مورد مطالعه قرار می گیرد؛ و برای اشاعه و فرهنگ سازی این مسئله در جامعه شهری راهکارها و پیشنهاداتی ارائه می گردد.

## اهمیت موضوع

سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع در جهت بهبود استاندارد های زندگی اجتماعی، ارتقاء توسعه نهادهای شهری و تقویت پایه های حکومت مردم سالار بسیار کارایی دارد. «سرمایه اجتماعی، مجموع بالفعل و بالقوه ای است که کنشگران از طریق عضویت در شبکه های اجتماعی و سازمان ها بدست می آورند» (نوغانی، ۱۳۸۲: ۸۰)

در جامعه شهری شهروندان از طریق عضویت و زندگی در مناطق شهری و تعامل متقابل با حوزه های مدیریت شهری به صورت بالقوه و بالفعل به عضویت شبکه اجتماعی گسترده شهری در آمده اند و باید به نظارت عملکرد مجموعه مدیریت شهری منطقه یا محله خود بپردازند.

از دیدگاه کارکردگرایانه سرمایه اجتماعی شامل «روابط دو جانبه، تعاملات و شبکه هایی که در میان گروه های انسانی پدیدار می گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی، به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می شود» (الوانی و همکار، ۱۳۸۵: ۳) براساس این دیدگاه حوزه نظارت همگانی در ساختار مدیریت شهری پل ارتباطی متقابل بین شهروندان و مدیران شهری است تا بتوانند در مناطق مختلف شهروابطجویی نیازهای گروه های اجتماعی مختلف شهروندان باشد و مشکلات ساختاری نهاد شهری را برطرف کند؛ و به نوعی اعتماد اجتماعی را در اذهان شهروندان نسبت به عملکرد خود ایجاد کند. چنین کارکردی از ضرورت ها و انتظارات نقش کلان مدیریت های شهری در جامعه مردم سالار محسوب می گردد.

شبکه نظارت همگانی شهری در جهت گسترش سرمایه اجتماعی شهر باید به بررسی نظرات شهروندان بپردازد، و در جهت بهبود ساختار اجتماعی مدیریت شهری حرکت نماید؛ و نظارت بر روابط

انسانی، کارکنان سازمانی با شهروندان را زیر نظر گیرد. از سوی دیگر سنجش و اندازه گیری کمی و کیفی هنجارها، تعاملات اجتماعی و تکریم ارباب رجوع را به عنوان شاخص های افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد شهروندان از ساختار مدیریت شهری در نظر گیرند.

وجود شبکه نظارت همگانی در مجموعه مدیریت شهری به عنوان یک سرمایه اجتماعی نشانگر این است که شهرداری به عنوان خدمتگزار متعلق به تمام شهروندان است؛ و این سازمان یک نوع دارایی جمعی برای تمام شهروندان محسوب می گردد. نه اینکه این سازمان متعلق به اشخاص و گروه های اجتماعی خاص باشد. بر اساس این امر اجتماعی تمام شهروندان به سرمایه اجتماعی شهری دسترسی می یابند، اما اندازه، کیفیت و تنوع آن بستگی به ارتباطات شهروندان با این نهاد شهری دارد.

از منظر فوکویاما سرمایه اجتماعی «مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیر رسمی است که اعضا و گروهی که همکاری و تعاون میان ایشان مجاز است در آن سهیم هستند و نیز سرمایه منبعی است که افراد و گروه ها از طریق پیوند با یکدیگر می توانند بدست آورند. به نظر فوکویاما هرگونه مشارکت در ارزش ها و هنجارها منجر به سرمایه اجتماعی نمی شود، بلکه آن دسته هنجارها و ارزش های که مبتنی بر صداقت، انجام تعهدات و ارتباطات متقابل بنا شده باشد به نوعی در تولید سرمایه اجتماعی مؤثر می باشد.» (شارع پور، ۱۳۷۹: ۱۵). بر اساس این نظر، مدیریت شهری باتوجه به خدمات صادقانه ای که برای شهروندان انجام می دهد و تعهداتی که در قانون اساسی جامعه از طرف حاکمیت و دولت بر عهده مدیریت شهری گذاشته شده است نوعی سرمایه اجتماعی محسوب می شود؛ بر این اساس اگر مدیران شهری، در ارائه این خدمات و تعهدات کوتاهی نمایند و شهروندان دچار ضرر گردند؛ آن وقت اعتماد اجتماعی به این نهاد سلب شده، با توجه به چنین پیامدی وظیفه شبکه نظارت همگانی شهرداری برای تقویت اعتماد اجتماعی شهروندان، تحکیم پیوند تعامل مستمر با شهروندان و بررسی عملکرد سازمانی در تمام ایام سال است؛ بر این اساس شعار "شهرداری در خدمت مردم است" اینگونه تحقق می یابد، تا از این طریق فرهنگ نظارت را در بین شهروندان تقویت کند؛ که شهروندان حق دارند بر عملکرد مدیریت شهری خود نظارت کامل داشته باشند.

از بُعد دیگر احساس تعلق به هویت شهری از سرمایه های اجتماعی زندگی شهری محسوب می شود، شهروندان به دلیل اینکه سالیان سال می خواهند در محیط شهری زندگی کنند، و از خدمات شهری بهرمنند گردند؛ و در تلاش برای برقراری یک زندگی رفاه شهری باشند، سعی براین می کنند که از امکانات شهری به نحو احسن استفاده کنند؛ به عنوان مثال استفاده از بوستان ها، پارک های شهری، فرهنگسراها، و... نمونه هایی از سرمایه های اجتماعی شهر در جهت گذران اوقات فراغت شهروندان است؛ حال نظارت بر عملکرد این مجموعه خدمات اجتماعی در جهت پرکردن بهینه اوقات فراغت و آموزش های شهروندی از زمینه های توسعه تعلق به هویت شهری از طریق دستگاه نظارت همگانی شهرداری را بیان می کند.

جوامع مدرن شهری با توجه به فرایند تقسیم کار اجتماعی پیچیده، چون عقلانیت مفرط و سلطه روز افزون و... باعث نوعی دزدگی و احتیاط در روابط اجتماعی موجود در کلان شهرها شده است؛ و

افزایش روابط چهره به چهره کارکرد خود را از دست داده است و جای خود را به روابط ناپایدار و بی اعتماد اجتماعی خصوصاً بر عملکرد نهادهای اجتماعی داده است؛ براین اساس شبکه نظارت همگانی بگونه ای متنوع از طریق راهکارهای آموزشی، اطلاع رسانی، تبلیغات و... می تواند به نوعی اعتماد اجتماعی را در میان شهروندان نسبت به عملکرد مدیریت شهری از طریق اصول نهادینه شده که پاسخگویی به شهروندان است اجرا کند و اعتماد اجتماعی را در میان شهروندان نسبت به خدمات شهری که بعنوان سرمایه اجتماعی شهر محسوب می شود تقویت نماید.

### سرمایه اجتماعی و نظارت همگانی

مرکز نظارت همگانی به عنوان یک شبکه ارتباطی بین مدیریت شهری و شهروندان پل ارتباطی برقرار می کند، براین اساس در حوزه سرمایه اجتماعی می توان اینگونه بیان کرد که «سرمایه اجتماعی نمی تواند توسط اقدام افراد با خودشان شکل بگیرد. بلکه به تمایل افراد به اجتماعی شدن و برقراری تعامل با دیگران ارتباط دارد. ظرفیت و تمایل افراد برای برقراری ارتباط با دیگران در ایجاد سرمایه اجتماعی یک نکته اساسی است. سرمایه اجتماعی از تعامل روزانه فراوان بین مردم ساخته می شود. مردم با یکدیگر از طریق انواع معاشرت در ارتباط هستند که غالباً اختیاری است. به همین دلیل شبکه های ارتباطی به هم گره خورده مردم، یکی از موضوعات مهم سرمایه اجتماعی است. البته این شبکه می تواند درون گروهی باشد و یا به صورت ارتباط بین گروه ها باشد که اولی از روابط قوی تری از دومی برخوردار است.» (رضایی، ۱۳۸۴: ۳)

حوزه نظارت همگانی نقش مؤثری در برقراری تعامل شهروندان با مجموعه مدیریت شهری دارد؛ این حوزه از طریق تعامل روزانه شهروندان با مجموعه مدیریت نظارت همگانی، سرمایه اجتماعی شهری (اعتماد و شعاع آن را) تقویت می کند. شهروندان در ارتباط با این مرکز غالباً کنش اختیاری دارند. این مرکز به نوعی، تمام شهروندان مناطق مختلف شهری را با مجموعه مدیریت شهری باید پیوند دهد. این پیوند از مسائل مهم تقویت سرمایه های اجتماعی مدیریت شهری است؛ که توسط این مرکز می تواند ایجاد گردد. این ارتباط به صورت درون گروهی به این صورت است که، از طریق نظارت بر عملکرد و فعالیت ها مجموعه مدیریت صورت می گیرد؛ و از بُعد برون گروهی این گونه است که سرمایه اجتماعی شهری از طریق تعامل اجتماعی و پیوند شهروندان با مرکز نظارت همگانی و مدیریت شهری شکل می گیرد.

شبکه اعتماد از دیگر عناصر سرمایه اجتماعی است که در بسط فرهنگ نظارت همگانی در بین شهروندان بسیار مؤثر است. «شبکه اعتماد عبارت از گروهی که بر اساس اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات، هنجارها و ارزش های یکسانی در تبادلات فیما بین خود استفاده می کنند. از این رو اعتماد فیما بین نقش زیادی در تسهیل فرآیندها و کاهش هزینه های مربوط به اینگونه تبادلات دارد. شبکه اعتماد می تواند بین افراد یک گروه و یا بین گروه ها و سازمان های مختلف به وجود آید. به عبارت دیگر در یک گروه و یا یک جامعه ای که افراد آن گروه به پاسخگویی دیگران به خودشان اطمینان داشته باشند از اعتماد برخوردار باشند. حداقل این است که مطمئن باشند اعضای دیگر تمایلی به اعمال زیان علیه آنها ندارند برخی اعتماد را ناشی از شبکه ارتباطی و برخی دیگر مثل فوکویاما معتقد

## ظرفیت بالقوه اطلاعات و شبکه نظارت همگانی

یک شکل مهم سرمایه اجتماعی ظرفیت بالقوه اطلاعات است که جز ذاتی و جدائی ناپذیری از روابط اجتماعی است. اطلاعات در فراهم ساختن شالوده ای برای کنش مهم است. اما بدست آوردن اطلاعات پرهزینه است. کمترین چیزی که برای کسب اطلاعات لازم داریم توجه است که همیشه اندک است. یکی از وسایلی که از این طریق آن، اطلاعات ممکن است کسب شود استفاده از روابط اجتماعی است که برای مقاصد دیگر حفظ می شود. «روابط اجتماعی شکلی از سرمایه اجتماعی را در فراهم ساختن اطلاعاتی که کنش را تسهیل می کند تشکیل می دهد. روابط برای اطلاعاتی که فراهم می سازند ارزشمندند، نه برای برکه های اعتباری به صورت تعهداتی که فرد برای عملکرد دیگران دارد فراهم می کنند.» (علوی، ۱۳۸۵: ۳).

حوزه نظارت همگانی اطلاعات لازمی را برای اجرای عملکرد محوله خود باید بدست آورد، این امر نیازمند این است که با شهروندان تعامل و ارتباط برقرار کرد تا از این طریق اطلاعات بدست آورد. در واقع کارکرد اصلی حوزه نظارت همگانی مدیریت شهری توجه به خواسته ها و انتظاراتی است که شهروندان از دستگاه اجرایی مدیریت شهری دارند. این کارکرد در فراهم ساختن اطلاعاتی که تعامل این شبکه را با شهروندان تسهیل می کند شکل می گیرد. این اطلاعات برای تحقق هدفی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده "مردم حق نظارت بر عملکرد دستگاه های دولتی را دارند"

## هنجارها و ضمانتهای اجرایی مؤثر و شبکه نظارت همگانی

حفظ هنجارها و ضمانت های اجرایی از طریق نظارت همگانی شهروندان بر عملکرد سازمانی و رفتاری مدیریت شهری اثربخشی خاصی در تقویت سرمایه های اجتماعی شهر دارد. این هنجارها به صورت دستوری شکل مهمی از سرمایه اجتماعی را درون جمع بوجود می آورد، در واقع این هنجارها باعث می شود که مدیریت شهری به صورت جمعی به ارائه خدمات بپردازد، نه برای عده ای خاص. «حفظ هنجارها در سازمان مانع جرم و انحرافات در جامعه می شود، باعث پیشرفت اهداف سازمانی می گردد، وظایف سازمان را بسیار آسان می کند، این هنجارها به صورت دستوری و امری در سازمان که به سود جمع عمل می کند با حمایت اجتماعی، پایگاه احترام، و پاداشتهای دیگر تقویت می شود سرمایه اجتماعی است که موجب توسعه شهرها می شود.» (بن فاین ۱۳۸۵: ۲۳۷). براساس این موارد اجرای هنجارهای مؤثر در سازمان مدیریت شهری از طریق مرکز نظارت همگانی می تواند شکل قدرتمندی از سرمایه اجتماعی را تشکیل دهد، این سرمایه های اجتماعی در سازمان کنش هایی را به صورت معین تسهیل می کند، و یکسری از کنش هایی را که با ساختار قانونی سازمان ارتباط ندارد محدود می نماید.

## مطالعه انطباق پذیری و شبکه نظارت همگانی

حوزه نظارت همگانی برای پیشبرد مقاصد اهداف مدیریت شهری بوجود می آید، عملکرد این حوزه به عنوان نوعی سرمایه اجتماعی بر کیفیت سازمانی اثرگذار است، و همچنان به عنوان منبعی در دسترس مدیران و شهروندان قرار دارد. این مرکز ممکن است برای اهداف خاصی بنیاد نهاده شده باشد، ولیکن در طی زمان بر اساس اهداف عملکردی جدید سازمانی می تواند خود را با مقاصد دیگر انطباق دهد؛ و سرمایه اجتماعی مهمی را برای مدیران که منابع سازمانی را

است که عمل متقابل و سرمایه اجتماعی است که اعتماد و شبکه اجتماعی و جامعه مدنی را می سازد.» (علوی، ۱۳۸۵: ۳) حوزه نظارت همگانی به عنوان یک شبکه ارتباطی می تواند اعتماد لازم را برای مجموعه مدیریت شهری در بین نگرش ها و اذهان شهروندان نسبت به اهمیت قرار دادن نظرات شهروندان حاصل نماید.

شعاع اعتماد از دیگر مفاهیم سرمایه اجتماعی است؛ تمام گروه های اجتماعی در شهر دارای میزان خاصی از شعاع اعتمادند که به مفهوم میزان گستردگی دایره همکاری و اعتماد متقابل اعضای یک گروه با ساختار مدیریت شهری است. در یک نتیجه گیری می توان گفت که هرچه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بیشتری باشند، سرمایه اجتماعی بیشتری نیز خواهند داشت. هنجارهای اجتماعی از دیگر مفاهیم سرمایه اجتماعی که در بسط فرهنگ نظارت همگانی بسیار مهم است وجود هنجارهای اجتماعی، به صورت قانونی و رسمی توسط ابزارهای خاص در مجموعه مدیریت شهری باید اعمال شوند. این کنترل اجتماعی در مدیریت شهری از طریق مرکز نظارت همگانی توسط ارزش های اجتماعی صورت می گیرد.

در مجموع می توان گفت که از ترکیب اثرات شبکه های ارتباطی و اعتماد و هنجارهای اجتماعی که جز توسعه سرمایه اجتماعی مرکز نظارت همگانی مجموعه مدیریت شهری است؛ ساختار سازمان شهرداری ها از میزان همکاری و هماهنگی بیشتری بین شهروندان و مدیریت شهری برخوردار می گردد؛ و هزینه های مبادلات آن ساختار کاهش می یابد و در نتیجه باز دهی و کار آمدی در آن مجموعه افزایش می یابد و رونق و رفاه بیشتری متوجه شهروندان می شود.

## تعهدات و انتظارات و شبکه نظارت همگانی

انتظارات و تعهدات از اشکال سرمایه اجتماعی است، مدیریت شهری در جهت آبادانی و رفاه شهری با اخذ عوارض و سایر راه های قانونی کسب درآمد از شهروندان این تعهد را بوجود می آورد که باید به نوعی حسن نیت خود را نسبت به توسعه رفاه و آبادانی زندگی شهری شهروندان انجام دهند. این امر انتظاری در شهروندان و تعهداتی را برای شهرداری در جهت حفظ اعتماد بوجود می آورد، به نوعی برکه اعتباری تولید می شود که در دست شهروندان است و باید با عملکردهای متنوع باز خرید شود. اگر این برکه های اعتباری زیاد شوند و باز خرید نگردند وغالباً یکسویه باشد در مدت زمانی کوتاه برکه های اعتباری شهروندان هم نسبت به تعهداتی که به مدیریت شهری دارند بی اعتبار شده و ساختار اجتماعی شهر دچار مشکل می گردد. حوزه نظارت همگانی برای این در مدیریت شهری ایجاد می شود، که نظارت بر تعهدات عملکرد مدیریت شهری را داشته باشد؛ و به نوعی اعتماد اجتماعی را در ساختار زندگی شهری تقویت نماید. این اعتماد را می توان از طریق نظر سنجی و مطالعه تحلیل محتوا در پیامهای حوزه نظارت همگانی نسبت به عملکرد مدیریت شهری بررسی نمود. از نظر کلمن «دو عامل برای این شکل از سرمایه اجتماعی حیاتی است: میزان در خور اعتماد بودن محیط اجتماعی، که به این معناست که تعهدات لازم پرداخت خواهد شد، و میزان واقعی تعهداتی که بر عهده گرفته شده است. ساختار های اجتماعی از این هر دو بعد متفاوت است، و کنشگران در درون ساختار اجتماعی معینی در بعد دوم باهم فرق می کنند.» (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۸)



در دسترس دارند تشکیل دهد. به عبارت دیگر حوزه نظارت همگانی برای مجموعه ای از اهداف بوجود آمده است، که می تواند به اهداف دیگر کمک کند، بنابراین نوعی سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهد که برای استفاده در دسترس است. ممکن است این شکل سرمایه اجتماعی را بتوان بطور کامل به عناصری تبدیل کرد که با عناوین دیگری چون تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و روابط اقتدار ارتباط و... دارد، براین اساس پدیده قابل انطباق بودن حوزه نظارت همگانی برای مقاصد جدید پدیده ای ضروری است.

## بررسی الگوی سنجش اندازه گیری سرمایه اجتماعی و نظارت همگانی

در الگوی اندازه گیری سرمایه اجتماعی با استفاده از شیوه تحلیل کمی می توان عناصر و شاخص های سرمایه اجتماعی را در گروه های اجتماعی بررسی کرد. در اندازه گیری سرمایه اجتماعی می توان از الگوی مبتنی بر تعداد و ویژگی های گروه های موجود در سیستم های اجتماعی استفاده شود، از نظر فوکویاما «گروه های که دارای تعداد زیادی اعضا نیز باشند اما دارای انسجام مناسبی نباشند سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند، آنچه که در سرمایه اجتماعی قابل توجه است میزان انسجامی است که به دلیل وجود ارزش ها و دیدگاه های اصولی مشترک بوجود می آید... بنابر اعتقاد وی جامعه دارای سرمایه اجتماعی بالایی است که دارای گروه هایی با تعداد اعضای بالا و دارای اعتماد به یکدیگر بوده و منسجم باشند و همچنین بتوانند در ارتباط با محیط بیرون خود مؤثر عمل کرده و همکاری های متقابلی را با جوامع دیگر به وجود آورند.» (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

حوزه نظارت همگانی از این الگو می تواند برای سنجش و اندازه گیری سرمایه اجتماعی شهری استفاده نماید. از دیگر الگوهای اندازه گیری الگوی مبتنی بر تحقیقات پژوهشی است، در این الگو بر اساس تحقیقات پیمایشی که از طرف مرکز می تواند انجام گیرد، اطلاعات لازم درباره میزان اعتماد موجود بین اعضای یک سیستم اجتماعی و تمایل آنها به قرار گرفتن در نهاد های مدنی شهری اندازه گیری گردد. براین اساس مرکز نظارت همگانی در استفاده از این الگو می تواند از چنین شاخص های استفاده کند، میزان مشارکت اجتماعی شهروندان به صورت داوطلبانه در ساخت فرهنگی و اجتماعی شهر، میزان عضویت شهروندان در کانون ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی وابسته به نهاد شهرداری، میزان ارتباطات شهروندان با مجموعه مدیریت شهری، نرخ ایجاد نهادهای اجتماعی شهرداری با عضویت داوطلبانه شهروندان، تعداد جلسات برگزاری گروه ها و نهادهای اجتماعی وابسته به مجموعه مدیریت شهری که شهروندان در آن عضو می باشند. «از دیگاه پوتنام سرمایه اجتماعی به روش های مختلف اندازه گیری می شود. یک شاخص مرکب را از شاخص های زیر باید برگزید: ۱- شدت درگیری افراد در زندگی اجتماعی و سازمانی، ۲- مشارکت عمومی مشابه رای گیری ۳- اجتماعی شدن غیر رسمی (دید و بازدید های دوستانه) ۴- سطح اعتماد بین اشخاص... به نظر می رسد کامل ترین سنجش سرمایه اجتماعی این است که در تمامی ابعاد صورت گیرد. ۱- سنجش ساختاری: میزان ارتباطات و شبکه های موجود بین افراد می تواند یک شاخص اندازه گیری باشد. مشارکت پذیری و شدت برقراری اتباط می تواند

جزء این شاخص باشد البته باید توجه کرد که مشارکت اجتماعی مورد توجه است... ۲- سنجش محتوایی: میزان اعتماد پذیری در جوامع شاخص دیگر سرمایه اجتماعی است. ۳- سنجش کارکردی: میزان فداکاری و ایثارگری و تعاونی و عمل متقابل که بین مردم طی یک دوره زمانی صورت گرفته است می تواند از شاخص نوع سوم باشد.» (رضایی، ۱۳۸۴: ۵).

## سطوح کیفی سرمایه اجتماعی و نظارت همگانی

مرکز نظارت همگانی شهرداری در زمینه توسعه سرمایه اجتماعی و بهره مندی از پیامدهای آن در سه سطح خرد- میانی- کلان قابل بررسی است «در سطح خرد سرمایه اجتماعی اشاره به افراد موجود در شبکه دارد که بر اثر تعامل میان این افراد شناخت حاصل و هویت اعضا شکل می گیرد. در سطح میانی، سرمایه اجتماعی به اجتماعات و گروه ها و سازمان ها اشاره دارد و باعث تقویت و ساخت بنیه ارزشی و تعاملی گروه می شود. در سطح کلان به جامعه که در برگیرنده سازمان ها و گروه های مختلف داشته و موجب شکل گیری و تقویت مراودات و ارتباط جمعی شده و ارزش های مشترک را بهبود می بخشد.» (الوانی و همکار، ۱۳۸۴: ۱۳).

نظارت همگانی در سطح فردی از سرمایه اجتماعی به عنوان منبع شناخت و دانش، دانستن منبع اطلاعات و شیوه های انجام کار و یا بر طرف نمودن مشکلات پیش آمده در شبکه استفاده می شود. همچنین از منبع هویت برای اشاره به هنجارها و ارزش ها شهروندان استفاده می کند. به عبارتی منبع هویت به این مسئله اشاره می کند که شهروندان تا چه اندازه دارای ارزش ها و بینش های مشترک با مجموعه مدیریت شهری بوده اند و تاچه اندازه قادر به همکاری با نهاد شهرداری می باشند. «در سطح خرد سرمایه اجتماعی در قالب روابط فردی و شبکه ها ارتباطی بین افراد و هنجارها ارزش های غیر رسمی حاکم مورد بررسی قرار می گیرد. بر این اساس سرمایه اجتماعی موضوعاتی چون شدت و کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروه ها احساس تعهد و اعتماد دو جانبه به هنجارها و ارزش های مشترک را شامل می شود و به عنوان یک حس تعلق و پیوستگی اجتماعی می باشد.» (ازکیا و همکار، ۱۳۸۴، ص ۳۹۰). در سطح میانی به زیر ساخت های ارزشی و تعاملی سازمان باید اشاره کرد، کلمن و پاتنام در این سطح سرمایه اجتماعی را نوعی موجودیت در نظر می گیرند که «نخست برخوردار از جنبه های ساخت اجتماعی است، دوم کنش های خاص کنشگران (حقیقی یا حقوقی) را درون ساختار اجتماعی تسهیل می کند. این مفهوم ارتباطات افقی و عمودی را شامل می شود و سازمان ها و روابط بینایی در زمره آن قرار می گیرد.» (ازکیا و همکار، ۱۳۸۴: ۳۹۰).

حوزه نظارت همگانی شهروندان نسبت به عملکرد مجموعه فعالیت ها و خدمات شهرداری به نوعی سرمایه اجتماعی است که کنش های معین درون ساختاری را تسهیل می کند؛ این مرکز منبعی برای کنش های متقابل شهروندان با مجموعه مدیریت شهری است؛ در واقع این مرکز نوعی روابط اجتماعی و هنجارهای اجتماعی موجود بین گروه های مختلف شهری را تسهیل می کند. در سطح کلان سرمایه اجتماعی به زیر ساخت های ارتباط اجتماعی ختم می شود، در این سطح باید به محیطی اشاره کرد که سازمان در آن فعالیت می کند، در این فعالیت نقش قوانین، چارچوب حقوقی، نوع حکومت، و نظام سیاسی، میزان عدم تمرکز و میزان مشارکت

سیاسی افراد در خط مشی کلان سرمایه اجتماعی قرار دارد، در این سطح تعامل متقابلی که بین نهاد شهرداری با سایر دستگاه های دولتی و حکومتی دارد، که قابل بررسی است. در این سطح مدیریت شهری روابط ساختاری رسمی با حاکمیت سیاسی جامعه از طریق قوانین و مقررات برقرار می کند. در این سطح مرکز نظارت همگانی به نوعی اعتماد متقابل بین مجموعه مدیریت شهری با سایر نهادهای اجتماعی برقرار می نماید.

### جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی و نظارت همگانی

سرمایه های شهری چون رفاه، آسایش شهری، اوقات فراغت و... از مواردی است که به صورت عمومی در اختیار تمام شهروندان قرار دارد، و یک نوع کالای عمومی است که منافی را برای عموم شهروندان تولید می کند. در واقع در تمام ساختارهای اجتماعی که هنجارهای اجتماعی و ضمانت های اجرایی وجود دارد این عناصر به تمام افرادی که جز آن ساختار هستند سود رسانی می کند. نظارت همگانی مرکزی است برای هر گونه نظارت بر ساختار مجموعه مدیریت شهری، تا در هر زمان به نیازهای شهروندان پاسخگویی نماید و اطلاع رسانی کند. و مشکلاتی که در منافع عمومی شهر وجود دارد برطرف کند و سعی در جذب شهروندان برای بهره مندی از این امکانات عمومی را داشته باشد. بر این اساس «جنبه منفعت عمومی سرمایه اجتماعی به این معناست که سرمایه اجتماعی از جهت کنش هدفمند، در موقعیتی اساساً متفاوت با بیشتر اشکال دیگر سرمایه است. سرمایه اجتماعی، منبع مهمی برای افراد است و می تواند بر توانایی کنش آنها و کیفیت مشهود زندگیشان بسیار تاثیر گذارد» (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۸۳).

### نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی اصولاً یک مبحث جامعه شناختی است در واقع این عنصر اجتماعی به عملکرد شهروندان و سازمان های جامعه که در ارتباطند، اشاره می کند. از دیدگاه بورديو «سرمایه اجتماعی اساساً با مجموعه روابط اجتماعی که یک فرد یا یک گروه دارد مشخص می شود. داشتن این سرمایه مستلزم یک فعالیت اجتماعی است» (زنجانی زاده، ۱۳۸۳: ۳۶).

حوزه نظارت همگانی که از زیر مجموعه های ساختار مدیریت شهری است با محتوای و اهداف خاصی در سطوح خرد، میانی و کلان سرمایه های اجتماعی شهر را می تواند بررسی کند. این مرکز با توجه به تعاملات متقابلی که با تمام شهروندان دارد، یک توان زاید الوصفی همراه با آمادگی روحی، روانی برای در گذشتن از منافع شخصی و درگیر شدن منافع جمعی را بوجود می آورد. به عبارت دیگر عملکرد این مرکز یک نوع دارایی اجتماعی است که شهروندان با ارتباط متقابلی که با این مجموعه دارند، می توانند آن را به صورت بالفعل در آورند. برای اینکه چنین امری در ساختار

مدیریت شهری صورت گیرد؛ وجود منابع مولد و ذخیره سازی چون: آرمان های مشترک، وفاق و انسجام اجتماعی بالا شهروندان، انگیزه های قوی برای پیشرفت و شهری، برخورداری از امکانات رفاهی و آسایشی در شهر و رقابت جدی در توسعه شهری و... لازم و ضروری است؛ که از طریق بسط و گسترش فرهنگ نظارت همگانی این مسئله قابل اجرا است.

گسترش فرهنگ نظارت همگانی در بین شهروندان می تواند بهبودی در استاندارد های زندگی اجتماعی شهری، ارتقای توسعه نهادهای شهری و تقویت پایه های حکومت مردم سالار را بوجود آورد. از دیدگاه کارکردگرایانه سرمایه اجتماعی از توسعه فرهنگ نظارت همگانی در بین شهروندان باعث تقویت روابط دو جانبه تعاملات شهروندان با نهادهای جامعه مدنی می گردد؛ و به نوعی شبکه اعتماد متقابل را بین شهروندان و مجموعه مدیریت شهری ایجاد می کند. با توجه به چنین پیامدی شبکه نظارت همگانی شهرداری برای تقویت اعتماد اجتماعی شهروندان و تحکیم پیوند تعامل اجتماعی شهروندان، و بررسی عملکرد سازمانی خود از طریق شبکه های ارتباط همگانی در تمام ایام سال در خدمت شهروندان است.

از بُعد دیگر احساس تعلق به هویت شهری از سرمایه های اجتماعی زندگی شهری را این مرکز می تواند ایجاد نماید. مفاهیم کلیدی سرمایه اجتماعی چون شبکه های ارتباطی پل ارتباطی بین مدیریت شهری و شهروندان برقرار می کند، که می تواند اعتماد لازم را برای مجموعه مدیریت شهری در بین نگرش ها و اذهان شهروندان بوجود آورد.

از دیگر مفاهیم، شبکه اعتماد در بین شهروندان می باشد، این اعتماد و اطمینان به این معنا است که مدیران شهری در جهت بهبود و آبادانی و توسعه شهر و حل معضلات و رفاه شهری فعالیت می کنند. از دیگر ابعاد توسعه این عنصر اجتماعی، شعاع اعتماد است. این مفهوم به میزان گستردگی دایره همکاری و اعتماد متقابل اعضای یک گروه ربط دارد. در یک نتیجه گیری می توان گفت که



هرچه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری نیز خواهد داشت.

از دیگر مفاهیم هنجارهای اجتماعی است که به صورت قانونی و رسمی توسط ابزارهای خاص در مجموعه مدیریت شهری باید اعمال شود. این کنترل اجتماعی در مدیریت شهری از طریق مرکز نظارت همگانی توسط ارزش های اجتماعی صورت می گیرد. از دیگر اشکال سرمایه اجتماعی در مرکز نظارت همگانی ظرفیت بالقوه اطلاعات است. این مرکز اطلاعات لازمی را که باید برای اجرای عملکرد محوله خود بدست آورد نیازمند است که از طریق تعامل و ارتباط برقرار نماید، در واقع کارکرد اصلی مرکز نظارت همگانی مدیریت شهری توجه به خواسته ها و انتظاراتی است که شهروندان از دستگاه شهرداری دارند، این کارکرد در فراهم ساختن اطلاعاتی که تعامل این شبکه را با شهروندان تسهیل می کند شکل می گیرد. از دیگر اشکال این عنصر در جامعه شهری حفظ هنجارها و ضمانت های اجرایی است، شهروندان با نظارت بر عملکرد سازمانی و رفتاری مدیریت شهری اثر بخشی خاصی در تقویت سرمایه های اجتماعی سازمانی ایجاد می نماید، این هنجارها به صورت دستوری شکل مهمی از سرمایه اجتماعی را درون جمع بوجود می آورد، در واقع این هنجارها باعث می شوند که مدیریت شهری به صورت جمعی به ارائه خدمات بپردازد نه برای عده ای خاصی.

نقش انطباق پذیری سرمایه اجتماعی در این مرکز آن است که مرکز برای اهداف خاصی بنیاد نهاده شده است؛ ولیکن در طی زمان بر اساس اهداف و عملکرد های جدید سازمانی می تواند خود را با مقاصد دیگر انطباق دهد؛ و سرمایه اجتماعی مهمی را برای مدیران که منابع سازمانی را در دسترس دارند تشکیل دهد. در تحلیل کمی سرمایه اجتماعی در این مرکز باید توجه به تعداد کمی گروه های اجتماعی شهروندان اشاره کرد، که تاچه اندازه با این مرکز در جهت نظارت سازمانی در تعامل متقابل می باشند. و از سوی دیگر تا چه اندازه شبکه اعتماد اجتماعی بین شهروندان و مجموعه عملکرد مدیریت شهری گسترده است. در سطوح کیفی سرمایه اجتماعی در سه بعد خرد- میانی- کلان اشاره به زیر ساخت های تعاملی و ارزشی در جامعه، گروه های اجتماعی شهر و سازمان و ایجاد نوعی شناخت و شکل گیری هویت اعضاء می کند.

از بُعد منفعت عمومی سرمایه های اجتماعی شهر چون رفاه، آسایش شهری، اوقات فراغت و... از مواردی است که به صورت عمومی در اختیار تمام شهروندان قرار دارد، و یک نوع کالای عمومی است که منافعی را برای عموم شهروندان تولید می کند و باید بر استفاده صحیح آن نظارت داشت. در پایان می توان گفت که: «سرمایه اجتماعی را می توان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی اند و کنش جمعی را تسهیل می کنند. این منابع که از طریق اجتماعی شدن مناسب حاصل می شود در برگیرنده اعتماد، هنجارها و شبکه هایی از پیوندهای اجتماعی است که موجب گرد آمدن افراد به صورتی منسجم و با ثبات در داخل گروه به منظور تامین هدفی مشترک می گردد.» (زاهدی، ۱۳۸۵: ۲۷۴).

## راهکارها

- ۱- آموزش و فرهنگ سازی مداوم و مستمر نظارتی به شهروندان **نسبته** به خدمات مدیریت شهری.
- ۲- تدوین و تهیه برنامه های رسانه ای در حوزه فرهنگ سازی

نظارت همگانی شهروندان.

۳- تشویق و ترغیب شهروندان به عنوان عضو شبکه های اجتماعی محلات برای همکاری با مدیریت شهری.

۴- تدوین سیاست گذاری ها و اجرای برنامه ریزی های متنوع برای مناطق شهری با توجه به فرهنگ حاکم بر مناطق

۵- تهیه الگوهای نظارت رفتاری و عملکردی حوزه مختلف مدیریت شهری.

۶- اجرا پژوهش های نظارتی در حوزه عملکرد ساختار مدیریت شهری.

۷- تدوین مطالعات افکارسنجی نسبت به عملکرد (درون سازمانی و برون ساختاری) مدیریت شهری

۸- نظارت و پیگیری بر اجرای علمی و عملی راهبردها و راهکارهای تصمیمات حوزه مدیریت شهری.

۹- ارائه طبقه بندی، تحلیل محتوای نظرات و پیام های شهروندان محلات و مناطق مختلف شهر نسبت به عملکرد مدیریت شهری.

۱۰- نیازسنجی و اطلاعات سنجی دقیق در حوزه آمایش محلات و مناطق شهری.

## منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۴ جامعه شناسی توسعه. چاپ پنجم، انتشارات کیهان، تهران.
- الوانی، سید مهدی و علیرضا، سید نقوی، ۱۳۸۵. سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها فصلنامه مطالعات مدیریت، ش. ۳۴-۳۵، تهران.
- الوانی، سید مهدی، شیروانی، علیرضا ۱۳۸۴. سرمایه اجتماعی، اصل محوری توسعه. اینترنت.
- بن فاین، ۱۳۸۵. سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعیتوجه م. ک. سروریان، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی، تهران.
- رضایی، محسن، ۱۳۸۴. سرمایه اجتماعی. نشریه بینش سبز، ش. ۱۵، تهران.
- زاهدی، محمد جواد، ۱۳۸۵. توسعه و نابرابری. انتشارات مازیار، تهران.
- زنجانی زاده، هما، ۱۳۸۳. مقدمه ای بر جامعه شناسی پیورودیو. مجله علوم اجتماعی، دور اول، ش. ۲ دانشگاه فردوسی، مشهد.
- شارع پور، محمود، ۱۳۷۹. نقد و بررسی پایان نظم بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن. کتاب ماه علوم اجتماعی، ش. ۳۶-۳۷، تهران.
- علوی، سید بابک، ۱۳۸۵. نقش سرمایه اجتماعی در توسعه. اینترنت.
- فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۸۵. پایان نظم بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلام عباس توسلی، انتشارات حکایت قلم نوین، تهران.
- کلمن، جیمز، ۱۳۷۷. بنیاد های نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- نوغانی، محسن، ۱۳۷۲. سرمایه فرهنگی و ورود به آموزش عالی. فصلنامه فرهنگ و هنر خراسان، سال پنجم، ش. ۱۳، اداره کل ارشاد اسلامی خراسان، مشهد.





## تأملی بر کارکردهای سرمایه اجتماعی در سازمان‌ها\*

■ نساء شاهین

کارشناس ارشد مدیریت سیستم و بهره‌وری

زور و با حضور مقامات بالاتر انجام دهند، شایعه‌پراکنی و تخلفات اداری در سازمان افزایش می‌یابد، و در نهایت هنگامی که کمیته‌ها و فعالیت‌های تیمی در سازمان با شکست روبه‌رو می‌شوند، این نشان‌دهنده کاهش سرمایه اجتماعی در آن سازمان است (رنانی، ۱۳۸۱، ص ۲۶).

### لزوم توجه به سرمایه اجتماعی

در سرمایه اجتماعی به منابع فراوانی که در میان یا از طریق شبکه‌های فردی یا سازمانی قابل دسترسی هستند اشاره می‌شود. این منابع اطلاعات، نظریات، راهنمایی‌ها، فرصت‌های کسب و کار، سرمایه ملی، قدرت، حمایت احساسی، خیرخواهی، اعتماد و همکاری را شامل می‌شود. بدون شبکه‌هایی که به خوبی ساخته شده و به خوبی مدیریت می‌شوند، این منابع مخفی باقی می‌مانند. برای سرمایه اجتماعی، مصادیق سازمانی و کسب و کار نیز وجود دارد. افرادی که سرمایه اجتماعی را ایجاد کرده و از آن استفاده می‌کنند، مشاغل بهتری می‌یابند و زودتر امکان ترفیع می‌یابند. سازمان‌هایی که از سرمایه‌های اجتماعی قدرتمندی سود می‌برند، می‌توانند به سرمایه‌های لازم برای کارآفرینی و فعالیت‌های شجاعانه دست یازند و یادگیری سازمانی را بهبود بخشند. متأسفانه بسیاری از سازمان‌ها دیدگاه درستی نسبت به سرمایه اجتماعی ندارند. اغلب زیرساخت‌های سازمان‌ها تصور می‌کنند شبکه‌های خود را درک می‌کنند، اما حقیقتاً این‌طور نیست. از این‌رو استفاده از فنون جامعه‌سنجی می‌تواند مفید باشد. هدف تحقیق جامعه‌سنجی این است که نمونه‌ای از شبکه‌های بزرگ‌تر را در اختیار قرار می‌دهد. نمونه‌ای که می‌تواند

### تعریف سرمایه اجتماعی در سازمان

سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل روابط مبتنی بر تفاهم و اعتماد بین کارکنان و مدیران سازمان دانست و آن را به مجموع منابعی که در ذات روابط اجتماعی سازمان به وجود می‌آیند و زندگی اجتماعی را در سازمان دلنشین‌تر و مطلوب‌تر می‌سازند، اطلاق کرد (الوانی، ۱۳۷۸ ص ۲۹). سازمانی از سرمایه اجتماعی برخوردار است که کارکنان آن در مراودات با یکدیگر و در ارتباط با سازمان‌ها و مشتریان از سهولت، سادگی و انعطاف بالایی برخوردار باشند.

رونالد برت معتقد است سرمایه اجتماعی به سیما و ترکیب اجتماعی سازمان اشاره می‌کند که از طریق آن ویژگی‌هایی همچون اعتماد، هنجارها و باورهای مشترک و شبکه‌ها برای بهبود قابلیت‌ها و تسهیل و هماهنگی در عمل شکل می‌گیرند. وی بر این باور است که ایجاد مفهوم هوش عاطفی در سازمان‌های جدید به معنای این است که رسالت اساسی منابع انسانی فقط مدیریت ذهن نیست؛ بلکه مدیریت قلب و عواطف است و این مسئله نقشی بنیادین در توسعه انسان و سرمایه اجتماعی سازمان دارد. اگر فضای صداقت و راستی در هر سازمانی به منظور توسعه ایجاد شود و افراد علاقه‌مند باشند که سازمان خود را در مسیر توسعه قرار دهند، در آن صورت، ناخودآگاه این ارزش می‌تواند به صورت حس ملی و اجتماعی قوی، خودنمایی کند. به‌طور خلاصه، سرمایه اجتماعی، عبارت است از مجموعه نهادها، قوانین، عادات اجتماعی، باورها و ارزش‌ها و قواعد رفتاری که در سازمان‌ها مستقر و بر مناسبات اجتماعی کارکنان حاکم‌اند. با توجه به این تعریف، می‌توان گفت هنگامی که کارکنان کار را فقط به

برای شناسایی وضعیت و کیفیت سرمایه اجتماعی مذکور، نشانه‌هایی در اختیار بگذارد. (البته بحث در مورد مقوله جامعه‌سنجی خارج از این مقاله است و به این حد بسنده می‌شود).

می‌توان بیان کرد که نقش مدیران در ایجاد شبکه‌های کارآفرین پررنگ‌تر می‌شود. مدیران با ایجاد این نوع از شبکه‌ها، به نوعی از سرمایه اجتماعی دست پیدا می‌کنند که در واقع سازمان را در رسیدن به اهداف و ایفای نقش آن یاری می‌رساند.

وظایف مدیریت در ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی در سازمان

اگر مدیران در ایجاد سرمایه اجتماعی به عنوان یک سرمایه درازمدت کوشا بوده و قدر و منزلت آن را بر افراد تشریح کنند و سپس این سرمایه اجتماعی را برای ارتقا و حفظ و شأن منزلت سازمانی به‌طور اصولی به کارگیرند، قطعاً شاهد نوعی شایستگی سازمانی در پی به‌کارگیری سرمایه اجتماعی و ایجاد آن خواهند بود.

مدیران از راه‌های مختلف می‌توانند به ایجاد توسعه سرمایه اجتماعی در سازمان یاری رسانند که بعضی از آنها مربوط به جامعه (در سطح کلان) و بقیه مربوط به درون سازمان (در سطح خرد) است که عبارتند از:

۱. پای‌بندی به اصول اخلاقی: مدیرانی که اصول اخلاقی را در عملکردها و تصمیمات سازمانی به‌کار می‌گیرند، با ایجاد روابط مبتنی بر اخلاقیات، سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کنند. مدیران باید به گونه‌ای عمل کنند که عزت و آبروی هیچ کس خدشه‌دار نشود. همواره نیکخواهانه و انسان دوستانه رفتار کنند، با رشد و پیشرفت کارکنان خرسند شوند و عدالت و انصاف را در اعمال خود لحظه‌ای فراموش نکنند (الوانی، ۱۳۷۸، ص ۳۰).

۲. احساس مسئولیت اجتماعی: اگر سازمان‌ها بخواهند جایگاه خود را در جامعه حفظ و به نحوی عمل کنند که باعث بقا، توسعه و موفقیت آنها شوند، لازم است که به مسئولیت اجتماعی خود توجه داشته باشند و تعهدات خود را در مورد شهروندان به درستی ایفا نمایند. بدیهی است اگر شهروندان از سازمان‌ها سلب اعتماد کنند، در یک فضای بی‌اعتمادی، هم سازمان‌ها و هم شهروندان زیان خواهند دید. بر همین اساس امروزه در الگوهای مدیریت کیفیت جامع، از جمله الگوی سازمان اروپایی کیفیت (EFQM) به تصور جامعه از سازمان‌ها اهمیت داده می‌شود و رشد و سود سازمان حتماً باید از دیدگاه مشتریان نیز ارزیابی گردد و مورد تأیید قرار گیرد.

۳. یگانگی و وحدت با جامعه: اگر مدیران با شهروندان احساس یگانگی کنند، شهروندان نیز همان احساس را خواهند داشت و در پرتو این آشتی و وحدت، روابط مبتنی بر اعتماد و دوستی میان سازمان و جامعه ایجاد خواهد شد که همانا رکن اصلی سرمایه اجتماعی است. صداقت و صراحت با جامعه بهترین شیوه و روش مدیریتی، و پنهان کاری و محرمانه عمل کردن بدترین راهبرد است.

۴. تلاش در جهت ایجاد اعتماد در سازمان: یکی دیگر از اقدامات مهم در این زمینه، تلاش مدیران و رهبر سازمان برای اعتمادسازی بین اعضای گروه‌ها و واحدهای سازمانی و نیز بین واحدهای مختلف است. اعتماد نیز تنها با ایجاد روابط و ارتباطات مستمر موفق و تدریجی شکل می‌گیرد. انسان‌ها پس از کسب شناخت مناسب و تدریجی از یکدیگر، به هم اعتماد پیدا می‌کنند. این امر در روابط بین افراد، واحدهای مختلف درون سازمانی و روابط بین سازمان‌ها دارای اهمیت است. متأسفانه در بسیاری از سازمان‌ها نوع روابط و ارتباطات

سازمانی به گونه‌ای است که افراد و واحدهای سازمانی از یکدیگر شناخت واقعی مناسبی کسب نمی‌کنند و بدیهی است که زمینه لازم نیز برای ایجاد شبکه‌های اعتماد فراهم نخواهد بود. بنابراین، سرمایه اجتماعی جوهره‌ای از علاقه خالصانه به دیگران و رابطه صادقانه در خود دارد (بیکر، ۱۳۸۲، ص ۲۳۶).

۵. افزایش رضایت شغلی کارکنان: سرمایه فیزیکی، با ایجاد تغییرات در مواد برای شکل دادن و تسهیل ابزارهای تولید به وجود می‌آید. سرمایه انسانی با تغییر نگرش افراد، مهارت‌ها و توانایی‌های آنان را افزایش می‌دهد. سرمایه اجتماعی نیز هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان کارکنان به شیوه‌ای دگرگون شده باشد که هرکدام از آنان بتوانند به راحتی نقش و وظیفه خود را انجام دهند. از این‌رو، فضای مبتنی بر تفاهم، صداقت، اعتماد و همکاری باعث افزایش رضایت شغلی کارکنان و در نهایت بهره‌وری سازمانی می‌شود.

بی‌تردید سازمان‌های دارای سرمایه اجتماعی را می‌توان سازمان‌هایی با پیوندهای محکم، هنجارها و باورهای مشترک، اعتماد و همکاری تعریف کرد. از جمله فواید قابل ذکر، می‌توان به ترویج فعالیت‌های تیمی، رشد اعتماد در سازمان، تسهیم و تسهیل اطلاعات، ایجاد یکپارچگی در میان اعضا و ارائه سازوکارهایی برای بهبود مدیریت عملکرد گروهی، زمینه‌سازی برای توسعه سرمایه‌های غیرمادی در سازمان‌ها و افزایش تعهد اعضا و کارکنان سازمان در قبال مصلحت سازمان، ریسک‌پذیر بودن اعضا با توجه به اجرای کار تیمی و روابط مبتنی بر اعتماد و همین‌طور افزایش خلاقیت و نوآوری اشاره کرد (رحمان‌پور، ۱۳۸۲، ص ۸۸).

چنانچه بیان شد، ساخت سرمایه اجتماعی به منزله نوعی شایستگی سازمانی بیش از هر زمان دیگری ضروری می‌نماید. با ایجاد سرمایه اجتماعی به سان شایستگی سازمانی و هدایت فعالیت‌های انسانی در مسیر کمک به دیگران، می‌توان نیرو و توان افراد را چند برابر کرد. همچنین با توجه به مطالب ارائه شده در این مقاله می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی، پدیده‌ای مدیریتی‌پذیر است، و مدیران هستند که با اهمیت دادن به آن، سازمان را در رسیدن به اهداف خود هدایت می‌کنند.

\* ارائه شده در همایش سرمایه اجتماعی - تهران - ۱۳۸۷

## منابع

۱. الوانی، سیدمهدی و میرعلی سید نقوی. (۱۳۸۱). «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳-۳۴.
۲. الوانی، سیدمهدی. (۱۳۷۸). «نقش مدیریت در ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۰۰.
۳. بیکر، واین. (۱۳۸۲). مدیریت و سرمایه اجتماعی، ترجمه سید مهدی الوانی و محمدرضا ربیعی مندجین، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۴. رنای، محسن. (۱۳۸۱). «سقوط سرمایه اجتماعی، بحران عقلانیت و امتناع برنامه در ایران» ماهنامه آفتاب امروز، شماره ۱۶.
۵. رحمان‌پور، لقمان. (۱۳۸۲). «مدیریت سرمایه اجتماعی: رویکردی اثربخش در مدیریت منابع انسانی» مدیریت و توسعه، شماره ۱۹.
۶. Burt, R. S. (۲۰۰۰). The Network Structure of Social Capital. Institute European Affaires

# محله، حومه‌های شهری و سرمایه اجتماعی

■ نویسنده: میشل باندز

■ ترجمه و تلخیص: آراز امین ناصری

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی



می‌آورد و مرکز فقیر نشین و ناپایدار شهر به تدریج بازسازی می‌شود. عمل اجتماعی نه محصول شکل فیزیکی و بوم‌شناختی شهر، بلکه زاینده ساختارهای اجتماعی است.

## مفهوم اجتماع

نسبت اجتماع را به این صورت تعریف می‌کند: "... هر شکل از روابط انسانی که دارای درجه بالایی از صمیمیت، عمق عاطفی و احساسی، پایبندی اخلاقی، پیوستگی اجتماعی و تداوم در طول زمان باشد. اجتماع بر اساس درک انسان در تمامیت خویش شکل می‌گیرد و نه درک جداگانه از این یا آن نقشی که او در نظم اجتماعی بر عهده دارد".

نماد اجتماع، تضاد خانواده در برابر دیدگاه‌های سود انگارانه غیر شخصی بودن، رقابت و کشمکش است. در حالی که دیدگاه‌های رایج معاصر، به اجتماع به عنوان یک کالای عمومی نگاه می‌کنند، این اندیشه بدور از انتقاد هم نمانده است. روشنگری روسو، اجتماع و وابستگی متقابل را به نفع آزادی فردی و دولت مردود اعلام کرد. در مقابل، واکنش قرن نوزدهم در برابر شیوع فردگرایی و قرارداد به رهبری محافظه کارانی چون بورک، خواستار احیای نهادهایی چون کلیسا، خانواده، اصناف و محلات شد. این آرزوهای همسایگی و عضویت در انجمنها و اجتماعات، در کارهای آرمانشهرگرایی

## ضدیت با شهرسازی

بیان ورث درباره شهرنشینی به عنوان شیوه‌ای از زندگی، تا حدودی در نگاه نآرمانشهری پست مدرن به شهر چند پارچه شده امروزی نیز تکرار شده است. این اندیشه مکتب شیکاگو که اندازه، تراکم و عدم تجانس، نظم اجتماعی جدید و کاملاً شهری ایجاد می‌کند که به شدت قطعه قطعه شده و مبتنی بر اجتماعات ثانویه است و پول در آن همه امور را به پیش می‌برد، امروزه کاملاً مرتجان و گذشته نگر تلقی می‌شود. دلیلی که گانز در رد این ادعای ورث اقامه می‌کند نوعی پیشگویی آینده است. او می‌گوید "در دنیای واقعیت، ویژگی شهرسازی امروز مهاجرت دسته جمعی شهرنشینان به حومه‌ها است و آنچه ورث ترسیم کرده جامعه صنعتی است و نه شهر مدرن امروزی". سنخ‌شناسی گانز از انواع مراکز شهری و یافته‌های او درباره ناپایداری مرکز شهر شهرهای صنعتی و کناره‌گیری طبقه متوسط از آنها، هنوز هم دارای اعتبار است. خانواده‌ها همچنان نگران دریافتن فرزندانشان به دامان فرهنگ کوچک و خیابان هستند و بیشتر کژکارکردهای شهر را نتیجه بی‌ثباتی مناطق مسکونی و نبودن دروازه بر سر شهرکها می‌دانند تا نفس زندگی شهری. حومه شهر آرزوی داشتن خانواده و محله خوب را برآورده می‌سازد؛ آنرا ایجاد نمی‌کند. کارکردها، تقسیم جنسیتی کار و منزلت و طرز مصرف طبقه متوسط، سبک زندگی جدیدی را در حومه‌های شهر به وجود



چون ویلیام موریس و رابرت اُون، که می‌کوشیدند برای خودشان سکونتگاهها و اجتماعی از نوع دلخواه - مانند New Lanark - درست کنند، انعکاس پیدا کرد. نقش عمده چنین جنبشهایی توسعه برنامه‌ریزی حومه‌های شهری و «بهبودی شهری» به عنوان واکنشی به آشفتگی و آلودگی غیر قابل قبول شهرهای صنعتی بود. یکی از این اصلاح طلبان، بنیان‌گذار جنبش باغشهرها، اینزِر هُوارد بود.

در کار تونیس، بزرگترین نظریه پرداز اجتماع، اجتماع استعاره ای است از تغییرات اجتماعی پیش آمده در گذار از عصر سنت به نوگرایی. در تضاد مشهوری که تونیس میان گزلفاقت و گمیشافت معرفی می‌کند، عناصر گمیشافت عبارتند از: «خون، مکان و ذهن یا خوشاوندی، همسایگی و دوستی». در مقابل گزلفاقت بر عقلانیت ابزاری مبتنیست که بر اساس آن، تمام فعالیتها معطوف به یک هدف و ابزارهای رسیدن به آن هستند. اساس گزلفاقت «عقلانیت و محاسبه» است.

گمیشافت همه چیز را بدل به کالا می‌کند؛ کار بدل به یک صنعت و پیشه می‌شود. در گزلفاقت، کار را پول هدایت می‌کند. پیشرفت روشنگری به سمت عقلانیت به شکلی سنگدلانه، زوال خانواده و آداب اجتماعی را به همراه می‌آورد. تضاد میان گمیشافت و گزلفاقت برای تونیس تداعی کننده گذاری تاریخی است. این مفاهیم اگرچه حقیقی هستند اما در عین حال تشبیهات و یا گونه‌هایی آرمانی برای تغییرات اجتماعی نیز هستند. هیچ جامعه ای به طور خالص تنها ویژگی یکی از آن دو را ندارد. در نظر دورکیم، اجتماع بر فرد اولویت دارد و اساس صورتبندی فردی را شکل می‌دهد. کارکرد تقسیم کار، جذب افراد به درون جامعه است. چنانکه پیشتر

دیده‌ایم، دورکیم دو نوع همبستگی یا انسجام اجتماعی را تشخیص می‌دهد: ارگانیک (فردگرایانه و نوین) و مکانیکی (اجتماعی). تقسیم کار تنها می‌تواند در یک جامعه از پیش موجود اتفاق بیفتد که در آن به واسطه وجود اجتماعات، همگرایی ممکن می‌شود و از این شکل از جوامع است که یکپارچگی در تقسیم کار سر بر می‌آورد. تداوم برخی از اشکال همبستگی مکانیکی برای بقای همبستگی ارگانیک ضروریست. بنابراین همبستگی مکانیکی در شکل اجتماع، مانند سدی دفاعی در برابر تمایلات هنجارگریزانه زندگی نوین عمل می‌کند. ما باید در جامعه معاصر این قابلیت را داشته باشیم که اصول اخلاقی گروه‌های مختلف را درک کنیم. زیمل با تمرکز بر جامعه شناسی خرد، به مطالعه اشکال ابتدایی اجتماعات بشری پرداخت. او معتقد بود که شبکه روابط اجتماعی در جامعه قرون وسطی ساده بوده است؛ زیرا وابستگی به یک گروه، تمامی فردیت شخص را شکل می‌داده است. در حالی که در جامعه امروزی گروهها با هم تضاد دارند ولی در عین حال در درون یک فرد با هم تقاطع پیدا می‌کنند. زیمل در مقاله کلانشهر و حیات ذهنی ابراز می‌دارد که گمنامی زندگی در کلانشهر با گرمی اجتماعات سنتی در تضاد است.

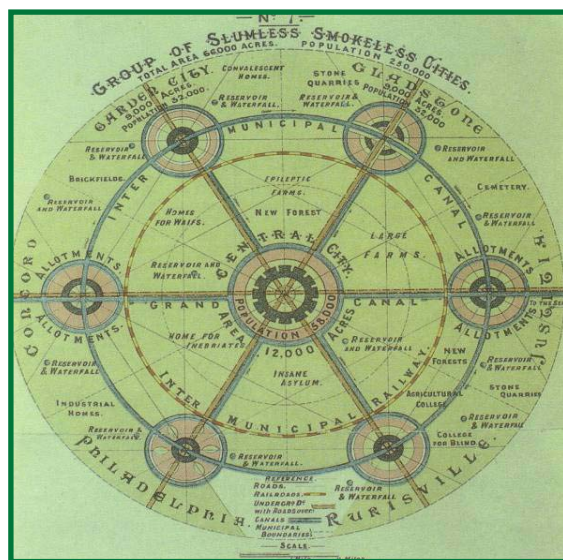
در اندیشه پس از عصر روشنگری، مفاهیم اجتماع و جامعه، به عنوان گونه‌های آرمانی که وجود خارجی ندارند، مورد مخالفت قرار گرفتند. با این حال می‌توان چنین ادعا کرد که این مفاهیم مکمل یکدیگر هستند چرا که قوام شکلگیری یک نظم نوین اجتماعی موفق و متشکل از افراد یکپارچه، خود شکلی از وابسته سازی اجتماعی است.

### شهرنشینی روستایی

روستاها در گذشته به ندرت به شهرکهای کوچک و حومه‌ای شهرها تشبیه می‌شدند و آنچه ویژگی آنها دانسته می‌شد، دوستی و رفاقتهای فردی و مبارزه شخصی بر علیه طبیعت بود. بازگشت به زندگی روستایی و مخالفت با شهرنشینی، در دوره جدید، در حقیقت مهاجرت به حومه‌های بیرونی شهر و شهرکهای مسکونی بوده که در سراسر دنیا نیز تجربه شده است. دِمِسی در تحقیق خود به نام شهرک روابط اجتماعی را در یک اجتماع روستایی در دهه های ۷۰ و ۸۰ مورد بررسی قرار داد. او موانع طبقاتی کم و سطح جامعه پذیری بالایی را در میان مردم این اجتماع مشاهده کرد. رویه منفی این اجتماع محافظه کاری، جدایی جنسیتی و احساس نظارت فراگیری بود که می‌توانست به هر عضو از جامعه برای همیشه انگ بچسباند. روابط جنسیتی بر اساس چشمداشتهای اجتماع و ضرورت ایفای یک نقش توصیه شده توسط هر زن و مردی، تحکیم و کنترل می‌شد. آنها که باید سبب ساز تغییرات می‌شدند، یعنی متخصصان جوان، اجتماع را به کلی و برای همیشه ترک می‌کردند و سالخوردگان منزوی در ده باقی می‌ماندند. این تصویر تیره مضمون یک چکامه درباره زندگی روستایی نیز هست.

### شهر بورژوازی

عنوان حومه معمولاً برای توصیف بهترین جنبه‌های فیزیکی و اجتماعی شهرکها و نواحی حاشیه شهری به کار می‌رود. این اصطلاح، احساس خوب ناشی از فضا و طبیعت حاشیه شهر و فرصت یکدست بودن بافت اجتماعی و روابط مبتنی بر فراغت را در کنار دسترسی به مزایای کارکردی شهر، به شنونده منتقل می‌کند. فیشمن ظهور حومه نشینی را به میانه سده هجدهم نسبت می‌دهد. حومه نشینی (و خانه مفصل شده در حومه شهر به مثابه مرکز مقدس آن)،



مفهوم شهر اجتماعی اینزِر هُوارد. مفهوم باغشهر هُوارد که اولین بار در کتاب باغشهرهای فردا در سال ۱۸۹۸ مطرح شد، تلاش می‌کرد تا مزایای حومه ها و دهکده‌های اطراف شهر را در کلانشهرهایی با جمعیت ۲۵۰ هزار نفر به وجود آورد. باغشهر به الگوی شهرهای جدید در انگلستان بدل شد و تأثیری دیرپا بر برنامه‌ریزی و طراحی (شهری بر جای نهاده است. (منبع: هال، ۱۹۸۰: ۵۰)



جامعه بزرگتر بیرون، بدور است.

### اسکان انبوه

پیل در تحقیقی که درباره مسکن عمومی در حومه الیزابت از شهر آدلاید انجام داد - که توسط کنسرسیوم مسکن جنوب استرالیا (SAHT) در اواخر دهه پنجاه و شصت ساخته شده بود -، متوجه عدم شکلگیری محله در آنچه که او "شهرهای جدید استرالیایی" می‌نامید شد. هدف این پروژه ایجاد محله از طریق ایجاد اختلاط اجتماعی بود. در ذهن طراحان پروژه ایجاد محیط‌های فیزیکی ایده‌آل مترادف بود با ایجاد یک محیط اجتماعی ایده‌آل. قرار بود این هدف از طریق جذب ساکنانی از طبقه متوسط و صاحب خانه و نام نویسی فعالانه آنها در سازمانهای محله‌ای مانند کلیساها، باشگاههای ورزشی و انجمن محلی تحقق یابد. پیل معتقد است که راهبرد جذب اختلاط اجتماعی، به طور ناگزیر زاینده تمایز دوره، خصلت و کیفیت توسعه مناطق مسکونی بود. همچنان که این دوران باعث شکلگیری امتیازاتی می‌شد که رهبران اجتماعات محلی را به خود جذب می‌کرد، اما در عین حال مبنایی شد تا این رهبران بر اساس آن خود را از سایرین جدا کنند و انسداد اجتماعی و انحصار در محله‌های مخصوص را تجربه کنند. رهبری انجمن مالیات دهندگان در حومه الیزابت به جای اینکه قدرت خود را صرف تحکیم همبستگی اجتماعی کند، آنرا صرف انتقاد از کنسرسیوم SAHT به دلیل ناتوانی در برآورده کردن چشم‌انداز وعده داده شده محله به ساکنان احتمالی آینده آن کرد.

کاستلز پدیده مشابهی را در توسعه محله مسکونی سارسلز در پاریس که بین سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۴ با افزایش میزان اختلاط مسکونی ساخته شد مشاهده می‌کند. این پروژه از مسکن استیجاری کارگران یقه آبی شروع می‌شد و در اوایل دهه ۱۹۷۰ تا آپارتمانهای افراد مالک خانه ادامه پیدا می‌کرد. کاستلز از زوال سریع شبکه‌های اجتماعی و تعاملات انسانی، افزایش انزوا و تجربه زندگی در یک مجتمع ساختمانی به مدت بیست سال سخن می‌گوید. در اینجا نیز شاهد نمونه مشابهی از تلاش یک بنگاه دولتی برای ایجاد اختلاط اجتماعی هستیم. مردم به زودی احساس کردند که تنها چیز مشترکی که دارند صاحبخانه آنها (شرکت مجری پروژه) است. چنانکه کاستلز می‌گوید: "... هر کسی در سارسلز با وضعیت مشابهی روبرو می‌شد و ناچار بود با شریک دیوانسالار مشابهی روبرو شود. اجتماعی کردن

حد اعلاى تصور و تجسم ذهنى طبقه متوسط یا به قول فیلمن، ارزشهای بورژوازی است. فیلمن کارکرد حومه را نه تنها انفصال از دنیای بیرون، بلکه همچنین انفصال از سایر نقشهای بورژوازی - جهان بازرگانی و تجارت - می‌داند. این انفصال به طور خاص زندگی زنان را با اعطای نقش محوری به آنها در خانه و خانواده، تحت تاثیر قرار داد.

فردریک لاو المستد، خالق حومه نمونه Riverside در حوالی شیکاگو در نیمه قرن نوزدهم، کوشید تا تعاملی میان فضاهای خصوصی و عمومی ایجاد کند؛ محله ای در درون پارک. این فضاهای عمومی بودند که حیات را در محله برقرار می‌کردند. طراحی و مکانیابی حومه به ساکنان آن اجازه بیشترین دسترسی به کارکردهای مثبت شهر را می‌داد و در عین حال حریم خلوت و روابط صمیمانه خانوادگی را با مرکزیت خانه و خانواده، برای آنها حفظ می‌کرد. در نظر گرفتن خانواده به عنوان تکیه گاه محله یا اجتماع محلی، با اندیشه‌های سنتی درباره اجتماع، سازگاری دارد. "در شکل کنونی تمدن، مردم آنقدر سالم نیستند که نخواهند میان خانواده و تعلقات خانوادگی خود و دیگران مشخصاً مرزبندی کنند".

المستد محله Riverside را برای تضمین مزایای جاودانگی ایجاد کرد و جاودانگی از طریق انفصال بر اساس قیمت خانه‌ها و ثروت ساکنین برقرار می‌شد. المستد چنین اظهار عقیده می‌کرد که مزایای زندگی شهری و تراکم جمعیت باید در فضاهای عمومی مورد بهره برداری قرار گیرند در حالی که خانه باید مکانی برای خلوت و آسایش اعضای خانواده باشد. چنانکه فیلمن می‌گوید، حومه‌ها باید پاسخگوی فطرت گروه جویانه و اشتیاق بشر برای "زندگی جمعی" باشند و در عین حال خلوت و انحصار زندگی او را نیز حفظ کنند. حرف المستد چنانکه در عنوان آن "آرمانشهر بورژوازی" نیز پیداست، این است که حومه‌های شهری از آن نوع که او معرفی می‌کند، نواحی جداسازی و ممانعت [از ورود همه مردم] هستند. خوردن برچسب انحصاری بودن بر حومه و محله، به دوگانگی ایدئولوژیک میان گزلفاشافت و گمینشافت بیشتر دامن می‌زند. در اینجا محله و حومه نشینی در تضاد با آرمان نظری داشتن یک جامعه منطقی و بی طبقه قرار می‌گیرند. در چنین جامعه ای برنامه‌ریزی موجب تراکم اجتماعی و فیزیکی مردمی همگون، دارای مراد و صمیمی در محله Riverside می‌شود؛ امری که از تمایزهای اقتصادی و اجتماعی



خود تمایل دارد. "این موضوع برای بسیاری مایه تاسف است چرا که آنرا به مثابه شکست یک فلسفه فکری می‌دانند.

در دوره شهرکهای جدید، که دوران ظهور جامعه توده ای و رونق اقتصادی طولانی پس از جنگ جهانی دوم بود، محله برابر با مهندسی اجتماعی یک جامعه برابری‌گرا دانسته می‌شد. محله فرمولی بود که باید توسط برنامه‌ریزان ایجاد می‌گردید. اما اسکان انبوه در حومه‌های صنعتی و تلاش برای خلق مجدد فرهنگ شراکتی دهکده‌های انگلیسی در شهرکهای جدید انگلستان، حتی در آن زمان هم مانند امروز، نمی‌توانست از ارزشگزاریهایی طبقاتی و شکافهای اقتصادی اجتماعی جامعه بزرگتر، برحذر بماند.

### خردگرایی در برابر محله

آرزوی ایجاد محله در برنامه‌ریزی واکنشی دفعی در برابر عامگرایی عقلگرایانه و بازگشتی به مفهوم رمانتیک شده محله سنتی بود. هر دو مفهوم اگرچه نمونه‌هایی قالبی هستند اما نمونه‌هایی بسیار با دوام بوده‌اند. چنین ویژگی‌هایی از زندگی روستایی را می‌توان تا حدی در شکل فیزیکی و اجتماعی محله Hampstead ساخته شده توسط پارکر و آنوین و Riverside که المستند آنرا طراحی کرد، مشاهده نمود. کارکردگرایی افراطی خانه به مثابه ماشین کوربوزیه و تباهی رایج نوسازی شهری و اسکان انبوه در عصر پس از جنگ استعاره‌های مناسبی برای غیر انسانی بودن عقلانیت ابرازی و دولت یکپارچه بودند. کارهای پاتریک گِدس، ویلیام موریس و ریموند آوین در مقابل، احیا کننده اصل برنامه‌ریزی توسط مردم و درگیر شدن اجتماعات در خلق سکونتگاهها بود. گِدس معتقد بود که طرحهای جامع غیر معقول و نظارت شدید بر طرحهای مهندسی اجتماعی، به صدا درآمدن ناقوس مرگ شهروندان پاسخگو و اجتماعات هستند.

موثرترین ابتکار در برنامه‌ریزی برای ایجاد محله، تحقق باغشهر در توسعه Letchworth (۱۹۳۰) و باغشهر Welwyn (۱۹۲۰)

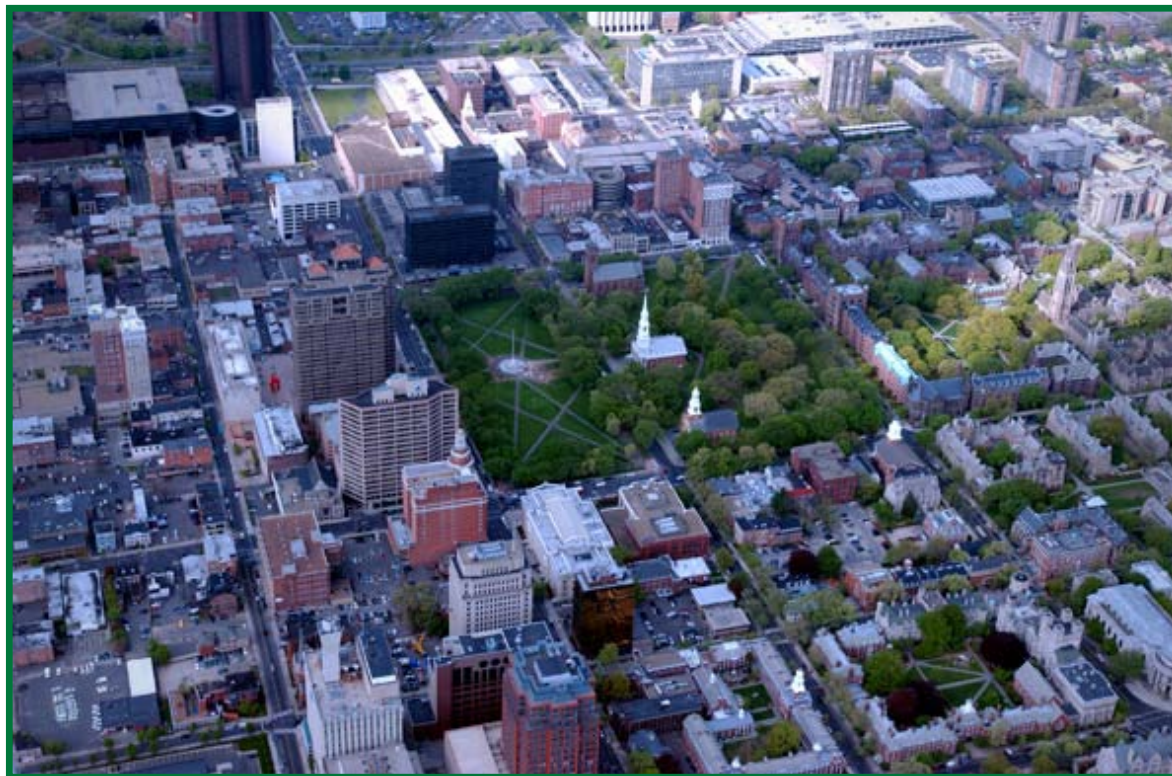
محیط شهری، شرایط کشف منافع مشترک را به وجود آورده بود". تمایز اجتماعی جنبه ناگزیر هر گونه انتخابی است. و این انتخاب است که نسبت به یک مکان و ساکنان آن ایجاد دل بستگی و تعهد می‌کند. چنانکه پیل می‌گوید، طبقه متوسط فضا را به مکان بدل کرد. در سارسلز و الیزابت، ارزشهای مشترک و مخالفت با دولت، به جای برآوردن هدف همگون سازی برنامه‌ریزان دولتی برای ایجاد محله ای بدون تمایزات اجتماعی، زمینه اشتراک و اتحاد ساکنان را فراهم آورد.

### شهرکهای جدید

شهرکهای جدید و شرکت‌های سازنده آنها فرصتهایی برای مشارکت مردم در توسعه سکونتگاهها فراهم آوردند. فردریک اژبرن در کتاب خود شهرهای دارای کمربند سبز، با پیگیری اندیشه‌های ایزنر هوارد یافته‌های خود را از توسعه محله در Welwyn و Latchworth، به نگارش درآورد. "یکی از امتیازات باغشهرها اینست که در زمانی نه چندان دور، اجتماعاتی پیشرو بودند. آنها همه طبقات را شامل می‌شدند. آن دوران یکی از شادترین دورانهای زندگی بود. سنتهای این دو شهر قویا بر علیه انحصارطلبی اجتماعی عمل می‌کرد".

محله و دل بستگی پاداش مردمی است که آنرا ایجاد می‌کنند. شافر به این نکته اشاره می‌کند که شهرکهای جدید، فرآیند فعال توسعه محلی را در مورد انجمنهای مستاجران و ایجاد سازمانهای محله ای دنبال می‌کنند. "سازمان محله‌ای ... یکی از جنبه‌های مهم توسعه شهرکهای جدید است ... که اولین هدف آن کمک به مردم محله برای شناسایی نیازهای اجتماعی و یافتن موثرترین راه برآوردن آنها و اجرای برنامه‌های خود تا سر حدیست که منابع موجود اجازه آنرا می‌دهند".

در منطقه Harlow و برخی مناطق دیگر، مشخص شد که طبقه متوسط به انزوا، داشتن باغهای بزرگتر و زندگی در میان افراد مشابه





در انگلستان و بیست شهرک جدیدی بود که پس از جنگ توسط فردریک ازبُرِن ساخته شدند. این ساخت و سازهای جدید نه سکونتگاههایی همگن بلکه اجتماعاتی متنوع به لحاظ اجتماعی و اقتصادی بودند که می‌توانستند به عنوان واحدهای خودبشپیبان و مستقل سیاسی باقی بمانند. چنین اشتیاقی برای اجتماعات متنوع و فراگیر در توسعه Daceyville در سیدنی بازتاب یافت که حومه‌ای به سنت حومه‌های باغی خوش منظره بود و ساخت آن در سال ۱۹۱۲ آغاز شد. هوسکینز بر اهمیت محله برای ساکنان Daceyville تاکید می‌کند که در افتخار آنها به مدرسه محل، باغهایشان و طبیعت مطیع قانون محله‌شان نمود می‌یابد. «تاکید بر احترام برانگیز بودن و پایداری محله، که اینقدر برای برنامه‌ریزان اهمیت داشت، همچنین بخش عمده‌ای از ادراک ساکنان از خودشان و حومه محل زندگیشان و نیز انتخابهایشان را برای شکل دادن به آن فضا تشکیل می‌داد.

هوسکینز ریشه هویت گیری ساکنان از منطقه و باغهای آنرا «قویاً در برداشت مثبت از هویت احترام برانگیز طبقه کارگر در حومه‌های شهری می‌بیند.»

### محله گرایی

احیای مفهوم محله به خصوص در ایالات متحده به واسطه تنوع روز افزون جامعه ای که ارزشهای مشترک چندانی نداشت، و افول نقش دولت به عنوان پیوند زنده مردم در زندگی عادی، تسریع شد. به شکلی تناقض‌آمیز، این کاهش نقش دولت، به دلیل اینکه افراد به دنبال ایمنی و جلب حمایت افراد دارای ارزشهای مشترک یا جایگاه مشترک با خود بودند، موجب شکلگیری اجتماعات و محله‌ها شد. چنانکه اتریونی دریافته، این اشتراک، مرزهایی را بین اعضا و افراد غیر عضو در اجتماعات پدید آورد و زمینه ساز کشمکش میان اجتماعات مختلف شد. او عنوان می‌کند که اعضای یک اجتماع ضرورتاً باید برای خیر عمومی اجتماع خود تلاش کنند. اما چنانچه قیود پیش رو برای انجام چنین کاری بیش از حد زیاد باشند، اعضا عصبان خواهند نمود. جامعه معاصر موجب نیاز به اجتماعاتی معتبر و قابل اعتماد، تکامل یافته و پاسخگو در برابر نیازهای اعضای خود است. در یک تعادل دقیق اجتماع، اعضا از امنیت و حمایت هم‌گروهی‌های خود بهره‌مند می‌شوند و قادر به اعمال خودمختاری خویش هستند: «... اگر جامعه حقوق فردی بیش از حد زیادی به افراد بدهد و یا مسئولیتهای اجتماعی بیش از حد زیادی را بر اعضای خود تحمیل کند، زمانی فرا خواهد رسید که تعادلی نابرابر در آن شکل می‌گیرد. این حالت مثلاً زمانی ممکن است پیش بیاید که در اثر اعطای حقوق قانونی بیش از اندازه به مردم، افراد به جای حل کردن اختلافاتشان با هم از طریق مذاکره، چانه زنی و وساطت، به مراجعه به دادگاه روی بیاورند.»

آیریس ماریون یانگ مفهوم محله گرایانه اجتماع را رد می‌کند و ادعاهای محله‌گرایانه مبنی بر سرد و غیر صمیمی و بیگانه کننده و دیوان سالارانه و غیر قابل اعتماد بودن نظم اجتماعی موجود و ضرورت جایگزینی آن با روابط صمیمانه، قابل اعتماد و مبتنی بر مکان را زیر سوال می‌برد. یانگ چنین مفاهیمی از اجتماع را از طرفی موجب شکلگیری اجتماعاتی برچسب خورده و مورد سوء استفاده قرار گرفته و از طرف دیگر موجب اجتماعاتی بسته و تبعیض آمیز می‌داند. او می‌گوید «زندگی شهری ترکیبی از گروههای مختلف مردم است که با هم پیوستگی و خویشاوندی سببی دارند و عبارتند از خانواده

ها، گروههای اجتماعی، شبکه‌ها، سازمانهای داوطلبانه، شبکه‌های همسایگی و مجموعه ای گسترده از «اجتماعات» کوچک.»

مفهوم روابط دارای همپوشانی انبوه‌های اجتماعی در اندیشه‌های دورکیم، زیمل و فیشر نیز چنانکه ذکر شد بازتاب داشته و به لحاظ تاریخی و عملی نماینده دیدگاهی واقع بینانه‌تر درباره منشاء شکلگیری اجتماع است. امروزه تمرکز مهاجران، نوسازی محلات قدیمی مرکز شهر، آرزوهای مربوط به سبک زندگی و هویت مصرفی، شهری چندپارچه‌تر و مبتنی بر مصرف ایجاد کرده است. این روابط همچنین منبع بزرگی برای هویت محلی و تحکیم آن، هویت‌یابی فضایی، تولید اشتغال محلی و نوعی هویت مشترک که ایجاد کننده شبکه‌های محلی است بوده‌اند.

### طرد و جذب

مفاهیم محله و سکونتگاه، حول فرآیندهای طرد و جذب به وجود آمده‌اند. تعلق، جنبه اصلی مفهوم محله است و خود، موضوع شناسایی گروههای درونی و بیرونی را پیش می‌کشد. ابزاری که این شناسایی به وسیله آن انجام می‌شود معمولاً بسیار ظریف و همراه تصورات و استعارات است. این ابزار در هر سه سطح اجتماعی، خانوادگی و فردی عمل می‌کند و حول اشتیاق برای بی‌نقص بودن و تعریف «نقص داشتن» چرخ می‌زند. چنین عناصری از نقصان را به زبانی اجتماعی می‌توان معلولین، روسپیان و افراد بی‌خانمان دانست. این گروهها در بر دارنده ترس ساکنان متوسط شهر از ناتوانی در دستیابی به اهداف یک شهروند ناب است. تصاویر شهر نشینی ما را با مجموعه ثابتی از نشانه‌ها و استعاره‌ها که راهنمای طرز فکر و رفتارمان هستند مواجه می‌کند. این استعاره‌ها در اعمال و صورتهای شهری که مشخص کننده تقسیمات اجتماعی، طبقاتی و منزلتی در جامعه معاصر هستند، نمود می‌یابند. تقسیمات معمولاً رده بندیهای پنهان در ذهن و عمل ما هستند اما در شرایط تهدید و کشمکش برانگیخته می‌شوند. مثلاً:

- در جایی که احتمال اجرای یک پروژه ساخت و ساز عمومی وجود دارد
- در جایی که احتمال اسکان پناه جویان در محل زندگی فرد وجود دارد
- در جایی که پیش بینی می‌شود در محل سکونت فرد میهمانی یا کنسرت برگزار شود

مکانها با گروهها مربوط می‌شوند و این ارتباط ریشه در استفاده دیرینه از استعارات برای مشخص کردن شیوه‌های قابل پذیرش و غیر قابل پذیرش رفتار دارد.

در جامعه معاصر آنچه‌ان که فوکو نیز می‌گوید، از طریق اعمال دولت و قانون‌گذاری، آگاهی مسووت تری درباره تجاوزهای فضا به دست می‌آوریم. بنا به نظر سیبلی، تبلیغات یکی از عوامل برانگیزاننده این پیش داورها هستند. خانه بدل به مکانی می‌شود که در آن مادران فرزندان شیطان خود را آرام می‌کنند و ترسهای دنیای بیرون را پشت در خانه باقی نگه می‌دارند. فضاهای عمومی مکانهای ترس و اضطراب هستند. حیات مدرسه تفریگاه شیطان است و جایگاه مقدس خانه، مکانی برای رستگاری. مادران عبوس در خانه مترصد فرصتی برای پیرایش فرزندان خود و اعاده پاکدامنی آنها هستند.

این تمایزات در هر دو سطح عمومی و خصوصی در طول تاریخ شهر ریشه دوانده و گسترده شده‌اند. جنبشهای برتری طلبی نژادی

مختلفی تقسیم می‌شد که دارای درجات متفاوتی از توسعه بودند و بین آنها انسان در بالاترین رده قرار داشت. تصورات و ترسهای مرتبط با این تصورات قالبی از عصر استعمار به بعد به ترسها و تصورات قالبی شهر بدل شدند. آنچه در تصور می‌گنجید، اینک در قالب برجسب زنی، طرد و انکار پیشه و مسکن افراد، جامه حقیقت پوشیده بود. مکانهای کمی وجود دارند که بیش از حومه‌های شهری طرد کننده باشند. تلاش برای همگون سازی، گام تکرار شونده موسیقی حومه‌هاست. اما در زیر پوسته رضایت حومه نشینان، از طرفی شاهد رکود و افسردگی و از طرف دیگر شاهد احساس نا امنی و آرزومندی هستیم - گویی اینجا و آنجا جهان‌هایی وجود دارند که باید شناسایی شوند. هر فرد حومه نشین یک کاوشگر نا امید است. تصور ما از جهان حول شناسایی آنهاست که به گروه ما تعلق دارند و آنها که ندارند دور می‌زند.

### زمان و فضا در حومه های شهری

بنا به گفته کراس، اولین منادی حرکت از جامعه تولیدی به جامعه مصرفی، حومه های شهری بودند. حومه ها نه تنها سازمانی فضایی و اجتماعی بلکه در عین حال سازمانی گذرا و فانی هم هستند. زمان و مصرف جنبه های بنیادی حیات حومه های شهری هستند. زندگی در تعطیلات و حضور در مراکز خرید، تجربه هایی هستند که زندگی در حومه شهرها را ارزشمند می‌سازند. مبنای توسعه حومه های شهری پس از جنگ، دوران طولانی رونق اقتصادی و صنعتی سازی به روش فوردی بود. این قاعده ۵ روز کار در هفته به مدت چهل ساعت بود که موجب پیشرفت و موفقیت حومه‌های شهری شد. خانواده هسته ای و نظم اخلاقی خانواده، پایه اصلی حومه ها بود. این وضع به طور خاص بر اثر تجربه زنان از دوران رکود بزرگ و جنگ جهانی دوم و آرزوی آنها برای داشتن مجدد مردانی حامی، تشدید گردید. سازمان هسته ای جدید خانواده از اهمیت نزدیکی به دوستان و خویشاوندان در برابر مالکیت خانه به عنوان عامل رضایتمندی کاست.

افول اجتماعات کار و ظهور خانه به عنوان نماد تمدن و رضایتمندی به شکل جدیدی از حیات اجتماعی شکل داد. مردم تحت حکومت زمان و فضا بودند. آنها حتی در دوران بیکاری هم فراغت خود را در

و گروهی موجب رشد شهرک‌سازی شدند و حاشیه‌های فقیر شهری را آشکارا با زوال فیزیکی و اخلاقی ساکنان آنها و به خصوص کودکان ارتباط دادند. چنین فلسفه ای بود که مهندسی اجتماعی را برای جلوگیری از بازتولید حاشیه‌نشینی از سوی و بهبود وضعیت زندگی حاشیه‌نشینان از سوی دیگر مورد حمایت قرار داد. و اصول آن در برنامه‌ریزی و منطقه‌بندی شهرها گنجانده شدند. به عنوان مثال مانع‌گذاری و مرز بندی میان مسکن عمومی و خصوصی که رسانه‌های نوین در نشان دادن تصویر شهر به آن دامن می‌زنند، از این گونه است. جدایی بنیادی بین شهر و کنترل اجتماعی، حول مفاهیم سلامت بهداشتی، اجتماعی و کالبدی شکل گرفته است؛ امروز در رابطه با ایدز و در قرن نوزدهم در رابطه با بیماریهایی چون وبا. شهرها در آلمان به عنوان تهدید درک می‌شدند و منطقه بندی شهر عامل تحکیم تقسیمات طبقاتی و موجب گسترش انتخابهای زندگی ساکنان شناخته می‌شد. چنین نظارت عمومی اجتماعی و برجسب زنی‌هایی موجب شکلگیری مباحثاتی حول مساله مکانیابی اجتماعی برای ریشه کنی فقر و مکانیابی مجدد فقرا شد. تصور قوام بخش این جدال برجسپهایی بود که بر تهیدستان و اقلیتهای قومی ساکن مناطق حاشیه‌ای زده می‌شد. تصویر آنها تصویر انسانهایی کثیف، نجس و شهوت‌باز بود که تقسیمی آشکارا طبقاتی به شمار می‌آمد. زاغه نشینها مناطق وحشی و خشن سرشار از شهوت و بی بندوباری تصویر می‌شدند. تعلق خاطر داشتن یک مساله مرتبط با امنیت است - امنیت هستی شناختی و امنیت فرد - و جنسیت یک موضوع محوری در بحث امنیت قلمداد می‌شود. ایده اعطای گواهینامه جنسی و تعیین نواحی که این گواهینامه در آنها اعتبار دارد، برای حومه و فرد حومه‌نشین شهری آزار دهنده است. کاراکترهای جدید شخصیتی - مرد طلاق گرفته، زوج همجنس‌ساز و خانه مختلط - پایداری واحد همسایگی را تهدید می‌کند.

چنین تقسیم بندی‌هایی به زمان آغاز شکلگیری شهرها با می‌گردد اما ما امروزه شیوه‌های افتراق‌افکنی خود را تغییر داده‌ایم. مدل‌های قالبی نژادی و جنسی، بخشی از فرآیند طرد هستند. چنانکه جکسون ابراز می‌دارد، در سطحی از شهرنشینی شاهد ترجمانی از یک استعاره اسطوره‌ای و جهانی هستیم. جهان به طور تاریخی به نژادهای





مسائلی مانند فقر، اغتشاش اجتماعی، جنایت و ضعف زیرساختها را بر طرف کنند ایجاد نمی‌شود. چنین تلاشهایی نباید لزوماً نام محله‌های دروازه دار را به خود بگیرند.

### سرمایه اجتماعی و شبکه‌ها

میل به جایگزینی دخالت‌های در حال زوال دولت با تولید سرمایه اجتماعی محلی، رابطه بسیار نزدیکی با افزایش توجه به محله و محله‌گرایی در توسعه شهری دارد.

سرمایه اجتماعی موجد خوشبختی اقتصادی در سطح محلی است. کشف این موضوع توسط پوتنام، فوکویاما، کلمن و سایر دانشمندان علوم اجتماعی مشروعیت تازه‌ای به آنچه که فعالان عرصه توسعه اقتصادی محله‌ای برای

سالها از آن آگاه بودند بخشیده است: سطح اعتماد بین افراد، درگیر شدن در فعالیتهای مدنی و قابلیت‌های سازمانی در محله از اهمیت برخوردار است. تحقیقات آنها نشان می‌دهد که کمبود یا زوال سرمایه اجتماعی در سراسر جهان نشانه بیماری روانی، اقتصادی و روحی محله است.

(ویلسون ۱۹۹۷: ۷۴۵)

زوال دولت رفاه در بخش دوم قرن بیستم موجب احیای توجه به محله و محله‌گرایی گردیده است. اعتقاد به اینکه دولت مداخله‌جو در آینده با شبکه‌های اجتماعی و محلات به عنوان منبع توسعه اجتماعی و حمایت جایگزین خواهد شد، در اندیشه سرمایه اجتماعی بازتاب می‌یابد. عده‌ای بر این اعتقادند که پذیرش زوال دولت و نیاز به خود حمایتی و ایجاد محله‌های بسته، دستور العملی برای تشدید نابرابری و احیای محافظه‌کار است. این راهبرد مشوق افرادی است که هم اینک نیز منابعی را در اختیار دارند که به ایشان امکان بقا و حتی پیشرفت در غیاب دولت عامگرا را می‌دهد.

### جنبش نوشهرسازی

مردم پسندترین جنبش معاصر طراحی حومه‌ها، شکل نوشهری یا نوشتنی برنامه‌ریزی و معماریست. این شکل از طراحی هم‌راستا با مفهوم محله در مناطق دارای طرح جامع و مکتب محله‌گرایست. نو شهرنشینی عنوان می‌دارد که شکل فعلی شهرهای ما باید تغییر کند و تقسیمات یکنواخت حومه‌های شهری باید با سلسله مراتبی از واحدهای همسایگی پیاده که در یک دهکده به هم متصل و سپس در یک شهرک یا مرکز شهری از طریق یک شریان اصلی و حمل‌ونقل عمومی به یکدیگر می‌رسند، جایگزین شوند. این شکل جدید شهری، شاهد یک نوع حیات فرهنگی متغییر ناشی از نواحی تجاری مناطق حومه‌نشین خواهد بود. این شکل مولد واحدهای همسایگی خواهد بود که عرضه‌کننده سبک زندگی متمرکز پیاده با فضاهای عمومی و مشترک برای ملاقات، فراغت و دسترسی پیاده به امکانات محلی فراغتی، شهری و خرده‌فروشی هستند.



خارج از ساعات کار دنبال می‌کردند.

تمایز میان هفته کاری و تعطیلات آخر هفته در راستای تقطیع زمان اتفاق افتاد. خانه به مکانی بدل گشت که فرد شخصیت خود را در آنجا به نمایش می‌گذاشت: ترکیب رنگهای مورد علاقه، اموال فرد و اجتماع او. مصرف ابزاری شد که افراد با آن هویت و تفاوت خود را با دیگران ابراز می‌کردند.

تنها زنان کمی شاغل بودند و پدر به چهره غایب همیشه در راه خانه تبدیل شد. سریال‌های تلوزیونی در دهه ۶۰ و دهه ۱۹۹۰ بر تقویت نقش پدر در خانه تاکید داشتند. تمامی فضایل جامعه معاصر، پاکیزگی، نظم و باغهای حومه‌های روستایی در حومه نشینی گرد هم جمع شده بودند. تعطیلات آخر هفته زمان تولید مثل و خانواده بود. گرچه این سبک زندگی به طبقه متوسط نسبت داده می‌شد، حضور جامعه توده‌ای در بیلاقات اطراف شهر در آخر هفته آرزوی طبقه کارگر نیز بود. این سبک زندگی در استرالیا، ایالات متحده و انگلستان در دسترس همه قرار گرفته بود. شهر عابر جای خود را به شهر خودرو، حومه‌های مصرف‌گرا و فضای تعطیلات آخر هفته داد. حالا دیگر اشتغال زن و مرد بیرون از خانه پیش نیاز تملک خانه شخصی بود. با ورود زنان به بازار کار و عدم محدودیت ساعات کار هفتگی، شاهد بازگشتی به مرکز شهر از طرف حومه‌ها هستیم.

### محله‌های دروازه دار (محافظت شده)

بالکلی و اسنایدر معتقدند که پدیده حصارکشی و دروازه گذاری محله، راه حلی موقتی برای مناطق مساله دار است و در صورت شیوع زیاد مشکلات خارج از فضای محله، (که این موانع در صدد طرد آنها هستند)، محله ناگزیر با آنها روبرو خواهد شد. هنگامی که محلی‌ای به این نتیجه می‌رسد که نباید مشکلات جامعه بیرون را مشکل خود بداند، راه حل ساختن محله دروازه دار و محافظت شده، شیوه‌ای خرسند کننده به نظر می‌رسد. این موضوع در رابطه با رویکرد مردم به محله و محله‌گرایی موجب نگرانیست. مساله‌ای که وجود دارد، ظهور محله‌های ثروتمند خودخوانده به صورت جزیره‌هایی در دریای فقر و آشفتگی عمومیت. با این حال مشکل تقسیمات اجتماعی به خودی خود بر اثر تلاشهای واحدهای همسایگی که می‌کوشند



این چشم انداز است که شهرسازی جدید برای شهر خوب ارائه می‌کند. پیتر کالورپ، یکی از پیشکسوتان جنبش نوشهری، معتقد است که فضاها باید با هدف تنوع، در مقیاس پیاده، فضاهای عمومی و واحدهای بسته همسایگی طراحی شوند؛ همچنین طراحی منطقه‌ای نیز باید مکمل این اصول باشد.

این جنبش پیش روی خود با تمام مشکلات امروزی که شهرهای ما را احاطه کرده اند، روبروست: مشکلات ناشی از پراکندگی جمعیت، جرم و جنایت، تنزل کیفیت محیط زیست و بیگانه سازی. این شیوه مدلی از طراحیست که به موضوعات خوانا بودن محیط، تعاملات متقابل انسانی، مسکن قابل استطاعت، دسترسی، توسعه پایدار و اشتغال توجه می‌کند. هدف ایجاد نوعی واحد همسایگیست که عابر پسند باشد و اختلاط کاربری را با اختلاط سبکها و استانداردهای اسکان و گروههای مختلف درآمدی ترکیب کند. چنین طراحی برای بازایی پیوندهای میان مردم و نهادهای فرهنگی و تجاری خویش فضایی فراهم می‌کند. این شیوه احیای سنت رماتیک برنامه‌ریزی محله ایست که در کارهای گدس، المستد، پارکر، آنوین و البته ابنزر هوارد منعکس بود. سیاستی که در جریان برنامه‌های اسکان انبوه پس از جنگ به فراموشی سپرده شده بود.

منتقدین سنت نو شهرسازی عنوان می‌کنند که این جنبش دیدگاهی بسیار گزینشی درباره محله دارد؛ آرزوهای این شیوه برای مفهوم محله بسیار تحسین برانگیز است اما مفاهیم مرتبط با طراحی معطوف به یک گروه نخبگان ثروتمند است و نه موضوع عدالت اجتماعی. البته این درست است که این مفهوم هم باید مانند سایر مفاهیم معماری، طراحی و برنامه‌ریزی دارای قابلیت تحقق پذیری اقتصادی باشد، اما هدف این جنبش ایجاد محله‌های به لحاظ اجتماعی نامتجانس و غیر یکدست است. نو شهرسازان دریافته اند که راه حل ترسهای فراگیر مردم نه ساختن دیوارهای بلند و مراقبت بیشتر، بلکه خلق محیطی است که اعتماد، تعامل و آزادی حرکت ایجاد کند.

## نتیجه گیری

پیش از نقدهای مکتبه‌های فرانکفورت و پست مدرن، سخن تونیس درباره محله در یکی از سخنرانیهایش، نقد تلویحی پروژه نوگرایی بود. محله همواره وعده درمان بیماریهای شهرنشینی و نظم عقلانی ابزار مدرن را داده است. در زیر این وعده جستجویی برای نظم هنجاری مشترک و گریز از بی هنجاری و گمنامی عاری از عاطفه شهر نهفته است. علیرغم این واقعیت که دوگانه گمیشافت-گزلشافت یک گونه آرمانیست، جستجوی محله هم به لحاظ نظری و هم از دید آرزوهای عامیانه مردم از قابلیت انطاف بالایی برخوردار بوده است. وعده محله، از ابتدا و در قرن نوزدهم موجب تقویت و تسریع توسعه پروژه‌های مسکونی به لحاظ اجتماعی همگون در حومه‌های شهری شده است و همچنین در فروش عمومی املاک طرحهای جامع در حومه‌های شهری امروزی نیز نقشی قوی ایفا کرده است.

آرزوهای ابنزر هوارد و شهرکهای جدید پس از جنگ، با هدف اسکان جامعه ای کمتر متجانس ایجاد شدند و مقیاس شهری این پروژه ها این موضوع را ممکن کرد. امروزه جنبش نوشهرسازی اندیشه اختلاط اجتماعی از طریق طراحی را دنیای می‌کند که برای دوام، تنوع اجتماعی و مردم‌شناختی را در کنار یکدیگر امکانپذیر سازد.

اندیشه محله مورد انتقاد آندسته از عامگرایانی قرار گرفته که آنرا از نظر اجتماعی تفرقه افکن می‌دانند. همچنین نقد دیگری بر شهرسازی نوین وارد است که آنرا سرپوشی از جنس تنوع برای پوشاندن چشم‌اندازهای دلپذیر زیبایی شناختی طرد اجتماعی می‌داند. طراحی به روش نوشهرسازی در حال شکوفاشدن است و خریداران آینده، به جستجوی محله ادامه می‌دهند. مفاهیم اندکی در نظریه اجتماعی وجود دارند که به خوبی محله، شهر، خود و جامعه را به یکدیگر پیوند دهند. محله وعده احیای آن پیوندی را می‌دهد که افراد را به واحدهای اجتماعی که بر اثر شهرنشینی و نوگرایی در حال زوال و فرسایش هستند، متصل می‌کند.

وعده مشابهی از تناسب و خیر پیوند میان فرد و سازمان اجتماعی در پشت اندیشه حومه نشینی نهفته است. عمل اجتماعی، جنسیت و زمان و مکان در حومه‌های شهری موجب تقویت رشد شکل به خصوصی از خود اجتماعی می‌شود.

رویه تاریک محله و حومه نشینی، توان بالقوه طرد توسط آنهاست. نظریه خرده فرهنگها و اندیشه‌های دورکیم هر دو به ضرورت و اجتناب ناپذیری وجود گروه‌بندیهای واسط میان خود و اجتماع بزرگتر بیرون تاکید دارند. چنین گروههایی مثل خانواده، قابلیت توسعه استانداردهای اخلاقی، حمایتی دوجانبه، روابط مبتنی بر اعتماد و امنیت هستی شناختی را فراهم می‌کنند. از چنین گروههای حمایتیست که شهروندان دارای اعتماد به نفس قادر به درگیر شدن در روابط تولید در نظم گسترده تر اجتماعی می‌شوند. در طرف مقابل این گروهها ممکن است باعث به وجود آمدن نوعی نظام ارزشی و برداشتی از خود شوند که احتمال درگیر شدن در نظم اجتماعی گسترده تر را محدود می‌کند. میزان سرمایه اجتماعی انباشته شده توسط افراد در اجتماعات و شبکه‌های اجتماعی، معیاری برای قابلیت آنها در احساس رضایت در جامعه است.

دولتها در حال دور شدن از تعاملات مستقیم و عامگرایانه هستند. در چنین شرایطی ایجاد سرمایه اجتماعی امکانی برای هدایت حمایت اجتماعی به سمت مناطق و سازمانهایی است که بازتاب دهنده انتخابها و آرزوهای افراد برای کسب رضایت هستند. با این وجود اگر بپذیریم که سرمایه اجتماعی تا حد زیادی بازتابی از ثروت اقتصادی افراد است، حمایت دولت از ایجاد آن موجب تقویت مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی صاحبان ثروت و قدرت خواهد شد.

این مقاله ترجمه و تلخیصی است از فصل سوم کتاب:

Urban social Theory: City, Self, and society, Oxford University Press, Oxford, December, 2003



# اعتماد، شهروندان و مدیریت شهری

گفتگو با علی اصغر محکی

علی اصغر محکی (متولد ۱۳۴۲ مشهد)

دانش آموخته کارشناسی علوم اجتماعی، کارشناسی ارشد و دکتری علوم ارتباطات از دانشگاه علامه طباطبائی تهران؛ پژوهشگر و مدرس دانشگاه؛ مدیرکل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران؛ عضو هیات مدیره انجمن علمی مدیریت اطلاعات ایران؛ سردبیر و مدیرمسئول سابق روزنامه همشهری.

سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از پیش شرطهای لازم برای توسعه شهری دارای عناصری چون اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، آگاهی اجتماعی و درجه دینداری است که میزان هر یک از این مولفه‌ها در جوامع مختلف متفاوت است. سرمایه اجتماعی در جامعه ایجاد همبستگی می‌کند و کیفیت روابط اجتماعی و طراوت و بالندگی آن در گرو همین سرمایه است. وجود سرمایه اجتماعی جامعه را سالمتر، توانگرتر و شاید با تدبیرتر و شکیباتر می‌سازد. این سرمایه در اشکال مختلف درون گروهی و درون محله‌ای و نیز بین گروهی و فرامحله‌ای نمود عینی پیدا می‌کند.

**تربیبا** سرمایه اجتماعی در یک شهر یا کشور اسلامی چه مصادیقی را شامل می‌شود و اساساً مؤلفه‌ها و آرمان‌های دینی و مذهبی چه نقشی در پیدایش سرمایه اجتماعی ایفا می‌کنند؟

سرمایه اجتماعی، که در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، مورد توجه اندیشمندان اجتماعی است، در واقع بعد معنوی و اجتماعی یک جامعه، و میراثی تاریخی است که باز نمود آن را می‌توان در همکاری، مشارکت و تعاملات اجتماعی دید.

مهمترین سرمایه‌های اجتماعی در یک شهر اسلامی، عبارتند از همبستگی و وحدت برآمده از اخلاق و معنویات و باورهای عمیق دینی، اعتماد متقابل میان شهروندان با یکدیگر و با مدیران جامعه، رضایت از زیست در فضای شهر اسلامی، و سطح بالای مشارکت داوطلبانه و هدفمند در امور اجتماعی.

سرمایه اجتماعی مهمترین سرمایه جامعه در رویایی با تغییرات اجتماعی است که کمک می‌کند جامعه بتواند معضلات و آسیب‌های اجتماعی را به نحوی منطقی مدیریت کند و پیشرفت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در مسیر درست تضمین کند.

سرمایه اجتماعی در یک شهر اسلامی، به منزله یک ثروت غیرمادی، زمینه ساز بهره برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی است. این سرمایه اجتماعی است که سرمایه‌های انسانی و اقتصادی را در جهت اقدامات مفید و هدفمندی سوق می‌دهد.

پژوهشگران در دهه‌های معاصر، سرمایه اجتماعی را در سطوح خانواده، نهادهای آموزشی و همسالان مورد بررسی قرار داده و به نتیجه

رسیده‌اند که کاهش آسیب‌ها و زیان‌های رفتارهای پرخطر در سطح فردی و اجتماعی، پیشگیری مناسب‌ترین استراتژی است و در قلب این استراتژی، سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد.

**تربیبا** به باور اغلب صاحب‌نظران، سرمایه اجتماعی شالوده‌ی جامعه‌ی مدنی است، با چنین فرضی، آیا زمینه‌های تبلور این موضوع در بستر اجتماعی شهری مانند تهران وجود دارد؟

گرچه تئوریزه کردن مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی، در متون ادبیات دانش نوین اجتماعی صورت گرفته است، اما مفاهیم مربوط به آن در متون اسلامی ریشه دارد. توصیه‌های مکتبی و آموزه‌های دینی ما در قالب آیات و روایات متعدد، در هنگام بحث راجع به ویژگی‌های امت اسلامی و مختصات مدینه فاضله، اشاره به مفاهیم وحدت، همدلی، اعتماد، مشارکت، حسن روابط، تفاهم و تعامل دارند. بنابراین درست نیست که خاستگاه موضوع سرمایه اجتماعی را ادبیات علوم نوین بدانیم و از ریشه‌های دینی و مکتبی مرتبط با موضوع غافل شویم. به همین دلیل جا دارد زمینه‌های تبلور این موضوع را در بستر اجتماعی شهرهای اسلامی جستار کرده و سیاست‌ها و اقدامات اجتماعی و فرهنگی را در حول تقویت سرمایه‌های اجتماعی، با بهره‌گیری از مضامین دینی و اسلامی جهت‌گیری نماییم.

با توجه به تعلق خاطر شهروندان به مبانی دینی، از این ظرفیت می‌توان در جهت تقویت سرمایه اجتماعی شهر نهایت بهره را برد.

**تربیبا** اگر ریشه‌ی استفاده از اصطلاح حکمرانی خوب را به ادوار باستانی آن یعنی ادبیات آرمان‌شهری بازنگردانیم،

از دهه‌ی پایانی قرن بیستم این مفهوم به طور گسترده تبیین و استفاده شد. در تعریفی که از این اصطلاح ارائه شده، حکمرانی به پویایی‌ها یا فرآیندهای تصمیم‌گیری، چگونگی اعمال قدرت و تعامل‌های دولت و شهروندان یا افراد و گروه‌ها اشاره دارد. همچنین وجود شوراهای شهری یا حکومت‌های محلی، نخستین گام در زمینه‌ی تحقق حکمرانی خوب است. حال پرسش اینجاست که برای تعامل صحیح شهروندان و جامعه مدنی و انجمن‌های اجتماعی و سیاسی با حکومت - به صورت خاص در مدیریت شهری - چه الگوی کارآمدی باید ارائه نمود تا حکمرانی خوب در عرصه‌ی مدیریتی محقق گردد؟

من باز هم تاکید می‌کنم که تئوریزه شدن الگوهایی نظیر حکمرانی خوب در مدل‌های مدیریتی جدید، اصلاً به معنای این نیست که مبانی و مفروضات این مدل‌ها را در تعارض با اصول مدیریتی مورد تاکید اسلام ببینیم. الگوی حکمرانی خوب شهری، بر هشت اصل استوار است و تأمل در متون اسلامی نشان می‌دهد که این هشت اصل یا قبلاً در دین مبین اسلام مورد تأیید (ضمنی یا تصریحی) بوده و یا این که لااقل در باره آن سخن مخالف و مغایر با مبانی دینی وجود ندارد. این هشت اصل عبارتند از: حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، اجماع، برابری، کارآمدی و اثربخشی، و نگاه راهبردی و جامع داشتن. در الگوی مورد نظر ما در حکمروایی خوب شهری، حاکمیت قانون حتماً باید به عنوان یک اصل اساسی مدنظر باشد. وقتی چارچوب‌های قانونی بر مبنای اصول اسلامی و بر مبنای انصاف وضع شده باشد و به صورت بی‌طرفانه‌ای اعمال شود، گام اول در جهت تحقق حکمروایی خوب برداشته می‌شود. در مورد «شفافیت»، آموزه‌های دینی ما نیز بر این امر صحنه می‌گذارند که نباید پنهان کاری و تحریف واقعیات، منجر به شکل‌گیری رانت و روابط ناسالم اداری و سازمانی شود. لذا جریان آزاد و کافی اطلاعات برای شناختن منافع و پایش تضمین منافع عمومی، موجب تضمین سلامت نظام اداری و سازمانی می‌شود و بنابراین مورد تأیید و تاکید اندیشمندان و علما نیز می‌باشد. در خصوص «پاسخگویی» نیز باید گفت که نهادهای و فرایندهای بایستی در خدمت همه‌ی ذینفعان بوده و مسئولان در برابر منافع شهروندان پاسخگو باشند.

اصل «اجماع» نیز بر این فرض استوار است که اگر مدیریت‌ها به سمت حصول اجماع نسبی پیش بروند، نتایج منصفانه‌تری حاصل می‌شود و قاعده انصاف، یک اصل مترقی اسلامی است. در باره اصل «برابری» هم باید دانست که فرصت‌های برابر شهروندان برای تعالی، بهبود سطح زندگی، سلامت و رفاه، موجب پیشرفت امور می‌شود و بر مبنای تاکید دین مبین اسلام بر عدالت، جا دارد توجه مدیریت شهری بر روی توزیع متوازن و متعادل و منصفانه امکانات، خدمات و ظرفیت‌ها متمرکز باشد که بحمدالله عملکرد این دوره شهرداری تهران موجب کاهش فاصله شمال با جنوب شهر و شرق با غرب شهر تهران شده است. از سوی دیگر وقتی صحبت از کارآمدی و اثربخشی در الگوی حکمرانی خوب شهری می‌شود، می‌خواهیم بر این نکته تاکید کنیم که نهادهای و فرایندهای مدیریت شهری باید خروجی‌هایی را تولید کنند که نیاز مشروع شهروندان و گروه‌های شهروندان را برطرف کند و استفاده‌ی پایدار و مؤثر از منابع داشته باشد. در نهایت وقتی در الگوی مورد نظر، بحث «نگاه راهبردی» پیش کشیده می‌شود، بدین معناست که اگر نگاه، راهبردی نباشد، منافع کوتاه‌مدت بر منافع بلندمدت غلبه می‌کند، و فرهنگ، جامعه، محیط زیست و خیلی عناصر دیگر قربانی

می‌شوند و شرایط شکل‌گیری پیوند در درازمدت حاصل نمی‌شود. **نزدیکی** به رسمیت شناختن گروه‌ها و انجمن‌های مردم‌نهاد، پیش‌شرط هرگونه نقش‌آفرینی این تشکلهای به منزله‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در عرصه‌ی مدیریتی است. از سوی دیگر، سیاست‌گذاری اجتماعی، امری دولتی - مدیریتی است که حاصل آن، حضور و اعمال نظر مردم در مدیریت است. با این فرض، نقش اصلی در تقویت حضور سرمایه‌های اجتماعی در مدیریت شهری به تشکلهای مردمی وابسته است یا سیاست‌های حاکمیتی؟

در یک نظام مردمسالار دینی، بین تقویت حضور سازمان یافته مردم و سیاست‌های حاکمیتی، نه تنها تعارضی وجود ندارد که این دو مکمل یکدیگرند. بدین صورت که سیاست‌گذاری حکومتی، با پذیرفتن اهمیت اصل حضور و مشارکت مردم در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی و شهری، زمینه‌های شکل‌گیری این تشکلهای را تقویت می‌کند و بستر لازم را برای نقش‌آفرینی فعال و هدفمند گروه‌های اجتماعی فراهم می‌سازد و شهروندان نیز با آگاهی و درک اهمیت حضور مسئولانه‌شان در عرصه‌های مختلف‌فریال یاریگر سازمان‌ها و نهادهای عمومی و حاکمیتی در انجام بهتر وظایف‌شان می‌شوند. به طور مثال، در شهرداری تهران، با توجه به تاکید شهردار محترم آقای قالیباف، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مردم نهاد در قالب سراهای محلی و به شکل جشنواره‌های مردمی و کانون‌های فعالیت محلی، شکل گرفته‌اند و نمونه‌ای موفق از تعامل حوزه سیاستگذار و حوزه اجرا و نظارت را به نمایش گذارده‌اند.

**نزدیکی** به باور صاحب‌نظران، سیمای شهر گویای فرهنگ و نگرش افراد آن جامعه است بر این مبنا، زیباسازی به عنوان مؤلفه‌ای اساسی در برقراری عدالت اجتماعی در شهر و ربط وثیق آن با مسایل و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، مدنی و نظایر آن، آرام آرام به مسأله‌ای مهم در تمام شهرهای کوچک و بزرگ جهان بدل شده است. در این میان، فعالان فرهنگی، انجمن‌ها و نهادهای مردمی، به عنوان حامیان و مروجان فرهنگ عمومی و ارزش‌های مورد قبول جامعه، منتقدان و مدافعان عملکرد نهادهای رسمی در حوزه‌ی زیباسازی و نوسازی بافت‌های شهری هستند. در این عرصه، گاهی اقداماتی با رویکرد توسعه‌ای در مقابل ارزش‌ها و میراث شهر قرار می‌گیرد که ناچار واکنش نهادهای مردمی را برمی‌انگیزد. حال پرسش این است که اساساً سرمایه‌های اجتماعی در فرآیند نوسازی، زیباسازی و به خصوص احیای بافت‌های شهری در تهران یا شهرهای مشابه که دارای کالبد و هویت تاریخی هستند، چه نقشی ایفا می‌کنند؟

یک بخش مهم از سرمایه‌های اجتماعی، کانون‌های حرفه‌ای و تخصصی کارشناسان رشته‌های مختلف هستند که فکر و اندیشه خود را در قالب نقد و نظر به مدیریت شهری ارایه می‌کنند. وجود بسترهای مساعد و فرصت ارایه نقد و نظر کارشناسان در یک فضای دوستانه و تأثیر دادن آرا و نظرات مورد وفاق و اجماع صاحب‌نظران توسط مدیریت شهری، خود یک سرمایه اجتماعی بزرگ و راهگشا تلقی می‌شود. خوشبختانه از این رهگذر اصلاحات زیادی در حوزه‌های زیباسازی منظر و مرای شهر اتفاق افتاده است و گسیختگی‌های برج‌مانده از دوره‌های قبل رفته رفته جای خود را به انسجام و یکپارچگی می‌دهند به نحوی که هویت امروز شهر تهران رفته رفته معنایی نزدیک به اصول و مبانی شهر اسلامی و ایرانی می‌یابد.



# انگارهایی نهان از سرمایه‌ی اجتماعی در گذشته‌ای نه چندان دور

عباس جلالی



اجتماعی - سیاسی را رسانه‌ای می‌کند و پایه‌های سرمایه اجتماعی را شالوده می‌ریزد. تب جمهوریت چندان بالا می‌گیرد که در روز دوم فروردین ۱۳۰۳ خورشیدی جلسه‌ی علنی مجلس شورای ملی برای اعلام جمهوریت تشکیل می‌شود. شمار بسیاری از روحانیان و اصناف در میدان بهارستان گرد می‌آیند. علیه جمهوری و سردار سپه شعار می‌دهند. میان گردآمدگان و نظامیان درگیری می‌شود و جلسه‌ی مجلس بدون تصمیم‌گیری پایان می‌یابد و این پایان تب جمهوری خواهی نیز هست!

روز ۱۱ فروردین ماه سردار سپه برای گفتگو با علما و مجتهدان راهی قم می‌شود و به آنان قول می‌سپارد که فکر جمهوریت را از سر بدر کند. ۱۵ فروردین احمدشاه که در اروپاست تلگرافی سردار سپه را از نخست‌وزیری برکنار می‌کند. سه روز بعد سردار سپه؛ رئیس الوزرا و وزیر جنگ به عنوان تعرض و قهر استعفا می‌دهد. وی قصد خروج از کشور را دارد. فردای آن روز، روزنامه‌ها به هواداری از سردار سپه به مخالفان می‌تازند. از آن جمله است؛ روزنامه‌ی شفق سرخ، شیخ علی دشتی. روز بعد نظامیان در خیابان‌ها رژه می‌روند و تظاهرات نمایی می‌کنند. فرماندهان لشکر تهدید به حمله و یورش می‌نمایند. احمدشاه بناگزیبر سردار سپه را نخست‌وزیر اعلام می‌نماید. کابینه با شتاب تشکیل می‌شود، اما «وزارت معارف» بی‌وزیر می‌ماند. یازدهم اردیبهشت روزنامه‌ی اتحاد اسلام متولد می‌شود. روز آخر ماه اردیبهشت از سوی وزارت جنگ ۱۰ نفر برای آموزش خلبانی به شوروی فرستاده می‌شوند که هم ایشان پس از بازگشت، هسته‌ی اصلی هواپیمایی ایران را می‌سازند. ۱۲ تیرماه میرزاده‌ی عشقی مدیر روزنامه‌ی قرن بیستم به ضرب گلوله از پای در می‌آید. دو روز بعد دوازده نفر از مدیران جراید (روزنامه‌های) پایتخت که مخالف دولت (کابینه‌ی رضاخان سردار رسید) هستند در مجلس شورا (خانه‌ی ملت) تحصن می‌کنند.

تاریخ پیوست سند ۲۲ سرطان [= تیرماه] را نشان می‌دهد که اعتراض اتحادیه‌ی اطبا می‌باید به زمانی پیشتر از این تاریخ بازگردد. با این همه تشکیل جلسه برای رسیدگی به این شکایت صنفی درست درگیر و دار ترورها، تحصن و اعتراض‌ها بوده است. روز ۲۷ تیرماه با کشته شدن کاردار سفارت امریکا در تهران، حکومت نظامی برقرار می‌شود. سردار سپه و دولتش با استیضاح روبه‌رو می‌گردند. در یک چنین آشفتگی و نابسامانی به فضا برای اعتراض‌های صنفی و گروهی نیز بازتر می‌شود، آنهم برای لایه‌ای از دانش‌آموختگان که نقش آنان در بهبود سلامت جامعه انکارناپذیر است.

## بررسی سند

در این سند که گزارش کمیسیون رسیدگی به اعتراض اتحادیه‌ی اطبا [=

گاه مسائل و دیدگاه‌های اجتماعی نوپدید در جامعه‌ی امروز جهانی با واکاوی ژرف، ریشه‌هایی از خود را در تاریخ جامعه‌ی ما نشان می‌دهد که در نگاه نخست هیچ انگاره‌ای از شکل و ساختار آن به چشم نمی‌خورد. سرمایه اجتماعی یکی از این مقوله‌های نوپدید است. حال اگر یکی از تعریف‌های پرشمار درباره‌ی «سرمایه اجتماعی» را بپذیریم که «فعالیت گروهی نشانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی است و خود سرمایه‌ی اجتماعی هم تولیدکننده‌ی مشارکت مدنی و معیاری کلی برای سلامت اجتماعی است.» می‌توان با این دیدگاه به جستجوی اسنادی در گذشته‌ی جامعه‌ی شهری ایرانزمین برخاست و انگاره‌هایی از آن یافت. در راستای چنین کاوشی، سندی را جست‌ایم که «گزارشی از کمیسیون رسیدگی به اعتراض اتحادیه‌ی اطبا نسبت به قانون طبابت» است. این سند کاری گروهی از یک صنف اجتماعی (پزشکان) را نشان می‌دهد که برای بهبود وضعیت بهداشت جامعه مشارکت کرده‌اند تا گامی نو در راه سلامت جامعه بردارند و این خود توانش بزرگ و نهان جامعه را برای خیز به سوی یک بهداشتی و اعتلا در آینده‌ی آن روزگار ایران، نشان می‌دهد.

## گاهشناسی سند

این سند شاید یکی از نخستین اسناد نگاشته با درونمایه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی باشد که به تاریخ ۲۶ برج اسد [= ۱ مرداد ماه] ۱۳۰۳ خورشیدی نوشته شده است. گفتنی است که گاهشماری آمده در این سند، نوپا بوده و در نخست‌وزیری رضاخان رسمیت یافته و هنوز کار بدستان مجالی برای تغییر نام‌های اخترشناسی - پیکره‌های آسمان شب - نداشتند. رضاخان سردار سپه که در کار زمینه‌سازی برای انتقال پادشاهی و قدرت از احمدشاه قاجار (پاد ۱۳۲۷-۱۳۴۴ق) به خودش بوده با فشار تمام سر درپی فرونشاندن گردنکشی‌ها می‌گذارد و برای سامان‌بخشی به کارها به یاری همقطاران، دوستان و هواخواهان نظامی خود به گردشی رزمایشی در پهنه‌های جنوبی کشور دست می‌زند تا ایلات و عشایر جنوب را بی‌جنگ آزار و بی‌سر کرده نماید.

روزهای آغازین این سال (۱۳۰۳خ) با یکی از نایب‌ترین رخداد‌های تاریخ ایران همراه است. پس از سده‌های متمادی سلطنت شاهان، ناگهان ساختار نوینی از فرمانروایی، آنهم از سوی یک نظامی مطرح می‌شود تا حکومت خودکامه‌ی قاجاریان را به «جمهوری» بدل کند و همین خود، سالی پر تب و تاب از کشاکش‌های سیاسی و اجتماعی را پدید می‌آورد. لازمه‌ی رخداد جمهوریت، از یک سو فضای باز در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی است و از دیگر سو نیروهای واپس‌گرای آن روزگار را به میدان می‌کشاند. در این سال اندیشمندی که از فضای مشروطه بیرون آمده‌اند برای نمایش آرمان‌های خود، روزنامه‌هایی چند، چون شفق سرخ، روزنامه‌ی قرن بیستم را منتشر می‌کنند. و همین روند فضای



برگزار گردید و برای آن نظامنامه‌ای نگاشته شد که تا سال‌های پایانی سده ی سیزدهم (۱۲۹۹خ) برپا می‌شد. در سال ۱۳۰۰ با روی کار آمدن رضاخان «وزارت صحیه و امور خیریه» پی‌ریزی شد و چند ماه بعد به «صحیه کل مملکتی» تغییر نام داد.

در تعقیب شکایت هیأت اتحادیه اطباء دیلمه راجع به عدم اجرای قانون طبابت حسب الامر مقام منبع ریاست وزاری عظام کمیسیون در تحت ریاست آقای ادیب‌السلطنه مرکب از نمایندگان وزارت مالیه، داخله، عدلیه [و] معارف با حضور دو نفر نماینده اتحادیه اطباء روز یکشنبه ۲۲ سرطان تشکیل گردید که به اظهارات هیأت اتحادیه اطباء رسیدگی به عمل آید. نمایندگان اتحادیه در باب عدم اجرای قانون طبابت شرحی بیان کردند و به علاوه اظهار داشتند که بعضی از مواد آن هم سوء استعمال شده است. بنابراین تیبلاً مواد قانون قرائت شد و آقایان نمایندگان اتحادیه اعتراضات خود را به شرح ذیل تقریر نمودند:

یکی از اعتراضات نمایندگان مربوط به ماده (۲) قانون بود که اظهار می‌داشتند نسبت به صدور اجازه طبابت به اشخاصی که باید مطابق قانون دارای دیپلم دولتی باشند از طرف وزارت معارف مراعات قانون نشده است.

در ماده (۱۲) اعتراض داشتند که در جلوگیری از نسخه رمز اطباء اقدام نشده است. پس از استماع اعتراضات نمایندگان اتحادیه و تبادل پاره‌ای مذاکرات مقدماتی نسبت به ماده (۵) از طرف نماینده وزارت معارف اظهار گردید که کمیسیون‌ها غالباً تشکیل شده و دوسیه آن در وزارت معارف موجود است و اگر کاملاً در اجرای قانون اقدام نشده باشد، قصوری از طرف وزارت معارف نشده، مشکلات و موافقی که همیشه در میان بوده، مسامی وزارتخانه را در اجرای قانون بی‌نتیجه گذاشته است و با این حال وزارت معارف تا هر اندازه که پیشرفت داشته است اهتمام نموده و دوسیه‌های مربوطه حاضر است که برای جلسه بعد به ملاحظه کمیسیون خواهد رسید و همچنین دوسیه و اوراقی که مربوط به مواد ۶ و ۷ و ۸ و در واقع مربوط به ماده ۵ است، قرار شد نماینده وزارت معارف اوراق و دوسیه‌های مزبور را برای جلسه آتی حاضر نمایند.

جلسه ثانی روز سه‌شنبه ۱۹ سرطان تشکیل و نماینده وزارت معارف (آقای میرزا رضا خان فهیمی) مجدداً از اعتراضات وارده دفاع‌هایی نموده و نسبت به مراعات کامل در اجرای قانون یک رشته اشکالات و محظوراتی ذکر کرده و اظهار داشتند که در مراجعه به آرشیبو وزارت معارف معلوم شد راجع به تمدید مدت تصویبنامه صادر نشده و از طرف وزیر وقت نظر به لزوم تمدید مدت کمیسیتی تشکیل و در نتیجه برای صدور اجازه‌نامه‌ها مدتی را تمدید نموده‌اند. این اقدام وزارتخانه مورد اعتراض کمیسیون گردیده که وزارت معارف نمی‌بایست بدون پیشنهاد به مجلس شورای ملی یا در غیاب آن بدون تصویبنامه از طرف هیأت دولت اقدام به تمدید مدت نموده باشد و بالجملة در ضمن مذاکرات و اظهاراتی که در جلسه ثانی و دیگر نیز هست که حالا هم می‌توان جبران و جلوگیری کرد و اما نسبت به اینکه مقتضی است که از طرف دولت به وزارت معارف تعلیمات مؤکده صادر گردد که نسبت به اجرای قانون طبابت و تکمیل وسایل اجرا اهتمام کافی به عمل آورده و اگر نواقص و احتیاجاتی در قانون ملاحظه می‌نمایند پیشنهادهای لازم تهیه و به مجلس شورای ملی تقدیم کنند. نمایندگان اتحادیه تقاضا داشتند که این کمیسیون خود وارد در جزئیات و اجرائیات این کار گردیده و مستقیماً در تعقیب امر تا نقطه آخر اقدام کند. ولی چون کمیسیون فقط مأمور رسیدگی به اظهارات و اعتراضات هیأت اتحادیه اطباء و اجرای تحقیقات اولیه نسبت به مواد اعتراض بود و این اختیار را برای خود کافی نمی‌دانست که در جزئیات امر وارد گردد، عقیده داشت که اگر لازم باشد که کمیسیتی مأمور تعقیب امر شود باید از طرف دولت کمیسیون دیگری که اعضای آن فارغ‌تر و متخصص‌تر از اعضای این کمیسیون باشد معین گردد. لهذا به مذاکرات خود خاتمه داده و اینک مراتب را به عرض مقام منبع ریاست وزاری عظام و هیأت دولت می‌رساند تا هر طور مقتضی است، مقرر فرمایند.

[امضا: حسین ادیب‌السلطنه]

پزشکان نسبت به قانون طبابت است؛ خود از دو بخش درست شده، بخش نخست که تاریخ متأخرتری دارد و در ۲۶ مرداد ماه نگاشته شده، نامه ایست از نماینده‌ی مالیه به نام محمودی به رئیس کل مالیه، اما بخش دوم سند بسیار مهم‌تر و اصلی‌تر است و به تاریخ قدیمی‌تر، یعنی ۱۲ تیرماه باز می‌گردد. در واقع گزارش کمیسیونی که به دستور نخست وزیر سردار سپه تشکیل شده تا به شکایت اتحادیه پزشکیان رسیدگی نماید، سرپرستی این کمیسیون را حسین ادیب‌السلطنه دارد که در آن هنگام کفالت وزارت داخله و حکومت دارالخلافه ی تهران را داشته با نمایندگان از وزارت مالیه، داخله (سیف‌اله خان)، عدلیه و معارف (میرزا محسن خان قریب). دو تن از نمایندگان اتحادیه در آن حضور داشته‌اند. نمایندگان اتحادیه شکایت را در هفت مورد مطرح کرده‌اند:

- ۱) درباره صدور اجازه‌ی طبابت به اشخاص که می‌باید مطابق قانون دارای دیپلم (دانشنامه ی پزشکی) دولتی باشند.
- ۲) تشکیل کمیسیونی برای امتحان اطباء.
- ۳) پزشکان می‌باید در عرض یکسال برای صدور اجازه‌نامه‌ی طبابت به وزارت معارف معرفی شوند.

۴) جلوگیری از کار پزشکیانی که واجد شرایط قانونی برای کار نیستند.

۵) رعایت نشدن قانون در استخدام کارکنان بهداشتی دواپر دولتی.

۶) اقدام نشدن درباره جلوگیری از نسخه‌ی رمز (؟) پزشکان.

در این سند مشخص می‌شود که سازمان مسؤول پزشکان وزارت معارف [= فرهنگ/آموزش و پرورش و وزارت علوم امروزی] بوده است.

گزارشی از کمیسیون رسیدگی به اعتراض اتحادیه‌ی اطباء نسبت به قانون طبابت

[شیر و خورشید]  
وزارت مالیه

به تاریخ: ۲۶ برج اسد ۱۳۰۳  
ضمیمه: سواد صورت مجلس و مرسله کابینه وزرا

آقای رئیس کل مالیه

یا اعاده عین مرسله کابینه هیأت وزراء، دایر به انعقاد کمیسیون مأمور رسیدگی به اظهارات اتحادیه اطباء، خاطر شریف را مسوق می‌دارد: حسب‌الامر کتبی جناب‌عالی که به طور یادداشت با مداد مرقوم داشته بودید، در چهار جلسه کمیسیون مزبور منعمد در عمارت هیأت وزراء حضور به هم رسانده و راجع به غفلت و اهمال اولیای امور وزارت معارف در اجرای بعضی مواد برجسته قانون طبابت مصوبه تقنینیه دوم (۱۳۲۹ هجری) مذاکرات زیاد به عمل آمده و نماینده معارف بعضی توضیحات در ضمن مذاکرات دادند و در جلسه اخیر مذاکرات را کافی دانسته، صورت مجلسی تیار و پس از امضا عین آن به مقام منبع ریاست وزاری عظام دامت عظمته تقدیم و سواد از آن را برای استحضار خاطر عالی از جریان مذاکرات و حصول نتیجه لفاً تقدیم می‌دارم و ضمناً خاطر عالی را متوجه این نکته می‌نمایم: نظر به اینکه راجع به تقصیر وزارت معارف رأی بنده در اقلیت بود، لذا در پایان صورت مجلس عقیده قطعی خود را به طور اختصار نوشته و نماینده وزارت داخله (سیف‌اللّه‌خان) هم با بنده امضا نمودند.

معاون مخصوص ایرانی رئیس کل مالیه  
[امضا: محمودی]

منبع:

۱) اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف، ج اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ یکم، ۱۳۸۰.

۲) عاقلی، باقر؛ روزشمار تاریخ ایران، ج یکم، نشر نامک، چاپ هفتم، ۱۳۸۴.

۳) معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج پنجم - اعلام، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.

در سند بخش یکم، سخن از مواد برجسته‌ی قانون طبابت مصوبه‌ی تقنینیه دوم (۱۳۲۹ قمری) [= ۱۲۸۹/۱۲۸۹] به میان آمده است • (سند شماره یک). برای روشن شدن موضوع گفتنی است که در سال ۱۹۰۰ میلادی/ ۱۳۲۹ خورشیدی همایش بهداشت بین‌المللی در پاریس برگزار گردید که قطعنامه‌ی آن را نماینده‌ی ایران نیز امضا نمود. در پی این همایش، نخستین نشست حفظ الصحه [= بهداشت] دولتی در ۱۲۸۴ خ/ ۱۹۰۴ م/ ۱۳۲۴ ق. در تهران



# حقوق شهری و شهروندی



## تعریف حقوق شهروندی

حقوق شهروندی مجموعه حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن؛ بنابراین واژه مذکور از حقوق سیاسی است. در کشور ما مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق شهروندی نیست. در واقع حق شهروندی به اعتبار تابعیت برقرار می شود.

## تعریف حقوق شهری

در عصر حاضر، «شهروندی» به عنوان یک پدیده اجتماعی، یکی از ضروریات زندگی محسوب می شود. شهروندان عموماً با سلایف و انگیزه‌های مختلف در جامعه شهری به فعالیت می پردازند. عده‌ای برای کسب و کار، گروهی برای پر کردن اوقات فراغت و گروهی دیگر برای آموختن مهارت‌های فردی و جمعی و... از این رو، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه است و این روابط اجتماعی باید تحت نظم و قاعده‌ای درآید. چه آنکه،

در صورت نبود نظم و ضوابط در جامعه، زور، اجحاف و تزویر بر روابط بین افراد حاکم شده و این موضوع موجب ایجاد هرج و مرج و نابسامانی خواهد شد.

بنابراین، دولت‌ها و نهادهای عمومی با تعیین و تدوین قواعد و مقررات مربوطه، سیاست خاصی را برای تنظیم این روابط در پیش گرفته‌اند. اصولاً «حقوق شهروندی» را می توان مجموعه قواعدی که بر روابط اشخاص در جامعه شهری حکومت می کند تعریف کرد. از این رو «حقوق شهری» را که موضوع آن چگونگی روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و همچنین در برابر جامعه و اصول و هدف ما و وظایف و روش انجام آن است، می توان به عنوان اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است.

## مدیریت شهری و حقوق شهروندی

از موضوعات مهمی که در حوزه مطالعات شهری، برنامه ریزی و مدیریت شهر در سطح جهانی مطرح شده است، بحث رابطه حقوق شهری، زندگی شهری و مدیریت شهری است.

چنانچه نظام «مدیریت شهری» را شامل فرآیندهای سیاست گذاری، برنامه ریزی، هماهنگی، سازماندهی و نظارت بر اداره امور شهر و شهرداری بدانیم و نظام حقوق شهری را به مثابه روند قانونمند کردن فرآیندهای چندانگانه نظام مدیریت شهری و نیز قانونمدار ساختن وظایف و تکالیف متقابل و دو سویه

شهرداری به شهروند محسوب کنیم، که هدف آن به سامان کردن زندگی شهری و فعالیت‌های شهرداری و شهروندان است، به خوبی اهمیت نقش و جایگاه نظام حقوق شهری در مدیریت شهری و نیز رابطه و نسبت مدیریت شهری و حقوق مشخص می شود. در این میان سهم و نقش شهرداری که حلقه پیوند و اتصال نظام مدیریت شهری و نظام حقوق شهری است، اهمیت خاصی دارد.

اهمیت حقوق شهری را باید در تدوین قواعد و مقررات راجع به برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری و تأثیرات مثبت ناشی از قانونمند کردن زندگی شهری و سایر پیامدهای دگرگون کننده در برنامه ریزی و مدیریت شهری جست و جو کرد. معمولاً مقامات و مسئولان شهری، با مسائل و مشکلاتی مواجهند که مقابله درست و عملی با این مسائل و مشکلات محلی و شهری منوط به تدوین قوانین و مقررات برنامه ریزی شده است.

مهمترین قوانین و مقررات در این زمینه عبارتند از: قانون برنامه ریزی شهری، قانون شهرداری، قانون توسعه شهری، قانون بهسازی شهری، قانون پاکسازی مناطق حاشیه نشین شهری، قانون دستیابی به زمین و قانون مربوط به آلودگی‌های زیست محیطی.

بدیهی است فرایند تصمیم گیری شهری زمانی موجب جلب منافع هماهنگی و مدیریت شهری خواهد شد که شهروندان بیشترین مشارکت را در تصمیم گیری‌ها از خود نشان دهند. از این رو قانونمند کردن این روند کمک شایانی را به مدیریت شهری و شهروندان و مشارکت در تصمیم گیری‌ها می کند.



## بررسی جایگاه مشارکت در برنامه ریزی، مدیریت و توسعه شهری



■ محمد باقر آسرای

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری  
شهردار آسارا

### طرح مساله

در ایران نیز در سالهای اخیر پروژههایی با عنوان مشارکتی مطرح گردیده است که نشان دهنده ارزشمند دانستن این رویکرد در کشور است. آنچه در این میان تا حد زیادی مورد غفلت واقع گردیده، تشخیص تمایز دقیق و مرزبندی ملموس میان مشارکت شهری با مشارکت اجتماعی و سیاسی است؛ این کار به منظور تدقیق فضای مفهومی مشارکت شهری و تبیین اصول آن ضروری به نظر می رسد. در کشور ما در سالهای اخیر مشارکت شهروندان در اداره شهر نیز به طور روز افزون مد نظر قرار گرفته است. هدف از این نوشتار بررسی جایگاه مشارکت در برنامه ریزی، مدیریت و توسعه شهری است.

### مبانی نظری

یکی از رویکردهای نو در برنامه ریزی راهبردی در شهرها، راهبرد توسعه شهری می باشد که ابزاری جدید برای کمک به توسعه و ابزاری طراحی شده برای پاسخ به تغییرات جزر و مدی فراگیر جهانی و کاهش فقر و توسعه اقتصادی محلی است. اهداف مشارکت ترکیب همه اجزای تاثیرگذار در جامعه برای رسیدن به (چشم انداز بلند مدت یکپارچه شهر)، (تثبیت استراتژی رشد)، (به توافق رسیدن درباره اولویت های مشکلات اداری) و (شناسایی طرحهای اجرایی کوتاه مدت) است. استراتژی توسعه شهر در نهایت تصمیم سازی مشارکتی است برای شهرهایی که با بحران فقر شهرنشینی، افزایش رقابت و اعمال فشار بر پایداری محیطی و اقتصادی روبرو هستند.

مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت در این دوره قوانین متعددی مبتنی بر مشارکت شهروندان تصویب شد که ماهیت فرایندهای تصمیم گیری شهری را تغییر داد. مفهوم مشارکت در نیمه دهه ۱۹۶۰ در انگلستان مطرح شد و پس از آن کشورهای دموکراتیک دیگر از آن استقبال کردند. طی چند دهه اخیر به ویژه از دهه ۹۰ تاکنون الگوی جدیدی از مدیریت شهری مورد توجه فزاینده اندیشمندان، سازمانهای بین المللی حکومتهای محلی (شهرداریها)، مقامات محلی (شوراهای شهر) و شهروندان قرار گرفته است. در این الگو، نقش ها و کارکردهای شهری جدیدتری برای نظام مدیریت شهری (شهرداری ها و شوراهای شهر) و دخالت دادن شهروندان در سیاست گذاری، برنامه ریزی، نظارت و هدایت درست و منطقی «زندگی شهری» در نظر گرفته شده است. نمونههای برجستهای توجه به مثالواره / نمونه نما جدید مدیریت شهری، مفاد (برنامه مدیریت شهری) سازمان ملل متحد و مصوبات اجلاس سال ۱۹۹۶ (هایتات) در استانبول ترکیه است.

تجربیات جهانی نشان می دهد که بسیاری از این کشورها خصوصا کشورهای توسعه یافته به اهمیت مشارکت شهری شهروندان برای اجرای برنامه مدیریت شهری واقف هستند. در حال حاضر مشارکت شهری رمز موفقیت پروژههای توسعه شهری و ارکان آن (شهرداری و شوراهای شهر) است.

اهداف CDS شامل: راهبرد دورنمای یکپارچه شهری، بهبود حکومت و مدیریت شهری، افزایش سرمایه گذاری و کاهش سیستمی و پیوسته فقر شهری است. بیشترین اهمیت این رویکرد به عنوان راهبرد گسترده‌ی شهری اینست که شهر را به عنوان موتور توسعه‌ی اقتصادی در نظر می‌گیرد و تأثیر مستقیم بر کاهش فقر، رشد اقتصادی محلی و بهبود حکمرانی دارد. ( اشرفی، ملک زاده؛ ۱۳۸۹، ۱۷۰).

در نگاه کلان - مشارکت علاوه بر آنکه از اصول و رویکردهای مدیریتی است به عنوان محصول سرمایه اجتماعی، مهمترین رکن توسعه‌ی شهری بشمار می‌رود. امروزه در جوامع شهری برای رویارویی با مشکلاتی همچون گسترش روزافزون جمعیت، حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، نابسامانی وضعیت آمد و شد، آلودگی و حفظ استفاده از سرمایه های اجتماعی روشهایی مانند اعتماد سازی



مدیران و مشارکت معنادار و مسئولانه‌ی شهروندان مورد توجه قرار گرفته تا از استعدادها، توان و ظرفیت های نهان شهروندان و منابع شهری در حوزه های مختلف استفاده شود.

مشارکت شهری را می‌توان به معنای شرکت و حضور جدی، فعال، آگاهانه، ارادی و سازمان یافته و موثر یکانهای سازنده‌ی جامعه شهری یعنی افراد، خانوارها، گروهها، نهادها، سازمانها و بخش های عمومی شهری در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی زندگی شهری برای رسیدن به اهداف جمعی جامعه‌ی شهری دانست.

مشارکت شهری برای نظام مدیریت و توسعه‌ی شهری کارکردهایی گوناگون دارد. از جمله این کارکردها می‌توان به افزایش دسترسی به اطلاعات شهری، تعیین بخشهای توسعه‌ی شهری، تعیین اولویتهای و نیازهای شهروندان و کوشش جمعی برای اجرای پروژه‌ی توسعه‌ی شهری اشاره کرد.

از دیدگاه جامعه شناسی، مشارکت شهری دارای الزاماتی است که آگاهی از آن برای شناخت مشارکت شهری و برگزیدن (رویکرد مشارکت شهری سودمند است این الزامات را می‌توان در مباحث مربوط به عوامل موثر، الگوهای سازمانی، زمینه ای، الگوهای بخشی و پیش شرط های اصلی تحقیق مشارکت شهری است، برخی از مهمترین این پیش شرط ها عبارتند از:

۱- فراهم شدن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی شهری مناسب و متناسب با مشارکت شهری در سطوح محلی (شهری و روستایی)، منطقه ای (استانی) و ملی؛

۲- وجود فرهنگ مشارکتی شهری از طریق آموزش و ترویج فرهنگی؛

۳- وجود نظام مدیریت شهری شهرداریها و شوراهای شهر مشارکت خواه، مشارکت جو و مشارکت گستر.

در این میان پیش شرط های اصلی و قانونی در رابطه با جایگاه مشارکتی توان به مصوبات و رویه های در سطح جهان و ایران اشاره کرد که از مفهوم مشارکت در برنامه ریزی و مدیریت شهری در کنار برخی دیگر از اصول و رویه های دیگر حمایت می‌کند و این مصوبات نقش مهم و برجسته ای در اجرا و پیگیری عملی مفهوم مشارکت شهری دارد. این مصوبات و رویه ها را بیشتر سازمانهای معتبر جهانی همچون سازمان ملل و بانک جهانی مطرح و پیگیری می‌نمایند. در این مقاله ۱- مهمترین این مصوبات و رویه ها؛ ۲- راهکارهای تقویت مشارکت؛ ۳- رویکردهای مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری/ برنامه ریزی مردمی و ۴- راهبردها و الگوهای مشارکت شهری خواهیم پرداخت.

## ۱- مصوبات و روشهای جهانی همپوند با مشارکت

### ۱-۱) بیانیه هیئتات II (۱۹۹۶- استانبول)

در بند ظرفیت سازی و توسعه‌ی نهادی این بیانیه با عنوان مشارکت مردمی و تعهد مدنی چنین آمده است:

- توسعه پایدار انسانی نیازمند فعالیت موثر سازمان های جامعه مدنی در کنار مشارکت فراگیر همه مردم است. توسعه‌ی پایدار انسانی به همان نسبت به حکومتی پاسخگو شفاف و مسؤول در سطح محلی محتاج است. تعهد مدنی و حکومت مسؤولیت پذیر هر دو از الزامات ایجاد و تقویت سازوکارهای مشارکت است.

- برای تشویق و حمایت از مشارکت - تعهد مدنی و تامین مسؤولیت پذیری حکومتی- دولتهای ملی- نهادهای محلی و یا سازمان های جامعه مدنی باید فعال شوند. چارچوب های نهادی و قانونی که مشارکت توده مردم و سازمان های اجتماعی آنها را در تصمیم سازی- اجراء نظارت بر اجرای راهبردها- سیاستها و برنامه های اسکان بشر در سطوح مناسب تدوین گردد. این چارچوب نهادی و قانونی می‌باید مشخصاً بر موارد زیر جهت گیری کند:

الف) دفاع از حقوق بشر به منظور بیان آزادانه آرا و نظرات و دریافت وانتقال نظرات بدون هر گونه مزاحمت

ب) تسهیل و شناسایی قانونی اجتماعات سازمان یافته و متعلقات آنها؛

پ) مجال دادن، تسهیل و حفاظت تشکیلات اجتماعات غیر دولتی مستقل و سازمانهای محلی، ملی و بین المللی؛

ت) ارائه اطلاعات جامع، به موقع و کامل، بدون درخواست هزینه

های مالی نامتناسب؛

و در حقیقت ضامن احترام به حقوق مالکیت و قراردادهاست و از اقدامات خلاف حکومت جلوگیری می کند.

• مشروعیت انتخاباتی : مستلزم وجود انتخابات آزاد، باز و رقابتی است که به استقرار قوه اجرایی و سیاسی منتخب با اختیارات کامل برای حکومت می انجامد.

• آزادی بیان و فعالیت انجمن ها : برای پرورش فرهنگ سیاسی دموکراتیک و افزایش پاسخگویی، و نیز تامین شرکاء برای ارائه خدمات مناسب و اعتبارات خرد.

• رهبری توسعه مدار : مقصود رهبری است که متعهد به توسعه و دگرگونی کل جامعه است ( همان، ۱۹۳).

• مشارکت : مشارکت مردان و زنان سنگ بنای اصلی حکمروایی خوب است. مشارکت میتواند به طور مستقیم توسط مردم یا از طریق موسسات قانونی واسطه یا نمایندگان مردم صورت پذیرد.

• شفافیت : به معنی دسترسی مستقیم و آزادانه به اطلاعات است خصوصا برای افرادی که از تصمیمات و اجرای آنها متاثر میشوند. این ویژگی - همین طور به معنی ارائه اطلاعات کافی به اشکال ساده فهم و نیز به رسانه ها است

• توافق گرایی : در یک جامعه نظرات مختلف و متضادی وجود دارد حکمروایی خوب مستلزم میانجی گری بین منافع و علایق مختلف در یک جامعه - به منظور رسیدن به توافقی عامی در جامعه - بر سر این است که چه چیز به نفع همه است و چگونه می توان به آن دست یافت (سعیدی رضوانی ۱۳۸۵، ۲۴).

### ۱-۳) اندیشه توانمند سازی

بانک جهانی و مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۹۰ از سیاستهای پیروی می کردند که مطابق با سیاست اقتصادی توانمند سازی بود. فرایند توانمند سازی در قالب چارچوب های مدیریتی صورت گرفت که شرایط قانونی، اجتماعی، فرهنگی و روشهای دولت مداری را مورد توجه قرار دهد و به موجب آن دولتها، مراکز تجاری، بخشهای داوطلب و خانوادها بتوانند در پیشرفت و توسعه شهرها، خانه ها و کیفیت محیط زیست، مشارکت داشته باشند.

از نظر بانک جهانی توانمند سازی به معنی ایجاد چارچوبهای قانونی، مدنی، اقتصادی، مالی، اجتماعی، توسط دولت برای افزایش بهره وری اقتصادی و کارایی اجتماعی در بخش مسکن است.

توانمند سازی سه ویژگی عمده دارد :

۱) چند بعدی است : زیرا در ابعاد مختلف اجتماعی، روانی و اقتصادی و در سطوح مختلف فردی، گروهی و اجتماعی به رخ می دهد؛

۲) کنش اجتماعی : زیرا در برهمکنش با دیگران به وقوع می پیوندد؛

۳) نوعی فرایند است؛ زیرا در جریان رخداد، رشد می کنند و دستاوردش از قبل معلوم نیست.

### ۲- مصوبات و قوانین ایرانی مرتبط با موضوع مشارکت

در اصل سوم قانون اساسی آمده است که دولت جمهوری اسلامی ایران برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم موظف است همه امکانات خود را برای امور مه در ذیل آمده است به کار برد؛ و در بند ۸ این اصل به مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش اشاره داشته است.

ث) تقویت نهادهای محلی و اجتماعات و سازمان های غیر دولتی (NGOs)

ج) ایجاد سازوکارهای مشاوره فراگیر و منظم برای درگیر کردن جامعه مدنی در تصمیم سازی به منظور بازتاب نیازهای متنوع جامعه؛

چ) تهیه دستورکار سازوکارهای مشارکت که افراد - خانواده ها - اجتماعات - مردم بومی و جامعه مدنی را قادر می سازد نقش فعال در شناسایی نیازهای و اولویتهای محلی و تدوین سیاست ها - برنامه ها و پروژه های جدید داشته باشند؛

ح) بهبود، برابری و انصاف از طریق در نظر گرفتن ملاحظات جنسیتی و مشارکت کامل و برابر زنان، درگیر کردن گروههای فرودست و آسیب پذیر، کسانی که در فقر به سر می برند و سایر گروه های کم درآمد؛

خ) بهره گیری از ظرفیت های نهان جوانان و اهمیت دادن به اندیشه های آنها؛

د) تشویق استفاده از فناوری های اطلاعاتی و رسانه های جدید از جمله رسانه های محلی برای آسان سازی گفتگو و نیز تبادل اطلاعات - تجارب و عملکردهای مرتبط و ایجاد همکاری سازنده بین جامعه مدنی و تصمیم گیران؛

ذ) بهبود فرهنگ مسؤلیت پذیری مدنی و احترام به حقوق دیگران از طریق برنامه های آموزشی و اقدامات ترویجی.

ز) توجه به تمایلات بین نسلی، شامل تمایلات و منافع کودکان و نسل های آینده در روندهای تصمیم گیری و در عین حال، تقویت خانواده.

### ۱-۲) اندیشه های حکمروایی خوب

در طی دهه ۱۹۹۰ میلادی، حکمروایی به یکی از واژه های محوری علوم اجتماعی به ویژه در حوزه نظریه های سیاسی، علوم سیاسی و جغرافیای انسانی تبدیل شده است. تعریف سنتی این اصطلاح (( عمل یا فرایند حکومت کردن )) است. در این تعریف حکمروایی با حکومت مترادف است. حکومت به معنای فرماندهی کردن، راهنمایی و هدایت کردن، تنظیم و نفوذ کردن و تعیین اداره ای امور کشور آمده است. بنابراین حکومت ساختار سازمان رسمی و جایگاه تصمیم گیری اقتدار مابابه است که در برگیرنده شاخه های اجرایی و قانونگذاری کشور و نیز کسانی است که آنها را کنترل می کنند. در مقابل حکمروایی کنش، شیوه یا دستگاه اداره است که در آن مرزهای بین سازمانها و بخش عمومی و خصوصی در هم می روند. جوهره حکمروایی وجود روابط متعامل میان و درون حکومت و نیروهای غیر حکومتی است. حکمروایی تلویحا به معنی اقدام مشترک و بنابراین وجود اهداف مشترک؛ چارچوبهای ارزشی و قواعد مشترک، برهمکنش پیوسته و خواست برای دستیابی به سود جمعی است که از طریق انجام اقدامات انفرادی قابل حصول نیست. حکمروایی به روابط میان دولت و جامعه مدنی، حاکمان و حکومت شوندگان و حکومت مربوط است ( برک پور، اسدی، ۱۳۸۸، ۱۸۸).

از نظر بانک جهانی حکمروایی خوب شامل اداره کار آمد، با صلاحیت و کفایت و نیز حکومت شهری مشروع، منتخب و مردمسالار است که این نهاد مورد استفاده قرار می دهد عبارتند از

• حاکمیت قانون : مستلزم وجود دستگاه قضایی مستقل است که به عنوان پایگاهی برای رفع و حل تضادها و اختلافات عمل می کند



در اصل هفتم قانون اساسی بر طبق دستور قرآن کریم (( و امرهم شوری بینهم )) و شاورهم فی الامر )) شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر..... و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین. این اصل بر زمینه مشارکت در تصمیم گیری و مداخله در جامعه به صورت مشورتی اشاره دارد. گروه هدف در این اصل نهادها و شوراها هستند که در سطوح برنامه ریزی، اجرا و نظارت مشارکت می نمایند.

## ۲-۱ جایگاه مشارکت در قانون برنامه های پنجساله توسعه اول تا پنجم

در قانون برنامه دوم توسعه بر تقویت مشارکت عامه مردم و اتخاذ تدابیر لازم برای نظارت شایسته و پیوسته بر اجرای برنامه تاکید دارد. در این بند که یکی از شانزده مورد اهداف کلان کیفی قانون برنامه دوم توسعه است زمینه مشارکت، نظارت بر برنامه های دولتی و گروه هدف مشارکت به صورت عام است.

در ماده دو فصل اول قانون برنامه سوم توسعه، که به منظور کاهش تصدی ها و تقویت اعمال حاکمیت و نظارت دولت و فراهم نمودن زمینه توسعه مشارکت موثر مردم، بخش خصوصی و بخش تعاونی در اداره امور، تبیین دقیق وظایف واحدهای ملی و استانی در برنامه ریزی و اجرا و فراهم نمودن زمینه تحقق مطلوب اهداف برنامه سوم، دولت موظف است در طول سال اول برنامه اصلاحات ساختاری لازم را در تشکیلات دولت به عمل آورد.

در برنامه پنج ساله چهارم توسعه که به عنوان راهنمای کلان کشور برای توسعه محسوب می شود بر استفاده از شیوه های مشارکتی، خصوصا مشارکت اهالی محلی برای بهبود شرایط محیطی تاکید شده است. بند ح ماده ۹۵ این قانون در این خصوص چنین می گوید (( اتخاذ رویکرد توانمند سازی و مشارکت محلی، بر اساس الگوی نیازهای اساسی توسعه و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی، برای ارائه خدمات اجتماعی، از طریق اعمال موارد فوق در سطوح محلی و با جلب مشارکت عمومی)).

در بند و ماده ۹۸ بر تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، سازمانها، نهادهای غیر دولتی و شوراهای اسلامی در توسعه پایدار کشور و فراهم کردن امکان گسترش کمی و کیفی نهادها مدنی، با اعمال سیاستهای تشویقی تاکید دارد. این بند از حیث برنامه ریزی برای فعالیت های مشارکتی بسیار حائز اهمیت است. زیرا بر تدوین طرح مشارکت در تمامی سطوح ( نهادهای مدنی ) و در تمامی گروههای هدف ( مردم و سازمانها.....) با مشارکت حداکثری در جامعه تاکید دارد. بند ج ماده ۱۱۹ (( توسعه مشارکت همه جانبه ایرانیان، بر اساس حق برابر شهروندی، در نظام تصمیم سازی، تصمیم گیری و مدیریت اجرایی کشور)).

در این بندها بر موارد ذیل تاکید شده است

- اتخاذ رویکرد توانمند سازی و مشارکت محلی برای توسعه محیطی در مقیاس خرد.
  - حمایت از مشارکت مردم در امور عمرانی محلی
  - لزوم تعریف پروژههای عمرانی متناسب با ظرفیت های محلی
  - تشویق مشارکت عمومی در سطح مدیریت محلی
- در برنامه پنج ساله پنجم توسعه کشور، دستیابی به جایگاه ترسیم

شده برای کشور در سند چشم انداز بیست ساله در منطقه، تحقق کامل سیاستهای کلی ابلاغی مقام معظم رهبری، توجه به خطوط راهنمایی الگوی ایرانی اسلامی توسعه در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، عدالت اجتماعی، دفاع از حقوق کرامت انسانی، تامین اجتماعی، توزین مناسب درآمد به دور از فقر، فساد و تبعیض و جلب گسترده مشارکت مردم و مردمی کردن حوزه های اقتصادی و اجتماعی و ایجاد فضای مناسب برای تحقیق بلند اقتصادی و اجتماعی تاکید شده است.

در قسمت الف ماده ۱۵۴، شورای عالی شهرسازی و معماری مکلف است نسبت به احصای مناطق ویژه نیازمند بهسازی و نوسازی در بافتهای فرسوده و دسته بندی طرحهای واقع در این مناطق با ( اولویت ۱- طرح هایی که به دلیل وجود منافع عمومی، اجرای به موقع آن ضروری است ۲- سایر طرح هایی که از طریق تدوین ضوابط و مقررات و مشارکت مردم و حمایت دولت، شهرداریها و دهیاریها به مرور زمان قابل انجام است ) اقدام نماید.

در ماده ۱۵۵ قانون پنجساله پنجم توسعه چنین آمده است: به منظور ارتقاء شرایط محیطی پایدار و فراگیر و بهرمندی ساکنان مناطق حاشیه نشین از حقوق شهروندی و پیشنگری و پیشگیری از ایجاد سکونتگاههای غیر رسمی دولت موظف است اقدام زیر را انجام دهد:

الف- سامان بخشی مناطق حاشیه نشین تعیین شده توسط شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از طریق تدوین و اجرای ساز و کارهای حقوقی، مالی و فرهنگی و توانمند سازی ساکنان واقع در داخل محدوده های غیر رسمی و ایجاد شهرک های اقماری برای اسکان جمعیت مهاجر.

## ۲-۲ سند توانمند سازی سکونتگاههای غیررسمی (مصوب هیات وزیران - بهمن ۸۲)

این سند حاصل سالها تجربه علمی در مواجهه با بحث اسکان غیر رسمی در کشور و نیز مطالعات و نظریات علمی مربوط به این موضوع است. پیشینه این سند به سال ۱۳۸۱ باز می گردد. (( این سند در تاریخ توسط معاون اول رئیس جمهور، ابلاغ شد )) این سند پنج بخش دارد.

یکی از اهداف کلان این سند به این شرح است: (( زمینه سازی برای بهره مندی از امتیازات شهری و تعمیق فرهنگ شهری برای ساکنان این سکونتگاهها به همراه مشارکت همه جانبه آن ها در تصمیم گیری ها و اقدامات محلی)).

از اصول هادی این سند به موارد زیر می توان اشاره کرد:

- ۱- بازنگری سیاستهای موجود و تامین فضای شهری برنامه ریزی شده برای کم درآمدها
- ۲- نقش تسهیل کنند و هدایتگر بخش دولتی: تسهیل جریان امور و مشارکت فراگیر و توانمند سازی اجتماعات هدف در برآوردن نیازهایشان.
- ۳- شناسایی و به کار گیری روشهای مشارکت ساکنان در خدمات رسانی زیربنایی و با دوام سازی و اصلاحات فنی لازم در این سکونتگاهها ( مانند مقاوم سازی در برابر زلزله و ...).
- ۴- سازگار نمودن الگوها و قواعد موجود طراحی و برنامه ریزی شهری و مقررات و استانداردهای شهرسازی و ساختمانی، با واقعیات محیط و استطاعت قشرهای کم درآمد؛ با امکان ارتقای تدریجی

آنها.

۵ - استقرار نهادی چند وجهی و چند کارکردی در سطح شهرهای رودررو با اسکان غیر رسمی متشکل از ۳ زیر نظام : الف) ستاد توانمند سازی و ساماندهی (متشکل از نهادهای دولتی و عمومی ( ب ) نهاد منتخب مردمی سکونتگاهها ج) دفتر اجرایی مستقر در محل.

### ۳- راهکار های تقویت مشارکت در جامعه

#### ۳-۱ تقویت و توسعه نهادهای مدنی

مشارکت از طریق نهادهای جامعه مدنی و سازمانهای غیر دولتی، جدیدترین شکل نهادهای خود پدیدار هستند که در پاسخ به نیازهای اجتماعی به وجود می آیند و با سازماندهی درست می توانند به یک نهاد انعطاف پذیر و پویا تبدیل شوند.

عوامل متعددی در میزان اثر بخشی سازمانهای غیر دولتی موثر می باشند که بسیاری از آنها مرتبط با مکانیسم تعامل بخش دولتی و غیر دولتی است. مطالعات مختلفی در جهت اثبات این موضوع در تعدادی کشورها صورت گرفته است، یافته حاکی از کمک به کاهش فقر، توسعه مشارکتی و زمامداری خوب در کشورهای پشتیبان این سازمانها بوده است. نقش های جدیدی که می توان به وظایف سازمانهای غیر دولتی اضافه کرد عبارتند از :

- مشارکت با دولت و بخش خصوصی

- مشارکت در برنامه ریزی، نظارت و اجرا

- نقش ترویجی، پژوهشی و آموزشی

به طور کلی سازمانهای غیر دولتی از جایگاه ویژه ای در جریان تصمیم گیری ملی و بین الملل برخوردارند و سطح نفوذ آنها از مسائل فرهنگی، اقتصادی تا امور بشر دوستانه گسترده شده و به مشورت دهی، تدوین برنامه و تاثیر گذاری در مذاکرات رسمی دولتی در طبقه های مختلف رسیده است، انجمن ها به دلیل استقلال منابع مالی و انسانی تصمیم گیری سریع و به دور از بوروکراسی دولتی، انعطاف پذیر بودن و خود پیداری، کار آمدی روبه رشدی دارند.

#### ۳-۲ درونی کردن ارزش های مشارکت

شکل گیری شخصیت اکثریت افراد جامعه در جهت مشارکت خواهی و مشارکت پذیری می تواند طی فرایند جامعه پذیری حاصل شود. طی این فرایند، فرد در برخورد با نظام های واقعی بیرون از خود ( طبیعی، اجتماعی و فرهنگی ) با درونی کردن واقعیتها به تدریج گرایشات و تمایلات گوناگون و در عین حال مرتبط به هم کسب کرده و از این طریق حایز شخصیت می شود. لذا از طریق آموزش و ترویج فرهنگ مشارکت می توان ارزشهای مشارکت را درونی ساخت و به بروز کنش های مشارکتی امید بیشتری داشت (عبدلهی، ۱۳۸۲، ۲۵)

#### ۴- رویکرد مشارکت مردم در برنامه

##### ریزی ( برنامه ریزی مردمی )

رویکرد برنامه ریزی مردمی تداوم توجه و اولویت

دهی در برنامه ریزی توسعه شهر می باشد. این گرایشات با تداوم توجه به محیط شهر آغاز شد و در نهایت به ضرورت مشارکت مردم محلی و شناخت و درک ویژگیها ها و گرایشات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم محلی در برنامه ریزی و مدیریت در شهرها منجر گردید.

#### ۴-۱ ضرورت و امتیازات مشارکت مردمی

طرفداران این رویکرد ضرورت و مشارکت مردم را چنین بیان می کنند :

۱- معمولاً تمامی ساکنان محلی بر روی یک مورد ویژه اتفاق نظر دارند. بنابراین برنامه ریزی می تواند از آن نقطه مشترک ( یعنی عامل اتحاد مردم ) شروع بشود و منبع و پایه آغاز فعالیت برنامه ریز باشد.

۲- این مردم محلی هستند که باید با تصمیمات گرفته شده زندگی کنند، بنابراین لازم است که در تدوین برنامه دخالت داده شوند، بویژه در شرایطی که بسیاری از برنامه های اجرایی تدوین شده محصول تلاش ها و فعالیتهای برنامه ریزی بخش خصوصی بوده و نتیجه تلاش بخش عمومی یا مردمی نیستند و باید از طریق مالکان خصوصی زمینها یا شهروندان اجرا شوند (Urphy، ۱۹۸۵).

۳- با مشارکت مردم در تدوین برنامه، می توان حس مالکیت به مکان را به اهالی بازگردانید و مکان را با رعایت اولویتها و در نظر گرفتن ظرفیتهای توسعه داد.

۴- بدون مشارکت مردم نه تنها

برنامه تدوین واقعی و عقلایی

نخواهد بود بلکه به

مرحله اجرا نیز

نخواهد رسید.







## ۵- راهبردها و الگوهای مشارکت شهری

از مهمترین راهبردهای افزایش مشارکت شهروندان در برنامه ریزی شهری بالا بردن سطح آگاهی های عمومی و آشنا نمودن کامل مردم، مسؤولین و حتی اعضای شوراهای با وظایف، مسؤولیتهای، اختیارات و اهداف شوراهای می باشد.

از دیگر راهبردهای مؤثر در راستای افزایش مشارکت خود جوش و آزادانه افراد در جامعه شهری، کاهش اختلالات اجتماعی که با مشارکت در تعارض هستند، می باشند. برخی از این اختلالات عبارتند از: احساس ناباوری، انزوای اجتماعی، توجه نکردن به انتظارات اجتماعی، فرد گرایی، کم رنگ شدن احترام متقابل اجتماعی، خود کم بینی یا خود بزرگ بینی، عدم رعایت عدالت اجتماعی و توزیع نابرابر منابع (قدرت، ثروت، اطلاعات و منزلت اجتماعی)، می توان نام برد. شکل گیری شخصیت افراد در راستای مشارکت خواهی و مشارکت پذیری از طریق تقویت حس مسؤولیت فردی در برابر منافع گروهی، زمینه سازی برای احساس آزادی، کرامت و هویت فردی در میان افراد در طی فرایند جامعه پذیری که به بروز گرایشها و تمایلات در میان افراد در جهت کنشهای مشارکتی می انجامد.

\* الگوهای سازمانی مشارکت شهری

- الگوی سازمانی مشارکت شهری خود جوش

- الگوی سازمانی مشارکت شهری سازمان یافته

در جامعه امروز ما نظام مدیریت شهری و ارکان آن (شهرداری ها و شوراهای شهر) وزن بیشتری به الگوی سازمانی مشارکت شهری داده اند. دلیل اصلی این است که مشارکت خود جوش، داوطلبانه و

استفاده از آرای عمومی و جامعه، از ابتدایی ترین مراحل برنامه ریزی یعنی استخراج و تدوین اصول و اهداف کلان تا اجرای برنامه و نهایتا بازخورد و ارزیابی اجرا - نیز حیاتی و تعیین کننده است. هر چه میزان میزان مشارکت مردم در روند تهیه برنامه بیشتر باشد در خصوص اجرا نیز نتایج بهتری حاصل خواهد شد. در نهایت باید اذعان داشت که میزان موفقیت برنامه تابعی از میزان مشارکت مردم و جامعه می باشد.

## ۴-۲ زمینه های مشارکت مردم در برنامه ریزی و مدیریت شهری

زمینه های مشارکت مردمی را می توان به چهار عرصه سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی تقسیم نمود. در این مشارکت، منظور مشارکت مردمی مشارکت اقشار، گروهها و جناحهای مختلف اعم از بخش های عمومی، خصوصی، تعاونی و حتی دولتی در مراحل مختلف برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی و نظارت می باشد.

- مشارکت سیاسی از جمله: عضویت و حضور در اصناف و اتحادیه ها و انواع تشکیلات، کمک به مسؤولین محلی در تصمیم سازی.
- مشارکت فرهنگی - اجتماعی از جمله: شرکت مردم و نهادهای مرتبط در تدوین اهداف، سیاستها و نحوه اجرای طرح ها، رعایت حقوق و احترام به دیگران.
- مشارکت اقتصادی از جمله: سرمایه گذاری مردم، نهادها و بنگاههای اقتصادی مرتبط در طرحها و برنامه های پیشنهادی
- مشارکت زیست محیطی از جمله: رعایت ضوابط و استانداردهای زیست محیطی (معصومی، ۱۳۸۸، ۱۵۳).



سازمان نیافته هنگامی شکل می گیرد که (( فرهنگ مشارکتی )) قوی شکل گرفته باشد و مشارکت توانسته باشد تبدیل به (( هنجار فرهنگی )) شود.

از آنجا که در جامعه شهری جهان سوم، بویژه بخش توسعه نیافته آن، فرهنگ مشارکتی شهری هنجارهای فرهنگی شهری مربوط به مشارکت هنوز به طور شایسته شکل نگرفته است، نقش الگوی سازمانی مشارکت شهری رسمی و سازمان یافته اهمیت بیشتری دارد. الگوی خود جوش مشارکت به عنوان سیستم موثر مسؤلیت پذیر و مشارکت شهروندی در مقابل الگوی سازماندهی شده مشارکت، مانند شوراهای شهر یا محله می توان در راستای فرهنگ سازی برای مشارکت خود جوش و مردمی تلاش کرد. مشارکت مردمی در اداره امور شهری باعث کارایی، تخصیص هزینه به سوی اولویت های اجتماعی و پروژهای زیربنایی می گردد. مشارکت مردمی که نوعی تمرکز زدایی در اداره امور است باعث افزایش توسعه ای انسانی و عامل برابری و تحقق عدالت اجتماعی - سیاسی می گردد ( حکمت نیا، موسوی، ۱۳۸۸، ۱۳۴).

### نتیجه گیری

برای دستیابی حکمروایی خوب شهری، مشارکت فعال مردمی یکی از اصول اساسی است. در این میان مشارکت شکل نمی گیرد مگر با برقراری ارتباط صحیح میان حکومت و مردم و شفاف سازی کانالهای ارتباطی. در مدل نهایی حکمرانی خوب شهری، استفاده دقیق از نظرات مردمی و دخیل شدن کامل آنها در کنش های شهری مطلوب است و این مهم مقدور نخواهد شد مگر با طی کردن پله های مشارکت، از مشارکت ظاهری و ورود ظاهری مردم به فعالیت های شهری تا کنترل و اقتدار مردمی.

با این وصف فرهنگ سازی و بستر سازی مناسب برای مشارکت کل جامعه در ساخت محیط زندگی خودشان یکی از مهمترین راهکارهای توسعه شهری محسوب می گردد. از دیگر سو مدیریت کلانشهر نیز برای دستیابی به شهر توسعه یافته توجه به دو مقوله مهم اعتماد سازی و جلب مشارکت فعال مردم در امور شهردر راستای تحقق شهروند مداری را در برنامه خود قرار داده است.

سیاستگذاران و برنامه ریزان بر ضرورت مشارکت شهروندان در حوزه مدیریت شهری تاکید دارند و نیز تلاشهایی در راستای تهیه و تدوین قوانین، برنامه ها و لوایح برای شفاف سازی و هموار سازی مشارکت مردمی و نهادهای مردم نهاد انجام داده اند. گرچه به نظر می رسد در تدوین قوانین از الگوی مشخص و جهت مند نظری و عملیاتی پیروی نشده است. لذا پیشنهاد می گردد یک الگوی خاص نظری و عملیاتی در حوزه مشارکت شهری برای این گونه قوانین، برنامه ها و لوایح تدوین گردد.

مسؤولان و برنامه ریزان برای جلب مشارکت جامعه در سطح ملی یا منطقه توصیه هایی کرده اند:

۱. رهیافت های معمولی برنامه ریزی توسعه را باید مسؤلان مرکزی با مشارکت مردم تدوین نمایند.

۲. ایجاد کمیته ای برای راهنمایی و هدایت لازم است. این کمیته باید

تهیه خطوط راهنمای کلی برای تیم برنامه ریزی و بازنگری کارهای آن، بخصوص گزارشات طراحی و سیاستها و توصیه های برنامه ریزی را که ایجاد شده اند، انجام دهد.

۳- کمیته ای هدایت مطالعات برنامه ریزی، ترکیبی از دیدگاههای مؤسسات و دفاتر دولتی مرتبط، بخش خصوصی و جامعه، و سایر تشکل های مرتبط است.

۴- شنود آزاد خواسته های مردم می تواند در طول برنامه حفظ شود. این گوش دادن ها، فرصتهایی را برای برنامه ریزان فراهم می کند تا در خصوص برنامه نکاتی را یاد بگیرند و در مورد نظرات مردم تجربیاتی را کسب کنند.

### منابع:

۱- اشرفی، یوسف؛ ملک زاده، علی، ( ۱۳۸۹)، چشم اندازسازی مشارکتی در فرایند راهبرد توسعه شهری ( CDS ) ( نمونه مورد مطالعه : شهر مراغه )، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۵، صفحات ۱۶۹-۱۸۰، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.

۲- برک پور، ناصر؛ اسدی، ناصر، ( ۱۳۸۸)، مدیریت و حکمروایی شهری، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.

۳- حکمت نیا، حسن؛ میرنجف، موسوی؛ ( ۱۳۸۳ ) تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۸۰، صفحات ۱۲۱-۱۳۶.

۴- سعیدی رضوانی، هادی، ( ۱۳۸۵)، مصوبات و رویه های شهرسازی مشارکتی، ماهنامه پیام مهندس، سال هفتم، شماره ۳۶، صفحات ۴۱-۴۵.

۵- سند توانمند سازی و ساماندهی سکونتگاههای غیر رسمی ( مصوب هیات وزیران - بهمن ۱۳۸۲)، سازمان عمران و بهسازی شهری وزارت مسکن و شهرسازی، پاییز ۱۳۸۳.

۶- عبدالهی، مجید؛ ( ۱۳۸۲)، شهر ایمن، شهر مشارکتی، فصلنامه علمی، پژوهشی، آموزشی مدیریت شهری، شماره ۵، صفحات ۲۲-۲۷

۷- فلاحی گیلان، روح الله؛ روشنفکر، پیام؛ کلاتری، عبدالحسین؛ ( ۱۳۸۸)، جایگاه مشارکت شهروندان در اسناد بالادستی، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، شهرداری تهران

۸- قانون برنامه چهارم توسعه، ( سال ۸۸-۸۴)، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران، آبان ۸۳

۹- معصومی، مسعود ( ۱۳۸۸)، درآمدی بر برنامه بر رویکردها در برنامه ریزی توسعه گردشگری، انتشارات سمیرا، تهران.

11- Urphy.peter E.Torism a community Approach. 1ed. London and New York. Inc.1985.

12-www.Un habitat. org /declarations/habitat\_agenda.htm (accesed:12.2.2005)

# سرمایه اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی در ایران\*

(مطالعه موردی: استان‌های گیلان، مازندران و گلستان)



## ■ غلامرضا خوش فر

دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

## ■ صادق صالحی

دکترای جامعه‌شناسی (دانشگاه لیدز انگلستان)، عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

## طرح مسئله

۱۹). پذیرش کیفیت محیط زیست به عنوان یک هدف جهانی باعث درک اهمیت آن در افق زمانی طولانی‌تری شده است. جهان به این درک رسیده است که ادامه رشد اقتصادی ناپایدار می‌تواند اثر مخربی بر طبیعت بگذارد و ظرفیت تولید و رفاه عمومی نسل‌های بعدی را جدا تهدید کند. احتمال چنین خطری باعث احساس تعهد اخلاقی و الزام در مورد آینده شده و به شکل دو هدف توسعه پایدار و تنوع زیستی بروز کرده است (کریم‌زادگان، ۱۳۸۲، ص ۲۰).

با این مقدمه درباره کیفیت محیط زیست، گفتنی است که در هر جامعه‌ای افراد برخورد مشخصی نسبت به محیط زیست از خود نشان می‌دهند که ممکن است این برخورد کاملاً مسئولانه و یا کاملاً غیرمسئولانه باشد. این طیف وسیع از برخورد نسبت به محیط زیست تحت تأثیر متغیرها و عوامل بی‌شماری است که عمدتاً به محیط اجتماعی فرد مربوط می‌شود. به لحاظ نظری تصمیم افراد جامعه برای استفاده از یک ایده، روش و فن جدید و یا داشتن رفتار مسئولانه نسبت به محیط زیست، در قالب کنش اجتماعی قابل بررسی است. مروری به منابع مربوط به بحث سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که مفهوم «سرمایه اجتماعی» معطوف به کنش اجتماعی است و سرمایه اجتماعی در واقع توانایی گسترش کنش است و آن را غنی

تامل توسعه و محیط زیست و پایداری توسعه در عرصه‌های مختلف از جمله دغدغه‌های همیشگی ربع قرن گذشته نزد بیشتر کشورهای در حال توسعه بوده است. در همین راستا، در دهه‌های پایانی قرن بیستم، روش‌های جلب مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و مدیریت منابع طبیعی و مدیریت محیط زیست، تحت دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، دستخوش تغییرات عمده‌ای شده است. روند دهه‌های گذشته در کشورهای پیشرفته صنعتی بیانگر این واقعیت است که کارگزاران دولتی، کارشناسان و نیز مدیران عرصه‌های محیط زیست و منابع طبیعی به رهیافتی تازه روی آورده‌اند (خاتون آبادی، ۱۳۸۳، ص ۲۶). در این رهیافت تازه به انسان و رفتارهای او به عنوان یکی از عناصر و عوامل اصلی حافظ منافع زیست‌محیطی و عامل تقویت کیفیت محیط زیست توجه خاص شد. اگر مشکلات فراگیر آلودگی محلی، منطقه‌ای و جهانی را در نظر بگیریم، هیچ‌کس با گنجانیدن واژه کیفیت محیط زیست در میان اهداف جهانی مخالف نیست. به‌طور کلی، از نظر بیشتر افراد کیفیت محیط زیست به معنای کیفیت هوا، آب و زمین است ولی وقتی این واژه برای جهت دادن به سیاستگذاری‌ها تعریف می‌شود، این مشکل ایجاد می‌شود که چگونه حد و مرز پاکیزگی و آلودگی را تعیین کنیم (کریم‌زادگان، ۱۳۸۲، ص

می‌سازد و به تعبیری منبع کنش اجتماعی به‌شمار می‌آید. بر اساس این پشتوانه نظری در این نوشته سعی می‌شود تا نشان داده شود که میزان مسئولانه بودن یا نبودن رفتارهای افراد جامعه نسبت به محیط زیست که از آنها با عنوان رفتارهای زیست‌محیطی یاد می‌شود، تا چه میزان تحت تأثیر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن قرار می‌گیرد.

### چهار چوب مفهومی سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح شده است. طرح این رویکرد در بسیاری از مباحث اقتصادی، نشان‌دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی است. سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی بوده و شناسایی آن به عنوان یک نوع سرمایه - چه در سطح مدیریت کلان توسعه کشورها و چه در سطح مدیریت سازمان‌ها و بنگاه‌ها - می‌تواند شناخت جدیدی را از سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی ایجاد کرده و مدیران را در هدایت بهتر سیستم‌ها یاری کند.

### تاریخچه مفهوم سرمایه اجتماعی

در دو دهه گذشته سرمایه اجتماعی در شکل‌ها و زمینه‌های مختلف به عنوان یکی از شاخص‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی پدیدار گشته است. ولی ریشه استفاده از این اصطلاح به سال ۱۹۱۶ و به نخستین کاربرد آن توسط یک معلم جوان ترقی‌خواه به نام هانیفان بازمی‌گردد (پاتنام و گاوس، ۲۰۰۲: ۵-۴). پس از آن مفهوم سرمایه اجتماعی چندین بار به طور مستقل بازآفرینی شد. در دهه ۱۹۵۰ توسط سیلی و همکارانش برای تحلیل عضویت حومه‌نشینان شهری در کلپ‌ها، در دهه ۱۹۶۰ جیکبز که برنامه‌ریز شهری بود برای تأکید بر ارزش جمعی پیوندهای غیررسمی همسایگی در کلان‌شهرهای جدید، و در دهه ۱۹۷۰ توسط لوری اقتصاددان، برای تحلیل میراث اجتماعی برده‌داری به کار گرفته شده است (پاتنام و گاوس، ۲۰۰۲: ۵). مفهوم سرمایه اجتماعی تنها تا جایی مورد بحث لوری واقع می‌شود که با تفاوت در میزان برخورداری از فرصت‌ها (از طریق ارتباطات اجتماعی) برای جوانان وابسته یا غیر وابسته به اقلیت‌های نژادی رابطه پیدا می‌کند، ولی هیچ‌گونه برخورد نظام‌مندی با روابطی که بین این نوع سرمایه برقرار است، مشاهده نمی‌شود (پورتز، ۱۹۹۸: ۴).

اما مفهوم سرمایه اجتماعی تنها در دهه ۱۹۸۰ بود که به شدت مورد توجه قرار گرفت و توانست با گسترش نظری و تجربی، جایگاه تعریف شده‌ای در میان نظریه‌های جامعه‌شناسی به خود اختصاص دهد. این امر عمدتاً مرهون کلمن (۱۹۹۸) جامعه‌شناس آمریکایی و تحقیق او در زمینه مشارکت در امور مدرسه (در شهر شیکاگو) است. پس از آن پورتز در فرانسه ابعاد دیگری از این مفهوم را روشن کرد و مطالعه پاتنام (۱۹۹۳) در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا، بویژه از عوامل اثرگذار در این گسترش می‌باشد.

سرمایه اجتماعی در یک معنای عام، نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که با بازده مورد انتظار در بازار تعریف می‌شود. البته بازار لفظی استعاره‌ای است و محدوده آن در تحلیل‌های گوناگون می‌تواند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و یا بازار کار باشد که در آن، افراد با درگیر شدن در تعاملات و شبکه‌های اجتماعی، منافع مورد انتظار را

تولید می‌کنند (لین، ۲۰۰۱: ۲۱). اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده، همکاران و دوستان دارایی بسیار مهمی را تشکیل می‌دهند که فرد می‌تواند در شرایط بحرانی آنها را به کار گیرد، از آنها بهره‌برد و یا برای منافع مادی استفاده کند. البته این مسئله برای گروه، بیشتر صدق می‌کند. اجتماعاتی که از نعمت مجموعه گوناگونی از شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های مدنی برخوردارند، در وضعیت محکم‌تری در رویارویی با فقر، آسیب‌پذیری و حل منازعات قرار دارند و بهتر می‌توانند از فرصت‌های جدید بهره‌برند (پاتنام و گاوس، ۲۰۰۲: ۹) [به نقل از: توسلی و موسوی، ۱۳۸۳].

سنجش تأثیرهای سرمایه اجتماعی بر جنبه‌های مختلف زندگی، از بهداشت و سلامت تا حاکمیت و جامعه مدنی، مشارکت سیاسی و عملکرد تحصیلی، موضوعاتی هستند که دلمشغولی بسیاری را ایجاد کرده‌اند.

### ۲. تعریف سرمایه اجتماعی

از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه داده‌اند. یکی از تعاریف این است که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده و از هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌کاهد (فوکویاما ۱۹۹۹). براساس این تعریف، مفاهیمی مانند جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیکی با سرمایه اجتماعی می‌شوند. بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد (بانک جهانی، ۱۹۹۹). سرمایه اجتماعی برخلاف دیگر سرمایه‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارد، بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از سوی دیگر افزایش آن می‌تواند از سطح هزینه‌های اداره جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها بکاهد.

مباحث نظری مربوط به مفهوم سرمایه اجتماعی بسیار وسیع بوده و در این مقاله به منظور استفاده از آنها به عنوان پشتوانه نظری و برای رعایت اختصار تنها دیدگاه‌های مهم‌ترین نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی؛ یعنی رابرت پاتنام، جیمز کلمن و پی‌یر پورتز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### نظریه پاتنام

از دیدگاه پاتنام، «نظریه سرمایه اجتماعی بر این فرض استوار است که به‌طور کلی، هر چه با دیگر افراد ارتباط بیشتری داشته باشیم، اعتماد بیشتری به آنها خواهیم داشت و برعکس» (Putnam, 1995, P. 665). در تئوری سرمایه اجتماعی پاتنام، هنگام گسترش سرمایه اجتماعی «من» به «ما» تبدیل می‌شود. پاتنام سرمایه اجتماعی را ابعادی از سازمان‌های اجتماعی (مثل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد) می‌داند که هماهنگی و مشارکت را در جهت منافع متقابل تسهیل می‌کند. این ابعاد، خودتقویت‌کننده‌اند و در فرایند توسعه سیاسی انباشته می‌شوند و از سوی دیگر چرخه‌های مثبت، حاصل سطوح بالای همکاری، اعتماد، مبادله، مشارکت مدنی و رفاه جمعی هستند.



۲. نظام‌های آموزشی  
 ۳. سازمان‌های افقی و عمودی (شارع‌پور، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳).

### نظریه بورديو

- پی‌یر بورديو از چهار نوع سرمایه نام می‌برد:
۱. سرمایه اقتصادی یا دارایی مولد (شامل پول و یا اشیایی است که برای تولید کالا و خدمات به کار می‌روند)
  ۲. سرمایه اقتصادی یا موقعیت و روابط موجود در گروه‌بندی‌ها و شبکه‌ها
  ۳. سرمایه فرهنگی یا مهارت‌های فردی غیررسمی، عادت‌ها، حالت‌ها، شیوه‌های زبانی، مدارج آموزشی، ذائقه‌ها و شیوه‌های زندگی
  ۴. سرمایه نمادین یا استفاده از نمادها برای مشروعیت بخشیدن به مالکیت سطوح متفاوت سه گونه سرمایه پیشین (Turner, 1998, P. 512)

بورديو علاوه بر چهار نوع سرمایه به نوع دیگری از سرمایه یعنی سرمایه سیاسی هم اشاره می‌کند که نخبگان سیاسی در طی سالیان فعالیت سیاسی آن را به دست می‌آورند (بورديو، ۱۳۸۱، ص ۵۰).

بورديو سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع بالقوه و بالفعل می‌داند که از وابستگی به شبکه‌هایی که بر اساس روابط آشنایی‌های دوسویه است ناشی می‌شود. متغیرهای مورد نظر بورديو شامل دوام و حجم شبکه‌های روابط است روابطی که شبکه به‌طور مؤثری می‌تواند بسیج کند. بورديو از این اصل شروع می‌کند که سرمایه و تجلیات گسترده آن (مانند اقتصادی، تاریخی، نمادی، فرهنگی و اجتماعی) تا زمانی که از لحاظ تاریخی و اجتماعی محدود به شرایط ایجادکننده خود هستند، می‌توانند ابعاد مختلف جامعه سرمایه‌داری و دیگر شکل‌های تولید را تحت تأثیر قرار دهند (Milani, 2003). با توجه به مبانی نظری پیش گفته، در این مطالعه برای بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه از متغیرها و شاخص‌های موجود در نظریات پاتنام، کلمن و بورديو به صورت ترکیبی استفاده می‌شود. به این ترتیب سرمایه اجتماعی افراد مورد مطالعه، حاصل جمع نمراتی است که از ابعاد پنج‌گانه سرمایه اجتماعی به دست می‌آورند. جزئیات مربوط به ابعاد پنج‌گانه سرمایه اجتماعی و نحوه سنجش آن در بخش روش‌شناسی توضیح داده می‌شود.

### روش‌شناسی

این ویژگی‌ها اجتماع مدنی را باز تعریف می‌کنند. برعکس، نبود چنین ویژگی‌هایی در یک اجتماع غیرمدنی نیز خودتقویت‌کننده هستند. واگرایی، بی‌اعتمادی، بی‌مسئولیتی، استثمار، انزوا، بی‌نظمی و رکود یکدیگر را در وضعیت مخرب چرخه‌های باطل تشدید می‌کنند. (Putnam, 1993, P. 177). در رویکرد پاتنام، بعد سیاسی بر بعد اقتصادی ارجحیت دارد. در واقع این سنت‌های مدنی هستند که درجه توسعه را مشخص می‌کنند و نه برعکس. جامعه مدنی، عملکرد نهادی را مشروط می‌سازد (Milani, 2003). وجه برجسته جوامع دموکراتیک عبارتند از: سطوح بالای اعتماد، هنجارهای قدرتمند مبادله و شبکه‌های اجتماعی تسهیل‌کننده همکاری. دولت در چنین جوامعی بایستی کارآمد، اثرگذار و پاسخگو باشد؛ برای اینکه شهروندان قانون‌گرا هستند و مأموران رسمی دولت به اصل منافع عمومی تعهد دارند و کمتر دچار فساد سیاسی می‌شوند. پاتنام معتقد است در چنین جوامعی شهروندان «با دیگران عادلانه رفتار می‌کنند و از دیگران نیز انتظار عدالت دارند. آنها از دولت انتظار دارند که معیارهای بالا را برای آنان فراهم کند و داوطلبانه پذیرای قوانین می‌شوند» (Putnam, 1993). پاتنام همچنین به رابطه میان سرمایه اجتماعی و بهداشت بهینه اشاره می‌کند. کسانی که عضو گروه‌های اجتماعی هستند، به مراتب خوشحال‌ترند و از بهداشت روانی بهتری برخوردارند (Putnam, 2000, P. 333).

### نظریه کلمن

جیمز کلمن در نظریه‌پردازی از خرد به کلان و از کلان به خرد در حرکت است. وی در حرکت از سطح خرد به کلان، تحت تأثیر نظر ماکس وبر در کتاب «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری» قرار دارد (ریترز، ۱۳۷۳، ص ۴۸۸). کلمن سرمایه اجتماعی را بر پایه کارکرد آن تعریف می‌کند. سرمایه اجتماعی پدیده واحدی نیست، بلکه پدیده‌ها یا هستی‌هایی است با دو ویژگی مشترک: (۱) شکلی از ساختار اجتماعی هستند. (۲) کنش‌های افراد عضو، این ساختارها را تسهیل می‌کند (Milani, 2003). کلمن سرمایه اجتماعی را در اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت‌های اجرایی کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکالیف در گروه می‌داند (شارع‌پور، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲). او با پیروی از تئوری انتخاب عقلایی و کاربرد آن در جامعه‌شناسی، معتقد بود که مبادله‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از کنش‌های اجتماعی است. سه متغیر عمده در سرمایه اجتماعی از نظر کلمن عبارتند از:

۱. نظام‌های حمایت‌گر خانواده

۱- فرمول کوکران بدین شرح می‌باشد و ارقام موجود در این فرمول به شرح زیر است:  
 $t = 7.95\%$  اندازه متغیر در توزیع طبیعی (ضریب اطمینان).  
 $d = 0.05$  سطح احتمال مورد نظر.  
 $p = 0.05$  احتمال دارا بودن صفت یا قرار گرفتن در نمونه.  
 $q = 0.05$  احتمال دارا نبودن صفت یا قرار نگرفتن در نمونه.  
 $N =$  جامعه آماری  
 $n =$  حجم نمونه مورد نظر (۷۵۰)

**نوع روش تحقیق:** روش تحقیق در مطالعه انجام شده از نوع پیمایشی می‌باشد.

حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری: نمونه آماری شامل ۷۵۰ نفر از ساکنان مناطق شهری استان‌های گیلان، مازندران و گلستان می‌شوند که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب انتخاب شده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول منطقی کوکران<sup>۱</sup> به دست آمده است. هر یک از استان‌های سه‌گانه، یک طبقه در نظر گرفته شده و توزیع نمونه‌ها در این سه طبقه متناسب با جمعیت شهری ساکن در آنها صورت گرفته است.

**ابزار تحقیق و اعتبار و روایی آن:** مهم‌ترین ابزار تحقیق «پرسشنامه» است که روایی پرسش‌های آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی شده و مقدار آن (P 8673/0) حاصل شده است. اعتبار پرسش‌ها نیز از طریق اعتبار صوری (مراجعه به کارشناسان) مورد تأیید قرار گرفته است.

**شیوه گردآوری داده‌ها:** برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم در این تحقیق از روش میدانی استفاده شده است. یعنی پرسشگران آموزش دیده با مراجعه به جامعه آماری و انتخاب تصادفی واحدهای نمونه در بلوک‌های شهری مراکز شهرستان‌های استان‌های سه‌گانه گیلان، مازندران و گلستان به واسطه مصاحبه و تکمیل پرسشنامه، داده‌ها و اطلاعات لازم را گردآورده‌اند. در مورد افراد باسواد، پرسشنامه به صورت «خود پاسخ» تکمیل شده است.

**روش‌های آماری و تکنیک‌های تحلیل داده‌ها:** برای انجام تجزیه و تحلیل و به‌کارگیری روش‌های آماری ابتدا داده‌ها در بسته نرم افزار آماری ویژه تحلیل داده‌های علوم اجتماعی<sup>۲</sup> پردازش شد و سپس تحلیل داده‌ها متناسب با سطح سنجش متغیرها انجام گرفت. برای سنجش ارتباط بین ابعاد سرمایه اجتماعی با رفتارهای زیست‌محیطی از ضرایب همبستگی مانند پیرسون و اسپیرمن و برای مقایسه میانگین رفتارهای زیست‌محیطی بر حسب متغیرهای مستقل دو گزینه‌ای از تکنیک آماری T-Test و بیش از دو گزینه از آنالیز واریانس یکطرفه<sup>۳</sup> استفاده می‌شود.

**تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق:** بر اساس نتایج مبانی بینشی و چهارچوب نظری تحقیق که با الهام از نظرات کلمن (۱۹۸۸)، پاتنام (۱۹۹۵) و بوردیو (۱۹۹۸) به صورت ترکیبی شکل گرفته، برای سنجش سرمایه اجتماعی، برای آن پنج بعد در نظر گرفته شده است. این پنج بعد عبارتند از:

۱. اعتماد اجتماعی

۲. اعتماد انتزاعی

۳. هنجارهای مشارکت و همیاری

۴. عضویت در نهادهای مدنی، و

۵. امنیت اجتماعی. میزان سرمایه اجتماعی مجموع نمراتی است که از ترکیب نمرات این پنج بعد و شاخص‌های سنجش آنها به دست می‌آید.

**اعتماد اجتماعی:** اعتماد اجتماعی از نظر بسیاری از نویسندگان کلید اصلی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و از نظر دیگران مزیت یا بازده سرمایه اجتماعی به حساب می‌آید. پرسش محوری در بررسی این بعد از سرمایه اجتماعی این است که تا چه میزان به دیگران اعتماد دارید. این اعتماد نتیجه تعاملات اجتماعی موجود در

گروه‌ها، انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است. بویژه اگر این اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد، به عنوان یک سرمایه با ارزش تلقی می‌شود. اعتماد اجتماعی یا عمومی به معنی اعتماد در روابط متقابل اجتماعی یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی است که در مطالعات بین‌المللی سرمایه اجتماعی نیز مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد؛ برای سنجش این بعد معمولاً از پاسخگویان پرسش می‌شود که اعتماد آنها به بیشتر مردم چقدر است و یا اقوام و خویشان خود را تا چه اندازه قابل اعتماد می‌دانند. در مطالعه حاضر برای سنجش این بعد از پاسخگویان خواسته شده تا میزان موافقت و یا مخالفت خود را با این جمله که: «بیشتر مردم قابل اعتمادند»، مشخص کنند.

اعتماد انتزاعی (تعمیم یافته): آنتونی گیدنز اعتماد به نظام‌های انتزاعی یا اعتماد نهادی را این‌گونه خلاصه می‌کند: «روابط اعتماد برای فاصله‌گیری گسترده زمانی - مکانی که ملازم مدرنیت است، نقشی بنیادی دارد. اعتماد به نظام‌ها، صورت پایبندی‌های بی‌چهره‌ای را به خود می‌گیرد که طی آن ایمان به کارایی‌های دانشی که شخص عادی تقریباً از آن چیزی نمی‌داند، حفظ می‌شود. نقاط دسترسی همان پیوندگاه‌هایی‌اند که در آنجاها اعتماد را می‌توان حفظ یا بنا کرد» (گیدنز، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵) برای سنجش بعد اعتماد به نهادهای اجتماعی، یا به تعبیر گیدنز اعتماد انتزاعی، به‌عنوان اعتماد تعمیم یافته چهار شاخص عمده در این خصوص؛

۱. اعتماد به پلیس و نیروهای انتظامی

۲. اعتماد به معلمان و استادان دانشگاه

۳. اعتماد به نمایندگان مجلس و سیاستمداران

۴. اعتماد به روزنامه‌ها و صدا و سیما، مورد بررسی قرار گرفته است.

هنجارهای مشارکت و همیاری: مشارکت و همکاری به عنوان یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی شمرده می‌شود که در این تحقیق نیز با استفاده از دو شاخص مورد سنجش قرار گرفته است. این دو شاخص عبارتند از:

۱. آمادگی کمک به یکدیگر توسط مردم محل زندگی

۲. تمایل به مشارکت در حل مشکلات محله خود توسط افراد ساکن در محله

**عضویت در نهادهای مدنی:** عضویت در نهادهای مدنی را می‌توان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی دانست. نهادهای مدنی مانند انجمن‌های صنفی، حرفه‌ای، شوراهای شهری و محلی، کتابخانه‌ها، انجمن‌های علمی و ورزشی، گروه‌های حامی محیط زیست، انجمن‌های تجاری و کشاورزی از این دسته‌اند. سازماندهی افراد در نهادهای مدنی موجب فرهنگ‌های صنفی و حرفه‌ای خاص در این نهادها شده و ضمن ایجاد سطح بالاتری از مشارکت و تعلق اجتماعی، موجب می‌شود که به‌طور غیرمستقیم، کنترل رفتارها و تعاملات اجتماعی و اقتصادی اعضای این نهادها وابسته به هنجارهای موجود در این نهادها شده و هزینه‌های بسیاری از کنترل‌های رسمی کاهش یابد. بنابراین عضویت و فعالیت در تشکلهای، انجمن‌ها و نهادهای مدنی به عنوان نمود عینی میزان سرمایه اجتماعی افراد جامعه محسوب می‌گردد. در این تحقیق نیز هم عضویت و هم فعالیت در تشکلهای به عنوان یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. این تشکلهای عبارتند از:

۱. باشگاه‌های ورزشی و تفریحی،
۲. انجمن‌های ادبی، هنری و علمی
۳. صندوق‌های قرض‌الحسنه
۴. شرکت‌های تعاونی
۵. هیئت‌های مذهبی

برای سنجش رفتارهای زیست‌محیطی بر اساس مطالعات انجام شده در دیگر نقاط جهان، مقولات مختلفی در قالب گویه‌هایی که نشان‌دهنده رفتار مسئولانه یا غیرمسئولانه نسبت به محیط زیست بود، شناسایی و در قالب پرسش‌های متعددی طراحی شدند و پس از چند بار اجرا و آزمون روایی و حک و اصلاح به تعداد ۲۶ گویه تقلیل یافته و نهایی شدند. برخی از مضامین این گویه‌ها عبارتند از:

خاموش کردن وسایل گرمایشی در اتاق‌هایی که لازم نیست گرم باشند.

استفاده مجدد از کاغذهای باطله.

استفاده از لباس گرم به جای زود روشن کردن وسایل گرمایشی در فصول سرد.

صرفه‌جویی در مصرف انرژی‌های طبیعی مانند آب، برق و گاز یافته‌ها

یافته‌ها و نتایج حاصله در دو قسمت ارائه می‌شوند. قسمت اول (الف) شامل یافته‌های توصیفی و قسمت دوم (ب) شامل یافته‌های تحلیلی پژوهش می‌باشد.

الف) یافته‌های توصیفی

در این قسمت از مقاله متغیرها و مفاهیم اصلی تحقیق توصیف می‌شوند. این متغیرها و مفاهیم شامل سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، مقایسه سرمایه اجتماعی در مناطق مورد مطالعه و رفتارهای زیست‌محیطی می‌شوند.

### ابعاد سرمایه اجتماعی

**میزان امنیت اجتماعی:** امنیت اجتماعی به عنوان زیربنای اصلی تمهید مقدمات و زمینه‌های تحقق جامعه مدنی و هنجارهای اعتماد متقابل و نیز تسهیل‌کننده مشارکت اجتماعی و سیاسی افراد جامعه، یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی شمرده می‌شود و در این تحقیق نیز به وسیله سه پرسش مورد سنجش قرار گرفته است که سه بعد امنیت را ارزیابی می‌کنند. این سه شاخص که جمعاً یک بعد از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، عبارتند از:

۱. میزان احساس امنیت (امنیت روانی)

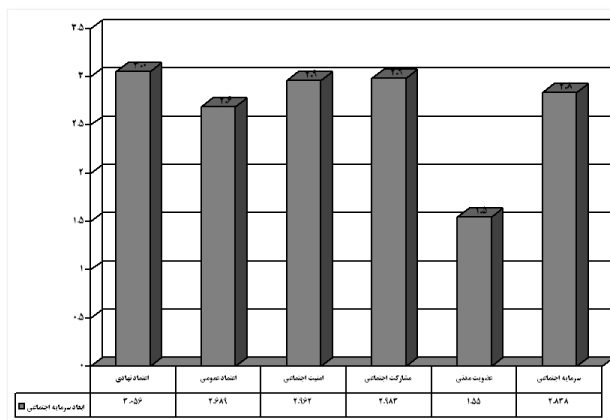
۲. میزان سرمایه‌گذاری اقتصادی در جامعه بدون نگرانی (امنیت اقتصادی)

۳. میزان تأمین امنیت افراد و خانواده‌ها توسط دولت (امنیت ساختاری)

**رفتارهای زیست‌محیطی:** رفتارهای زیست‌محیطی مجموعه‌ای از کنش‌های افراد جامعه نسبت به محیط زیست است که در یک طیف وسیع از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص برای رفتار نسبت به محیط زیست را شامل می‌شود. افراد جامعه بر حسب شرایط و مقتضیات خاص اجتماعی و فرهنگی برخورد متفاوتی نسبت به محیط زیست دارند. این برخوردها و رفتارها ممکن است کاملاً منفی و علیه حفظ محیط زیست و یا برعکس کاملاً مثبت و بر له محیط زیست

جدول شماره ۱: ابعاد سرمایه اجتماعی

شاخصهای آماری	اعتماد نهادی	اعتماد عمومی	امنیت اجتماعی	مشارکت محلی	عضویت مدنی	سرمایه اجتماعی	تعداد
							داده‌های معتبر
	۷۳۷	۷۱۸	۷۳۲	۷۴۴	۷۵۰	۶۸۵	
	۱۳	۳۲	۱۸	۶	۰	۶۵	اظهار نشده
میانگین (از ۵)	۳/۰۵۶۳	۲/۶۸۹۴	۲/۹۶۳۷	۲/۹۸۳۲	۱/۵۵۰۷	۲/۸۳۸۹	
انحراف معیار	۰/۸۳۰۷۲	۱/۰۳۴۷۸	۰/۷۳۹۸۱	۰/۹۰۰۵۳	۰/۹۶۵۰۶	۰/۵۸۸۶۱	
حد اقل	۱	۱	۱	۱	۰	۱	
حداکثر	۵	۵	۵	۵	۵	۵	



باشد. قسمتی از نوسان‌های رفتار افراد نسبت به محیط زیست به سرمایه اجتماعی آنان مربوط می‌شود. به طوری که بر اساس تجربیات موجود افراد دارای سرمایه اجتماعی غنی، رفتاری مهربان و دلسوزانه نسبت به محیط زیست دارند. این‌گونه افراد حافظ منافع زیست‌محیطی بوده و در حفظ و نگهداری از محیط طبیعی کاملاً کوشا و فعال‌اند. برای نمونه در مصرف منابع طبیعی صرفه‌جویی می‌کنند و نسبت به هرگونه آسیبی به محیط زیست از خود حساسیت نشان می‌دهند. طبق نتایج مطالعات اینکلهارث در جوامع پست مدرن، توجه به محیط زیست بیش از جوامع مدرن می‌باشد. از این‌رو وی دفاع از محیط زیست را به عنوان یک ارزش فرامادی تلقی می‌کند که در جوامع پست مدرن جایگاه رفیع‌تری دارد.



چنانچه بیشتر توضیح داده شد، سرمایه اجتماعی در این مطالعه به پنج بعد تقسیم شده که خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به میزان این ابعاد در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

چنانچه در جدول شماره (۱) ملاحظه می‌شود، میانگین بعد اعتماد نهادی بیشتر از بقیه ابعاد سرمایه اجتماعی است، در حالی که عضویت مدنی کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است. رشدنیافتگی نهادهای مدنی در کشور و موانع تاریخی پیدایش و توسعه نهادها و انجمن‌های غیردولتی از جمله دلایل کاهش مقدار این بعد از سرمایه اجتماعی می‌باشد. مشارکت محلی در رتبه دوم بعد از اعتماد نهادی قرار می‌گیرد و سپس امنیت اجتماعی قرار دارد. اعتماد عمومی پیش از عضویت مدنی قرار گرفته است. در مجموع، سرمایه اجتماعی افراد مورد مطالعه در حد کمتر از متوسط (۲/۸۳ از ۵) قرار دارد.

نمودار شماره (۱) سرمایه اجتماعی و ابعاد آن را بر اساس شاخص میانگین رتبه‌ای (از یک تا پنج) نشان می‌دهد. چنانچه در نمودار نیز کاملاً آشکار است، عضویت مدنی نسبت به دیگر ابعاد سرمایه اجتماعی دچار خلأ بارزی شده است و با وجود ظرفیت بالا برای ایجاد و توسعه نهادهای مدنی در کشور، هنوز سازمان‌ها و تشکل‌های مردم نهاد رشد قابل توجهی ننموده‌اند.

نمودار شماره ۱: سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (شاخص میانگین از ۵) مقایسه ابعاد سرمایه اجتماعی در مناطق مورد مطالعه

برای مقایسه ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی در مناطق مورد مطالعه از تکنیک آماری مقایسه میانگین‌ها استفاده شده است. خلاصه شاخص‌های آماری در جدول شماره (۲) دیده می‌شود.

چنانچه در جدول شماره (۲) دیده می‌شود، سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در استان‌های مورد مطالعه یکسان نبوده و دارای تفاوت‌های معنی‌داری است. به طوری که از لحاظ آماری سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی و امنیت اجتماعی بر حسب استان‌های مورد مطالعه، تفاوت معنی‌داری می‌پذیرد، در حالی که ابعاد دیگر سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد عمومی، مشارکت محلی و عضویت مدنی تفاوت چندانی بین استان‌های مورد بررسی ندارند.

جدول شماره ۲: مقایسه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر حسب مناطق مورد مطالعه

مقایسه شاخص میانگین، نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی در استان مازندران بیشتر از استان گلستان و در استان گلستان بیشتر از استان گیلان می‌باشد. در مورد اعتماد نهادی مقدار میانگین در استان گلستان بیشتر از استان مازندران و در استان گیلان می‌باشد. مقایسه امنیت اجتماعی نیز نشان می‌دهد که میانگین میزان امنیت اجتماعی در استان مازندران بیشتر از استان گلستان و در استان گلستان بیشتر از استان گیلان می‌باشد.

در مجموع داده‌ها نشان می‌دهند که میانگین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در استان گیلان در کمترین مقدار و در استان مازندران در بیشترین مقدار خود قرار گرفته، در حالی که استان گلستان در حد متوسط قرار دارد.

### رفتارهای زیست‌محیطی

رفتارهای زیست‌محیطی با استفاده از پرسش‌های مختلفی سنجیده شده که در نهایت ۲۶ پرسش برای ارزیابی رفتارهای زیست‌محیطی پاسخگویان مورد استفاده قرار گرفت. جدول زیر به صورت ترکیبی طراحی شده و علاوه بر توزیع فراوانی مطلق و نسبی، در انتهای سمت چپ جدول شاخص میانگین رتبه‌ای هر یک از گویه‌ها نیز ارائه شده‌اند تا امکان مقایسه همزمان تمامی گویه‌ها با یکدیگر مقدور باشد. توزیع نسبی کیفیت رفتارهای زیست‌محیطی پاسخگویان در ۲۶ گویه به شرح جدول شماره (۳) می‌باشد.

۲۱ چنانچه دیده می‌شود، میانگین مقدار رفتارهای مربوط به گویه‌های ردیف ۹، ۱۲ و ۱۵، بیشتر از عدد ۴ به‌دست آمده است که نشان‌دهنده رفتار مسئولانه نسبت به موارد یادشده «خیلی زیاد» می‌باشد. این موارد بیشتر شامل صرفه جویی در مصرف انرژی‌ها و منابع طبیعی هستند. همچنین میانگین مقدار رفتارهای مربوط به گویه‌های ردیف ۱۱، ۱۹، ۲۴، و ۲۶ کمتر از عدد ۳ حاصل شده است که نشان‌دهنده وجود این‌گونه رفتارها در حدود «کم» می‌باشد. میانگین مقدار رفتارهای مربوط به ۱۸ گویه دیگر در حدود «متوسط» قرار دارند. شاخص میانگین میانگین‌ها نیز نشانگر این است که در مجموع رفتارهای زیست‌محیطی در مناطق مورد بررسی در حد بیش از متوسط (در حدود

استان	شاخص‌های آماری	سرمایه اجتماعی	اعتماد نهادی	اعتماد عمومی	امنیت اجتماعی	مشارکت اجتماعی	عضویت مدنی
گیلان	میانگین	۸۰۰۰.۲۹	۴۳۸۱.۱۱	۵۷۹۴.۲	۴۱۵۱.۸	۷۹۶۳.۵	۴۱۱۲.۱
	تعداد	۱۰۰	۱۰۵	۱۰۷	۱۰۶	۱۰۸	۱۰۷
	انحراف معیار	۶۰۵۷۸.۶	۷۲۳۴۳.۳	۰۵۵۴۲.۱	۲۷۵۶۲.۲	۸۲۷۹۲.۱	۲۲۰۵۳.۱
مازندران	میانگین	۵۳۱۲.۳۱	۲۸۰۱.۱۲	۷۰۲۸.۲	۰۸۶۶.۹	۰۳۶۸.۶	۲۷۵۹.۱
	تعداد	۳۶۹	۴۰۷	۳۸۷	۴۰۴	۴۰۸	۴۰۶
	انحراف معیار	۴۶۸۱۳.۶	۲۸۳۰۶.۳	۰۲۴۱۰.۱	۲۲۴۳۷.۲	۷۵۲۸۱.۱	۰۱۴۸۳.۱
گلستان	میانگین	۴۲۰۶.۳۱	۵۲۴۷.۱۲	۷۲۹۷.۲	۷۵۰۰.۸	۹۲۹۲.۵	۳۵۵۶.۱
	تعداد	۲۱۴	۲۲۳	۲۲۲	۲۲۰	۲۲۶	۲۲۵
	انحراف معیار	۳۶۳۸۳.۶	۱۴۷۷۳.۳	۰۴۱۶۳.۱	۱۵۵۲۲.۲	۸۷۷۱۹.۱	۱۴۰۸۷.۱
نتیجه آزمون آنالیز واریانس یکطرفه	F مقدار آزمون	۹۴۶/۲	۹۳۶/۳	۸۰۲/۰	۴۸۲/۴	۸۳۹/۰	۹۸۳/۰
	سطح معنی‌داری	۰۵۳/۰	۰۲۰/۰	۴۴۹/۰	۰۱۲/۰	۴۳۲/۰	۴۳۵/۰

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی رفتارهای زیست‌محیطی

میانگین	ارزیابی نسبی						رفتارهای زیست‌محیطی	ردیف
	جمع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۴/۱۵۷	۷۴۴	۳۶۸	۲۰۰	۱۱۰	۵۷	۹	تعداد	۱ خاموش کردن وسایل گرمایشی در اتاق‌هایی که لازم نیست گرم باشند
	۱۰۰	۴۹/۵	۲۶/۹	۱۴/۸	۷/۷	۱/۲	درصد	
۳/۷۰۳	۷۴۵	۲۰۵	۲۶۹	۱۵۳	۸۱	۳۷	تعداد	۲ کم کردن درجه آب در هنگام استفاده از آب گرم
	۱۰۰	۲۷/۵	۳۶/۱	۲۰/۵	۱۰/۹	۵	درصد	
۳/۵۷۷	۷۴۸	۱۹۶	۲۴۲	۱۶۰	۹۸	۵۲	تعداد	۳ جلوگیری از هدر دادن آب در هنگام استحمام
	۱۰۰	۲۶/۲	۳۲/۴	۲۱/۴	۱۳/۱	۷	درصد	
۳/۹۸۱	۷۴۸	۲۷۳	۲۹۲	۱۰۵	۵۲	۲۶	تعداد	۴ صرفه جویی در مصرف آب هنگام شست‌وشوی دست
	۱۰۰	۳۶/۵	۳۹	۱۴	۷	۳/۵	درصد	
۳/۵۹۹	۷۳۷	۱۶۴	۲۸۶	۱۵۷	۸۸	۴۲	تعداد	۵ استفاده از مواد شوینده استاندارد غیر مضر برای محیط زیست
	۱۰۰	۲۲/۳	۳۸/۸	۲۱/۳	۱۱/۹	۵/۷	درصد	
۳/۱۳۴	۷۴۵	۱۱۳	۲۱۰	۱۹۲	۱۲۴	۱۰۶	تعداد	۶ استفاده نکردن از اسپری‌های زیان‌آور برای محیط زیست
	۱۰۰	۵۲/۲	۲۸/۲	۲۵/۸	۱۶/۶	۱۴/۲	درصد	
۳/۷۷۱	۷۴۳	۱۹۶	۲۹۹	۱۶۴	۵۰	۳۴	تعداد	۷ استفاده مجدد از ظروف و بطری‌های شیشه‌ای
	۱۰۰	۲۶/۴	۴۰/۲	۲۲/۱	۶/۷	۴/۶	درصد	
۳/۶۸۴	۷۴۹	۱۹۵	۲۷۸	۱۶۴	۶۹	۴۳	تعداد	۸ استفاده مجدد از کاغذهای باطله
	۱۰۰	۲۶	۳۷/۱	۲۱/۹	۹/۲	۵/۷	درصد	
۴/۰۱۶	۷۳۵	۲۹۴	۲۴۹	۱۳۰	۳۴	۲۸	تعداد	۹ استفاده مناسب و بهینه از ماشین لباسشویی
	۱۰۰	۴۰	۳۳/۹	۱۷/۷	۴/۶	۳/۸	درصد	
۳/۳۷۵	۷۴۸	۱۰۵	۲۹۶	۱۸۷	۹۵	۶۵	تعداد	۱۰ استفاده از لباس گرم بیشتر در فصل سرما به جای سوزاندن انرژی
	۱۰۰	۱۴	۳۹/۶	۲۵	۱۲/۷	۸/۷	درصد	
۲/۹۸۳	۷۴۷	۶۶	۲۳۲	۱۹۴	۱۳۴	۱۲۱	تعداد	۱۱ کمتر کردن تعداد دفعات دوش گرفتن در مواقع غیر ضروری
	۱۰۰	۸/۸	۳۱/۱	۲۶	۱۷/۹	۱۶/۲	درصد	
۴/۱۵۴	۷۴۹	۳۸۷	۱۷۶	۱۳۲	۲۶	۲۸	تعداد	۱۲ بستن شیر آب هنگام مسواک زدن
	۱۰۰	۵۱/۷	۲۳/۵	۱۷/۶	۳/۵	۳/۷	درصد	
۳/۵۴۲	۷۲۸	۱۲۲	۲۸۱	۲۱۸	۸۴	۲۳	تعداد	۱۳ استفاده از میوه و سبزی طبیعی با پرورش غیرشیمیایی
	۱۰۰	۱۶/۸	۳۸/۶	۲۹/۹	۱۱/۵	۳/۲	درصد	
۳/۵۴۸	۷۵۰	۱۶۷	۲۵۱	۲۰۱	۸۸	۴۳	تعداد	۱۴ دادن لباس‌هایی که استفاده نمی‌کنم به دیگران برای استفاده بهینه
	۱۰۰	۲۲/۳	۳۳/۵	۲۶/۸	۱۱/۷	۵/۷	درصد	
۴/۲۸۸	۷۵۰	۳۸۱	۲۳۰	۱۱۸	۱۶	۵	تعداد	۱۵ خاموش کردن چراغ‌های اضافی در منزل
	۱۰۰	۵۰/۸	۳۰/۷	۱۵/۷	۲/۱	۰/۷	درصد	
۳/۶۲۰	۷۴۵	۱۶۴	۲۷۶	۱۹۲	۸۴	۲۹	تعداد	۱۶ انتقال وسایل خانه که استفاده نمی‌کنم به دیگران جهت استفاده بهینه
	۱۰۰	۲۲	۳۷	۲۵/۸	۱۱/۳	۳/۹	درصد	
۳/۷۹۶	۷۴۳	۱۶۹	۳۲۸	۱۸۷	۴۴	۱۵	تعداد	۱۷ پایین نگه داشتن درجه حرارت وسایل گرمازا برای ذخیره انرژی
	۱۰۰	۲۲/۷	۴۴/۱	۵۲/۲	۵/۹	۲	درصد	
۳/۹۸۵	۷۴۲	۲۷۴	۲۶۵	۱۴۵	۳۴	۲۴	تعداد	۱۸ استفاده متناوب از شیر آب هنگام شست‌وشوی ظروف
	۱۰۰	۳۶/۹	۳۵/۷	۱۹/۵	۴/۶	۳/۲	درصد	
۲/۵۸۳	۷۴۶	۷۶	۱۳۷	۱۶۵	۱۳۶	۲۳۲	تعداد	۱۹ همراه داشتن کیسه پلاستیکی برای حمل خرید روزانه
	۱۰۰	۱۰/۲	۱۸/۴	۲۲/۱	۱۸/۲	۳۱/۱	درصد	
۳/۶۸۳	۷۴۲	۱۵۸	۳۰۰	۱۹۶	۶۷	۲۱	تعداد	۲۰ خرید مواد غذایی از فروشگاه‌های محلی
	۱۰۰	۲۱/۳	۴۰/۴	۲۶/۴	۹	۲/۸	درصد	
۳/۴۷۴	۷۴۲	۱۱۵	۲۷۴	۲۳۱	۹۲	۳۰	تعداد	۲۱ تلاش در استفاده از تولیدات محلی
	۱۰۰	۱۵/۵	۳۶/۹	۳۱/۱	۱۲/۴	۴	درصد	
۳/۶۰۷	۷۴۷	۱۶۶	۲۹۳	۱۷۱	۶۳	۵۴	تعداد	۲۲ استفاده از لامپ کم مصرف
	۱۰۰	۲۲/۲	۳۹/۲	۲۲/۹	۸/۴	۷/۲	درصد	
۳/۵۸۱	۷۳۹	۱۴۱	۲۸۷	۱۹۷	۸۹	۲۵	تعداد	۲۳ خرید وسایل برقی خانگی کم مصرف
	۱۰۰	۱۹/۱	۳۸/۸	۲۶/۷	۱۲	۳/۴	درصد	
۲/۹۸۷	۷۲۷	۷۵	۲۱۸	۱۷۷	۱۳۷	۱۲۰	تعداد	۲۴ استفاده از دستمال کاغذی بازیافت شده
	۱۰۰	۱۰/۳	۳۰	۲۴/۳	۱۸/۸	۱۶/۵	درصد	
۳/۴۳۴	۷۴۲	۱۷۳	۲۲۶	۱۷۸	۸۰	۸۵	تعداد	۲۵ استفاده بهینه از بطری‌ها و ظروف پلاستیکی
	۱۰۰	۲۳/۳	۳۰/۵	۲۴	۱۰/۸	۱۱/۵	درصد	
۲/۸۸۵	۷۳۵	۱۰۰	۱۸۰	۱۶۰	۱۲۶	۱۶۹	تعداد	۲۶ بازگرداندن زباله‌ها به باغچه که قابل تبدیل به کود هستند
	۱۰۰	۱۳/۶	۲۴/۵	۲۱/۸	۱۷/۱	۲۳	درصد	
$۹۳/۱۶۵ \div ۲۶ = ۳/۵۸۳$								میانگین میانگین‌ها

گرچه نشانگر فزونی سرمایه اجتماعی مردان نسبت به زنان می‌باشد، ولی از لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

### وضع تأهل

تفاوت سرمایه اجتماعی بر حسب وضع تأهل با استفاده از آزمون T-Test مورد سنجش قرار گرفت که نتیجه در جدول شماره (۵) آمده است.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون، تفاوت معنی‌داری بین دو گروه از پاسخگویان مجرد و متأهل دیده می‌شود. به طوری که افراد متأهل دارای سرمایه اجتماعی بالاتری نسبت به افراد مجرد می‌باشند. گستردگی روابط اجتماعی افراد متأهل نسبت به افراد مجرد به دلیل ازدواج و گسترش شبکه خویشاوندی، به ایجاد پیوندهای درون گروهی و برون گروهی جدید انجامیده و در نتیجه آن میزان سرمایه اجتماعی افراد متأهل را بیشتر از افراد مجرد نموده است.

### محل تولد

تفاوت سرمایه اجتماعی بر حسب محل تولد با استفاده از آزمون T-Test مورد سنجش قرار گرفت که نتیجه در جدول شماره (۶) آمده است.

۳/۵ از ۵) می‌باشد. این مقدار نشان می‌دهد که میزان مسئولانه بودن رفتارهای افراد مورد مطالعه در حد بیش از متوسط است. شاید بتوان نتیجه گرفت که در مجموع حدود ۷۰ درصد از رفتارهای افراد مورد مطالعه نسبت به محیط زیست مسئولانه و حدود ۳۰ درصد دیگر، غیرمسئولانه می‌باشد.

(ب) یافته‌های تحلیلی

در این قسمت بر اساس به‌کارگیری آزمون‌های آماری، رابطه بین متغیرها مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. ابتدا تفاوت‌پذیری سرمایه اجتماعی بر حسب برخی متغیرهای فردی و اجتماعی بررسی می‌شود و سپس به رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با رفتارهای زیست‌محیطی پرداخته می‌شود.

تفاوت سرمایه اجتماعی بر حسب عوامل فردی، اجتماعی و سیاسی

### جنس

تفاوت سرمایه اجتماعی بر حسب جنس با استفاده از آزمون T-Test مورد سنجش قرار گرفت که نتیجه در جدول شماره (۴) است.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون، تفاوت معنی‌داری بین دو جنس مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر، مردان و زنان از لحاظ دارا بودن سرمایه اجتماعی، تفاوت چندانی با مردان ندارند و تفاوت جزئی موجود

جدول شماره ۴: خلاصه شاخص‌های آماری برای تفاوت سرمایه اجتماعی بین دو جنس مرد و زن

متغیر مستقل	گزینه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	Sig. (-2tailed)
جنس	مرد	۳۴۳	۵۲۴۸.۳۱	۷۵۴۵۸.۶	۱/۲۰	۰/۲۲۹
	زن	۳۴۲	۹۲۹۸.۳۰	۱۷۶۸۵.۶		

جدول شماره ۵: خلاصه شاخص‌های آماری برای تفاوت سرمایه اجتماعی بر حسب وضع تأهل

متغیر مستقل	گزینه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	Sig. (-2tailed)
وضع تأهل	مجرد	۳۴۵	۲۵۵۱.۳۰	۵۵۱۵۷.۶	۴/۰۰۴	۰/۰۰۰
	متأهل	۳۴۰	۲۱۴۷.۲۲	۲۵۲۱۶.۶		

جدول شماره ۶: خلاصه شاخص‌های آماری برای تفاوت سرمایه اجتماعی بین متولدین روستا و شهر

متغیر مستقل	گزینه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	Sig. (-2tailed)
محل تولد	روستا	۲۰۹	۲۹۱۹.۳۲	۱۱۲۴۱.۶	۲/۸۶۵	۰/۰۰۴
	شهر	۴۷۶	۷۶۰۵.۳۰	۵۷۹۵۱.۶		

جدول شماره ۷: خلاصه شاخص‌های آماری برای تفاوت سرمایه اجتماعی بین ساکنان مناطق روستایی و شهری

متغیر مستقل	گزینه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	Sig. (-2tailed)
محل سکونت	روستا	۱۱۶	۹۷۴۱.۳۲	۵۱۱۱۹.۵	۲/۱۰۹	۰/۰۳۵
	شهر	۵۶۶	۸۷۸۱.۳۰	۵۹۵۸۷.۶		



## رابطه بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با رفتارهای زیست‌محیطی

برای سنجش جهت و شدت ارتباط بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با رفتارهای زیست‌محیطی از تکنیک آماری ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که خلاصه شاخص‌های آن در جدول شماره (۹) آمده است.

چنانچه در جدول شماره (۹) ملاحظه می‌شود، به استثنای عضویت مدنی، سرمایه اجتماعی و ابعاد آن همبستگی بسیار بالایی با رفتارهای زیست‌محیطی دارند. سطح معنی‌داری آزمون، گویای این است که درجه همبستگی بین این متغیرها بیش از ۹۹/۹ درصد می‌باشد. اگر بخواهیم بر اساس شدت همبستگی موجود، متغیرهای مورد بررسی را اولویت‌بندی کنیم، این رتبه‌بندی به ترتیب اهمیت به شرح زیر خواهد بود:

۱. سرمایه اجتماعی
۲. اعتماد نهادی
۳. امنیت اجتماعی
۴. مشارکت محله‌ای
۵. اعتماد عمومی
۶. عضویت مدنی

چنانچه ملاحظه می‌شود، سرمایه اجتماعی در رتبه اول قرار گرفته و شدت همبستگی آن با رفتارهای زیست‌محیطی دارای بیشترین مقدار است. پس از آن، اعتماد نهادی قرار دارد که در رتبه دوم قرار گرفته و از اهمیت فراوانی برخوردار است. امنیت اجتماعی در رتبه سوم قرار گرفته و پس از آن مشارکت محله‌ای در رتبه چهارم قرار دارد. اعتماد عمومی در رتبه پیش از آخر قرار گرفته و در آخرین رتبه، عضویت مدنی قرار دارد. در مورد عضویت مدنی کمبود انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی برای عضویت در آنها و موانعی که از دیر باز در راه توسعه نهادهای مدنی در کشور وجود داشته است؛ همه و همه گویای ضعف نهادهای واسط و رشدنیافتگی بخش غیردولتی به عنوان کانالی برای مشارکت

جدول شماره ۸: خلاصه شاخص‌های آماری برای تفاوت سرمایه اجتماعی بین مسن‌ها و جوانان

متغیر مستقل	گزینه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	Sig. (-2tailed)
سن	مسن‌ها	۲۷۳	۸۳۱۵.۳۱	۲۹۵۵۰.۶	۱/۹۸۹	۰/۰۴۷
	جوانان	۴۱۱	۸۲۷۳.۳۰	۵۷۵۷۷.۶		

جدول شماره ۹: خلاصه شاخص‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون (متغیر وابسته: رفتارهای زیست‌محیطی)

متغیر مستقل	نام آزمون آماری	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری (sig)
اعتماد نهادی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۵۴	۰/۰۰۰
اعتماد عمومی		۰/۱۸۴	۰/۰۰۰
امنیت اجتماعی		۰/۲۴۱	۰/۰۰۰
مشارکت محله‌ای		۰/۱۹۱	۰/۰۰۰
عضویت مدنی		۰/۰۳۱	۰/۴۱۸
سرمایه اجتماعی		۰/۳۱۰	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون، تفاوت معنی‌داری بین دو گروه از پاسخگویان متولد روستا و شهر وجود دارد؛ به طوری که افراد متولد روستا دارای سرمایه اجتماعی بالاتری نسبت به افراد متولد شهر می‌باشند. بالا بودن روحیه همکاری و مشارکت محلی و نیز احساس امنیت بیشتر در مناطق روستایی موجب افزایش سرمایه اجتماعی متولدین روستاها نسبت به شهرها می‌شود.

## محل سکونت

تفاوت سرمایه اجتماعی بر حسب محل سکونت با استفاده از آزمون T-Test مورد سنجش قرار گرفت که نتیجه در جدول شماره (۷) آمده است.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون، تفاوت معنی‌داری بین دو گروه از پاسخگویان ساکن مناطق روستایی و شهری وجود دارد؛ به طوری که افراد ساکن روستاها دارای سرمایه اجتماعی بالاتری نسبت به افراد ساکن شهرها می‌باشند.

## سن

تفاوت سرمایه اجتماعی بر حسب سن با استفاده از آزمون T-Test مورد سنجش قرار گرفت که نتیجه در جدول شماره (۸) آمده است. پاسخگویان بر اساس شاخص مرکزی میانگین به دو گروه جوان و مسن تقسیم شده‌اند.

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون، تفاوت معنی‌داری بین دو گروه از پاسخگویان جوان و مسن وجود دارد؛ به طوری که افراد مسن دارای سرمایه اجتماعی بالاتری نسبت به افراد جوان می‌باشند. افزایش سن همراه با افزایش تجربه و دارایی‌های مادی و غیر مادی موجب افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود.

حال هدف از این مطالعه کشف چگونگی تغییرپذیری متغیر وابسته یعنی میزان مسئولانه بودن رفتارهای زیست‌محیطی بر اساس سرمایه اجتماعی و ابعاد آن می‌باشد که در این قسمت به بررسی تحلیلی آن می‌پردازیم.

و رابط بین مردم و دولت می‌باشد. بنابراین بر اساس یافته‌های موجود می‌توان نتیجه گرفت که هر چقدر سرمایه اجتماعی افراد جامعه افزایش یابد، مسائل جمعی آنان زودتر حل می‌شود. به عبارت دیگر، شبکه‌ها و هنجارهای اجتماعی از جمله اعتماد و همکاری در حفظ نفع یا خیر عمومی مانند محیط زیست سالم نقش بسزایی داشته و عامل مهمی در این زمینه به‌شمار می‌آید.

### رابطه بین دیگر متغیرها با رفتارهای زیست‌محیطی

در این قسمت رابطه متغیرهای تحصیلات، سن، بعد خانوار، درآمد، سلطه ارزش‌های خانواده، سلطه ارزش‌های مذهب، سلطه ارزش‌های دولت<sup>۱</sup>، نگرش جدید نسبت به محیط زیست<sup>۲</sup>، گرایش سیاسی محافظه‌کارانه، میزان نگرانی نسبت به محیط زیست و میزان دانش زیست‌محیطی با رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چنانچه از سطح معنی‌داری آزمون برمی‌آید بین سن، سلطه ارزش‌های خانواده، سلطه ارزش‌های مذهب، سلطه ارزش‌های دولت و گرایش سیاسی محافظه‌کارانه با رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه، رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی به ازای افزایش هر یک از این متغیرها، می‌توان انتظار داشت که رفتار افراد نیز نسبت به محیط زیست، مسئولانه‌تر باشد.

در حالی که تحصیلات، درآمد، و میزان دانش زیست‌محیطی با رفتار مسئولانه نسبت به محیط زیست، رابطه منفی معنی‌داری دارد؛ یعنی به ازای افزایش هر یک از این متغیرها، می‌توان انتظار داشت که رفتار افراد نسبت به محیط زیست، غیرمسئولانه‌تر باشد. این رابطه از

زاویه‌ای دیگر بیانگر نگاه طبقات اجتماعی به محیط زیست می‌باشد. به طوری که افراد اقشار بالایی جامعه‌گویی رفتارهای غیرمسئولانه‌تری نسبت به محیط زیست از خود نشان می‌دهند. زیرا تحصیلات و درآمد بالا و دانش زیست‌محیطی بالا که با تحصیلات همبستگی دارد، همه از شاخص‌های قشریندی اجتماعی هستند.

بعد خانوار، نگرش جدید نسبت به محیط زیست و میزان نگرانی نسبت به محیط زیست، هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری با رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط زیست نشان نمی‌دهند. معنی‌دار نبودن رابطه نگرش جدید نسبت به محیط زیست با رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه نشانگر آن است که در جامعه ایران سلطه و حاکمیت ارزش‌های سه نهاد مهم خانواده، مذهب و دولت بسیار مهم‌تر از عواملی مانند تکنولوژی، اقتصاد و سیاست است. به عبارت دیگر، نظریه‌های غیربومی در تبیین کنش‌های اجتماعی ایرانیان کارایی لازم را نداشته، در حالی که نظریه‌های بومی مانند نظریه سه وجهی دکتر آزاد ارمکی در تبیین شرایط اجتماعی و کنش‌های مرتبط با آن از کارایی بالایی برخوردارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که میزان سرمایه اجتماعی در جامعه مورد مطالعه در حد «کم» (۲/۸۳۸ از ۵) وجود دارد. مقایسه سرمایه اجتماعی در استان‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که میزان آن در استان مازندران بیش از گلستان و در استان گلستان بیش از گیلان می‌باشد. تمایزپذیری سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی بر اساس وضع تأهل، محل تولد، محل سکونت،

جدول شماره ۱۰: خلاصه شاخص‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون (متغیر وابسته: رفتارهای زیست‌محیطی)

متغیر مستقل	نام آزمون آماری	مقدار آزمون	سطح معنی‌داری (sig)
سلطه ارزش‌های مذهب	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۷۹	۰/۰۰۰
سلطه ارزش‌های دولت		۰/۵۴۴	۰/۰۰۰
سلطه ارزش‌های خانواده		۰/۵۰۱	۰/۰۰۰
گرایش سیاسی محافظه‌کارانه		۰/۲۷۵	۰/۰۰
سن		۰/۱۸۰	۰/۰۰۰
نگرانی نسبت به محیط زیست		-۰/۰۰۱	۰/۹۷۵
بعد خانوار		-۰/۰۲۰	۰/۶۰۹
نگرش جدید نسبت به محیط زیست		-۰/۰۲۵	۰/۵۲۴
میزان دانش زیست‌محیطی		-۰/۰۶۶	۰/۰۸۹
درآمد		-۰/۰۸۴	۰/۰۳۰
تحصیلات	-۰/۱۲۴	۰/۰۰۱	

۱- منظور از سلطه و یا استیلای ارزش‌های خانواده، مذهب و دولت همان قدرت تعیین‌کنندگی عوامل اجتماعی مسلط (Dominant Social Paradigm) به عنوان یک مدل تبیین کنش‌های اجتماعی مردم در ایران است که توسط استاد ارجمند جناب آقای دکتر تقی آزاد ارمکی مطرح شده است. طبق نظر ایشان کنش‌های اجتماعی مردم ایران بیش از هر عاملی، تحت تأثیر سه نهاد اساسی خانواده، مذهب و دولت قرار دارد. در پژوهش حاضر نیز این رهیافت نظری مورد توجه قرار گرفته و تأثیر این سه نهاد در تبیین رفتارهای زیست‌محیطی ارزیابی شده است.

۲- نگرش جدید نسبت به محیط زیست (New Attitude to Environment)، دیدگاهی است که طبق آن تکنولوژی، اقتصاد و سیاست مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رفتارهای افراد نسبت به محیط زیست می‌باشند.

## منابع

۱. پ. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۰). «فرهنگ و دموکراسی» ترجمه سیدعلی مرتضویان، ارغنون، شماره ۲۰، صص ۹۳-۱۱۶.
۲. کریم‌زادگان، حسن. (۱۳۸۲). مبانی اقتصاد محیط زیست، انتشارات نقش مهر، تهران.
۳. خاتون آبادی، سید احمد. (۱۳۸۳). «تحلیلی در زمینه پیشینه و عملکرد سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی»، بی‌جا.
۴. بوتکین، دانیل و ادوارد کلا. (۱۳۸۵). «شناخت محیط زیست، زمین سیاره زنده»، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، چاپ سوم، تهران.
۵. بوردیو، پی‌یر. (۱۳۸۱). «نظریه کنش»، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.
۶. پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰). «دموکراسی و سنت‌های مدنی»، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
۷. توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی. (۱۳۸۳). «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۸. ریتزر، جورج. (۱۳۷۳). «نظریه جامعه‌شناسی»، ترجمه احمدرضا غروی‌زاد، تهران: ماجد.
۹. شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۰). «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن» نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.
۱۰. فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). «پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن»، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایران.
۱۱. کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). «بنیادهای نظریه اجتماعی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۲. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). «راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی»، ترجمه منوچهر صبوری، نشر شیرازه، تهران.

۱۳. Fukuyama, F. (۱۹۹۹): Trust, the Social Virtus and the Creation of Prosperity, London, Hamish Hamilton.

۱۴. Milani. Carlos (۲۰۰۳): «Social Capital and Local Development Theories: Loessons from the Pintadas Experience ( Bahia , brazil)»<http://www.Adm.Ufba.Br/apesqnepo/capital.htm>.

۱۵. Putnam, R. (۱۹۹۳): Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy, Princeton NJ, Princeton University Press.

۱۶. Putnam, R. (۱۹۹۵): «Bouling Alone: America's Declining Social Capital», journal of Democracy, Vol. ۶.

گرایش سیاسی، و گروه سنی تمایز می‌پذیرد؛ به طوری که مقدار سرمایه اجتماعی متأهلان بیش از مجردان، متولدین روستاها بیش از شهرها، ساکنان روستاها بیش از شهرها، محافظه‌کاران بیش از اصلاح‌طلبان و افراد مسن بیش از افراد جوان می‌باشد.

در مورد رفتارهای زیست‌محیطی یافته‌ها نشانگر این هستند که رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط زیست در مناطق مورد مطالعه، بیشتر شامل صرفه‌جویی در مصرف انرژی و سوخت و حفاظت از منابع طبیعی خواهد بود. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که رفتار افراد مورد مطالعه در حدود ۷۰ درصد مسئولانه و ۳۰ درصد غیر مسئولانه بوده است.

چنانچه در یافته‌ها و نتایج این نوشته مشخص شد، سرمایه اجتماعی همبستگی مثبت و قوی با رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط زیست دارد. این رابطه قوی بین میزان سرمایه اجتماعی افراد (اعتماد نهادی، اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی، امنیت اجتماعی و عضویت مدنی) با رفتارهای مسئولانه آنان نسبت به محیط زیست نشانگر این است که هنجارهای اعتماد و مشارکت و همچنین احساس امنیت بر کنش اجتماعی افراد نسبت به محیط طبیعی پیرامون خود تأثیر بسزایی دارند و در این زمینه عامل تعیین‌کننده به‌شمار می‌روند. در میان ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی و امنیت اجتماعی همبستگی قوی‌تری با کنش مورد نظر نشان داده‌اند. اعتماد نهادی که آنتونی گیدنز از آن با عنوان «اعتماد تعمیم یافته» یا «اعتماد انتزاعی» یاد می‌کند، شامل اعتماد افراد به نهادهای اجتماعی از جمله در این مطالعه اعتماد به پلیس، معلمان و استادان دانشگاه، سیاستمداران و رسانه‌های گروهی می‌شود، که تأثیر بیشتری در تعیین کنش اجتماعی افراد مورد مطالعه داشته است.

بنابراین برای کنترل و ارتقای کیفیت برخورد و رفتار مردم نسبت به محیط زیست و ایجاد حس مسئولیت و دلسوزی نسبت به محیط طبیعی پیرامون، در ارتباط با سرمایه اجتماعی بیش از هر عنصری بایستی به اعتماد نهادی (تعمیم یافته) توجه داشت. به گفته جیمز کلمن، برای تسهیل در یک کنش معین اجتماعی (در اینجا، رفتار مسئولانه نسبت به محیط زیست)، بایستی روابط اشخاص، گروه‌ها و اجتماعات که اعتماد را تشکیل می‌دهند، گسترش یابد. بدین ترتیب با گسترش انجمن‌های مدنی و عضویت فعال افراد در آنها و همچنین با ایجاد ساز و کارهایی به منظور ارتقای اعتماد نهادی، می‌توان انتظار داشت که برخورد و رفتار مردم نسبت به محیط زیست مسئولانه‌تر شود. نکته جالب توجه اینکه تحصیلات و آموزش رسمی و همچنین دانش زیست‌محیطی، تأثیر منفی بر رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط زیست داشته‌اند. از این رو نمی‌توان با تکیه بر آموزش رسمی (که در اغلب حوزه‌های اجتماعی برای تغییر و اصلاح رفتارها کاربرد مؤثری دارد) و دانش عمومی، تغییر مؤثری در این زمینه خاص ایجاد کرد.

شدت درجه ارتباط متغیرهای مورد بررسی نشان می‌دهد که نظریه‌های بومی جامعه‌شناسی در ایران مانند نظریه سه وجهی دکتر آزاد ارمکی (خانواده، مذهب و دولت)، از کارایی بالاتری برای تبیین کنش‌های اجتماعی برخوردارند.

\* ارائه شده در همایش سرمایه اجتماعی-تهران ۱۳۸۷



# بررسی پیامد رشد روند شهرنشینی در ایران به دست متفین

■ عیسی حسلو

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان



مقاله آزاد

## ۱- مقدمه

تکیه بسیاری شد این توجه بیشتر به دلیل اوضاع بد اقتصادی بود که در پی قطع فروش نفت و تحریم های خارجی به وجود آمده بود. ذخایر طلای کشور نیز به دنبال ورود متفین به ایران افزایش یافته و در کل اقتصاد ایران توانست با تکیه بر منابع مالی که داشت و همچنین تولیدات کشاورزی روی پای خود بایستد. اما خواستها و سیاست های استعماری چیز دیگری بود که با کودتای ۲۸ مرداد بر ایران تحمیل شد. سیاست های اقتصادی و سرمایه داری در سطح جهانی اقتضا می کرد که کشورهای جهان سومی مانند ایران از یک طرف در تقسیم بین المللی کار تامین کننده مواد خام مورد نیاز صنایع آنها باشند و از طرف دیگر محتاج بازار مصرفی بودند. جهان سوم محل مناسبی برای انجام این خواسته بود. درآمدهای نفتی ایران پس از کودتا بالا رفته و کشاورزی در اقتصاد ایران نقش خود را به نفت داد. با تکیه بر صادرات نفت و تامین مالی زیاد به دنبال افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی زمینه برای ادامه برنامه های عمرانی کشور بعد از کودتا فراهم شد. برنامه های عمرانی در دوره پس از کودتا با برنامه هفت سال دوم آغاز شد. گسترش زیرساخت های اقتصادی تحول دستگاه دولت و سرمایه گذاری صنعتی در این دوره با وسعت و دامنه وسیع تری ادامه یافت (حسامیان، ۱۳۶۳: ۳۱). واردات کالاهای سرمایه ای نیز به شدت از سر گرفته شد. در حقیقت این روند ادامه رندی بود که در زمان رضاخان شروع شده و مرحله اول صنعتی شدن کشور نام گرفت. مرحله دوم پس از انجام اصلاحات اراضی آغاز گشت.

در پی انجام برنامه دوم عمرانی کشور در شهرها اقدامات عمرانی بیشتری مانند گسترش سیستم های تلفن و تلگراف لوله کشی آب تامین برق افزایش ادارات و امور خدماتی صورت گرفت. بازارهای داخلی بنا به اهدافی که در بالا ذکر شد آماده شدند تا پذیرای سیل کالاهای تولید شده در غرب باشند.

در این تحقیق روند رشد شهرنشینی را باید به عنوان متغیری وابسته و عاملی که موجب افت و خیزهایی در این روند می گردند را به عنوان متغیر مستقل در نظر بگیریم. در طول تاریخ حوادث و اتفاقات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... هستند که موجب تسریع در روند رشد شهرنشینی و یا کند شدن روند آن می شوند. به طور مثال در کشورهای غربی انقلاب صنعتی یک پدیده مهم و تاثیر گذار در روند رشد شهرها و شهرنشینی بوده است و در کشورهای جهان سوم نفوذ استعمار و به تبع آن رشد اقتصاد لیبرالیستی و سرمایه داری موجب تمرکز در شهرها و رشد شهرنشینی گردیده است و اما کشور ایران نیز در چرخه نظام جهانی بی تاثیر از این تغییرات و تحولات نبوده است به طوری که پدیده مهاجرت از روستا به شهر خصوصا به کلان شهرها بیش از آنکه متأثر از تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی باشد، متأثر از تحولات بین المللی بوده است.

## ۲- طرح و بیان مسئله

بعد از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ امکان صدور مواد خام کشاورزی ایران از بین رفته و بنا بر درخواست سیاست های استعماری، رضاخان از مقام خود برکنار شد. این عوامل بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران به ویژه بر امر کشاورزی و زندگی روستائیان تاثیر بسزایی داشت. صادر نشدن محصولات کشاورزی هم از رونق شهر کاست و هم کسب و کار آن دسته از روستائیان را که به تولید این محصولات مشغول بودند، مختل کرد. به علاوه مالکین روستاها و کسانی که به اصطلاح تامین کننده امنیت و قدرت مالی برای گردش چرخ کشاورزی بودند، با به هم خوردن اوضاع کشور و عدم امنیت جانی در پی اشغال نظامی، پراکنده و متواری شدند.

قبل از کودتا در دوره نخست وزیری مصدق بر روی کشاورزی

به دنبال وقفه ای که در روند مدرنیزاسیون و ورود صنعت و جذب سرمایه های خصوصی صورت گرفت این سرمایه ها در امر مسکن و زمین خواری به کار انداخته شدند. ریشه بورس بازی و معاملات مسکن و زمین که بسیاری از برنامه های شهرسازی را در دوره های بعد دچار اشکال کرد از همین جا قوت گرفت.

در این دوره رابطه شهر روستا صورتی دیگر به خود گرفت. قبلا گفته شد که با ورود متفقین به ایران، تولیدات کشاورزی امکان صدور نیافته و تعدادی از نیروی کار آزاد شده که در تولید این محصولات نقش داشتند راهی شهرها شدند. از سوی دیگر به دنبال به هم خوردن وضع شهرها و عدم توانائی کافی آنها (به دنبال اشغال نظامی) در جذب مازاد محصولات کشاورزی روستائیان و تامین نیازهایی مانند وسایل کشاورزی و ... رابطه شهر و روستا به هم خورد و مدتی بعد این رابطه معکوس شده و روستا وارد کننده صرف اغلب مایحتاج خود از شهر شد. به هم خوردن این رابطه از یک سو و اشاعه بهداشت در روستاها هر چند به صورتی محدود باعث شد تا مهاجرت به شهرها شروع شود. چرا که در شهرها به تدریج صنعت گسترش یافته و زمینه کار و اشتغال فراهم آمده و فعالیتهای تجاری و سودآور نیز در شهرها رایج شد اما این جذب مهاجرین توسط شهر نسبی بود چون رونق شهرها هنوز به مرحله ای نرسیده بود که مهاجرین را به صورتی شدید به طرف خود بکشاند. با این حال مهاجرت تا حدودی گسترش یافته و رشد شهرنشینی تسریع شد.

بعد از اشغال ایران توسط متفقین دورانی است که کشور با توجه به تضاد و تقابل درونی کشورهای سرمایه دار بخصوص آمریکا و انگلیس در تبدیل شدن به قدرت مسلط در سیاست و اقتصاد کشور از سویی و با توجه به تقابل و تضاد بین کشورهای غربی فاتح جنگ دوم و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) که اقمار آن از دیگر سوی، به نوعی از حکومت پارلمانتاریست را تجربه می کند. فرایندی که با تشکیل حکومت ملی مصدق در سالهای ۱۳۳۲-۱۳۳۱ ش و کودتای ۱۳۳۲ پایان می پذیرد.

به تبع این فرایند و در فاصله این سالها تلاش های متعددی برای تعریفی جدید و در خور برای سازمان فضایی کشور صورت می پذیرد. نبود دگرگونیهای عمده در شیوه های زیست و تولید و کند شدن گردش کالا و سرمایه در شهر ناشی شده از جنگ دوم جهانی سبب می گردند تا شهر در فاصله این سالها از نظر جمعیتی دگرگونیهای عمده ای نیابد. توسعه شهری و رشد کالبدی آن در این دوره مبتنی بر رشد موزون مهاجرت روستایی است که به طور سنتی و تاریخی نیز وجود داشته است. موزون بدان سبب که مهاجرین اغلب نیروهای کار آزادی هستند که نسق های زراعی روستایی به آنان احتیاجی ندارد و مهاجرت آنان تاثیر تعیین کننده ای بر توازن و تعادل تولید زراعی ندارد.

### ۳- بررسی روند رشد شهرنشینی در ایران

در بر خورد اولیه با اطلاعات و ارقام مربوط به جمعیت شهرنشین

جدول شماره ۱: تحول استقرار فضایی جمعیت در ایران (۱۳۶۰-۱۳۰۰)

۱۳۶۰	۱۳۵۰	۱۳۴۰	۱۳۳۰	۱۳۲۰	۱۳۱۰	۱۳۰۰	
۳۸۷۸۴۰۰۰	۳۰۰۲۰۰۰۰	۲۲۳۷۲۰۰۰	۱۶۲۳۷۰۰۰	۱۲۸۳۳۰۰۰	۱۱۱۸۵۰۰۰	۹۷۰۷۰۰۰	کل جمعیت
۲۰۰۸۵۰۰۰	۱۲۳۹۸۰۰۰	۷۷۱۸۰۰۰	۴۹۳۶۰۰۰	۳۷۷۳۰۰۰	۳۲۱۰۰۰۰	۱۷۶۸۰۰۰	جمعیت شهری
۱۸۶۹۹۰۰۰	۱۷۶۲۲۰۰۰	۱۴۶۵۴۰۰۰	۱۱۳۰۱۰۰۰	۹۰۶۰۰۰۰	۷۹۷۵۰۰۰	۶۹۸۹۰۰۰	جمعیت روستایی
۵۱/۸	۴۱/۳	۳۴/۵	۳۰/۴	۲۹/۴	۲۸/۷	۲۸	درصد شهرنشینی

در ایران به دو دوره متمایز بر می خوریم: دوره اول که از دهه ۱۳۰۰ آغاز می شود و به اصلاحات ارضی دهه ۱۳۳۰ ختم می گردد؛ و دیگری شهرنشینی پس از اصلاحات ارضی که از دهه ۱۳۴۰ آغاز می گردد و تا به امروز ادامه می یابد (در دوره اول رشد جمعیت شهری سالانه به طور متوسط ۲/۶۵ درصد بوده است و در دوره دوم به ۴/۴۲ درصد رسیده است) شهرنشینی دوره اول را به دلیل کندی آهنگ رشد می توان «شهرنشینی بطی» و شهرنشینی دوره دوم را به دلیل آهنگ تند و اثرات دامنه دارتر آن بر زندگی جامعه «شهرنشینی سریع» می نامیم (حسامیان، ۱۳۸۷: ۲۱).

اما رشد سریع شهرنشینی در دوره دوم معلول اتفاقات جنگ جهانی دوم و وابستگی کشورهای جهان سوم به استعمارگران جهانی و تغییر جریان اقتصادی کشور از تولیدات کشاورزی به تولیدات مواد خام (نفت) صنایع کشورهای پیشرفته بوده است. و ریشه آن در مدرنیزاسیون رضاشاه و اشغال ایران توسط متفقین است.

با روی کار آمدن حکومت رضاخان وضعیت اقتصادی-اجتماعی معاصر ایران دوران جدیدی را آغاز نمود. تحولات اقتصادی-اجتماعی معاصر ایران، یا دقیقتر شروع تحول شیوه های تولید پیش سرمایه داری و توسعه مناسبات سرمایه داری و شروع گسترش آنچه به «تمدن بورژوازی» معروف است، همه با روی کار آمدن رضا خان در ایران مقارن است. در اوایل این دوره به دلیل روابط شهر و روستا به صورت ارگانیک و ریشه دار است به طوری که روستا تولید کننده محصولات کشاورزی و شهر مصرف کننده آن و در قبال آن شهر تولید کننده کالاها و مواد مصرفی مورد نیاز روستاها امثال ادوات کشاورزی، مواد غذایی فرآوری شده، انواع پوشاک و غیره بود. ولی پس از اوج گرفتن تحولات رضاخانی و رونق تجارت داخلی و خارجی در شهر و رواج نقدینه کاری حاصل از آن ساخت کشاورزی کم کم به محصولات قابل فروش وابسته شد و به طبع آن قسمتی از نیروی مولد بخش کشاورزی را متوجه کشت محصولات قابل فروش در تجارت داخلی و خارجی کرد.

در نتیجه بدنبال تقاضای محصولات برای صدور منجر به مکانیزاسیون شدن کشاورزی و در نتیجه آزاد سازی نیروی شاغل در کشاورزی و در نتیجه مهاجرت به سوی شهرها گردید.

### ۴- بررسی روند رشد جمعیت در ایران

تحولات جمعیتی ایران در طول تاریخ با دشواریهای محیطی و غیرمحیطی بسیاری روبه رو بوده است که تا حدود زیادی بر جمعیت، رشد یا کاهش آن تأثیر داشته اند. در گذشته عوامل طبیعی و محیطی همچون بیماریهای واگیر، خشکسالیها، قحطیها و حوادث طبیعی همچون سیل و زلزله و عوامل غیرمحیطی مانند جنگ و درگیریهای محلی و منطقه ای و تا حدودی مهاجرتها بر جمعیت ایران مؤثر بوده اند. براساس آمارهای موجود و برآوردهای انجام شده از جمعیت ایران از سال ۱۲۶۰ تا ۱۳۰۰ شمسی نرخ رشد جمعیت ایران بسیار پایین بوده است. رشد جمعیت در ایران در شرایط نابسامان طبیعی و

قحطی‌ها، بیماری‌های واگیر و کشنده، آرام و کند بوده است. در بین سال‌های ۱۱۷۹ تا ۱۲۷۹ شمسی جمعیت کشور در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برد. رشد پایین و ثابت جمعیت سال ۱۳۰۰ و قبل از آن، از سال ۱۳۰۵ متحول شد و تا سال ۱۳۳۵ رو به افزایش بود و تا سال ۱۳۴۵ نیز رشد ۳٫۱ درصدی خود را حفظ کرد اما برنامه‌های کنترل جمعیت باعث کاهش آن- هرچند بسیار محدود- در سرشماری سال ۱۳۵۵ شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و اجرای سیاست‌های جدید کنترل جمعیت از یک‌سو و بروز جنگ ایران و عراق، متوسط رشد سالانه افزایش یافت و به ۳٫۹ درصد در سرشماری سال ۱۳۶۵ رسید. از دهه هفتاد به‌طور مجدد سیاست‌های کنترل مولید به اجرا گذارده شد و منجر به کاهش متوسط رشد جمعیت به رقم ۱٫۶ درصد طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ شده است. تعداد جمعیت کشور نیز همچون نرخ رشد جمعیت طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۰۰ رشد کندی را تجربه کرده و از ۷۶۵۴ هزار نفر به ۹۷۰۷ هزار نفر رسیده است.

ولی آنچه مورد بحث این تحقیق است افزایش جمعیت شهرنشین کشور به ویژه تأثیرات اشغال ایران در جنگ جهانی دوم بر روند رشد جمعیت شهری ایران است.

### ۵- بررسی روند رشد جمعیت شهرنشین ایران

یکی از عوامل مهم مؤثر بر افزایش میزان شهرنشینی مهاجرت از سایر نقاط به نقاط شهری است. براساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵ طی دوره ده ساله سرشماری‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ در مجموع ۱۲۱۴۸۱۴۸ نفر در کشور جابه‌جا شده‌اند، از این تعداد ۳۳۹۴۰۹۶ نفر از نقاط روستایی نقل مکان کرده‌اند و اکثر قریب به اتفاق آنان در نقاط شهری ساکن شده‌اند. تعداد ۸۳۸۹۶۷۶ نفر از نقاط شهری مهاجرت کرده‌اند و در سایر نقاط که بیشتر شهرهای بزرگ است، سکونت گزیده‌اند، تعداد ۲۶۰۴۹۵ نفر از خارج از کشور به داخل مهاجرت کرده‌اند و در نهایت تعداد ۱۰۳۸۸۱ نفر مهاجر مبدا مهاجرت آنان نامشخص بوده است.

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل افزایش میزان شهرنشینی تبدیل نقاط روستایی به نقاط شهری است. در سال ۱۳۳۵ در مجموع در کشور، ۱۹۹ نقطه شهری وجود داشته است که در سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۲۷۲، ۳۷۳، ۴۹۶، ۶۱۲ و ۱۰۱۶ نقطه شهری افزایش یافته است. افزایش تعداد شهرها تا سال ۱۳۷۵ روندی ملایم داشته است و به یکباره در سال ۱۳۸۵ به شدت افزایش می‌یابد (۶۶ درصد افزایش از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵) از دلایل مهم افزایش سریع میزان شهرنشینی در سال ۱۳۸۵ افزایش تعداد شهرهای کشور است (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵).

تحولات میزان شهرنشینی در ایران برآوردهای انجام شده در خصوص تعداد جمعیت کشور را نشان می‌دهد که تعداد جمعیت کشور در سال ۱۳۰۵، ۱۰۴۵۶ هزار نفر بوده است. از این تعداد ۱۹۹۷ هزار نفر (۱۹٫۱ درصد) در شهرها و ۸۴۵۹ هزار نفر (۸۰٫۹ درصد) در روستاها زندگی می‌کرده‌اند. رقم کل جمعیت کشور در سال ۱۳۳۵ که نخستین سرشماری عمومی نفوس و مسکن انجام پذیرفت ۱۸۹۵۵ هزار نفر بوده است که از این تعداد ۵۹۵۴ هزار نفر (۳۱٫۴ درصد) در شهرها و ۱۳۰۰۱ هزار نفر (۶۸٫۶ درصد) در روستاها سکونت داشته‌اند. رقم کل جمعیت کشور و میزان شهرنشینی طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ همواره روند افزایشی داشته و کل جمعیت کشور در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۲۰۴۹۶ هزار

نفر گزارش شده است که ۴۸۲۶۰ هزار نفر (۶۸٫۵ درصد) در نقاط شهری و ۲۲۲۳۶ هزار نفر (۳۱٫۵ درصد) در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. موارد یادشده نشان از افزایش سریع میزان شهرنشینی در پنجاه سال اخیر دارد و ارقام بررسی شده در این دوره، نشان‌دهنده بیش از دو برابر شدن میزان شهرنشینی و هشت برابر شدن تعداد جمعیت شهری در کشور است. البته پیش‌بینی میزان شهرنشینی برای سال‌های اخیر بسیار کمتر از رقم مورد انتظار بوده و میزان شهرنشینی موجود بیشتر از رقم مورد انتظار برای سال ۱۳۸۵ است. طی سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۵ میانگین نرخ رشد جمعیت کل کشور ۱/۳۴ درصد بوده است. در این سال‌ها میانگین نرخ رشد جمعیت نقاط شهری کشور ۲٫۲۶ و میانگین نرخ رشد جمعیت نقاط روستایی کشور ۱٫۱۱ درصد بوده است. طی سال‌های گذشته بیشترین میانگین نرخ رشد جمعیت شهری مربوط به سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۵ و ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ بوده که هم‌زمان با افزایش نرخ رشد کل جمعیت کشور است. میانگین نرخ رشد جمعیت کشور در سال‌های گذشته پس از پشت سر گذاشتن نوسان‌های زیاد سرانجام به رقم ۱٫۶۲ درصد طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ رسیده است. طی دوره یادشده میانگین نرخ رشد جمعیت شهری ۲٫۷۴ درصد و میانگین نرخ رشد جمعیت روستایی کشور ۰٫۴۴ درصد بوده است. همانطور که پیش از این عنوان شد از علل عمده افزایش تعداد جمعیت و میانگین نرخ رشد جمعیت شهری در سال‌های مورد بررسی و به‌ویژه سال‌های اخیر می‌توان به افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها، افزایش تعداد شهرها که طی ده سال گذشته افزایش یافته است و استحاله نقاط روستایی اشاره کرد. بنابراین با وجود بالا بودن میزان باروری نقاط روستایی در مقایسه با مناطق شهری میانگین نرخ رشد جمعیت روستایی کشور تا حد ۰٫۴۴ درصد کاهش یافته است. بنابراین یکی از عوامل مهم رشد جمعیت شهری و کاهش جمعیت روستاها حرکت اقتصاد کشور از کشاورزی محوری به خدماتی و صنعت محوری بوده است. این روند نیز متأثر از برنامه جهانی قدرت‌ها اقتصادی دنیا بر کشورهای جهان سوم بوده است. در کشور ایران نیز پس از جنگ جهانی و اشغال ایران توسط متفقین این سیاست‌های استعماری پیاده شده و به مرور ریشه دار گردید و نهایتاً موجب حرکات جمعیتی و به سمت شهرها شد.

### ۶- رشد شهرنشینی ناشی از سیاست حکومت رضاشاه و اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰

۶-۱- شهرنشینی بطئی و کم رشد در دوران قبل از اشغال ایران توسط متفقین

رضاخان در دوره ای از هرج و مرج داخلی با اتکاء به نیروهای نظامی به قدرت رسید و خود را شاه ایران خواند. دولت رضاشاه با شعارهایی از هرج و مرج برقراری امنیت و توسعه اقتصادی و با حمایت طبقات مسلط جامعه شامل مالکان اراضی و تجار سوداگر نمونه ای از دولت‌های مرحله گذار به سرمایه داری در کشورهای توسعه نیافته است. علی‌رغم تثبیت مالکیت اراضی در دوره رضاشاه و حتی علی‌رغم تصاحب تعداد زیادی از دهات و املاک توسط شخص رضاشاه خطا خواهد بود این دولت را نماینده فتودالیسم یا زمینداری در ایران به حساب آوریم چرا که از یک سو قدرت سیاسی ملوک الطوایفی فتودالیسم توسط رضاشاه درهم کوبیده شد و از سوی دیگر کلیه نهادهای عرفی و شرعی که رونمای جامعه را در آن زمان تشکیل می‌داد مورد تهاجم قرار گرفت بدین ترتیب اقدامات دولت رضاشاه خصلتی دوگانه داشت: از یک سو مالکیت ارضی را در چهارچوب



حقوق بورژوازی تثبیت و تسجیل می کند(که به ظاهر شکل تثبیت زمینداری به خود می گیرد)، و از سوی دیگر با تبدیل زمین به کالایی قابل معامله باعث تسهیل توسعه روابط سرمایه داری و نهایتاً نابودی شیوه های تولید ماقبل سرمایه داری می شود. مع ذلک نه گذار به سرمایه داری در ایران یک گذار کلاسیک مشابه کشورهای اروپایی بود و نه دولت رضاشاه یک دولت بورژوازی کلاسیک. دولت رضا شاه بر اثر ضعف تاریخی بورژوازی ایران تحقق بسیاری از اقدامات مربوط به گذار به سرمایه داری را خود راسا بر عهده گرفت. به همین دلیل تحلیل اقدامات دولت برای تحلیل گذار به سرمایه داری در ایران اهمیت بسزایی می یابد.

#### ۶-۲- جهانی شدن و وابستگی ایران به صادرات نفت پس از جنگ جهانی دوم

وابستگی در بردارنده یک مفهوم عام و یک مفهوم خاص است. مفهوم خاص آن که همان وابستگی اقتصاد است به معنی کاهش مقررات و محدودیتها در روابط اقتصادی کشورها و فراهم شدن عرصه برای رقابت و تجارت آزاد در سطح بین المللی و متضمن فعالیت آزاد شرکت های فراملیتی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهاست. در این میان کاهش و یا حذف مقررات گمرکی بر صادرات و واردات کالا نشانه بارز یک اقتصاد جهانی وابسته و متقابل شده می باشد. (Woods, 2000, p. 178). در مفهوم عام، وابستگی از سویی معادل با واژه بین المللی شدن به کار می رود که عبارت است از افزایش تعاملها و وابستگی های بین مردم کشورهای مختلف (Scholte, 2000, p. 44) و از سوی دیگر با جهان شمولی یکسان تلقی می گردد.

نهضت تجددخواهی (مدرنیزاسیون) و غرب گرایی رضاخان به عنوان یکی از وجوه بارز تحقق جهانی شدن را باید سرآغاز تحولات اساسی کشور از نظرگاه شهر و شهرنشینی دانست. مجموعه اقداماتی که از آن هنگام در راستای این برنامه ها صورت پذیرفته است در واقع تلاش هایی بوده اند جهت پیوند دادن جامعه ایران به غرب و گسترش تشابهات و ارتباطات آن با جوامع غربی. مدرنیزاسیون جنبه های گوناگونی را در بر می گرفت. یکی از اقدامات مهم احداث راهها و جاده ها بود که حمل و نقل کالا و جابجایی مسافران را تسهیل نمود. چنانکه تا پایان سال ۱۳۱۷ حدود ۲۲۴۰۰ کیلومتر جاده جدید احداث شد (باری یر، ۱۳۶۲، ص ۲۹۴) و در اثر آن، زمان سفر تا یک دهم نسبت به دهه ۱۳۰۰ کاهش یافت. راه آهن سراسری هم در سال ۱۳۱۷ به انجام رسید.

احداث صنایع و کارخانه ها گام دیگری در مدرن سازی جامعه بود برای مثال تا سال ۱۳۰۷ بیش از ۵۰۰۰ کارگاه در تهران تاسیس شد. (سلطانزاده، ۱۳۶۷، ص ۱۷۳) و تا سال ۱۳۲۰، ۶۸۰ کارخانه با حدود ۴۵ هزار کارگر در کشور فعال شدند. در اواخر دهه ۱۳۲۰ رقم شاغلین صنعت به بیش از ۲۰۰ هزار نفر رسید. (رزاقی، ۱۳۷۲، ص ۷۸). به تدریج شرکت های خارجی نیز به عرصه اقتصاد وارد گردیده و سرمایه گذاران خارجی نیز شروع به فعالیت نمودند. در سال ۱۳۲۰، ۱۰۴ شرکت خارجی در ایران مشغول به فعالیت بودند (گلابی، ۱۳۷۴، ص ۸۴) در این زمان بانک های متعددی نیز تاسیس شدند و مناسبات پولی در روابط اقتصادی گسترش یافت. در زمینه پست، تلگراف و تلفن نیز اقدامات قابل توجهی صورت پذیرفت.

دیوان سالاری و ویژگی بارز دیگری از این دوره است که منجر به ایجاد ادارات و وزارتخانه های متعددی گردید و جمع زیادی را در شهرها به خود جذب نمود. رقم کارمندان دولت در این زمان ۱۱۰

هزار نفر ذکر شده که با خانواده خود ۳/۷ درصد جمعیت ایران را تشکیل می دادند. (رزاقی، ۱۳۷۲، ص ۲۱) تشکیل یک ارتش مدرن با ساز و برگ غربی از جمله اقدامات دیگر بود. تعداد نفرات ارتش در سال ۱۳۲۰ حدود ۱۵۰ هزار نفر بودند و نصف آنها در تهران استقرار داشتند (خلیلی خو، ۱۳۷۳، ص ۱۳۲).

هر چند الگوهای آموزشی غربی از زمان قاجار رواج یافته بودند اما نظام آموزشی نوین طی سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ پایه ریزی شد. با تصویب قانون اعزام دانشجو به خارج، عده زیادی که شمار آنها در سال ۱۳۲۰، ۱۲۰۰ نفر ذکر شده جهت فراگیری علوم جدید به غرب اعزام شدند (ادیبی، ۱۳۵۸، ص ۱۶۴) و دانشگاه تهران نیز برای انگیزش مدرن گرایی در سال ۱۳۱۳ تاسیس گردید.

از اقدامات دیگر جهت مدرن سازی و غربی ساختن جامعه، پی ریزی تشکیلات قضایی براساس قواعد قضایی فرانسه، بلژیک و سوئیس بود. همچنین برنامه کشف حجاب زنان و قانون لباس یکسان برای مردان چنین هدفی را دنبال می نمودند.

#### ۶-۳- تاثیر اشغال ایران و جهانی شدن نقش ایران در تولید نفت

افزایش صادرات نفت زمینه نضج و گسترش اقتصاد سرمایه داری را در کشور فراهم آورد و به منبعی مشهود برای گسترش واردات و مصرف در جامعه تبدیل شد. درآمد نفت از ۰/۶ میلیون دلار در سال ۱۳۰۰ به ۴ میلیون دلار در سال های پایان حکومت رضاشاه ترقی یافت (رزاقی، ۱۳۶۲، ص ۴۵۸). با گشایش بازارها به روی کالاهای خارجی و رواج شیوه های زندگی مصرفی غرب، نقش تولیدی در بازارها آرام آرام از دست رفت و بازارها به محل نمایش و عرضه کالاهای وارداتی و تجملاتی مبدل شدند. در اواخر دهه ۱۳۲۰ حجم واردات کالا به ۸۵۰ هزار تن و صادرات به ۲۲۰ میلیون تن رسید (پیشین، ص ۶۰۷).

در سال های پس از ۱۳۲۰ به دلیل تشدید روحیات ملی گرایی و بیگانه ستیزی برای مدتی، گرایش به سنت از برجستگی زیادتری نسبت به مدرنیسم برخوردار شد. اما با وجود شرایط ناشی از جنگ جهانی دوم، آمارها گواه رشد تجارت خارجی و حرکت آرام اقتصاد کشور در همگرایی با اقتصاد جهانی و پذیرش نقش تحمیلی نظام تقسیم کار جهانی در تامین مواد اولیه مورد نیاز کشورهای صنعتی و واردات کالاهای مصرفی است. در فاصله سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۹ درآمد نفت از ۴ به ۱۶ میلیون دلار افزایش یافته و پس از کودتای ۱۳۳۲ نقش تعیین کننده اصلی را در اقتصاد کشور ایفا کرد و روند مدرنیزاسیون با اتکاء به درآمدهای نفتی ابعاد گسترده تری یافت. درآمد نفت در سال ۱۳۴۲ به ۳۸۰ میلیون دلار و در سال ۱۳۵۶ به رقم بی سابقه ۲۰۷۱۳/۵ میلیون دلار رسید. (پیشین، ص ۴۸۴).

قانون جذب و حمایت از سرمایه گذاری های خارجی در سال ۱۳۳۴ و اعلان سیاست درهای باز در سال ۱۳۳۶ زمینه حضور و فعالیت گسترده تر شرکت های بین المللی و سرمایه گذاران خارجی را فراهم آوردند. تعداد این شرکت ها تا سال ۱۳۳۹ به ۲۱۱ شرکت و در سال ۱۳۴۳ به ۳۱۵ شرکت افزایش یافت (گلابی، ۱۳۷۴، ص ۸۴) تا سال ۱۳۵۰، ۶۱۸ شرکت و در سال های ۵۶-۱۳۵۲، ۹۷۲ شرکت خارجی در ایران به ثبت رسیدند. همچنین از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ در مجموع ۱۵۳۸ میلیون دلار سرمایه گذاری خارجی در ایران انجام گرفت. (بانک مرکزی، ۱۳۵۷، ص ۵۰۹).

صنعتی کردن کشور یکی دیگر از جلوه های اندیشه مدرنیزاسیون در دوره اخیر بود که به خصوص در برنامه چهارم عمرانی رژیم گذشته

که جهانی شدن در همه دنیا به شهرنشینی شتاب بخشیده است (Knauder, ۱۹۹۹, p ۲۷).

بک نیز جهانی شدن را فرآیندی می‌داند که فرهنگ‌های بومی، محلی و روستایی را به سمت فرهنگ‌های بین‌المللی سوق می‌دهد و سبب تشدید روابط اجتماعی فراملی شده و فضای اجتماعی فراملی به وجود می‌آورد. بنابراین اگر شهرنشینی را دگرگونی در فرهنگ و منابع منحصر بفرد مثل نوع خاصی از خانه‌ها، زیرساخت‌ها و روابط اجتماعی بدانیم می‌توان گفت که جهانی شدن با شهرنشینی ملازم است چرا که نوع و شکل روابط اجتماعی و طرز تفکر و آداب اجتماعی را متحول می‌کند (همان، ۴۷). بنابراین شهرنشینی به عنوان یکی از پای‌ورزترین فرایندهای جامعه شدیداً متأثر از وابستگی‌های کشور بعد از جنگ جهانی دوم و اشغال ایران و به تبع آن وابستگی چهل ساله کشور به اقتصاد تحمیلی کشورهای استعمارگر بوده و در سده بیستم میلادی به موازات تحقق و تأثیر بیش‌تر این نیروها شتاب زیادتری به خود گرفته است.

در کشور ما نیز روندهای ذکر شده موجب فروپاشی نظام تولید در روستاها گردیده و با تقویت فعالیت‌های سودآور غیرکشاورزی در شهرها، از سویی جایجایی‌های جمعیتی را به سمت نواحی شهری و به ویژه شهرهای بزرگ موجب گردید و از سوی دیگر با افزایش جمعیت و دگرگونی در ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نقاط روستایی، بسیاری از روستاها را به شهر مبدل ساخت که این دو از جمله عوامل اصلی رشد شهرنشینی در ایران می‌باشند.

تا قبل از سال ۱۳۳۵ در کشور ما سرشماری عمومی و رسمی جمعیتی صورت نگرفته و بنابراین آمارهای بیان شده نیز براساس برآوردهایی هستند که نمی‌توان کاملاً به آنها اطمینان نمود. اما به هر حال بر اساس آنچه از سوی مرکز آمار ایران اظهار گردیده در بیست سال اول قرن جاری به طور متوسط هر سال حدود ۵۳ هزار نفر به رقم شهرنشینان کشور اضافه شده و رشد سالانه جمعیت شهرنشین ۱/۶۵ و رشد شهرنشینی تنها ۱/۴ درصد بوده است. در دهه پس از آن (۳۰-۱۳۲۰) رشد سالانه جمعیت شهرنشین به ۲/۷۳ درصد رسید و میزان شهرنشینی نیز با ۱ درصد افزایش به ۳۰/۴ درصد افزایش یافت.

در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ به طور متوسط هر سال ۳۸۴ هزار نفر به رقم شهرنشینان اضافه شد و رشد سالانه جمعیت شهرنشین به ۵/۱ درصد رسید. میزان شهرنشینی نیز در سال ۱۳۴۵، ۳۸ درصد بوده که نسبت به سال ۱۳۳۵، ۶ درصد رشد را نشان می‌دهد. در این مدت شهرهای: کرج (در استان تهران)، نورآباد و مروشد (در استان فارس)، دوگنبدان (در استان کهگیلویه و بویر احمد)، جیرفت (در استان کرمان)، گز (در استان اصفهان)، خارک (در استان بوشهر)، علی‌آباد، جویبار و نوشهر (در استان مازندران)، اسلام‌آباد (در استان کرمانشاه)، و مهاباد (در استان آذربایجان غربی)

سخت مورد توجه واقع شد. تعداد کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور از ۶۹۶ واحد در سال ۱۳۰۰ به ۱۱۹۱ واحد در سال ۱۳۳۵ و ۵۶۷۱ واحد در سال ۱۳۵۰ افزایش یافتند (مرکز آمار ایران، آمار کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور در سال‌های مربوط) و شاغلین بخش صنعت از ۸۱۵۶۹۹ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۶۷۲۰۵۹ نفر در سال ۱۳۵۵ رسیدند. (مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۵۵).

توجه به حمل و نقل و مخابرات، ارتباط با خارج را تسهیل نموده و علاوه بر احداث راه‌ها و توسعه راه آهن، بنادر و کشتیرانی، فرودگاه‌های متعددی ایجاد شدند، خطوط تلفن گسترش یافت و نیز توسعه رسانه‌های ارتباط جمعی به ویژه رادیو و تلویزیون مورد توجه قرار گرفت.

برنامه اصلاحات ارضی مبنای تحولی دیگر در بسط روابط سرمایه‌داری و فروپاشی مناسبات کهن تولید در روستا تلقی می‌گردد که یکی از اهداف مهم آن مهیا نمودن بازار داخلی، فروش تولیدات صنعتی در روستاها و پیوند اقتصاد کشور به اقتصاد جهانی بود. تحول در روستاها و تبدیل آنها به چیزی همخوان با جامعه مصرفی آن زمان به عنوان ضرورتی مطرح شده بود که اصلاحات ارضی باید زمینه‌های تحقق آن را فراهم می‌نمود. رشد طبقه متوسط شهری از جمله نشانه‌های شکل‌گیری مناسبات سرمایه‌داری در این زمان است. چنانچه شمار کارمندان از ۴۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۳۵ به ۷۷۴ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت (سوداگر، ۱۳۶۹، ص ۱۳۷).

از جنبه فرهنگی نیز به دلیل مجذوبیت و احساس تحسینی که پهلوی دوم به نهادها و ارزش‌های غربی داشت، رسانه‌ها، هنر، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و ... به ابزارهای ترویج و گسترش فرهنگ غرب در جامعه تبدیل شدند و ظواهر شهرها و الگوهای زندگی را تحت تأثیر قرار دادند.

جهانی شدن و شهرنشینی - که در ایران اساس آن پس از جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین پایه ریزی شد - رابطه‌ای متقابل دارند و در جهت تقویت یکدیگر عمل می‌کنند. جهانی شدن عامل سرعت دهنده به شهرنشینی است. انقلابات تکنولوژیکی و اطلاعاتی ابتدا در نواحی شهری پای می‌گیرند. همگرایی اقتصادی کشورها از طریق شهرها عملی می‌شود. شرکت‌های چند ملیتی نیز به عنوان عامل و کارگزار جهانی شدن اساساً در نواحی شهری سرمایه‌گذاری می‌نمایند. روندهای مدرنیزاسیون و گسترش مناسبات سرمایه‌داری نیز از طریق شهرها به مرحله عمل می‌رسند و در ابتدا شهرها را متأثر می‌سازند.

به نظر کاوردر ۶ روند اصلی جهانی شدن یعنی همگرایی اقتصاد جهانی، تسلط نیروهای بازار و دگرگونی در تولید و بازار نیروی کار، گسترش لیبرال دموکراسی، انقلاب اطلاعاتی و مصرف‌گرایی می‌توانند عامل رشد شهرنشینی به حساب آیند و بدین جهت است

جدول شماره ۲: روند شهرنشینی در ایران از آغاز قرن جاری تا سال ۱۳۷۵

سال	۱۳۰۰	۱۳۲۰	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
تعداد جمعیت شهری	۲۷۱۸۰۰۰	۳۷۷۳۰۰۰	۵۹۵۳۵۶۳	۹۷۹۴۲۴۶	۱۵۸۵۴۶۸۰	۲۶۸۴۴۵۶۱	۳۶۸۱۷۷۸۹
درصد جمعیت شهری	۲۸	۲۹/۴	۳۱/۵	۳۸	۴۷/۱	۵۴/۳	۶۱/۳
تعداد شهرها	۱۰۰	-	۱۹۹	۲۷۲	۳۷۳	۴۹۶	۶۱۴

منابع: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، سال‌های ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۶۵، ۱۳۷۵ مجلدات مربوط به کل کشور.

شهرهایی هستند که رشد جمعیت سالانه آنها بیش از ۱۰ درصد بوده و در مقابل شهرهای: فارس و فرادینه (در استان چهارمحال و بختیاری)، قصر شیرین (در استان کرمانشاه)، علویجه (در استان اصفهان)، صومعه سرا (در استان گیلان)، و سرکان (در استان همدان) با کاهش جمعیت مواجه بوده‌اند. همچنین میزان رشد سالانه جمعیت در ۴۸ شهر برابر ۱۰-۵ درصد و در ۲۰۶ شهر ۵-۰ درصد بوده است.

از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، ۹/۵ درصد بر میزان شهرنشینی اضافه شده و با متوسط افزایش سالانه حدود ۶۰۶ هزار نفر به رقم شهرنشینان، رشد سالانه جمعیت شهری ۴/۹ درصد بدست آمده است. در این مدت اسلامشهر (در استان تهران) با رقم ۴۷/۸۲ درصد رشد سالانه، بالاترین میزان رشد جمعیت را داشته و علاوه بر آن در شهرهای قرچک و لواسان (در استان تهران)، ماسال (در استان گیلان)، میبد و مهریز (در استان یزد)، گلباف (در استان کرمان)، و مهران (در استان ایلام) رشد سالانه جمعیت بیش از ۲۰ درصد بوده است. همچنین شهرهای اشتهارد (در استان تهران)، اردکان (در استان فارس) و بجستان و فردوس (در استان خراسان) دارای رشد منفی جمعیت، ۴ شهر دارای رشد ۲۰-۱۵ درصد، ۳۱ شهر دارای رشد ۱۰-۵ درصد و ۲۱۸ شهر دارای رشد ۵-۰ درصد در سال بوده‌اند.

در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ با متوسط افزایش سالانه حدود ۱/۱ میلیون نفر به رقم جمعیت شهرها، رشد جمعیت آن‌ها به ۵/۴ درصد در سال و میزان شهرنشینی به ۵۴/۳ درصد رسیده است. به دلیل مسایل جنگ، ۲۱ شهر تخلیه شده یا بخشی از جمعیت خود را از دست می‌دهند. در ۱۱ شهر شامل: اکبرآباد و قدس (در استان تهران)، الوند و آبیک (در استان قزوین)، جوانرود (در استان کرمانشاه)، عنبرآباد (در استان کرمان)، لامرد (در استان فارس) و یاسوج و دهدشت (در استان کهگیلویه و بویراحمد) رشد سالانه جمعیت بالاتر از ۲۰ درصد بوده و در ۱۸ شهر ۲۰-۱۵ درصد، در

۴۱ شهر ۱۵-۱۰ درصد، در ۲۰۳ شهر ۱۰-۵ درصد بوده است. در سال ۱۳۷۵، ۶۱/۳ درصد از جمعیت کشور در شهرها ساکن بوده‌اند و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به طور متوسط هر سال بیش از ۱/۰۶ میلیون نفر (۳/۲ درصد) به جمعیت ساکن در نقاط شهری اضافه شده است. در این مدت ۳۱ شهر بخشی از جمعیت خود را از دست داده و صرف‌نظر از شهرهای تخلیه شده مناطق جنگی که به دلیل بازگشت مهاجرین ارقام رشد غیرعادی را نشان می‌دهند، ۸ شهر شامل اکبرآباد(نسیم شهر)، لواسان، حسن آباد و ملارد (در استان تهران)، محمدیه (در استان قزوین)، تازه آباد (در استان تهران) و ابوموسی (در استان هرمزگان) رشد جمعیتی بالاتر از ۲۰ درصد در سال داشته‌اند. همچنین در ۴ شهر رشد سالانه جمعیت ۲۰-۱۵ درصد، در ۹ شهر ۱۵-۱۰ درصد، در ۶۷ شهر ۱۰-۵ درصد و در ۴۷۵ شهر ۵-۰ درصد بوده است.

از ۵ شهری که در دوره ۴۰ ساله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ بالاترین رشد سالانه جمعیت را داشته‌اند سه شهر اکبرآباد(نسیم شهر)، قرچک و اسلامشهر با ارقام به ترتیب ۱۹/۵۶ درصد، ۱۸/۲۸ درصد و ۱۷/۱ درصد متعلق به استان تهران بوده و دو شهر یاسوج و دهدشت با رشد متوسط ۲۰/۹۸ و ۱۵/۳۶ درصد در سال به استان کهگیلویه و بویراحمد تعلق دارند. همچنین از ۲۲ شهر با رشد سالانه جمعیت ۱۵-۱۰ درصد، ۵ شهر: قدس، نظرآباد، کرج، ملارد و جوادیه از شهرهای استان تهران هستند و شهرهای استان قزوین یعنی آبیک، الوند و اقبالیه نیز در فاصله نزدیکی از تهران واقع گردیده‌اند.

متوسط رشد سالانه جمعیت شهر تهران در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، ۳/۷۳ درصد بوده که نسبت به رقم مشابه کل شهرهای کشور (۴ درصد) حدود ۰/۲۷ درصد پایین‌تر است. باید توجه داشت که به دلیل بالا بودن جمعیت پایه این شهر با این رقم رشد طی یک دوره ۴۰ ساله هر سال بطور متوسط ۱۳۰ هزار نفر به جمعیت تهران اضافه شده است. بالاترین رقم رشد جمعیت جدول شماره

جدول شماره ۳: گروه‌بندی شهرها براساس میزان رشد سالانه جمعیت در سال‌های ۱۳۳۵-۷۵

میزان رشد (درصد)	رشد منفی	۱-۰	۲-۱	۳-۲	۴-۳	۵-۴	۶-۵	۷-۶	۸-۷	۹-۸	۱۰-۹	۱۰-۱۵	۱۵ و بالاتر
تعداد شهرها	۱۱	۱۵	۶۲	۱۰۲	۱۰۴	۱۱۲	۷۰	۳۹	۲۶	۱۰	۱۸	۲۲	۵

منبع: مرکز آمار ایران (۱۳۷۹)، جمعیت شهرهای ایران ۱۳۳۵-۷۵

جدول شماره ۴: میزان رشد سالانه جمعیت در تهران و طبقات مختلف شهرها در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵

شهر و طبقات جمعیتی شهرها	تعداد شهرها	متوسط رشد سالانه جمعیت (درصد)
کل شهرها	۶۱۴	۴/۰
تهران	۱	۳/۷
شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر (بجز تهران)	۴	۴/۴۲
شهرهای با جمعیت ۰/۵-۱ میلیون نفر	۴	۵/۶۲
شهرهای با جمعیت ۵۰۰-۲۵۰ هزار نفر	۱۴	۴/۷۲
شهرهای با جمعیت ۲۵۰-۱۰۰ هزار نفر	۳۶	۴/۱۵
شهرهای با جمعیت ۱۰۰-۵۰ هزار نفر	۶۱	۳/۴۷
شهرهای با جمعیت ۵۰-۲۵ هزار نفر	۹۴	۴/۷۸
شهرهای با جمعیت کمتر از ۲۵ هزار نفر	۴۰۰	۴/۸۲

منبع: مرکز آمار ایران (۱۳۷۹)، جمعیت شهرهای ایران در سال‌های ۱۳۳۵-۷۵



(۳) به شهرهایی تعلق دارد که در سال ۱۳۷۵، ۰/۵ تا یک میلیون نفر جمعیت داشته‌اند (کرج - اهواز - قم - کرمانشاه) و کم‌ترین آن نیز مربوط به شهرهای ۱۰۰-۵۰ هزار نفری می باشد. بنابراین طبق بررسی های صورت گرفته جمعیت شهرهای کشور به شدت افزایش یافته و از جمعیت روستاها کاسته شده است این نشان دهنده تغییر شکل اقتصاد کشور از کشاورزی به صنعت و خدمات است که پایه و اساس این تغییرات در حکومت پهلوی اول و دوم همچنین اشغال ایران در جنگ جهانی دوم شکل گرفت علت آن نیز جهانی سازی و وابسته شدن کشورهای مغلوب در مقابل کشورهای استعمارگر بوده است.

### نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از بررسی داده‌ها و آمارهای موجود کشور نشان دهنده افزایش سریع تعداد جمعیت ساکن در مناطق شهری و در نتیجه افزایش میزان شهرنشینی در دهه‌های اخیر بویژه پس از جنگ جهانی دوم بوده است. افزایش جمعیت شهرنشین در ایران در سه شیوه ممکن یعنی رشد طبیعی، مهاجرت روستا - شهری و تبدیل مناطق روستایی به شهر یا الحاق مناطق حاشیه شهرها به شهر قابل توجیه است.

رقم کل جمعیت کشور و میزان شهرنشینی طی سال‌های گذشته همواره روند افزایشی داشته است و کل جمعیت کشور در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۷۰۴۹۶ هزار نفر گزارش شده است که ۴۸۲۶۰ هزار نفر (۶۸٫۵ درصد) در نقاط شهری و ۲۲۲۳۶ هزار نفر (۳۱٫۵ درصد) در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند اطلاعات بررسی شده نشان از افزایش سریع میزان شهرنشینی در پنجاه سال اخیر دارد و ارقام، نشان دهنده بیش از دو برابر شدن میزان شهرنشینی و هشت برابر شدن تعداد جمعیت شهری در کشور است. میانگین نرخ رشد جمعیت شهری نیز از سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۵، ۲٫۲۶ درصد بوده است و بیشترین نرخ رشد جمعیت شهری کشور در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۶۵ بوده که در این سال‌ها میانگین نرخ رشد جمعیت شهری کشور بالای پنج درصد است. قابل ذکر است که طی سال‌های یادشده میانگین نرخ رشد جمعیت روستایی کشور منفی شده که بخشی از این کاهش مربوط به مهاجرت روستاییان به شهرها و بخشی نیز مربوط به تبدیل نقاط روستایی به شهر و استحاله نقاط روستایی در شهرها بوده است که نتیجه وابستگی ایران به کشورهای غربی بعد از اشغال متفقین در شهریور ۱۳۲۰ بوده است که باعث شده اقتصاد ایران در فرایند جهانی شدن یک اقتصاد تک محصولی وابسته به فروش نفت باشد و صادرات کشاورزی به کلی فراموش شود که نتیجه این امر کاهش جمعیت روستاها و افزایش جمعیت شهری بوده است.

وابسته شدن کشورهای جهان سوم به قدرت های استعماری دنیا در همه کشورها به شهرنشینی شتاب بخشیده و جهان را به سوی شهری شدن به پیش برده است این موضوع پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ شتاب بیشتری به خود گرفته است. در کشور ما نیز که روند وابستگی به قدرت های استعماری و اقتصاد تک محصولی نفت در اقتصاد جهانی از آغاز حکومت رضاشاه با برنامه‌های تجدیدطلبی و غرب گرایی رضاخان و اشغال ایران توسط متفقین آغاز شده و با صنعتی شدن، توسعه حمل و نقل و پیشرفت در فن آوری‌های اطلاعاتی شتاب بیشتری گرفته است،

از سویی با شکل دادن به حرکت‌های مهاجرتی به سمت شهرها و از سوی دیگر با تبدیل روستاها به شهر، رشد شهرنشینی را به ارمغان آورده است. به طوری که امروزه نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت کشور در شهرها سکونت دارند و این روند همچنان رو به فزونی خواهد رفت.

از آنجا که با تحقق بیش‌تر فرآیند جهانی شدن، اقتصاد تک محصولی نفت هر چه بیش‌تر تحت هدایت نیروهای بازار و رقابت آزاد قرار گرفته و تضعیف اقتدار دولت‌ها و کاهش تسلط آن‌ها بر منابع درآمد خود را نتیجه می‌دهد، می‌توان گفت که در رقابت بین شهرهای بزرگ و کوچک همچنان برد با شهرهای بزرگ‌تر خواهد بود و این شهرها با تمرکز زیاده‌تر امکانات و جمعیت‌ها، رشد شتاب آلود خود را استمرار بخشیده و فاصله خود را با شهرهای کوچک‌تر و روستاها زیاده‌تر خواهند نمود.

### منابع

- ادیبی، محمدرضا (۱۳۵۸)؛ طبقه متوسط جدید در ایران، تهران، نشر جامعه، ص ۱۶۴.
- باری یر، جولیان (۱۳۶۲)؛ اقتصاد ایران، ترجمه و نشر مرکز تحقیقات حسابداری و حسابرسی، تهران، ص ۲۹۴.
- بانک مرکزی ایران (۱۳۵۷)؛ آمار ثبت و انحلال شرکت‌ها در شهرهای بزرگ، ص ۵۰۸.
- حسامیان، فرخ، گیتی اعتماد و محمدرضا حائری (۱۳۸۷)، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، تهران.
- خلیلی خو، محمدرضا (۱۳۷۳)؛ توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه، انتشارات جهاد دانشگاهی، ص ۱۳۲.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷)؛ اقتصاد ایران، نشر نی، صص ۶۰۷-۴۵۸.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۲)؛ هفت دهه به دنبال سراب صنعتی شدن، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۷۶-۷۵، ص ۲۳.
- سلطان زاده، حسین (۱۳۶۷)؛ تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، انتشارات امیرکبیر، ص ۱۷۳.
- سوداگر، محمدرضا (۱۳۶۹)؛ رشد روابط سرمایه داری در ایران، انتشارات شعله اندیشه، ص ۱۳۷.
- گلابی، سیاوش (۱۳۷۴)، عوامل تاریخی توسعه نیافتگی در ایران، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۰۱-۱۰۲، ص ۸۴.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۲)؛ ایران در آینه آمار.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹)؛ جمعیت شهرهای ایران ۷۵-۱۳۳۵.
- مرکز آمار ایران؛ آمار کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۰.
- مرکز آمار ایران؛ نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، مجلدات مربوط به کل کشور.
- Knauder Stefanie (۱۹۹۹); Globalization, Urban Progress, Urban Problems, Rural Disadvantages :Evidance from Mozambique, Ashgate Publishing Company, pp ۳۰-۲۶.
- Scholte Aart Jan (۲۰۰۰); Globalization, A Critical Introduction, ST.Martin,s Press, INC, USA, p ۴۶.
- Woods Ngaire (۲۰۰۰); The Political Economy of Globalization, Macmillan Press Ltd , p ۱۷۸.

# طراحی مجدد شهرها، مدرنیته، کارآیی و برابری



نویسنده: پائول ل. ناکس

## ترجمه و تلخیص

### کاوه زال نژاد

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

### شهرزاد ایرانی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

### عبدالناصر سیدزاده

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

### فاطمه مرتعی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

### محسن حبیبی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

در این مقاله، ظهور طراحی و برنامه‌ریزی شهری و ارتباط آن با مدرنیسم را بررسی می‌نماییم و نشان می‌دهیم طراحی و برنامه‌ریزی شهری چگونه در واکنش به کارکرد مؤثر شهرها به عنوان مکان‌هایی برای توسعه اقتصادی و بهبودی و کاهش اثرات جانبی و ناخواسته توسعه تکامل یافت. در طی نیمه اول قرن بیستم، طراحی و برنامه‌ریزی شهری حرفه‌ای بیش از پیش مسئول حصول اطمینان از مدیریت مؤثر زمین‌ها، زیرساخت‌ها و خدمات شهری شناخته شد و در تمام این مدت به چارچوب‌ها و قالب‌های مرجع ایده‌آلیستی و پیش رونده و ایدئولوژی طراحی مدرنیسم تأکید می‌نمود. عصر طلایی برنامه‌ریزی شهری، از ۱۹۵۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ دوره ای بود که برنامه‌های دولت برای تهیه مسکن، نوسازی شهرها، ناحیه بندی کاربری زمین، برنامه‌ریزی برای حمل و نقل، کیفیت محیط‌زیست و پروژه‌های جامع برنامه‌ریزی افزایش یافت. اما در اواخر دهه ۱۹۷۰، تغییر شرایط اقتصادی به همراه سرخوردگی در مورد کارایی این اقدامات باعث شد انتقادات گسترده‌ای در مورد مدرنیته برنامه‌ریزی شده صورت گیرد و مجموعه‌ای کاملاً متفاوت از حساسیت‌های سیاسی و فرهنگی پدید آید.

این مفاهیم بر مراحل متوالی توسعه شهری در راه کارایی اقتصادی، ثبات اجتماعی و افسون مصرف کنندگانی که برای نظم اجتماعی و انباشت و گردش پایدار سرمایه لازم بودند، تأثیر گذار بوده‌اند. فاکتورهای تعیین کننده مشترک در ظهور معیارهای مطالعات معماری و برنامه‌ریزی شهری بیش از حد تجویزی و جبرگونه بودند و اغلب مستلزم یک نوع جبرگرایی محیطی ناپخته و ترجیح دادن فرم فضایی

این ایده که اثرات جانبی و ناخواسته فرآیندهای شهرسازی را از طریق طراحی ساختمان‌ها، خیابان‌ها، محله‌ها حتی کل شهرها و شهرک‌ها کاهش داد یا حتی از آن اثرات پیشگیری نمود پیشینه‌ای طولانی دارد. این ایده‌ای است که توسط مفاهیم کلیدی معدودی شکل گرفت که همگی از عقل‌گرایی مدرنیته ریشه گرفته بودند (مدنی پور ۲۰۰۷).

فرآیند توسعه، با ارزشها و ایده‌آل‌های متمایزی که از طریق کارهای هر روزه و نیز از طریق اصول تجویز شده بصری آنها بصورت روتین در محیط مصنوع بکار رفته‌اند. برنامه‌ریزی و طراحی شهری بندرت تعیین کننده فرمهایی است که مقیاسی وسیع دارند؛ در عوض، فرم شهری از نیروهای بازار تبعیت می‌کند و برنامه‌ریزان، نقاط زبر و زمخت را صاف می‌کنند. بسیاری از تصمیمات اولیه در مورد توسعه شهری توسط دیگران اتخاذ می‌گردد. براساس اظهارات جانانان بارنت (۱۹۸۲)، فرم شهرها، معمولاً غیرعمدی ایجاد می‌شود اما تصادفی نمی‌باشد. فرم، محصول تصمیماتی است که برای اهداف منفرد و جداگانه اتخاذ شده‌اند و روابط درونی آنها و اثرات جانبی آنها کاملاً در نظر گرفته نشده است. طراحی شهرها توسط مهندسين، نقشه کشها و سرمایه گذاران تعیین می‌گردد و هر یک از آنها به دلایل عقلانی، تصمیماتی فردی و عقلانی می‌گیرند. (بارنت ۱۹۸۲: ۹).

نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که برنامه‌ریزان و طراحان شهری برای اینکه کار خود را به عنوان مکانیسم درونی بقاء برای انباشت سرمایه انجام دهند به چیز خاصی نیاز ندارند.

با این حال پیگیری یک رابطه یک طرفه بین توسعه سرمایه‌داری مدرن، ظهور جنبش برنامه‌ریزی مدرن و طراحی و تنظیم مکان‌هایی که منجر به سودآوری، ثبات و بهره‌وری اجتماعی شود، کار ساده لوحانه‌ای است. در حقیقت، ممکن است افراد به دنبال یافتن روابط مبهم و پیچیده‌ای در یک جنبش باشند که در اصل به عنوان مقابله با نیروهای نامحدود رژیم انباشت سرمایه - سرمایه‌داری صنعتی رخ نموده اند. با این وجود، تصادفی نیست که گذار از نقشی مخالف به نقشی حامی در انتهای قرن بیستم اتفاق افتاد. جامعه اواخر دوره ویکتوریایی، جامعه‌ای گذرا بود، نه فقط بدلیل ظهور ساختارهای اجتماعی نوین و فرمهای جدید سازمان اقتصادی مرتبط با سرمایه‌داری صنعتی، بلکه به علت رشد دانش علمی که کل چشم انداز افراد را در رابطه با محیط شان تغییر داد.

### مدرنیته برنامه‌ریزی شده

در (شکل - ۱) نمونه‌هایی از ساختمان‌های کلیدی و عناصر طراحی در قرن بیستم براساس تاریخ وقوع نشان داده شده‌اند. در بریتانیا، تسریع کننده ظهور برنامه‌ریزی شهری، پاتریک گدس بود که پروفیسور

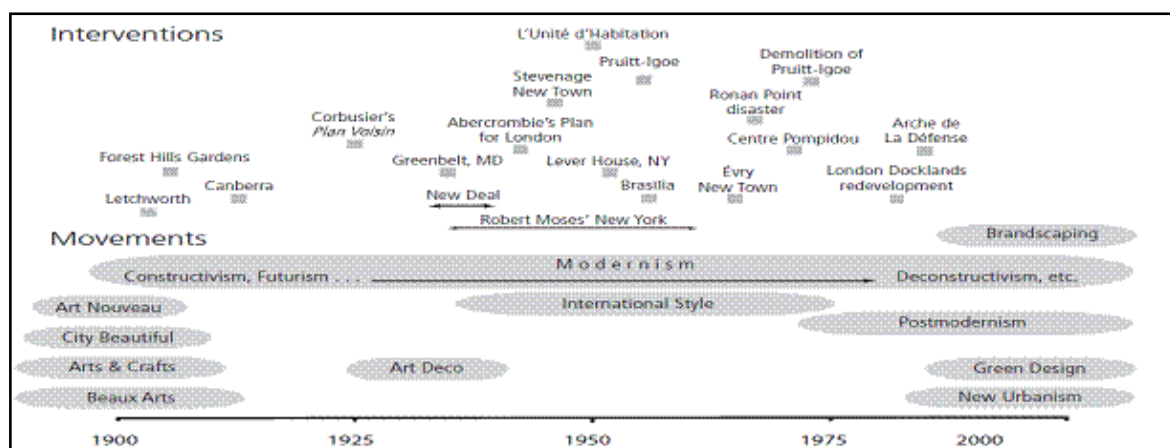
به فرآیند اجتماعی بود. در برخی موارد (همچون برنامه‌های نوسازی شهری دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰)، تسلط مسیحیت و جبرگرایی محیطی بر برنامه‌ریزان و طراحان شهری باعث شد آنها اقدامات تهاجمی بوروکراتیک (کاغذ بازی) را با عواقب منفی آن دنبال نمایند.

افراد حرفه‌ای در طراحی شهری، خود را در وضعیت و جایگاهی محوری اما مشکل آفرین یافتند. آنها در موفقیت‌ها و شکست‌های توسعه شهری به سختی گرفتار شده بودند اما نقشهای آنها اغلب مبهم و متغیر بود. آنها خود را مباشرین محیط مصنوع، محافظین و نگاهبانان منافع عمومی و قهرمانان زیبایی فضاهای شهری می‌دانستند و بخش بزرگی از عموم مردم نیز آنها را بدین گونه می‌دیدند. اما در عین حال، آنها خدمتگذاران مشتریان و کارفرمایان خود نیز بودند. آنها سیاست‌گذاری نمی‌کردند، آنها پولی در توسعه شهری سرمایه‌گذاری نمی‌کردند.

اما تأثیر آنها بر نتایج، بسیار مهم بود. این شرایط در حرفه طراحی شهری که مردم با آن مواجه بودند در تناقضی عمیق یافت شد که در شکل‌گیری برنامه‌ریزی و طراحی شهری معاصر نیز باقی ماند. تناقضی که از آن نام بردیم از این قرار است: اگرچه شهرسازی به منزله وسیله نقلیه‌ای است که سرمایه‌داری صنعتی به آن نیاز داشت تا بدان وسیله محصولات و نیروی کار را بصورتی کارآمد مدیریت نماید، اما شرایط خطرناکی را پدید آورد که سلامت عمومی را به خطر می‌انداخت و منجر به ایجاد مکان‌هایی پر ازدحام شد که در آن، بازنده‌ها و افرادی که مورد بهره‌برداری قرار گرفته بودند ممکن بود سازمان یافته شده، متحد شده و شورش نمایند.

طراحی و برنامه‌ریزی شهری، به عنوان واکنشی به این تناقض بصورت موجودی پیوندی متولد شد و از یکسو به ایده‌آل‌های مبتنی بر مدینه فاضله از اصلاحات بشر دوستانه و پاک اختصاص داده شد اما با حصول اطمینان از مدیریت مؤثر زمینهای شهری، فراساختارها و خدمات و نیز پرورش برقراری جوامع متوازن و باثبات به یکدیگر مسئولیت‌هایی واگذار کردند.

بدین ترتیب، معماری، طراحی و برنامه‌ریزی شهری را می‌توان به منزله کلیدهای مکانیسم‌های بقای درونی سرمایه‌داری، به چالش کشیدن انرژی نیروهای اجتماعی مخالف در دفاع از نظم غالب، کمک به انتشار اهداف و ارزشهای خود به عنوان ارزشهای و اهدافی مشروع، توصیف نمود (ناکس و کولن ۱۹۸۱). دست اندرکاران آنها را می‌توان از انواع ایده‌آل پیرو Weber دانست: بازیگران کلیدی در



شکل - ۱ جنبشها و مداخلات قرن بیستم



زیست‌شناسی و محقق برجسته بود که براساس اظهارات پیترو هال (۲۰۰۲: ۱۴۳) سعی داشت معنای زندگی را در تکه پاره‌های کاغذ بیچد. گدس مجذوب شهرها بود، اما از آنچه می‌دید وحشت زده بود. او آنها را به لکه‌های جوهر و نقاط گریسی تشبیه می‌کرد که در محیط طبیعی پراکنده شده بودند و بجز محله‌های کثیف، محله‌های نیمه کثیف و محله‌های فوق‌العاده کثیف چیزی به ارمغان نیاورده بودند، با محیط‌های اجتماعی که ذهن را از رشد باز می‌داشتند.

او در برگزاری کمپین‌هایی برای اصلاح محله‌های مسکونی بسیار فعال بود و ارتباطات خوبی در تمامی جوامع اجتماعی مرتبط و انجمن‌های پیشرونده داشت. در سالهای اول قرن بیستم، وقتی پیشرفت علم باعث اکتشاف پشت اکتشاف می‌شد، علوم اجتماعی و مطالعه شهرسازی هنوز همانند کودکانی نوپا بودند. در این شرایط، صدای پاتریک گدس متقاعد کننده بود. او به عنوان یک دانشمند، مورد احترام بود و می‌توانست در مورد موضوعات اجتماعی آزادانه صحبت کند بدون اینکه به عنوان یک نوع دوست لیبرال از کار برکنار شود. با این وجود، گدس پدیده زمان خود و یک ضد شهری محسوب می‌شد.

بیش از هر چیز دیگر، او اعتقاد داشت شهرها باید مدیریت شوند، درست مانند کشاورزی که مزارع یا گله‌های دام خود را اداره می‌کند. هر چیز بدی باید ریشه کن می‌شد تا چیزهای خوب به نتیجه برسند. باید برنامه‌ای برای رشد و توسعه وجود داشته باشد که به نوبه خود مبین برآوردی از منابع حاضر باشد.

همین ایده برآورد بود که اولین و اصلی‌ترین تأثیر وی در این زمینه شناخته شد که وی به عنوان یک آماطور بدان علاقه داشت. او برای بر عهده‌گیری این برآورد، مدل مخصوص به خود را داشت که در برج Outlook در ادینبورگ نیز انعکاس یافت و شامل یک - Ca era obscura و مجموعه‌ای از عکسها از زندگی شهری بود. با تأثیر پذیری از نوشته‌های جامعه‌شناس فرانسوی، فردریک لپلی، گدس؛ بر این اعتقاد بود که اطلاعات جمع‌آوری شده از تحقیقات شهری باید قابل دسترس بودن منابع و جزئیات واکنشهای مردم به محیط‌زیست فیزیکی خود را بصورتی شفاف نشان دهند. با تبعیت از نوشته‌های جغرافیدان فرانسوی، ویدال دلابلاش، گدس؛ معتقد بود که این برآورد باید در چارچوب منطقه‌ای شهر، برعهده گرفته شود. این ایده، دومین تأثیر وی در برنامه‌ریزی بود. بنا بر اظهارات وی در کتابی که در سال ۱۹۱۵ منتشر ساخت با عنوان تحول شهرها، منطقه باید مبنایی برای بازسازی زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد. شهرها و مناطق به یکدیگر احتیاج دارند؛ آنها باید با هم برنامه‌ریزی و مدیریت شوند، بخصوص با توجه به تمرکز زدایی نیروهای فناوریهایی نوین فنی برق و موتورهای احتراقی درونی.

گدس در اولین قانون برنامه‌ریزی شهری و مسکن‌سازی بریتانیا، مصوب ۱۹۰۹ یکی از شخصیت‌های بنیادین بشمار می‌رفت. با نگاهی به گذشته، این امر نه تنها از نظر نتایج برجسته‌ای که در قانونگذاری حاصل شد بلکه از نظر مفاد مناظراتی که براین اساس شکل گرفتند نیز مهم محسوب می‌شد. این قانون با پدرسالارگری، جبرگرایی محیطی و زیبایی‌شناسی بورژوازی که به مدت ۵۰ سال یا بیشتر به آرامی تکامل یافته بود و همچنان ادامه داشت تا ایدئولوژی برنامه‌ریزی را برای صد سال آینده شکل دهد، طنین انداز شد. طبق لایحه‌ای که این قانون در آن درج شده است:

هدف از این لایحه، تأمین شرایطی داخلی برای افرادی است که شرایط فیزیکی، بهداشتی، اخلاقی، شخصیت و کل شرایط اجتماعی آنها در این محیط بواسطه آنچه امید داریم در این لایحه مقرر شود، بهبود یابد. طرح کلی این لایحه بسیار وسیع می‌باشد و بهداشت خانه، مسکن‌سازی، زیبایی، خوشایند بودن شهر، وقار شهر و سازگار بودن حومه مدنظر می‌باشند.

براساس مشاهدات جان گلد (۲۰۰۷)، اصلاً مشخص نبود که دقیقاً چه کسی مسئولیت این اهداف جاه طلبانه را قبول می‌کند. مهندسان و محققین از دیرباز از مسئولیت‌های قانونی برای پرداختن به برنامه‌ریزی برای جاده‌ها و بهسازی استفاده کرده‌اند اما معماران به سرعت برای کار جدید تبلیغات نمودند. آنها بواسطه مجادلاتی که پیرامون نیاز به دیدگاهی جامع برای بازسازی شهری وجود داشت بیشتر جسارت یافتند و، با ساده لوحی عجیبی که در مورد واقعیت‌های سیاسی داشتند به اطمینانی بیش از حد دست یافتند و معماران مجبور شدند خود را در مرکز تیم ساخت و ساز قرار دادند. این ناچاری باعث شد آنها در رقابت مستقیم با مهندسين و نقشه برداران قرار گیرند که آن زمان در این عرصه مسئولیت داشتند و دلیل خاصی نمی‌دیدند تا قدرت را به حرفه‌ای دیگر واگذار نمایند که می‌خواست گستره نفوذ خود را وسیعتر سازد. (گلد ۲۰۰۷: ۶۷).

در چهار دهه بعدی، برنامه‌ریزی شهری حرفه‌ای که بواسطه دو جنگ جهانی و رکود اقتصادی دچار وقفه شده بود دوباره مسئولیت را برعهده گرفت. در سال ۱۹۱۴ یک امتیاز سلطنتی به موسسه برنامه‌ریزی شهری اعطاء شد تا علم و هنر برنامه‌ریزی شهری را به نفع عموم مردم در تمامی ابعاد ارتقاء دهد از جمله برنامه‌ریزی محلی، منطقه‌ای و ملی، اما از طریق قانونگذاری یا آموزشهای تخصصی، پیشرفت کمی حاصل شد تا اینکه جنگ دوم جهانی به پایان رسید.

وقتی پیشرفت اتفاق افتاد، نه تنها از میراث پدرسالاری قرن نوزدهم، جبرگرایی محیطی و زیبایی‌شناسی بورژوازی بلکه از اتفاقات و پیشرفتهای دوره جنگ نیز تأثیر بسیار زیادی گرفت. از یک طرف، رکود اقتصادی باعث ایجاد یک لابی پرسرو صدا از طرف نواحی و محله‌های صنعتی فقیر گردید. از طرف دیگر، افزایش خرید اتومبیل در کنار قیمت‌های بسیار پایین خانه‌ها (که در نتیجه نیروی کار و مصالح ارزان قیمت دوران رکود اقتصادی بود) باعث ایجاد یک لابی پرسرو صدا در میان محافظه کاران روستایی شد که از گسترش بی مهار شهر آگاهی یافته بودند. این دو گروه اتحادی بعید را در حمایت از تصویب قوانین محکم تر برای برنامه‌ریزی بوجود آوردند و نتیجه این بود که چندین کمیسیون سلطنتی تأسیس شدند و در اواسط جنگ دوم جهانی در مورد جمعیت صنعتی بریتانیا گزارشی (گزارش Barlow در سال ۱۹۴۰)، کاربری زمین روستایی (گزارش اسکات در ۱۹۴۱) و نشریاتی پیرامون کنترل عمومی کاربری زمین - که در اصل ارزش زمین را افزایش داد و سوالات مربوط به دادن غرامت به مالکین زمینهای خصوصی صادر نمودند (گزارش Uthwatt در سال ۱۹۴۲). در این میان، گزارش Beveridge در سال ۱۹۴۲، حد و مرزهای بالقوه یک کشور راحت و آرام و مجدداً طراحی شده را تعیین نمود.

پیروزی حزب کارگر در انتخابات سال ۱۹۴۵ به دولت این اختیار را داد تا برنامه‌ای را مقرر نماید که شامل ملی‌سازی گزینشی صنایع و امکانات عمده بود (از جمله بانک انگلستان، معدن زغال سنگ،

صنعت فولاد، برق، گاز، تلفن، خط آهن، عوارض جاده ای و کانالها) و برقراری کشوری مرفه که در Beveridge مدنظر قرار گرفته بود. این بسته متشکل از اصلاحات برجسته شامل، دو قانون بود که مبنای برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شد؛ قانون شهرهای جدید مصوب ۱۹۴۶ و قانون برنامه‌ریزی شهری و کشوری مصوب ۱۹۴۷. قانون اول به دولت مرکزی این قدرت را می‌داد تا نواحی محلی را به عنوان راه حلی نسبی برای مشکل بازسازی جوامع شهری پس از ویرانیهای جنگ به شهرهایی جدید تبدیل کند و قانون دوم، مقامات محلی را ملزم می‌ساخت تا نقشه‌های محلی کاربری زمین را ایجاد کرده و برقرار نمایند.

دانشگاهها به سرعت وارد کار شدند تا مقاطع و دوره‌هایی را در این زمینه بوجود آورند تا متخصصین حرفه‌ای لازم برای این کار را پرورش دهند. برنامه‌دستی آنها، همانند قانون برنامه‌ریزی شهری ۱۹۰۹، بواسطه‌ رویکرد گدس در نقشه‌کشی و قانون موضوعی و تجارب عملی برجای مانده از نقشه‌کشان و مهندسين پیش از جنگ، رنگی از پدرسالارگرایی، جبرگرایی محیطی و زیبایی شناسی بورژوازی داشت. هدف کلی از این کار، مرتب و منظم‌سازی و مدرن‌سازی شهرها، از بین بردن مشروعیت شهرسازی نامنظم و کارآمدتر ساختن آنها برای کسب و کار و نیز برابر سازی و قابل مهارسازی آن برای ساکنین بود. از نظر تاکتیکی، تاکید بیش از حدی بر جداسازی کاربری زمین به عنوان مبنایی عقلانی برای توسعه وجود داشت: دور نگاه داشتن صنعت از نواحی مسکونی و تفریحی و جلوگیری از نفوذ حومه‌ها به زمینهای کشاورزی. این ایده ای بود که در ابتدا در سال ۱۹۱۸ توسط معماری فرانسوی بنام «تونی گارنیه» در کتابش با عنوان 'Une cite' industrielle مطرح شد. از نظر استراتژیکی، خرد قراردادی از برنامه‌ پاتریک آبرکرومی برای لندن در سال ۱۹۴۳ منشاء گرفته که مبتنی بر ترکیبی از سه عنصر اصلی می‌باشد:

پاکسازی نواحی زاغه داخل شهر

تخصیص یک کمربند سبز (در حدود ۸ کیلومتر) و یک حلقه پیرامون محیط بیرونی شهر. در اولی، تفریح، برترین کاربری بود و در دومی، کشاورزی مدنظر بود. کنترل‌های سخت گیرانه در توسعه، ساخت و ساز در این ناحیه را محدود می‌ساختند و بنابراین تصور می‌رفت گسترش لجام گسیخته محدود خواهد شد. ساکنین شهرها از جلوی

درب منازل خود با قدم زدن در کنار رودخانه، مسیرهای پیاده‌رو، مسیرهای سوارکاری، کوچه باغها، مسیرهای دوچرخه سواری و باغراهها به این فضای آزاد سرسبز دسترسی پیدا می کردند.

یکسری شهرکهای جدید واقع در آنسوی حلقه برون برای جای دادن فضاهای صنعتی جدید و نیروی کاری متشکل از جمعیت بسیار بالای زاغه های داخل شهری که اکنون مساحت‌شان کاهش یافته بود.

با برقراری قانون شهرهای جدید، مصوب ۱۹۴۶ و قانون برنامه‌ریزی شهری و کشوری، مصوب ۱۹۴۷، این برنامه محقق گردید و خیلی زود به نمونه‌ای ممتاز از ایده رسیدن به آرامش از طریق مدینه سازی برنامه‌ریزی شده بدل گردید (به مطالعه موضوعی ۴-۱ مراجعه نمایید).

### مطالعه موضوعی - ۱ شهرهایی جدید برای جوامعی جدید

در شرایطی که اقتصاد در حال بهبود بود و پس از جنگ دوم جهانی، بازسازی در اروپا در جریان بود، فرصتی برای تفکر مجدد در مورد طراحی محله‌های مسکونی و حسی قوی از خوش‌بینی بوجود آمد که می‌گفت برنامه‌ریزی و طراحی شهری می‌تواند نقشی قابل ملاحظه در تغییرات اجتماعی پیشرونده داشته باشد. در بریتانیای کبیر، گزارش بارلو و برنامه Abercrombie برای لندن، توجیهی شد برای ساخت شهرهایی جدید که باید اطراف لندن ساخته می‌شدند و چند شهر بزرگتر دیگر تا تمرکززدایی و متنوع سازی صنعت و سازماندهی مجدد نواحی شهری پرازدحام آغاز گردد.

اولین نسل از ۱۴ شهر جدید که هشت شهر از آنها در اطراف لندن ساخته شدند به سرعت طراحی شدند و بین سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۰ ساخته شدند. دولت مرکزی یک شرکت ساخت و ساز برای هر شهر منصوب نمود که کارکنان برنامه ریزی، مهندسين و مدیران خود را داشتند و ظرفیت قدرتمندی برای برنامه ریزی، خرید و آماده سازی زمین و ساخت و مدیریت مسکن‌ها، فروشگاه‌ها، کارخانه‌ها و ساختمان‌های عمومی داشتند. آنها در برنامه‌ریزی، حرکتی بدون وقفه و مستقیم داشتند که برگرفته از دیدگاه‌های مبتنی بر مدینه فاضله ابنزر هووارد و جنبش باغ شهرها بود. قرار شد آن نواحی حداقل ۲۵ مایل دور از لندن قرار گیرند (یا ۱۲ مایل دور از شهرهای دیگر) و



شکل ۲- Tapiola، فنلاند. ساخته شد در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان یک شهر- باغ که توسط گروهی از معماران و به ریاست Aarne Ervi طراحی شد. (عکس از: پارلز و جوزت لنارز/ کوربیس).

تا حد امکان در زمینهایی سرسبز ساخته شوند و برای جمعیتی بالغ بر بیست هزار تا شصت هزار نفر در نظر گرفته شده بودند و تأکید بر آن بود تراکم پایین باشد: فقط ۱۲ نفر در هر جریب. نسل دوم شهرهای جدید بریتانیا در سال ۱۹۵۶ شکل گرفت. این گروه شامل شهرهای Cumbernauld در اسکاتلند- تجربه ای بار تراکم بیشتر، جداسازی ترافیک و ابرسازه ای در مرکز شهر- و - Ru corn در نزدیکی لیورپول بود که یک تجربه در سیستم ترانزیت حق انتقال مجزا بشمار می رفت.

ساخت نسل سوم شهرهای جدید که بیشتر با سیاست توسعه منطقه‌ای مرتبط بود تا با افزایش پیش از حد جمعیت شهر بزرگ و بطور کلی محل ساخت آن کاملاً دست نخورده نبود در اواسط دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و شامل شهر Milton Keynes بود که بین لندن و بیرمنگام قرار داشت. تا سال ۱۹۸۰، ۳۳ شهر جدید در بریتانیا ساخته شد که جمعیتی بالغ بر ۴/۲ میلیون نفر را در خود جای داده و بیش از ۱/۱ میلیون شغل ایجاد نمود. اگرچه این پروژه از نظر سیاست صنعتی و تمرکز زدایی کلان شهری موفق بود اما از نظر طراحی موفقیت چندانی بدست نیاورد و انتقادات زیادی از طرف افراد حرفه‌ای در طراحی و ساکنین بر آن وارد شد و منتقدین آنرا دارای ظاهری نازیبا و هویتی بی‌مکان می‌دانستند.

در اسکانداوی و هلند، در ساخت شهرها پس از جنگ، بیشتر از مدرنیسم «منشور آتن» الهام گرفته شد تا جنبش باغ شهرها. برای مثال غرب آمستردام در دهه ۱۹۵۰ به عنوان شهری بزرگ ساخته شد (برای ۶۰۰،۰۰۰ نفر ساکن) با طراحی «کورنلیس ون ایسترن» که دبیر کل گروه منشور آتن بود. با تبعیت از اصول مدرنیست، در غرب آمستردام ترکیبی از ساختمان‌های آپارتمانی ۳ تا ۴ طبقه (۶۰٪)، خانه‌های تراس دار یک واحدی (۲۵٪) و بلوکهای ساختمانی بلند مرتبه (۱۵٪) ساخته شد؛ مجموعه‌ای از جاده‌ها با جداسازی مسیر پیاده رو و مسیر وسایل نقلیه و واحدهای کوچک محله در کنار فضاهای سبز، مدارس ابتدایی، فروشگاه‌های دنج و کلیسا. کیفیت جزئیات ساخت باعث شد این کار به موفقیتی عظیم بدل شود و این وویکرد در ساخت Buitenveldert، جنوب آمستردام و - Nie wendam، واقع در شمال تکرار گشت.

در ضمن، در فنلاند، اصول پیشرونده مدرنیست در ساخت و برنامه‌ریزی Tapiola مورد استفاده قرار گرفتند که یک باغ شهر در نزدیکی اسپو بود که در حدود ۱۵ کیلومتر از Helsinki فاصله داشت (شکل - ۲). Heikki von Hertzen دیگران را برای مملی سازی این پروژه متقاعد ساخت و از طریق - Asuntosa tion، بنیاد مسکن غیر انتفاعی فنلاند تحقق یافت. طرح کلی آن توسط Aarne Ervi اجرا شد که بلوکهای آپارتمانی مدرن را با خانه‌های تراس دار و املاک جدا افتاده ترکیب نمود و همگی در میان زمینی جنگلی به مساحت ۶۵۰ جریب در کنار هم قرار گرفتند. رواج قبلی ساختمان‌های آپارتمانی باعث شد در مدل شهر- باغ Ville Contemporaine که توسط کوربوزر ارائه شده بود تراکم کمتر مدنظر قرار گیرد. بیشتر معماران و طراحان شناخته شده فنلاند از جمله Alvar Aalto, Aulis Blomstedt, Jorma Jarvi, Raili و Reima Pietila, Viljo Revell, Osmo Sipari و Kaija و Heikki Siren نقشه‌هایی از یک ناحیه یا بلوکهای ساختمان‌های اجتماعی یا خانه‌های تک واحدی آماده کردند و بیشتر

آنها در مجلات معماری، به عنوان نمونه‌هایی از طراحی خوب برای مسکن به شهرت دست یافتند. در دهه ۱۹۶۰، Tapiola در سطح بین المللی به عنوان نمونه‌ای شاخص از یک Waldstat فنلاندی شناخته شد، «زندگی در نزدیک طبیعت».

در فرانسه، برنامه شهر جدید تا اواسط دهه ۱۹۶۰ به اجرا درنیامد، و آن موقعی بود که آنها بخشی از یک برنامه‌ریزی راهبردی در پاسخ به غلبه بیش از حد منطقه کلان شهری پاریس بودند. در نتیجه، شهرهای جدید فرانسه، بخشی از الگوی برنامه‌ریزی شده توسعه منطقه‌ای محسوب شدند. هشت شهر جدید برای منطقه پاریس پیشنهاد گشتند و در نهایت پنج شهر در اواسط دهه ۱۹۷۰ مورد تأیید قرار گرفتند: Cergy-Pontoise در شمال غربی، Saint-Quentin-en-Yvelines در جنوب غربی، Evry و Melun-Senart در جنوب شرقی و Marne-La-Vallee در شرق. چهار شهر جدید دیگر در نزدیکی شهرهای استانی Lille به تأیید رسیدند (Lille-Est)، Rouen (Le Vaudreuil)، لیون (L'Isle d'Abeau) و Marseilles (Rives de L'Etang) (de Berre).

Etablissements Publics (که به شرکتهای ساخت و ساز شهرهای جدید بریتانیا شباهت داشت) به منظور برنامه‌ریزی برای شهرهای جدید و بدست آوری و آماده سازی زمین و فروش آن به دست اندرکاران ساخت و ساز یا تولید کنندگان ایجاد شد. شهرهای جدید فرانسه دارای هیچگونه حدود ثابتی نبودند و در حومه‌هایی که آن زمان وجود داشتند و نیز در نواحی تازه توسعه یافته ساخته شدند. نقطه مشترک آنها، یک مرکز شهری جدید با کاربریهای ترکیبی و نواحی مسکونی، نواحی تولیدی، مراکز خرید و تفریحی و فضاهای باز عمومی بود. در Evry، آگورا به مهمترین مرکز تفریحی و فرهنگی چند منظوره در فرانسه تبدیل گشت.

### شیوه آمریکایی‌ها

در ایالات متحده آمریکا، رویدادهایی گسترده به موازات یکدیگر همراه با انتشار عقاید در سطح بین‌المللی منجر به وقوع داستانی مشابه از نظر ظهور برنامه‌ریزی حرفه‌ای شد که در واکنش به نیاز برای مدرنیزه‌سازی برنامه‌ریزی شده شهرها صورت گرفت. اما تأکید آمریکاییها بر املاک خصوصی، تفوق و برتری حقوق فردی بر حقوق جمعی و غلبه ماشین‌های موتوری در زندگی اقتصادی و فرهنگی بدین معنا بود که جزئیات این دو داستان تا حدودی متفاوت هستند. نیروی محرکه و برای برنامه‌ریزی شهری، انجمن برنامه‌ریزی منطقه‌ای آمریکا (RPAA) بود که در سال ۱۹۲۳ به عنوان انجمن افراد مدافع اصلاحات تشکیل شد و شامل افرادی همچون کلارنس استین (معمار و مفسر جنبش باغ شهر)، بنتون مک کی (جنگلبان و محافظه کار)، لوئیس مامفورد (نویسنده و منتقد)، الکساندر بینگ (مسئول ساخت و ساز و سرمایه گذار املاک و مستغلات) و هنری رایت (معمار و معماری مناظر) بود. ریشه‌های عقلانی و فکری این انجمن بصورتی متمایز رادیکال بوده و بیشتر برگرفته از افکار «پاتریک گدس» بود. کار تبدیل رادیکالیسم گدس به مدلی آمریکایی برعهده مامفورد قرار گرفت و او آنرا با مؤدنه جنبش باغ شهر و ایده‌آل‌های مهندسی اجتماعی محافظه کارانه جنبش شهر زیبا در هم آمیخت.



مامفورد و RPAA از دهه ۱۹۳۰ به بعد از تأثیر بسیار زیاد بر ایدئولوژی برنامه‌ریزی و شیوه برنامه‌ریزی آمریکایی استفاده نمودند و میراث برجای مانده از برنامه‌های معامله نوین «دلانو روزولت» را نیز کم و بیش بکار بردند. شکستها و ضرورت‌های بازار که در نتیجه رکود اقتصادی پدید آمده بودند مشروعیت لیبرالیسم اقتصاد مداخله و کلاسیک را تضعیف کرده و باعث شد تحت الشعاع یک لیبرالیسم تساوی‌گرای قرار گیرد که مبتنی بر این بود که دولت باید توسعه اقتصادی را اداره نماید و اثرات جانبی ناخواسته سرمایه‌داری بازار آزاد را تعدیل نماید. یکی از اهداف مستقیم سیاست New Deal یا معامله آزاد، تحریک صنعت ساخت و ساز با نیروی کار بالا از طریق تثبیت بازار، رهن و تسهیل سرمایه‌گذاری سالم در مسکن، براساس شروط معقول بود. این امر باعث می‌شد رشد حومه‌ها مجدداً آغاز شده و برای بحران اقتصادی یک تنگنای فضایی ایجاد شود (چکوی ۱۹۸۰؛ هاروی ۱۹۸۵). درحالی‌که روند مسکن‌سازی فقط منجر به ساخت نود هزار واحد در سال ۱۹۳۳ گردید اما تعداد خانه‌های جدید که در سال ۱۹۳۷ آغاز شد به ۳۳۲،۰۰۰ و در سال ۱۹۴۱ این تعداد به ۶۱۹،۰۰۰ واحد رسید. مدیران خوشبین New Deal متوجه فرصت بیشتری شدند؛ برنامه‌ریزی برای توسعه حومه‌ها، دموکراتیزه سازی حومه‌ها با جذب مردم از شهرهای مرکزی که مجدداً توسعه یافته بودند. رکسفورد گای تاگول، که توسط روزولت به عنوان رئیس اداره اسکان مجدد منصوب شده بود، در نظر داشت ۳۰۰۰ شهر را بر کمربندی سبز بسازد که از خانه‌های ارزان قیمت و تحت حمایت دولت تشکیل شود و سریعاً لیستی از ۲۵ شهر را تهیه نمود که ساخت آنها باید فوراً آغاز می‌شد. اما فقط برای هشت شهر تأمین سرمایه شد و کنگره، تحت فشار صنعت خصوصی ساخت و ساز، این تعداد را به پنج شهر کاهش داد. ساخت دوتا از این شهرها بواسطه اقدامات قانونی محلی متوقف شد. فقط سه شهر ساخته شدند؛ گریندیل، در جنوب غربی میلوکی، گرین هیلز در نزدیکی سینسیناتی و گرین بلت درست در شمال واشنگتن دی سی.

در این میان، اصل جداسازی کاربریهای زمین از طریق مسیری کاملاً آمریکایی با اعتراضات پنهان انحصاری، وارد شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری آمریکا گردید. در دعوی نشان‌گذاری زمینها-روستای اوکلید، اوهایو در برابر شرکت امبلر ریلتی (۱۹۲۶)- دادگاه عالی آمریکا قدرت و اختیاراتی به دولت محلی اعطاء نمود برای رفع آزاد و اذیت‌ها، و صدور حکم به نفع حقوق شهرداری برای جلوگیری از مالک زمین برای استفاده از زمین جهت اهدافی بغیر از هدف تعیین شده برای آن ناحیه. طبق حکم دادگاه، آزار و اذیت تعریفی وسیع داشت که شامل هر امری می‌شد که بر رفاه و آسایش عمومی یک منطقه مسکونی تأثیر بگذارد. در نتیجه، ناحیه بندی سریعاً برای خارج سازی کاربریهای نامطلوب زمین از نواحی مسکونی و نیز افراد نامطلوب مورد استفاده قرار گرفت (با برقراری حداقل برای قطعه زمینهای بزرگ یا سایز خانه‌ها).

ناحیه بندی انحصاری در کنار ظهور بیمه رهن برای وام دهندگان، افزایش استطاعت مردم برای خرید ماشین و بکارگیری تکنیکهای تولید برای ساخت مسکن در مقیاسهای وسیع، زمینه را برای حومه نشینی معاصر را هموار نمود. «فرانک لویدرایت» که معماری با استعداد بود می‌توانست ظهور آنرا ببیند. رایت تصمیم گرفت معماری باشد که از شهر متنفر است. او همچنین در مورد اینکه خود را فردی خیالپرداز

آن هم براساس سلاقی متمایز آمریکایی به تصویر بکشد نگران بود. دیدگاه او، آینده‌ای مبتنی بر ایالات متحده آمریکای شمالی بود (یک بازی با کلمات در آمریکا). برعکس مدرنیسم غالب که توسط معماران و نقشه‌کشان مُدگرای اروپایی پذیرفته شده بود. رایت در اثرش بنام «شهری وسیع» که در سال ۱۸۳۲ انتشار یافت از الگویی کم تراکم و کم‌ارتفاع برای خانه‌ها صحبت نمود. با تأکید به فردگرایی و طبیعت‌گرایی جفرسون، توریو و امرسون، رایت مواضعی را اتخاذ نمود که براساس آن، آزادی فردی بر تأکید مدرنیسم بر دموکراسی اجتماعی برتری داشت. او ادعا می‌کرد خانه‌هایی تک واحدی در قطعه زمینهایی به وسعت یک جریب، تنها راه تضمین آزادی فردی می‌باشد که از حقوق آمریکاییان محسوب می‌شود؛ شهر وسیع، کتاب وی بیانی واضح از یک جامعه حقیقتاً دموکراتیک بود. بعلاوه، چنین شهری باید سالم، زیبا و خوشایند و از نظر اخلاقی و فرهنگی، ارتقاء دهنده باشد. مشکل عدم دسترسی در قطعه زمینهای بزرگ و تراکم پایین شهر وسیع با ساخت شبکه‌ای از پارک راههای خوش منظره و بزرگراهها برطرف گردید و در نقطه قانونی محله‌های نیمه روستایی، پمپ بنزین‌های بزرگ ساخته شد و کافه تریاها و مغزه‌هایی که بصورت ۲۴ ساعته باز بودند نیز به آنها اضافه گشت. متأسفانه، همانند بیشتر معماران خیال پرداز، رایت واقعاً شهرها و وابستگی‌های متقابل و پیچیده میان آنها را نشناخته بود. همانند همکاران قبلی، همکاران معاصر و آتی خود، او نمی‌توانست چیزی بیش از یک رابطه تجویزی و اجباری بین طراحی شهری و رفاه فردی و اجتماعی را مشاهده نماید. درحالی‌که رایت رویای آینده‌ای ایده‌آل را در الگوی اسکان آمریکایی در سر داشت، یکی دیگر از شخصیت‌های کلیدی در رابطه با مدرن سازی بافت فعلی شهر، نظراتی مطرح نمود. «روبرت موسز» از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۶۸ یک بوروکرات قدرتمند و دلال قدرت در نیویورک بود (هم در خود شهر و هم در کل ایالت) که برنامه‌های ساختمان‌سازی زیادی را با هدف مدرن سازی فراساختارهای شهری مدیریت کرده بود و قلمروی عمومی را با امکانات تفریحی وسیع، گسترش داده بود و نازیبایی را از روی چهره شهر زدوده و شهر را برای طبقه متوسط، زیست پذیرتر ساخته بود (به مطالعه موضوعی ۲-۴ مراجعه نمایید). مقایسه با «هاسمن» اجتناب ناپذیر است اما بنا به اظهارات مالکولم مایلز (۲۰۰۱)، «موسز» یک نوع بخصوص از توسعه شهری را پیش بینی نمود که در آن، رویای آمریکایی به آزادی برای ساخت و ساز برای پول و آزادی برای راندگی بدل شده بود. این مورد همچنین پدیده‌ای کلی بود: اشتیاق متعصبانه به حرفه‌ای که قدرت و منابع را برای مفهوم سازی مجدد شهر به صورتی مدرن و نوین اعطاء می‌کند.

### مطالعه موضوعی -۲ روبرت موسز: قهرمان یا بد ذات؟

«روبرت موسز» کار خود را به عنوان معتقدی احساساتی به اصلاحات، دشمن منفعت‌گرایی و فساد سیاستهای Tammany Hall در نیویورک آغاز نمود. او خود را رهبر مأموریت نجات شهر از منسوخ شدن و انحطاط می‌دید و همانند «فرانک لوید رایت»، او وسایل نقلیه را راهی به آینده می‌دانست. او در اوایل کار خود به عنوان یک بوروکرات تأثیرگذار در دولت ایالت نیویورک به شهرت دست یافت اما به سرعت به این نتیجه رسید که برای انجام کارها باید دلان قدرت را در این بازار مغلوب سازد. وقتی دلارهای مالیات New Deal



شکل ۳- مرکز پامپیدو، پاریس. این بنا توسط رنزو پیانو و ریچارد راجرز طراحی و در اوایل دهه ۱۹۷۰ ساخته شد، اسکلت در معرض دید ساختمان از تیوبهای رنگی ساخته شده که مخصوص سیستمهای مکانیکی بوده و برای نشان دادن معماری به شیوه ای بنیادین ساخته شد. (عکس از: نویسنده).

می ساخت. تا آن زمان که مشکل خاصی برایش بوجود نیامده بود او توجه خود را معطوف پروژه های نوسازی شهری برج در پارک (Tower in the Park) و توسعه بزرگراهها و برنامه ساخت پل نمود و از عوارض جمع آوری شده از پلها و تونل های جدید برای تأمین سرمایه پروژه های بیشتر استفاده نمود. نظر وی در پاسخ دادن به منتقدینی که به جایجایی دهها هزار خانوار و تخریب ساختمان های تاریخی اشاره می کردند این بود: وقتی شما در کلان شهری بزرگ کار می کنید، باید راه خود را بهر وسیله ای، باز نمایید (مایلز ۲۰۰۱: ۳۳). او تا زمان بازنشستگی در سال ۱۹۶۸، مدیریت ساخت ۱۳ پل بر روی جاده ها (از جمله پل جرج واشنگتن و پل عظیم ورازانو- ناروز)، شاهراه های بیشتری در مقایسه با لس آنجلس (۶۷۰ کیلومتر) و ۲۸ واحد آپارتمانی در نواحی نوسازی شده شهری را برعهده گرفته بود. اما دستاوردها و موفقیت های وی متجانس نبودند. پروژه های بزرگراههای وی در لانگ آیلند مسیری غیر مستقیم را پیموده بودند در نتیجه مالکین ثروتمند زمینها را ناراحت نکرده بود و استراتژی کلی وی مبتنی بر عقیده وی به ایجاد شهری زیست پذیرتر برای طبقت متوسط سفیدپوست بود. او بصورتی فعال در برابر استفاده از سیستمهای حمل و نقل عمومی مقاومت نمود و در برابر گنجاندن نقشه هایی برای ساخت مترو، بکارگیری مسیرهای برای اتوبوس و ترن امتناع نمود، درحالیکه منتقدین خاطر نشان ساخته بودند که

در نتیجه برنامه مدیریت پیشرفت کار سرازیر شدند، موسز یکی از چند مقام محلی بود که پروژه های برنامه ریزی شده آماده ای در دست داشت. با سرمایه گذاری دلارهای فدرال، موسز حمایت زیادی نمود و از طرف اتحادیه های کارگری، شرکتهای ساخت و ساز، بانکهای سرمایه گذاری، شرکتهای بیمه و دست اندرکاران املاک و مستغلات نیز مورد حمایت قرار گرفت. او از تأثیر خود برای پروژه هایی که باید از سریعترین طرق تحقق می افتند در نواحی مسکن سازی قانونگذاران استفاده نمود؛ آنها نیز به نوبه خود با اعطای پول برای پروژه های بزرگ دیگر تلافی کردند. موفقیت او به وی این امکان را داد تا هم شغل دولتی شهری و هم ایالتی را همزمان حفظ نماید. در یک مقطع، او دارای ۱۲ عنوان جداگانه بود و ۴ دفتر مجلد در شهر «ولانگ آیلند» داشت و تمامی بودجه های تخصیص داده شده فدرال به نیویورک را کنترل می نمود. تا سال ۱۹۳۶ «موسز» هشتاد هزار نفر را برای پروژه های مختلف استخدام کرده بود که شامل ساخت یکسری پارک- راهها در بخشهای بیرونی، ساخت سواحل در حاشیه آقیانوسها، نوسازی باغ وحش پارک مرکزی و ساخت ۲۵۵ زمین بازی و ۱۱ استخر شنای عمومی بود (شوارتز ۱۹۹۸).

تأثیر وی حتی پس از جنگ جهانی دوم نیز افزایش یافت و او از این تأثیر برای متوقف سازی توسعه یک برنامه ناحیه بندی جامع در سطح شهر استفاده نمود زیرا این برنامه قدرت وی را محدود



شکل ۴- Arche de La Defense، پاریس. ساخت این بنا در سال ۱۹۹۰ به اتمام رسید و خط بناهای یادبودی را تکمیل نمود که Axe historique (محور تاریخی) را تشکیل می داد و از میان پاریس عبور می کرد و یکی از پروژه های بزرگ معماری بود که در دوره رئیس جمهور فرانسویس میتران آغاز شد. (عکس از: اوون فرانکن/ کوریس).

الگویی از موانع بر سر راه دسترسی شهروندان غیر سفید پوست- برای مثال، پلکان های سراسیمب یا بزرگراههای شلوغ- مکرراً در پروژه های عمومی وی وجود دارند.

### بوروکرات های متعصب

در غرب اروپا و آمریکای شمالی، در دوره پس از جنگ یعنی بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۸۰ برنامه های دولت برای ساخت مسکن، نوسازی شهرها، ناحیه بندی کاربری زمین، برنامه ریزی برای حمل و نقل، برابری محیطی و پروژه های برنامه ریزی جامع افزایش یافت. تمامی این کارها باعث ایجاد شغل شده و منجر به رشد و شناخته شدن این حرفه گردید. برنامه ریزان به پل های ارتباط دهنده انواع پروژه های مختلف و لایه های گوناگون دولت بدل شدند و بنابراین رشدی بی سابقه در تعداد برنامه ریزان شهری، قدرت جمعی آنها به عنوان یک حرفه و اعتماد بنفس آنها در احتمال ارایه شهرهایی بهتر، امن تر، زیباتر و کارآمد تر صورت گرفت.

تحصیلات بالاتر به یک ابزار بدل شد: برای مثال تعداد برنامه های برنامه ریزی در ایالات متحده آمریکا از ۲۰ مورد در اواسط دهه ۱۹۵۰ به ۹۰ مورد در انتهای دهه ۱۹۷۰ افزایش یافت. بازدهی کاری برنامه ریزان ذی صلاح از ۱۰۰ مورد در سال به ۱۵۰۰ مورد در سال افزایش پیدا کرد. برنامه درسی آنها مبتنی بر ایده های مبتنی بر مدینه فاضله ابنز هروارد، پاتریک گدس، فردریک لائو اولمستد، دنیل برنهام، له کوربوسیر، فرانک لیوید رایت و کلارنس استین و داستانهای مربوط به تاریخ حرفه ای مدرنی بود که پیشروانی همچون «روبرت موسز» داشت. از این ریشه ها، روحی متعصب کل این حرفه را در بر گرفت: شهرها می توانند به مکان هایی بهتر بدل شوند؛ آنها باید به مکان هایی بهتر بدل شوند. تأثیر مدرنیسم اروپایی و I - ternationalaux d'Architecture Moderne متعلق به کنگره (۱۹۴۳) به میل و اشتیاق به راهکارهای آینده نگرانه و عقلانی افزود (مامفورد ۲۰۰۰). با وجود تازه ترین پیشرفت ها در تحقیقات و نظریه های علوم اجتماعی بودند- زبان و ابزارهای نظریه رفتاری، اقتصاد منطقه ای، علوم منطقه ای، جغرافیای کمی، آنالیز سیستمها و مدلسازی حمل و نقل- زمینه برای ظهور عصر طلایی برنامه ریزی مدرنیست در مقیاسی بواقع جسورانه هموار گشت.

نتیجه شاید، هیچ کجا بیش از فرانسه مشهود نبود، چراکه در فرانسه، چندین رئیس جمهور پشت سرهم با یکدیگر رقابت می کردند تا از

پروژه های بزرگ در پاریس حمایت نمایند تا شهر را یک قرن پس از «هاسمن»، مدرن سازی نمایند؛ و درعین حال به قدر و قیمت شهر و نیز خودشان اعتراف نمایند (فیرو ۲۰۰۶). در ابتدا مرکز ملی هنر و فرهنگ (شکل- ۳) توسط رئیس جمهور «جرژ پامپیدو» مورد حمایت قرار گرفت و پس از فوت وی در سال ۱۹۷۴ به مرکز «پامپیدو» تغییر نام یافت. رئیس جمهور بعدی، گیسکاردی استاینگ که نمی خواست عقب بیفتد از سه پروژه بزرگ حمایت نمود؛ مجتمعی تشکیل شده از موزه و کتابخانه متعلق به موسسه موند آرایه؛ La Villette که مجتمعی در حاشیه شمال شرقی شهر بود و موزه علمی بزرگی را در خود جای داده بود، یک مرکز موسیقی و سالن نمایشگاهی که در پارکی با مجسمه های مدرنیست عظیم بنا شد و Musee d'Orsay که موزه ای جدید بود و کلکسیونهای متعلق به قرن نوزده لوور را در خود جای داده بود و در جایی ساخته شد که قبلاً ایستگاه خط آهن در آن قرار داشت.

پروژه ها مربوط به فرانسیس میتران، جانشین بعدی داستاینگ چشم اندازی وسیعتر داشتند: توسعه لوور و اضافه کردن یک ورودی جدید در هرمی شیشه ای؛ L'Opera de la Bastille، یک خانه اپرای جدید در قصر باستیل، بنای یادبود Arche de La Defense (شکل- ۴)، بخش مرکزی مجتمع اداری در La Defense و اوج وورنما از Arc de Triomphe و Bibliotheque N - tionale (که اکنون Bibliotheque فرانسیس میتران نامیده می شود)، چهار برج شیشه ای L شکل رو به یکدیگر (به شکل کتابهای باز) دور باغی که در فرورفتگی قرار داشت.

در این میان، پاریس نیز تمامی نشانه های یک برنامه ریزی مدرن را بدست آورده بود؛ چندین طرح برای نوسازی شهر، یک جاده کمربندی برای عبور وسایل نقلیه (بلوار پری فریک)، طرحهای مسکن های اجتماعی در حومه شهر (banlieues)، شهرک های جدید (- Ce gy-Pontoise, Marne-la-Vallee, Senart, Evry مدرن بحث برانگیز (مثلاً Tour Montparnasse)، ساختمان های مدرن اداری و رفیع با ارتفاع ۲۱۰ متر با ظاهری تیره و یکپارچه است) و برنامه ریزی برای رویدادهای برجسته از جمله گودال بزرگی که سالها پس از تخریب بازار قدیمی عمده فروشی مواد غذایی Les Halles برجای مانده بود تا مرکز خریدی در آن ساخته شود.



شکل ۵- تخریب پروژه Pruitt-Igoe در سن لوئیس، ۱۹۷۲. این رویداد که از تلویزیون نیز نشان داده شد به نظر برخی افراد، لحظه ای شاخص و مبین مرگ معماری مدرن بود (عکس از: بنمان / کوربیس).



درحالیکه پروژه‌های بزرگ در پاریس از بسیاری ابعاد نتیجه یک سیاست واحد بودند اما شهرها از طریق برنامه‌هایی راهبردی طرح ریزی می‌شدند که مبتنی بر اصول مدرن‌سازی کاربرهای زمین، پاکسازی زاغه‌ها، پروژه های نوسازی مناطق تجاری و شهری در مقیاس وسیع، بزرگراههای شهری و در اروپا، شهرکهای جدید و طرحهایی برای مسکن‌های عمومی بود. در بریتانیا، دولتهایی که پشت سر هم در راس قدرت قرار می‌گرفتند اهداف موجود برای ساخت مسکن‌هایی جدید را افزایش دادند با این انتظار که یک خانه از هر دو خانه در بخش عمومی قرار گیرد و یارانه‌ای که دولت برای این منظور در نظر گرفته بود، روشهای ساخت صنعتی و ساختمان‌های دارای ارتفاع متوسط و بلند را ترویج نمود. هر شهر بزرگ نیز دارای طرحهایی برای توسعه مجدد مراکز شهری شاخص خود بود. آنطور که جان گلد (۲۰۰۷) اظهار می‌دارد:

تصمیمات برجسته برای پاکسازیها و نوسازیهای وسیع، ارائه راهکارهای مناسب را لازم می‌سازند... از نظر روانشناختی، یک حس عمیق وجود داشت که می‌گفت این لحظه، لحظه‌ای تعیین کننده در زندگی شهرها است. مراکز شهرها، قلب زندگی شهری محسوب می‌شدند. شکست و ناتوانی در حصول به مدرنیته و اعمال تغییر می توانست پژمرده شده نواحی مرکزی را بدنبال داشته باشد، کسب و کار محلی را دچار آسیب کند و شهر نسبت به رقبای منطقه‌ای خود به شهری با کیفیت پایین بدل شود. برعکس، تصمیمات مثبت و قطعی منجر به پیشرفت مراکز شهری شده و ماهیتی پویا به آنها می‌بخشیدند. غرور مدنی و تبلیغ و ترویج مکان و نیاز به مدرنیزاسیون، موضوعات اصلی مورد بحث بودند. (گلد ۲۰۰۷: ۱۱۶).

اما در اغلب موارد، نتیجه کار، ساختمان‌ها و پارکینگ‌هایی یک تکه به شیوه بروتالیست از بتن مسلح بودند و عابرین پیاده‌ای را می‌دیدید که بوسیله پیاده‌روها از ترافیک جدا شده بودند و با عجله از پله‌ها بالا می‌رفتند. و در برخی موارد، اجتناب از این حس که غرور مدنی در حال پیش بردن طرحهایی به مراتب عظیم‌تر است که رابطه بسیار ضعیفی با واقعیت دارد، بسیار سخت بود (گلد ۲۰۰۷: ۱۳۶).

اگرچه جامعه مطبوعاتی و علمی - از طریق ترکیبی از وطن پرستی جسورانه و تعصبی - قادر بودند عقاید رایج و شواهد جامعه شناختی نامطلوب را سرکوب کرده و خوش بینی خود را در مورد فناوری و پیشرفت حفظ نمایند اما عصر طلایی برنامه‌ریزی شهری در اواسط دهه ۱۹۷۰ به بن بست رسید. مطلوبیت و تأثیر بخشی مدرنیته برنامه‌ریزی شده در اوایل سال ۱۹۶۱ توسط «جین جاکوبز» در کتابش با عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» به چالش کشیده شد. جاکوبز این طور استدلال نمود که برنامه ریزی، زندگی و زیست پذیری را از شهرها دور نموده، قلبهای سخت آنها را پاره پاره کرده تا بجای آن نازیبایی را به صورت بلوکهای آپارتمانی مرتفع جایگزین سازد. او اضافه می‌کند پیروی از اصول جداسازی کاربری زمین منجر به از بین رفتن زیست پذیری و خوشبختی در زندگی شهری شده است. او اظهار نمود مناظر شهری که طراحی آنها بر عهده نقشه‌کشها گذاشته شده بسیار فضاگیر، شلوغ و شبیه به پارک هستند. آنها دورنماهای سبز طولی دارند و ثابت، متقارن و منظم هستند. آنها تمیز، تأثیرگذار و همانند بنای یادبود هستند. آنها دارای تمامی ویژگیهای یک گورستان هستند که بخوبی از آن نگهداری می‌شود (جاکوبز ۱۹۵۸: ۱۵۷).

در عرض یک دهه، اطمینان عمومی بواسطه یکسری از اقدامات طولانی، پرهزینه و نهایتاً بی نتیجه در ساخت و ساز و توسعه ضعیف گشت و شایعاتی مبنی بر رشوه خواری در برخی از طرحهای بزرگ توسعه این عدم اطمینان را دامن زد. در بریتانیا، کمبودهای مسکنهای مرتفع و صنعتی شده در فاجعه Ronan Point که در سال ۱۹۶۸ رخ داد به شدت آشکار شدند و در این اتفاق گوشه‌ای از یک بلوک ۲۳ طبقه در شهر کانینگ، لندن پس از اتفاقی ساده در یک آشپزخانه فرو ریخت. در ایالات متحده آمریکا، انفجار دینامیت در سال ۱۹۷۲ در پروژه Pruitt-Igoe که متشکل از ۳۳ بلوک آپارتمانی عمومی در سنت لوئیس بود (شکل - ۵) لحظه بحرانی دیگری آفرید. هفده سال پیش، این پروژه از موسسه معماران آمریکا جایزه دریافت کرده بود. وقتی به نقشه‌های این پروژه نگاه شد کاملاً غیر قابل زیست به نظر رسید؛ خود ساکنین بودند که پیشنهاد نمودند خانه‌هایشان با دینامیت منفجر شود.

جان گلد (۲۰۰۷) در نوشته ای پیرامون پایان عصر طلایی در بریتانیا اظهار می‌دارد تا سال ۱۹۷۲ معماران و برنامه‌ریزان که پیش از این از تأیید عمومی و حامیان تغییرات ضروری شهرها برخوردار بودند اکنون می‌دیدند از آنها به عنوان شخصیت‌هایی دیکتاتور بدگویی می‌شود که به اطمینان عمومی خیانت کرده و تغییراتی ناخواسته را بر جامعه تحمیل نموده اند. پدید آورندگان سابق محیط که پیش از این برای جامعه آینده مناسب تشخیص داده شده بودند اکنون مهندسی اجتماعی دستکاری کننده نامیده می‌شدند. انتقاد گسترده ای که همیشه بدرستی هدف گیری نمی‌شد اکنون متوجه ابعادی از برنامه‌ریزی جاده ها، طراحی محله‌ها، سیاست کاربری زمین، توسعه مرکز شهر و از همه مهمتر، مسکن سازی در بخش عمومی شده بود. (گلد ۲۰۰۷: ۱۲).

تحت هر شرایطی، برنامه‌ریزی، دیگر نیرویی واقعی برای تغییرات اجتماعی اقتصادی پیشرونده در شهرها محسوب نمی‌شد. منطق توسعه شهری باعث شده بود این امر وارد خدمات‌رسانی به قدرتمندان و دلایان قدرت شود. مردم، ذی نفعان شناخته شده آنها دیگر به توانایی یا مقاصد این برنامه اعتماد نداشتند. بلافاصله، شکوفایی اقتصادی پس از جنگ که باعث بقای مدرنیزاسیون برنامه‌ریزی شده گشته بود با بحران بین المللی اقتصادی که در نتیجه چهار برابر شدن ناگهانی قیمت نفت خام توسط سازمان کشورهای صادر کننده نفت (OPEC) در سال ۱۹۷۳ صورت گرفته بود، متوقف گردید. ادامه طرحهای بزرگ توسعه شهرها دیگر امکان پذیر نبود در نتیجه شهرها به دیپارتمانهایی برای برنامه‌ریزی بدل شدند تا بجای دخالت در تغییرات حقیقی به ایجاد برند کمک شود. دیپارتمانهای برنامه‌ریزی که از جایگاه قدرتمند و اختیارات جامع خود عقب نشینی کرده بودند بدنبال حفظ نقش خود از طریق مشارکت در بخشهای عمومی و خصوصی و استراتژیهای رشد هوشمند بودند که هدف و جهت گیری آنها تقریباً همیشه تحت کنترل بخش خصوصی بود. افراد حرفه‌ای در امر برنامه‌ریزی به آرامی به موضوعات ناحیه‌بندی محلی متمایل گشتند و نهایتاً به این فکر افتادند تأثیر و اعتبار خود را با پرداختن به موضوعات سبز و تجدید نظر در ایده‌آل های قرن نوزدهمی مبتنی بر مدینه فاضله مجدداً بدست آورند، در ایجاد پیوند بین بخشهای هنری توسعه نئو- سنتی و ابرسازه‌های چند منظوره با بافت جداکننده شهرهایی که بصورتی فزاینده دوقطبی می‌شدند، به

## مدرنیسم به عنوان یک ایدئولوژی

در سراسر عصر مدرنیته برنامه‌ریزی شده، ایدئولوژی غالب طراحی، مدرنیسم بود. باید اعتراف کرد که مدرنیسم نه تنها بر طیف وسیعی از ابعاد هنر و طراحی تأثیرگذار بوده است بلکه ماهیت و هدف آن به مرور زمان دچار تغییر گشت. مدافعین، نوآوران و طرفداران مختلف بر ابعاد مختلف مدرنیسم، به عنوان یک ایدئولوژی طراحی نام برده‌اند. نقشها و تأثیرات گوناگون و گاهی متضاد مدرنیسم باعث ظهور نگارندگان ادبی بسیاری گشت و وابستگی‌های متقابل غنی و پیچیده میان هنرمندان، دست اندرکاران و اقتصاد سیاسی متغیر شهرسازی در این نوشته‌ها ثبت شدند (تافوری و کو، ۱۹۸۶ و ۱۹۹۱؛ فریزبی ۲۰۰۱؛ فرامپتون ۲۰۰۷؛ برای مطالعه چشم اندازی دیگر به اثر ولف ۱۹۸۱ مراجعه نمایید). در این بخش به تشریح محرکهای اصلی که بر شهرها تأثیرگذار بودند و تفکر معاصر در مورد معماری و طراحی شهری می‌پردازیم.

این روند توسط منتقدانی در سال ۱۹۰۷ آغاز گشت: سالی که پیکاسو تابلوی *Les Demoiselles d'Avignon* را رسم نمود، بنابراین چالش ظهور مکتب آستره در هنر بازمودی آغاز شد. منتقد هنری، روبرت هوزگ (۱۹۸۰) اظهار نموده که «کوبیسم پیکاسو و براک» حداقل تلاشی برای کسب تجربه مناظری بود که با نگاه از پنجره قطار یا اتومبیلی در حال حرکت مرتباً تغییر می‌یابند. معماران از مکتب آستره الهام گرفتند و بر آن شدند تا ساختمان‌ها را مناسب با نیازها و تجارب عصر ماشین طراحی نمایند و زوایه‌دار بودن کوبیسم را به فرمی مصنوع تبدیل نمایند. چندین جنبش آینده-محور آن زمان در پاسخ به چالش عصر ماشین ظهور نموده بودند. در وین، بین سالهای ۱۹۰۰ و ۱۹۱۴، ترکیبی فوق العاده از خلاقیت و عمل‌گرایی ایجاد شد آن هم در شرایطی که بواسطه زوال عصر امپراطوری کهن و شروع مدرنیزاسیون و پرسشهای علمی، اصطکاک‌هایی بوجود آمده بود. برای مدتی، وین در بین مراکز هنر، موسیقی، معماری، فلسفه، نظریه‌های سیاسی و تحلیل روانی سرآمد بود؛ یک محل برای ملاقات و گردهمایی افراد با استعداد با علایق متمایز و

شخصیت‌های قوی (بیلر ۲۰۰۸). گوستا و کلیمت، اسکار کوکوشکا و آگون شی یل از هنرمندان تندرو بودند؛ جوزف هافمن، آدولف لوس و اوتو واگنر از جمله معماران و طراحان آن دوره بشمار می‌رفتند. بیشتر آنها عضو جنبش تجزیه طلبان بودند که در سال ۱۸۹۷ و به نشان اعتراض به محافظه کاری هنر وین و جهت‌گیریهای سنتی آن برقرار شده بود. با این حال، لوس منکر شیوه‌های منسوخ سازی الگوهای رایج و سنتی و پر از تزئینات تجزیه طلبان بود. از نظر او، انگیزه اصلی این روند، حذف تمامی تزئینات بی‌فایده از معماری بود. او نویسنده ای پرکار بود که مطالب و مقالات بیشماری نوشته بود و نظریه‌ها و انتقادات بسیاری از مدرنیسم در معماری ارائه نموده بود.

در این ضمن، در آلمان، *Deutscher Werkbund* به عنوان ائتلافی ضعیف از هنرمندان و شرکتهای هنری در سال ۱۹۰۶ تأسیس شد و هدف از تأسیس آن اصلاح ارتباط میان هنرمندان و صنعت بود. این ائتلاف به مدیریت «پیتر بهرنز» که معمار و طراح ارشد شرکت تجهیزات الکتریکی آلمانی AEG بود بر اساس این اصل شکل گرفته بود که کمیت و کیفیت باید مکمل یکدیگر باشند. «بهرنز»، صنعتی سازی را تقدیر آشکار ملت آلمان می‌دانست و طرحهای کارخانه وی همچون معابد عظیمی برای قدرت تکنولوژیکی بودند. در این میان اعضای دیگر *Werkbund* (شامل معمارانی همچون برونو تات و والتر گروپیوس) بر نیاز به غلبه بر ابعاد منحرف کننده جامعه سنتی از طریق پشت سر گذاشتن تمامی پالایشهای معماری و نمادگرایی نظم کهن و جایگزینی شیوه ای معنادار، تأکید داشتند.

این حساسیتها در تکامل مدرنیسم در دهه ۱۹۲۰ نقشی محوری داشتند. بطور کلی، نکته مورد تأکید، اهمیت طراحی مجدد کل شهرها بنام پیشرفت فناوری و دموکراسی اجتماعی بود. یکی از زیر مجموعه‌های این ائتلاف یعنی مدافعان آینده نگری خواهان آن بودند که کارهای بعدی هیچ ارتباطی با گذشته نداشته باشند. آنها به رهبری فیلیپو مارینتی که توسط «آنتونیو سنت الیا» وارد عرصه معماری و طراحی شهری شده بود به دنبال شدت بخشیدن به تغییرات اجتماعی و نهادینه از طریق شهرهایی بودند که باید همچون پلکان هایی برای قیامی دائمی عمل می‌کردند، با عمارتهایی عظیم و خوش منظره که همچون بناهای یادبودی از فناوری خودنمایی می‌کردند. طرحهای سن الیا از (۱۹۱۴) *La Citta Nuova* نشان‌دهنده ساختمان‌های



شکل ۷- Unite d'Habitation، مارسیلز. پس از اظهارات لوکوربوزیه مبنی بر اینکه ساختمان‌ها و شهرها باید همچون ماشین هایی برای زندگی باشند، در *Unite d'Habitation*، فروشگاه‌ها، مراکز ورزشی، پزشکی و آموزشی و یک هتل ساخته شد. سقف مسطح این ساختمان بصورت تراسی ساخته شد که دارای دودکشهایی مجسمه شکل برای تهویه هوا و یک استخر شنا است. (عکس از: توماس الف. هینز / کوریس).

بتنی عظیمی بودند با برجهای مرتفع و دیوارهای بزرگ، ایستگاههای مولد بیشمار و کارخانه‌ها و فرودگاههای بزرگ، که در فضاهای حقیقی شهری، تا ۵۰ سال بعد، مشابه آن ساخته نشد.

از همین پیش زمینه‌ها بود که در دهه ۱۹۲۰ مدرنیسمی پدید آمد که مبتنی بر این عقیده بود؛ معماری و طراحی، عوامل رستگاری و رفاه اجتماعی هستند. از طریق مواد مدرن و طراحی وظیفه‌گرا و تولید صنعتی، معماری با هزینه‌ای کم قابل انجام گشت و در دسترس همگان قرار گرفت و بنابراین شرایط فیزیکی، اجتماعی، اخلاقی و شکل ظاهری شهرها بهبود یافت. در فرانسه، لوکوربوزیه، فرمول ابتدایی خود را برای ارتباط بین معماری و شهرها مطرح نمود؛ هر دو باید ماشینی برای زندگی باشند. بدون این نوع معماری رادیکال، نتیجه، انقلابی سیاسی خواهد بود. او در ابتدا به نویسندگی، نقاشی و طراحی خانه‌هایی برای تک خانوارها می‌پرداخت (شکل ۶-۳) و به عنوان هنرمند و معماری با استعداد شهرتی قابل ملاحظه کسب نمود. در سال ۱۹۲۲، او عقاید و ایده‌های خود را در مورد اصول طراحی شهری در کتابی با عنوان *La Ville Contemporaine* مطرح نمود. بنا بر گفته‌های او، راه اصلی، کاهش ازدحام مراکز شهری با افزایش تراکم آنها است؛ عبارت دیگر از طریق ساخت ساختمان‌های مرتفع. او ادعا می‌کند مراکز شهری با ساختمان‌های پرتراکم و مرتفع باعث می‌شوند فضای وسیعی برای خیابان‌های عریض در اختیار قرار گیرد تا ترافیک به آسانی جابجا شود و فضای سبز کافی برای فعالیت‌های تفریحی گنجانده شود. این شهر به عنوان شهری تفکیک شده بر اساس طبقات اجتماعی توصیف شده است که دارای برجهای ساختمانی وسیعی است که در محل‌هایی مناسب قرار گرفته‌اند تا در اختیار افراد برگزیده صنعت، دانشمندان و هنرمندان قرار گیرند. کارگران معمولی دارای آپارتمان‌های کوچکتری در باغهایی بودند که در واحدهایی مجتمع مانند قرار داشتند که از مجتمع‌های تفریحی و فرهنگی مرکزی فاصله‌ای معین داشتند. برنامه او برای پاریس، با نام *Plan Voisin* این استراتژی را بدون دادن هیچگونه امتیازی به شهر موجود یا ساکنین آن منعکس ساخت. در ۱۸، *Plan Voisin* برج به ارتفاع ۷۰۰ فوت ساخته شد که مستلزم تخریب بخش زیادی از ناحیه تاریخی شمال پاریس یعنی *Seine* بود. در داخل برجها، آپارتمانها (بنا به گفته وی سلولها) باید یکدست بوده و مبلمان و اثاثیه استاندارد یکسانی داشته باشند. پس از اینکه نخبگان دارای قدرت در پشتیبانی از ایده‌های او شکست خوردند و رکود اقتصادی بزرگ باعث شد توانایی صنعت گران برای پشتیبانی از وی از بین برود، او ایده‌های خود در مورد طراحی شهری را مورد تجدید نظر قرار داد. در ۱۹۳۳ (*Ville Radieuse*) او دیدگاه‌هایی متفاوت تر را مطرح نمود و اظهار کرد هر فردی باید در بلوکهای آپارتمانی بزرگی بنام واحد یا *Uintes* زندگی نماید که دارای حداقل فضای داخلی باشد. فضاهایی که بدقت و کاملاً تنظیم شده بودند باید مرکز و شکل دهنده الگوهای جدید و بهتری برای زندگی اجتماعی باشند که توسط روحی جدید الهام می‌شود و نفوذ می‌کند. ایده‌های او باید بسیار تأثیرگذار می‌شدند اما رویکرد خودمحور وی و شکست خوردن بسیاری از پروژه‌های نوسازی شهری که در کتاب خود آنها را مطرح نموده بود نهایتاً باعث شدند مدرنیسم بدنام شود (به مطالعه موضوعی ۳-۴ مراجعه نمایید).

مطالعه موضوعی - ۳ لوکوربوزیه: قهرمان یا شریر؟

در چرخه های معماری و طراحی، لوکوربوزیه در کنار نامه‌هایی همچون «فرانک لوید رایت و لودویگ مایس ون» را در سر لوحه قرار دارد که به عنوان نوابغ هنر مدرن شناخته می‌شوند. او در عرصه ای گسترده تر به عنوان یکی از افراد تأثیرگذار شناخته می‌شود اما ایده‌های او در مورد طراحی شهری و برنامه‌ریزی بیشتر، مورد تردید و بدتر از همه، ترسناک به نظر می‌رسند.

در جو هنری و خردگرایی که به شدت سیاسی شده بود و تحت تسلط شعارهای آینده‌گرایانه و مبتنی بر مدینه فاضله قرار داشت، لوکوربوزیه نه تنها به‌خاطر طراحی بالاترین خود بلکه در نتیجه شعارهای تکان دهنده و ادعاهای تحریک کننده خود برای نسخه‌هایی که صادر می‌کرد شهرت یافت. لوکوربوزیه در رویکرد خود به هیچ وجه، میانه‌روی را تحمل نمی‌کرد. او اصرار داشت استانداردهای بی‌نامی و خلوص فرم برای ایجاد معنای تولید انبوه ضروری هستند تا اشتیاق‌ها و کارهای تفریحی روزمره طبقه کارگر صنعتی را در شهرهای مدرن بدرستی شکل دهند. (با این حال در این ضمن او به خاطر حق کمیسیون که برای خانه‌های مجلل از افراد ثروتمند می‌گرفت مورد تأیید نبود).

لوکوربوزیه ادعا می‌کرد قادر نیست، مخالفت با ایده‌های خود را درک نماید و در عوض تصمیم گرفت ایده‌های خود را فراتر از درک شهروندان معمولی بداند. اما مقیاس قهرمانانه ایده‌های او و غیر قابل سرکوب بودن او باعث شدند معماران و طراحان شهری که می‌خواستند در حرفه خود شناخته شوند، وی را تحسین نمایند. در این شرایط همگان به این نکته پی بردند که شهرها سریعاً باید مدرن شوند و این کار باید از طریق ساخت و ساز، حذف مراکز شهر و ساخت مسکن‌هایی بلند مرتبه صورت گیرد که از طریق بزرگراه‌هایی بهم وصل شوند. پیش از جنگ جهانی دوم کار زیادی در این راستا صورت نگرفت که باعث گردید لوکوربوزیه در دوران اشغال فرانسه توسط نازی‌ها خود به *USSR* استالین، ایتالیایی موسولینی و دولت ویچی فشار آورد (ویر ۲۰۰۸).

در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، او مجدداً معماری را با تمرکز بر ساختارهای منفرد تغییر داد. کارهای او عبارت بودند از: طراحی اکسپرسیونیستی در بتن‌هایی مجسمه وار که مانند کلیسای مشهور *Ronchamp* در فرانسه بود و نیز ساختمان‌های بتنی زاویه دار الهام گرفته از سبک کوبیسم. تأثیرگذارترین ساختمانی که وی طراحی نمود؛ *Unite d'Habitation* بود (که بین سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۲ در مارسیل ساخته شد) و آپارتمانی ۱۲ طبقه بود و ۱۶۰۰ نفر در آن زندگی می‌کردند. طبق اظهارات لوکوربوزیه، این ساختمان بر روی شبکه‌ای از بتن و آهن به شکل مستطیل ساخته شده بود که درون آن واحدهای آپارتمانی پیش ساخته جاگذاری شده بودند، درست مانند بطری‌هایی که داخل قفسه قرار دارند. این ساختمان با خدمات مختلف، فروشگاه‌ها و امکاناتی که بصورت شبانه روزی خدمات‌رسانی داشتند از آپارتمانی ساده به ماشینی برای زندگی تغییر یافت. خطوط کاربردی ساختمان نه تنها وتر راست را قطع می‌کردند بلکه بصورتی بودند که ساخت آن ارزان تمام می‌شد و ساخت آن از قبل قابل اصلاح بود بنابراین برای جذابیت خاصی برای مسئولین ساخت و ساز و شهر پیدا کرد. نتیجه کلی این کار این بود که برنامه‌ریز و جغرافیدان شهر برجسته، «پتر هال» دریابد شیطانی که پشت ایده‌های لوکوربوزیه قرار دارد کیست؛ شاید هر آنچه خوب



بود با کتابهایش مدفون شد که بدلیل اینکه غیر قابل مطالعه هستند بندرت خوانده شده‌اند. (هال ۲۰۰۲: ۲۱۹).

در آلمان، جنبش *Neue Sachlichkeit* (عینیت‌گرایی نوین) هنرمندان و معمارانی را که احساساتی بودن هنر سنتی و تأثیر عاطفی اکسپرسیونیسم را رد می‌کردند، دور هم گرد آورد. هنرمندانی همچون جرج گراس، نابرابریها و تضادهای بارز شهرهای صنعتی را با اصطلاحاتی ناپخته، برانگیزاننده و هجوگونه ترسیم نمودند. معمارانی همچون اریک مندلسون، انرست می و برونو تائوت، ساختمان‌هایی کاربردی و بی‌پیرایه را برای خانواده‌های طبقه کارگر طراحی نمودند. اما این استاتلیج‌ها بائوهاوس بود که برای ترویج ایده‌آل‌های عینیت‌گرایی نوین کارهای اصلی را انجام داد. او در تاریخچهٔ چهل سالهٔ خود باعث شد تمرکزی قابل ملاحظه بر برخی از هنرمندان و طراحان برجستهٔ قرن بیستم صورت گیرد: جوزف آلبرز، مارسل بروئر، واسیلی کاندینسکی، پائول کلی، لودویگ مایس و در روهه، لازلو ناگی و اسکار شلمر و نیز مدیری بنام والتر گروپیوس.

بائوهاوس به عنوان پالایشگاهی پیشگام در اروپا شناخته شد (تافوری و همکاران، ۱۹۸۶: ۱۱۶) و استانداردهایی برای طراحی مدرن برقرار نمود، از قوری گرفته تا خانه‌های کارگران. موضوع‌های انسجام بخش وی با سدگی خطوط، سطوح مسطح و ویژگیهای دیگر برای تولید انبوه و عقیده به نوع-فرم به عنوان راهکاری بهینه برای کارکردی بودن هر محصول مناسب بودند (به فصل ۲ مراجعه نمایید). نه هنر درحال پیشروی و نه ایدئولوژی سوسیالیست که در رویکرد این مکتب گنجانده شده بودند هیچیک با فاشیسم آلمان و بسته شدن بائوهاوس در سال ۱۹۳۳ که به خاطر سرکوبهای نازی پس از روی کار آمدن هیتلر انجام شد، متوقف نشدند- این عمل در توجیهات بائوهاوس به عنوان سرچشمهٔ مدرنیسم نقش قابل ملاحظه داشت (ولکمن و دکوک ۲۰۰۶).

در آن زمان، ایدئولوژی مدرنیسم همچنان در حال پیشروی و نفوذ بود. در روسیه، انقلاب ۱۹۱۷ باعث شده بود بحثهایی پایدار و شدید در مورد زیبایی مناسب برای زندگی و تولید اجتماعی صورت گیرند که شاخه‌های مختلف مدرنیسم محورهای اصلی آن بودند، درحالیکه هنر گرافیک مدرنیست تحرکی فعال یافته بود تا نیازهای ارتباطی انقلاب را در میان افراد بیسواد برآورده سازد. خیلی طول نگشید که ایده‌های قهرمانانه و دیکتاتوری درمورد طراحی و برنامه‌ریزی شهری سوسیالیست به غرب اروپا نیز کشیده شد و چشم انداز تجویزهای افراطی برای شهرهای اروپایی را بیشتر تحریک نمود. در جاهای دیگر، انجمنهایی تشکیل شدند تا مدرنیسم را تبلیغ نمایند. از جمله مهمترین این انجمنها، کنگرهٔ بین‌المللی معماری مدرن (*Congres International d'Architecture Moderne*) یا CIAM بود که در سال ۱۹۲۸ تأسیس گردید. CIAM از پس بحث و جدل‌های تند برآمد و این پایداری باعث شد بیانیه‌ای بنام منشور آن در سال ۱۹۴۳ صادر شود که به عنوان مبنایی ایدئولوژیکی برای طراحی شهری مدرن پذیرفته شد (مامفورد ۲۰۰۰).

پس از جنگ جهانی دوم، مدرنیسم به عنوان اصل زیبایی‌شناختی منطقی برای بازیابی، پاکسازی و آینده‌نگری شناخته شد. این امر بخصوص در آلمان غربی بیشتر مشهود بود زیرا بائوهاوس به یکی از دستاوردهای فرهنگی آلمان در قرن بیستم بدل شده بود که می‌شد آنرا مثبت ارزیابی کرد و به عنوان مبنایی برای ساخت

یک فرهنگ دموکراتیک جدید بکار برد. در سال ۱۹۵۳، ماکس بیل، که از دانشجویان قدیمی بائوهاوس بود تلاش نمود تا در *Hochschule fur Gestaltung* در Ulm یک دانشجویان مستقیم برای بائوهاوس پیدا نماید. اما این ایده بواسطهٔ بحث‌های بین فردی و مشاجرات تضادی پیرامون آموزش عمر کوتاهی داشت. بسیاری از دست‌اندرکاران اصلی بائوهاوس به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کردند و مدرنیسم به سرعت به عنوان یک قانون در بیشتر مراکز آموزش معماری آمریکا پذیرفته شد.

زمینهٔ این امر بواسطهٔ نمایشگاهی فراهم گردید که در سال ۱۹۳۲ توسط دو معمار آمریکایی، فیلیپ جانسون و هنری-راسل هیچکاک در موزهٔ هنر مدرن در نیویورک سیتی برگزار شد. این نمایشگاه شامل نمونه‌هایی از کارهای مایس و در روهه و مدرنیست‌های اروپایی دیگر بود. این نمایشگاه، شیوهٔ بین‌المللی نامیده شد که بسیار امیدبخش بود. پس از آنکه گروپیوس به آنسوی آتلانتیک سفر نمود تا در هاروارد تدریس نماید و موهولی-ناگی و مایس و در روهه مدیریت یک موسسهٔ طراحی را در موسسهٔ فناوری ایلینویز برعهده گرفتند (که در اصل به عنوان بائوهاوس نوین تأسیس شد) و آلبرز در کالج هنر لیبرال بلک مونتین در کارولینای شمالی مشغول بکار شد. معماری و طراحی شهری مدرن در مناظر شهری آمریکای شمالی پدیدار شدند. بخصوص، مدیران اجرایی شرکت‌های تجاری مجذوب زبان بصری مدرنیسم شده و آنرا پیشرفت و موفقیتی نمادین می‌دیدند. در سال ۱۹۵۲، گوردون بانسفت از اسکیدمور، اووینگز و مریل نشان دادند مدرنیسم را چگونه می‌توان در ساختمان‌های مرتفع مرکز شهر بکار برد بدون اینکه اجباری به به خطر انداختن فرم ساختمان با شکافهای پلکانی باشد که به خاطر ناحیه بندی کاربری زمین ضروری می‌شود (به منظور اینکه نور و هوا به خیابان برسند). طراحی او برای *Lever House* در خیابان پارک نیویورک (شکل-۸) به آسانی پایهٔ آسمانخراش فولادی و شیشه‌ای را پشت سر گذاشته، فضایی کافی در دامنهٔ ساختمان باقی می‌گذارد تا به عنوان محلی عمومی مورد استفاده قرار گیرد و خود ساختمان فرمی خالص داشته باشد. چند سال بعد، مایس، خود یک آسمانخراش فولادی-شیشه‌ای براق را طراحی نمود بنام ساختمان سیگرا که درست روبروی خیابان پارک و ساختمان *Lever* قرار داشت. بین اینها، این دو ساختمان تصویری خوب برای شیوهٔ بین‌المللی آسمانخراش‌های شرکتی قرار داشت. تا دههٔ ۱۹۶۰، پیشرفتهای صورت گرفته در فناوری ساخت سردرهای شیشه‌ای را امکان پذیر ساختند بدون اینکه لازم باشد قیمت بالای انرژی خورشیدی پرداخت شود. در همین زمان، تکنیکهای جدیدی برای نصب شیشه بوجود آمدند که داشتن سطوح شیشه‌ای یکپارچه برای قسمتهای خارجی را میسر ساختند. با بکارگیری این دستاوردها معماری جعبهٔ شیشه‌ای پدید آمد، ساختمان‌هایی که در انعکاس محیط‌های پیرامونی خود ناپدید می‌شدند، نمود غایی اصل مشهور مایس و در روهه: «با کمترین چیزها می‌توان بیشترین کارها را صورت داد.» اما تعهد مدرنیسم در روند حل شدن در جریان اصلی آمریکا، به یک جامعهٔ طرفدار تساوی انسانها، تبدیل شد و بجای دستورکار اجتماعی، دستور کاری جایگزین شد که تقریباً بصورتی انحصاری تجاری بود. زیبایی بصری همانند قبل بود اما معنای آن درحال تغییر بود. مدرنیسم اکنون معرف کاپیتالیسم یا سرمایه‌داری بود- سرمایه‌داری شرکتی- و نه سوسیالیسم.

شکل ۸- *Lever House*، نیویورک سیتی، طراحی شده توسط

گوردون بانشتف که در سال ۱۹۵۲ تکمیل شد که با دیوارهای پرده ای ساخته شده از شیشه و جرزهای آلومینیومی نازک از سالن عمومی خود جدا شده و اولین نمونه تحقق رویاهای مدرنیستهای اولیه برای بدست آوری فرمهای خالص ستونهای بلورین بدون تکیه گاه بود (عکس از: مارک فینس / کوریس).

### انتقاد از معماری و برنامه‌ریزی مدرن

بدون تبعیت از هدف ایده‌آل شده اجتماعی، مدرنیسم بیش از پیش نخبه‌گرا شد. در معماری، تمایزی بین مناظر دارای برند آثار تجاری (کلینگمن ۲۰۰۷) و معماری یک پیشگام جدید خود ارجاعی برقرار شد که برای آن، شیوه انتقادی جایگزین هدف اجتماعی شد- که به طراحی پروژه‌هایی برای بخش کوچکی از همکاران، ویراستاران مجلات و خوانندگان آنها تبدیل شد. این امر بواسطهٔ تئوریزه سازی انتزاعی معماران ترکیب هنری سنت زدا مشخص می‌شود، معمارانی همچون فرانک گهری و زها حدید و نخبه‌گرایی کامل گروه‌های خود گزینش شده ای همچون "The Whites" یا گروه سفیدها (که همچنین با نام The Five یا گروه ۵ نفره نیز شناخته می‌شود: پیتر ایسن مان، مایکل گریوز، چارلز گواتمی، جان هجدوک و ریچارد مه‌یر) که از نقطه نظر زیبایی شناسی خالص به معماری نزدیک شده بودند که توسط دغدغه‌های اجتماعی یا فرهنگی آشکار می‌شدند.

این حرفه که از یک قالب ایدئولوژیکی شفاف جدا شده و دور از واقعیت بود بطور کلی مبتنی بر چشم انداز یک آیندهٔ مبتنی بر فناوری و مدینهٔ فاضله بود و به کارهایی بصری اهمیت می‌داد که ابرسازه‌هایی در وسعت و اندازهٔ شهر را پیشنهاد می‌دادند. برای مثال شهر Plig-In مربوط به Archigram یک شهر قابل عرضه بود (با عمری ۴۰ ساله) که از واحدهای مدولار پیش ساخته تشکیل شده بود. شهر Waiking از غلافهایی غول پیکر بر روی پایه‌هایی مستطیلی تشکیل یافته بود. این غلافها به فراسازهٔ شهرهای موجود متصل بودند که با جمع کردن پایه‌ها و تنظیم آن، به شیوهٔ هواناو بر روی بالشتکی از هوا جمع می‌شد و قابل حمل از محلی به محلی دیگر بود.

عجیب نیست که معماری پیشگام و طراحی مدرنیست بطور کلی نخبه‌گرا و غیر کارکردی تلقی می‌شدند. در این میان، حسی قدرتمند از اصلاحات اجتماعی پدید آمد که البته برخاسته از دست اندرکاران حرفه‌ای طراحی نبود بلکه در نتیجهٔ جنبش‌های اجتماعی شهری بود و بواسطهٔ شورشهای دانشجویان و اعتراضات کارگران در سال ۱۹۶۸ تسریع شد. این شرایط بحرانی بزودی توسط رکود اقتصادی فروکش نمود و در پی آن بحران انرژی رخ نمود که جرعهٔ آن بواسطهٔ اقدامات اوپک در سال ۱۹۷۳ زده شد اما پیش از ظهور یک جنبش مربوط به حقوق مدنی این اتفاقات نبود که باعث شد جنبش‌های فمینیستی نیز پدید آیند و پس از آن جنبش حقوق سیاسی همجنس‌گرایان و حسی قدرتمند از عدم اطمینان و خشم از دولت در پی آن ایجاد شدند. در این شرایط جدید، انتقاد از معماری و برنامه‌ریزی مدرن شدت گرفت. فمینیستها به نحوهٔ کسب امتیاز از عناصر بصری اشاره کردند که با نوعی مردانگی عجیب بود که مستلزم اربابیت و تفکیک بود. برای

مثال نقطه نظر چشم خداوند Olympian در مورد برنامه‌ریزی شهری مبین جایگاه قدرت در مفهوم سازی شهر است که تسلط افراد حرفه‌ای تسهیل می‌کند و سپس این تسلط از طریق ابهام فرآیند برنامه‌ریزی و زبان فنی شدت می‌گیرد. زنان از طریق برنامه هاری جامع و احکام ناحیه بندی در جای خود نگاه داشته می‌شدند که گاهی خصمانه به نظر می‌رسید و اغلب در برابر نیازهای زنان بی‌اعتنا بود. (بوندی ۱۹۹۸؛ لیلی و ریمر ۲۰۰۳).

معماران مدرن در این میان به طراحی خانه‌ها ادامه دادند البته با چیدمان‌هایی که ایدئولوژی‌های سنتی زندگی خانوادگی و روابط جنسیتی را منعکس و باز ایجاد می‌کردند. الیزبیت ویلسون (۱۹۹۱) به طریقی اشاره می‌کند که از آن راه معماری مدرن بصورتی خود آگاهانه پیشروی کرده و در مورد روابط میان جنسیتها چیزی برای گفتن ندارد. این باعث شده چهرهٔ خانه‌ها تغییر یابد بدون اینکه وظایف و کاربردهای واحد داخلی خانه به چالش کشیده شود. در حقیقت، بائوهاوس به تقویت تقسیم بندی جنسیتی بین کار در خانواده‌ها کمک نمود و این کار را از طریق آشپزخانهٔ مدرن کاربردی Breuer انجام داد. اهمیت این طراحی‌ها در نحوهٔ ارائهٔ تفاوت‌های جنسیتی نهفته است که آنرا طبیعی می‌داند و از این طریق فرمی بخصوص از تمایز جنسیتی و تقسیم بندی داخلی کار را جهانی کرده و مشروعیت می‌بخشد.

دیگران به جبرگرایی محیطی توجه نشان دادند که از ویژگیهای معماری مدرن بود. اسکار نیومن (۱۹۷۲) به خاطر حمله به خانه سازی به سبک مدرن بسیار مورد توجه قرار گرفت. او اظهار نمود که معماری مدرن بیش از حد به فرم توجه نشان می‌دهد و معماری مانند مجسمه سازی شده است و به میزانی کافی به نیازهای انسان‌ها به فضاهای کاربردی و قابل دفاع توجه نشان نداده است. او همچنین اظهار می‌کند بیشتر جرائم جزئی، خرابکاریها، دعوای و دزدی‌ها در پروژه‌های خانه سازی مدرن به تضعیف زندگی اجتماعی و صرف نظر کردن از نظم اجتماعی محلی مربوط می‌شوند که در نتیجهٔ عدم توانایی ساکنین در شناسایی اقدامات کنترلی و اعمال آن اقدامات کنترلی بر فضاهای دیگر محل سکونت خود بغیر از فقط جلوی درب منازل خود می‌باشد. بطور خلاصه، قابلیت زندگی اجتماعی توسط مدرنیستها و نیز رنگ، تنوع و تزئینات، طراحی شده است.

تحلیل نیومن زمینه‌ای تجربی برای تئوری انتقادی جین جاکوبز فراهم نمود: درحالیکه یکسری از فجایع و رسواییها (از جمله فاجعهٔ Ronan Point و افتضاح Pruitt-Igoe) باعث شد منتقدین در نشریات پرخواننده بیش از پیش معماران را افرادی خود شیفته، متعصب، نخبه‌گرا و خودخواه تصویر نمایند و برنامه‌ریزان را مستبد و غیر پاسخگو بخوانند. اظهارات «تام ولف» برای روشن سازی اهداف مدرنیسم و به سخره کشیدن دست اندرکاران پیشروی آن در کتاب وی با نام «از بائوهاوس تا خانهٔ ما» (۱۹۸۱) به کتاب پر فروشی بدل شد که در آن، بیحرمتی عمومی به این حرفه منعکس شده بود. آلیسون راوتز در کتاب خود با عنوان «بازسازی شهرها» (۱۹۸۰) توصیف می‌کند برنامه‌ریزی چگونه در نتیجهٔ ایدئولوژی حرفه‌ای خود از یک عامل توانمند کننده به عاملی ناتوان کننده

تبدیل شده است (یعنی پدرسالاری بودن، جبرگرایی فضایی، آینده نگر و زیبایی بصری آن) و پوشش متعصبانه آن که دست اندرکاران این حرفه را قادر ساخت تا گوشه‌های ناشنوی خود را به سوی انتقادات متوجه سازند. با توسل به انتقادات پسامدرن، پسا ساختارگرا و پسا مستعمراتی، لئون ساندرکوک (۱۹۹۸: ۴) برنامه‌ریزی را تابع شیوه‌های ضد دموکراسی، نابینا در برابر نژاد و جنسیت و از نظر فرهنگی همجنس کننده توصیف نمود.

بطور خلاصه، ثابت شد ساختار حرفه‌ای برنامه‌ریزان برای ایده‌آل‌هایی که ادعای آنرا دارند، مناسب نیستند. حتی در بهترین زمانها، آنها مجبور بودند خود را شکست خورده بدانند. جبرگرایی محیطی و تعصب آنها باعث شد در حملات بوروکراتی همچون نوسازی شهری و ساخت بزرگراهها، گرفتار شوند، تا جایی که مردمی که امید به بهبود زندگی شان داشتند عصبانی و ترسان شده بودند. پیش از اینکه آنها از چنین امری آگاهی یابند، عقلانیت و علاقه آنها به الگوهای کارآمد کاربری زمین باعث شد آنها به نگاه‌بانانی اجتماعی بدل شوند.

در این شرایط بود که معماری و طراحی پسامدرن کسب موفقیت را آغاز نمود، وقتی که رکود پس از سال ۱۹۷۳ حباب رشد پس از جنگ را از هم پاشید. فشارهای ناشی از بازسازی اقتصادی در نواحی کلان شهری قطعه بندی شده، نشانگر آغاز انتهای عصر طلایی طراحی و برنامه‌ریزی شهری بود. این ایده که شهرها را همراه با اقتصاد و جامعه می‌توان با موفقیت برنامه‌ریزی و اداره نمود بیش از پیش مورد تردید قرار گرفت. وقتی موفقیت اقتصادی بازگشت، حساسیت فرهنگی متفاوتی پدید آمد: فرهنگی مادی‌گرا بجای فرهنگی پیشرونده که بیشتر به یک نوستالوژی شباهت داشت تا به یک مدینه فاضله مدرنیست و آینده نگر، نمی‌توان اهمیت قابل ملاحظه طراحی و برنامه‌ریزی شهری را در نواحی مادر شهری انکار کرد. در عوض همانطور که خواهید دید، آنها در حال حاضر قطعه قطعه شده‌اند و بیش از پیش از حس هدف اجتماعی یا منافع عمومی فاصله گرفته‌اند.

## خلاصه

دست اندرکاران حرفه‌ای طراحی شهری خود را در جایگاهی محوری اما مشکل آفرین می‌بینند. آنها در موفقیت‌ها و شکست‌های توسعه شهری درگیر می‌دانند با این حال نقش آنها در اغلب موارد مبهم و چندجنبه ای است. آنها گاهی ناظرین محیط مصنوع، گاهی نگاهبانان منافع عمومی و گاهی قهرمانان زیبایی فضاهای شهری شناخته می‌شوند؛ با این وجود، آنها را خدمتگزاران مشتریان و کارفرمایان نیز می‌دانند. در بریتانیا، برنامه‌ریزی و طراحی شهری حرفه‌ای نه تنها تحت تأثیر میراث برجای مانده از پدرسالاری قرن نوزدهم، جبرگرایی محیطی و زیبایی شناسی بورژوازی بود بلکه از احتمالات و پیشرفتهای دوره بین جنگ نیز تأثیر می‌گرفت. از یک طرف، رکود اقتصادی باعث شده بود یک لابی پُر سر و صدا از طرف نواحی و محله‌های صنعتی فرسوده ایجاد شود. از طرف دیگر، افزایش اتومبیل به همراه قیمت بسیار پایین خانه باعث شده بود یک لابی پُر سر و صدا از طرف محافظه‌کاران روستایی بوجود آید که در مورد میزان گسترش شهرها آگاهی یافته بودند. این

دوگروه در حمایت از تصویب قوانین سخت‌تر برای برنامه‌ریزی شهری با هم متحد شدند.

در ایالات متحده آمریکا، تأکید بر حقوق معنوی، برتری حقوق فردی بر حقوق جمعی و تسلط ماشینهای موتوری در زندگی اقتصادی و فرهنگی بدین معنا بود که داستان مدرنیسمون برنامه‌ریزی شده شهری به نوعی متفاوت گردد. این اتفاق تحت تأثیر ایده‌های «فرانک لیوید رایت» رخ داد که خواهان الگویی کم تراکم و کم ارتفاع برای خانه‌های مسکونی در شهر ایده‌آل Broadacre بود. در این میان، «روبرت موسز» به بوروکراتی قدرتمند و یک دلال قدرت در نیویورک بدل شده بود که برنامه ساختمان سازی گسترده‌ای را هدایت می‌کرد که هدف وی مدرن سازی فراساختارهای شهری، توسعه قلمروی عمومی با امکانات تفریحی وسیع، حذف پڑمردگی و زیست پذیرتر ساختن شهر برای طبقه متوسط بود. مقایسه با هاسمن در اینجا اجتناب ناپذیر است چرا که وی تعصبی افراطی در مورد این حرفه داشت که انتظار داشت قدرت و منابع برای مفهوم سازی مجدد شهر در فرمی جدید و مدرن صرف شوند.

بیست و پنج سال بعد از جنگ جهانی دوم عصر طلایی مدرنیسمون تکنوکراتیک برنامه‌ریزی شده فرا رسید. پس از تخریب‌های ناشی از جنگ، مدرنیسم به عنوان چهارچوب زیبایی‌شناختی منطقی بازبایی و بازسازی پذیرفته شد. در این دوره برقراری تفکیک کاربریهای زمین، پاکسازی زاغه‌ها، انجام پروژه‌های بزرگ نوسازی مدنی و تجاری در مقیاس وسیع، ساخت بزرگراههای شهری در اروپا، شهرهای جدید و طرحهای مسکن سازی عمومی صورت گرفت. این کارها همگی با اتکاء بر روح و جوهره مدرنیسم دهه ۱۹۲۰ صورت گرفتند که مبتنی بر این ایده بود که معماری و طراحی، عاملین اجتماعی هستند. اعتقاد بر این بود که از طریق تولید صنعتی، مواد و مصالح جدید و طراحی کاربردی، معماری و طراحی شهری را می‌توان با قیمتی ارزان مورد استفاده قرار داد تا در دسترس همگان قرار گیرد و به نفع همگان باشد و بنابراین شرایط فیزیکی، اجتماعی، اخلاقی و زیبایی‌شناختی شهرها بهبود یابد. در فرانسه، لوکوربوزیه فرمول ابتدایی خود را برای رابطه میان معماری و شهرها این طور توصیف نمود: هر دو باید ماشینی برای زندگی باشند.

اما در روند گنجاندن این ایده‌ها در جریان اصلی، تعهد مدرنیسم به یک جامعه طرفدار تساوی انسان‌ها بدل شد و بجای دستور کار اجتماعی، دستور کاری جایگزین شد که تقریباً بصورتی انحصاری تجاری بود. بدون تبعیت از یک هدف اجتماعی ایده‌آل، مدرنیسم بیش از پیش نخبه‌گرا و منزوی شد. در عین حال به نظر می‌رسید که برقراری مدرنیته برنامه‌ریزی شده، بصورت حملات بوروکراتیک در آمده است. «جین جاکوبز» که از منتقدان اولیه برنامه‌ریزی شهری بود اظهار نمود سرزندگی طبیعی شهرها در خطر ابتلاء به مرگی، برنامه‌ریزی شده است. تا اواخر دهه ۱۹۷۰، برنامه‌ریزی مدرنیست همچنان تحت انتقادات شدیدی بود و منتقدین آنرا پدرسالارگرا، ضد دموکراسی و متعصب در برابر جنسیت می‌خواندند.



## تلاش شهروندان خلاق برای توسعه فضای سبز

Gardeners) در کشورهای غربی به کسانی اطلاق می‌شود که برای بیان اعتراض به کمبود فضای سبز در شهرهای بزرگ، به کاشت گیاه و درختچه در هر جایی که امکان آن وجود داشته باشد، اقدام می‌کنند. یکی از شهرهای پیشرو در این زمینه هامبورگ است؛ به طوری که در حال حاضر کاشتن گیاهان و درختچه‌های مختلف در هامبورگ تبدیل به سرگرمی رایجی شده است. مسئولان محیط‌زیست هامبورگ هر چند از اقداماتی از این دست برای گسترش فضای سبز استقبال می‌کنند اما هشدار می‌دهند که شهروندان نباید هر درخت و هر گیاهی را بکارند زیرا برخی از گیاهان جلوی رشد گیاهان بومی را می‌گیرند.

باغبانی خلاقانه طبیعت را به انسان شهرنشین امروز باز می‌گرداند. ساکنان شهر هامبورگ تلاش می‌کنند به نحوی گوشه‌ای هر چند کوچک از طبیعت را دوباره به زندگی خود برگردانند. آنها برای دستیابی به این هدف از هر بهانه‌ای برای ایجاد فضای سبز و کاشت گل و درخت استفاده می‌کنند. هر جا مستی خاک وجود داشته باشد شهروندان علاقه‌مند به طبیعت در آن درختی می‌کارند همچنان که از هر وسیله به درختخوری برای احیا و کاشت گل و سبزه بهره می‌برند. شهروندانی که با این شیوه‌ها درصدد آشتی فضای ماشینی شهر با طبیعت هستند مدت‌هاست به باغبانان چریکی مشهور شده‌اند. البته به این واژه وجه تسمیه دیگری هم دارد. در واقع باغبانان چریکی (Guerrilla)



## تنوع فرهنگی و پویایی شهرها

آمده است: «به همین منظور با سرمایه‌گذاران متعددی مانند دولت‌ها، غیردولتی‌ها، شرکت‌ها و دانشگاه که هر کدام قدرت منحصربه‌فرد خودشان را دارند، همکاری خواهیم کرد.» براساس گزارش شورای اروپا، (یکی از برگزارکنندگان این نشست) در سال ۲۰۱۰، ۶/۵ درصد از جمعیت کل این قاره سبز ملیت خارجی داشتند. بیشتر ساکنان خارجی هم از کشورهای غیراروپایی مانند ترکیه، مراکش، چین و روسیه هستند. بنابر گزارش‌های رسمی، تا پایان سال ۲۰۰۸ حدود دو میلیون و ۲۲۰ هزار تبعه خارجی در ژاپن (میزبان همایش) ثبت شده که این میزان ۲/۴ برابر تعداد اتباع ثبت شده در ۲۰ سال قبل از آن بوده است.

«تنوع فرهنگی باعث پویاتر شدن شهرها می‌شود.» گزاره‌ای بود که در نشست شهرهای چند فرهنگی آسیا - اروپا به رسمیت شناخته و این نتیجه حاصل شد که؛ «چشم‌انداز جدید شهری در عصر جهانی شدن براساس مزیت تنوع باشد.» با این حال، شهرهای چند فرهنگی به خوبی از چالش‌های پیش‌رو - که تقریباً میان تمام آنها مشترک است - آگاه هستند. به همین سبب شهرداران‌شان گردهم آمدند تا با همکاری بین‌المللی مشکلات مدیریتی را حل کنند و به دنبال روش‌هایی باشند تا از این تنوع جهت پویایی، نوآوری و خلاقیت استفاده کنند.

در این نشست بر مشارکت فعال تمام شهروندان به منظور رسیدن به یک اجتماع منسجم و کثرت‌گرا تأکید شد. در قسمتی از بیانیه آن

## نگاهی به وضعیت شهرهای مدرن

شهرهای توسعه یافته چون نیویورک، پورتلند و سنگاپور قرار دارد. تنها ۲/۱ درصد از انرژی مصرفی این شهر از زباله و منابع تجدیدپذیر دیگر تأمین می‌شود. در مورد میزان مصرف انرژی و انتشار گازهای گلخانه‌ای آمار و ارقام جالب دیگری هم داده شده است. به طور مثال جمعیت برلین از سال ۱۹۹۳ تقریباً ثابت مانده، با این حال سرانه انتشار گازهای گلخانه‌ای آن طی ۱۸ سال اخیر بیش از ۳۰ درصد کاهش یافته است. دلیل آن، کاهش اتکا بر منابع تجدیدناپذیر انرژی در سراسر آلمان است. در هنگ‌کنگ یکی از عوامل مهم کاهش سرانه گازهای گلخانه‌ای، رونق روزافزون دوچرخه‌سواری در این شهر طی ۲۰ سال اخیر است. در گوشه دیگری از آسیا، آهنگ افزایش سرانه انتشار گاز دی‌اکسید کربن در بمبئی بیشتر از رشد جمعیت آن است.

در شعاع ۵۰۰ متری ۴۰ درصد از مناطق مسکونی هنگ‌کنگ، ایستگاه یکی از سیستم‌های حمل‌ونقل سریع وجود دارد. همچنین نصف بیشتر محل‌های کار در این شهر فاصله‌ای کمتر از یک کیلومتر تا ایستگاه دارند. از این نظر، شهروندان این شهر آسیایی خوشبخت‌ترین در دنیا هستند. استکهلم در جایگاه دوم قرار دارد. این آمار به همراه داده‌هایی در موضوعاتی مانند حمل‌ونقل، آلودگی و برنامه‌ریزی شهری و مصرف انرژی در کنفرانسی به میزبانی مدرسه اقتصاد لندن منتشر شد. در بین شهرهای بررسی شده، لندن بیشترین آمار را در استفاده از ماشین شخصی در تردد درون شهری دارد. میزان گاز دی‌اکسید کربنی که توسط لندن‌ها به سوی جو گسیل می‌شود بیشتر از میانگین استاندارد جهانی است اما باز هم این شهر از این نظر در سطحی پایین‌تر از



## آسیا؛ موتور محرک گردشگری جهان

می‌یابد. علاوه بر این دو کشور چین و ژاپن هر دو با برخورداری از رشد اقتصادی دو رقمی بیش‌ترین تعداد سفر و مسافران خارجی را به جهان روانه می‌کنند. تنها در شش ماه نخست سال ۲۰۱۲ تعداد سفرهای خارجی از چین به میزان ۲۰ درصد افزایش داشت و ژاپن نیز پس از کسب بهبودی از فروپاشی بازار گردشگری این کشور بر اثر سونامی سال گذشته، طی ۹ ماه نخست سال ۲۰۱۲ رقم ۱۳/۷ درصد رشد را در کارنامه خود ثبت کرد. بنا به بررسی‌های منتشر شده تنها ۲۸ درصد از ژاپنی‌ها اعلام کرده‌اند که برنامه‌های سفرشان در سال آینده تحت تأثیر بحران اقتصاد جهانی تغییر کرده است، در حالی که این میزان در سال ۲۰۱۲ برابر با ۳۳ درصد بود.

چین و ژاپن همچنان بزرگ‌ترین بازار تأمین‌کننده گردشگر خارجی در کشورهای مختلف جهان هستند. براساس بررسی‌های منتشر شده از سوی مؤسسه ITB با عنوان «گزارش گرایش‌های جهانی سفر» که در برلین منتشر شد، آسیا در سال آینده نیز جایگاه خود را به عنوان مهم‌ترین محرک و موتور قدرت گردشگری جهان حفظ می‌کند. به گزارش خبرگزاری میراث فرهنگی، دو کشور چین و ژاپن هر دو با برخورداری از رشد اقتصادی دو رقمی بیش‌ترین تعداد سفر و مسافران خارجی را به جهان روانه می‌کنند. براساس همین گزارش، تعداد گردشگران خارجی که از آسیا به کشورهای دیگر سفر می‌کنند، به دلیل افزایش دستمزد و درآمدها در این کشورها به میزان هفت درصد افزایش



## سرعت برزیلی‌ها در شهری شدن

در برزیل، ۲۲ شهر جمعیتی بیش از نیم میلیون نفر دارند و البته برخی از آنها کلانشهرهای پر جمعیتی هستند. تنها در شهر ساوپائولو و حومه‌اش حدود ۱۵/۲ میلیون نفر زندگی می‌کنند. این رقم برای ریودوژانیرو بالغ بر ۹/۶ میلیون نفر است. تقریباً ۱۱۵ میلیون نفر از جمعیت ۱۵۵ میلیون نفری برزیل در شهرها ساکنند که ۶۷ میلیون نفر جزو ساکنان فهرست کلانشهرهای جهان به شمار می‌آیند.

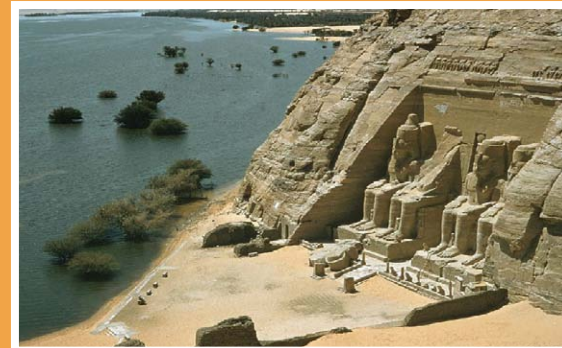
به گزارش شهر نوشت، نزدیک به ۴۰ سال پیش تنها نزدیک به نیمی از برزیلی‌ها ساکن شهر بودند. رشد شهرها در این سال‌ها فشار زیادی روی سرویس‌های بهداشت و سلامت، آموزش، حمل‌ونقل عمومی و امکانات اسکان شهروندان و همچنین منابع انرژی و آب وارد کرده است. اما حالا وضعیت در حال بهبودی است. خانه‌های مقاوم زیادی ساخته می‌شود اما به هر حال مهاجران به سختی منزل مناسبی پیدا می‌کنند. آنها مجبورند در کلبه‌های حومه شهر زندگی کنند و زاغه‌نشینی در شهرهای مهاجرپذیر رواج دارد. زاغه‌ها معمولاً با مصالح ارزان قیمت ساخته می‌شوند و از امکاناتی مانند آب لوله‌کشی یا فاضلاب مدرن بی‌بهره‌اند. با این حال به علت فاصله‌شان از شهر هزینه رفت‌وآمد ساکنان آنها برای حضور روزانه در محل کار گزاف است. این وضعیت و گسترش زاغه‌ها موجب شده تا با حمایت دولت‌خانه‌هایی ارزان اما با کیفیت بهتر به این مهاجران اختصاص یابد. امروزه در حومه ساوپائولو و ریودوژانیرو، بیش از ۴۵۰ هزار دستگاه از این خانه‌ها ساخته شده است.



## یک میلیون دلار؛ در آمد ماهانه مصر از گردشگری

فعالان گردشگری علاقه‌مند هستند با فروکش کردن آتش نابسامانی‌های سیاسی اخیر در کشور مصر که موجب رکود نسبی بازار گردشگری آن کشور شده است صنعت گردشگری مصر بار دیگر رونق گیرد. مصر با رشد بیش از ۱۸ درصدی ورود گردشگر، تا پایان سال جاری میلادی میزان حدود ۱۲ میلیون گردشگر خواهد بود. به گزارش ایسنا به نقل از روزنامه الاهرام، وزیر گردشگری مصر اعلام کرد که با توجه به رشد ۱۸/۶ درصدی گردشگری خارجی در مصر طی ۱۰ ماه نخست امسال در مقایسه با زمان مشابه در سال گذشته، انتظار می‌رود مصر در سال ۲۰۱۲ میزان حدود ۱۲ میلیون گردشگر باشد. مصر در ۱۰ ماه نخست امسال میزان ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار گردشگر بود که در این میان گردشگران آلمانی رشد چشم‌گیری داشته‌اند.

صنعت گردشگری مصر در سال ۲۰۱۱ به دلیل ناآرامی‌های به وجود آمده در این کشور که به برکناری حسنی مبارک از قدرت انجامید و همچنین مشکلات امنیتی برای گردشگران دچار مشکلات زیادی شد. مصر در سال ۲۰۱۱ میزان تنها ۱۰ میلیون گردشگر بود که چهار میلیون کمتر از سال پیش از آن بوده است. از سوی دیگر، وزیر گردشگری مصر اعلام کرده که میزان ارزی که هر گردشگر روزانه وارد چرخه اقتصادی این کشور می‌کند از روزانه ۵۸ دلار در سال ۲۰۱۱ به روزانه ۷۵ دلار در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است.







■ سارا اصغرزاده یزدی  
کارشناس ارشد شهرسازی

## اصول پیشنهادی نوشهرگرایی در برنامه‌ریزی محلات شهری

### معرفی نوشهرگرایی

در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی تعداد زیادی از معماران و شهرسازان آمریکایی از فرسودگی و زوال مراکز شهری و افزایش فزاینده‌ی جوامع محلی که پراکنده و متفرق، وابسته به اتومبیل و دارای فاصله با مراکز شهری بودند، اظهار نارضایتی کردند. در سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۹۸۰ و ابتدای دهه‌ی ۱۹۹۰ این نارضایتی منجر به ظهور جنبش نوشهرگرایی شد. (Lehrer, 2004)

نوشهرگرایی که به طراحی محلات سنتی و طراحی محلات نئو سنتی مشهور است اصول برنامه‌ریزی است که محلات قابل زیست و قابل پیاده‌روی در یک محیط مساعد پیاده‌روی را به وجود می‌آورد. نوشهرگرایی واکنشی نسبت به پراکندگی شهری است و یک راه موثر برای مقابله با جوامع وابسته به اتومبیل است که در آن هر سفری با ماشین انجام می‌شود. (Hikichi, 2003)

نوشهرگرایی سعی می‌کند با ایجاد کاربری‌های مسکونی مختلط از آپارتمان گرفته تا خانه‌های تک خانوار با هر سطح قیمتی ساکنینی با سطوح درآمدی مختلف داشته باشد، و با توجه فشرده از سکونتگاه‌های حیاتی و محیط‌های طبیعی حفاظت کند. (Ibid)

در واقع نوشهرگرایی تفکری جهت تغییر در روش‌ها و الگوهای مکانیابی، برنامه‌ریزی و طراحی شهری می‌باشد که الگوها و روش‌های جدید خود را برای توسعه‌ی شهر و مداخله در تمامی سطوح آن معرفی می‌کند. (Wood, 2005)

### منشور نوشهرگرایی

مهم‌ترین سندی که به تشریح محتوای نظری جنبش نوشهرگرایی می‌پردازد، منشور نوشهرگرایی است. این منشور که در سال ۱۹۹۶ میلادی و پس از برگزاری چهارمین گردهمایی سالانه انجمن نوشهرگرایی به عنوان منشور نظری نوشهرگرایی ارائه شد را می‌توان بیانیه‌ای در مقابل منشور آتن که در آن دیدگاه مدرنیستی به شهرسازی و معماری توسط کنگره بین‌المللی معماران مدرن (سیام) دانست. این منشور تمامی سطوح قابل بررسی در ارتباطات با اجتماعات انسانی از بلوک، خیابان و ساختمان، محله، بخش و محور شهری تا منطقه، کلانشهر، شهر و شهرک را مورد بررسی قرار می‌دهد و هیچ یک را رد نمی‌کند. (ارنت، ۱۹۹۹)

### اصول پیشنهادی جنبش نوشهرگرایی در برنامه‌ریزی محلات شهری

به منظور شناخت بهتر اصول نوشهرگرایی و مشخص ساختن نقش آنها در برنامه‌ریزی و طراحی محلات درونی شهرها به تفسیر بیشتر این اصول پرداخته می‌شود.

جنبش نوشهرگرایی اگر چه اصالتاً در رابطه با توسعه‌های مسکونی جدید بوجود آمده است ولی همواره بر توسعه‌های درون بافت ۱ و اصلاح بافت‌های موجود تاکید کرده است و یکی از مخالفان جدی

جایگزین و محدود محسوب می‌شوند.

### - حفظ و تقویت ساختارهای سنتی

نوشهرگرایی در ارتباط با برنامه‌ریزی در بافت‌های موجود، بر حفظ ساختارهای شکل گرفته در بستر زمان تاکید می‌کند و سعی می‌کند در طرح‌های خود برخی از اصول و ویژگی‌های محلات سنتی مانند مرکز و لبه قابل تشخیص، فضای عمومی در مرکز، امکان دسترسی به کاربری‌ها در فاصله ۱۰ دقیقه‌ای را فراهم کند. نوشهرگرایان معتقدند تغییر سریع ساختارهایی که به مرور شکل گرفته است، می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد. لذا در هنگام مداخله در بافت‌های موجود، سعی می‌کند ابتدا این ساختارها را در بافت شناسایی کرده و آنها را تقویت کند.

### - توجه به بافت‌های واجد ارزش تاریخی و بهبود کیفیت طراحی و معماری

نوشهرگرایی تاکید ویژه‌ای به حفاظت از بناهای با ارزش تاریخی موجود به خصوص بناهای عمومی و مدنی موجود در یک بافت می‌کند. لذا به هنگام مداخله در بافت‌های موجود، همواره به دنبال شناسایی چنین ابنیه‌هایی بوده و آنها را به عنوان نقاطی با پتانسیل بالا برای خلق و تقویت فضاهای شهری در بافت در نظر می‌گیرد و از طریق حفاظت، نوسازی بناها، حفاظت مناظر و... آنها را به نقاط ارجاع دادنی و به یادماندنی در بافت تبدیل می‌کند.

### - استفاده از مشارکت ساکنان در برنامه‌ریزی محلات

یکی از مهمترین اصولی که نوشهرگرایی مخصوصاً به منظور برنامه‌ریزی در بافت‌های موجود شهری مورد استفاده قرار می‌دهد، استفاده از مشارکت ساکنین می‌باشد. نوشهرگرایی در تمام مراحل برنامه‌ریزی محله از مشارکت ساکنان، رهبران اجتماعی، سیاستمداران، ماموران دولتی، توسعه‌دهندگان و موسسات محلی استفاده می‌کند و برخلاف برخی گرایش‌ها که تنها مشارکت شهروندان را در مرحله‌ی اجرای طرح می‌دانند، نوشهرگرایی تاکید ویژه‌ای بر مداخله شهروندان و استفاده از نظرات آنها از همان ابتدای تهیه‌ی طرح دارد.

### - حفظ و تقویت فضاهای باز عمومی و سبز

نوشهرگرایی بر این اعتقاد است که فضاهای عمومی و پارک‌ها می‌توانند با تامین فضاهایی جذاب باعث شکوفا شدن محلات و خلق مفهومی یگانه از فضا باشند. حفظ و تقویت فضاهای عمومی همانند پیاده راه‌ها، میدانی، پارک‌ها، ساختمان‌های عمومی و فضاهای تجمع، به منظور ایجاد ملاقات‌های غیررسمی و تماس‌های اجتماعی با سایر افراد موجب می‌شود محلات مانند محیط‌های زنده و متعادل به نظر برسند. یک محله سنتی ایده‌آل به نوعی متضمن تماس با یک پارک، میدان شهری و یا یک فضای سبز روستایی است که در فاصله ۵ تا ۱۰ دقیقه‌ای از مرکز قرار داشته و پیاده قابل دسترسی است.

### - تقویت حمل‌ونقل عمومی

نوشهرگرایی به منظور حل مسائل ناشی از تردد بیش از حد وسایل

بحث گسترش بیش از اندازه و هرز شهر ۲ و در نتیجه هدر رفتن زمین می‌باشد. (Nozzi, 2005)

در همین راستا طرفداران جنبش نوشهرگرایی اصولی را به منظور اصلاح بافت‌های موجود در نظر گرفته‌اند و به روشنی اهداف مطرح شده در منشور نوشهرگرایی را عملی می‌سازد.

این اصول تا به امروز در پروژه‌های بسیاری مورد استفاده قرار گرفته‌اند و موفقیت‌های چشم‌گیری را به همراه داشته است. مهمترین این اصول عبارتند از: (ارنت، 1999 و CNU & HUD, 2000 و Lehrer, 2004)

### - پیاده‌مداری

توجه به حرکت پیاده و پیاده‌سازی معابر، یکی از مهم‌ترین اصول پیشنهادی نوشهرگرایی برای برنامه‌ریزی در بافت‌های موجود می‌باشد. نوشهرگرایی در برنامه‌ریزی مجدد کاربری‌ها در یک بافت شهری، تاکید ویژه‌ای بر استقرار اغلب کاربری‌های خدماتی روزمره و هفتگی در فاصله‌ی پیاده‌روی ۱۰ دقیقه‌ای ساکنان می‌کند.

### - اتصال و پیوستگی

قابلیت نفوذپذیری و دسترسی در یک بافت، رعایت سلسله مراتب روشنی از فضاهای دسترسی با کارکردهای شهری و محله‌ای برای نوشهرگرایی امر بسیار مهمی تلقی می‌شود.

### - ایجاد کاربری‌های مختلط

در نوشهرگرایی استفاده از کاربری‌های مختلف و متنوع در انواع فضاهای کار و زندگی در سطوح مختلف اجتماعات انسانی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. این موضوع به طور کامل در مقابل موضوع منطقه‌بندی ۳ مطرح شده در شهرسازی مدرنیستی قرار دارد.

### - ایجاد گونه‌های مختلف مسکن در بافت

نوشهرگرایی بر این اعتقاد است که در یک اجتماع انسانی، حضور طیف وسیعی از گونه‌ها، اندازه‌ها و قیمت‌های مختلفی برای واحدهای مسکونی نه تنها موجب می‌شود تا هر کس متناسب با علایق و سطح درآمدی‌اش بتواند مناسب‌ترین انتخاب را داشته باشد بلکه می‌تواند به تعامل مثبت اقشار مختلف مردم از هر سن و نژادی و با هر درآمدی کمک کند. به همین دلیل در بهسازی بافت موجود، بر اختلاط گونه‌های مختلف مسکن تاکید کرده و دامنه‌ی وسیعی از گزینه‌های انتخابی را در اختیار مردم قرار می‌دهد و با تمهیدات اندیشیده شده، نقش مردم در ساخت واحد مسکونی‌شان با مساحت و شرایط دلخواه را در نظر می‌گیرد.

### - افزایش تراکم در بافت

همانطور که گفته شد نوشهرگرایی یکی از مخالفان گسترش پراکنده و بیش از حد شهر و از طرفداران شهرهای فشرده می‌باشد. در نگاه نوشهرگرایی به بافت‌های موجود شهری، این نظر غالب است که حداکثر استفاده‌ی بهینه از زمین‌های داخل بافت صورت بگیرد چرا که این زمین‌ها دارای ارزش بسیار زیادی بوده و کالایی غیر قابل

- افزایش ایمنی ترافیک به علت خیابان‌های عریض‌تر و ترافیک آرام‌تر
- بهبود سلامت عمومی به علت افزایش پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری (TDM, 2003)

### انتقادات وارد شده به نوشهرگرایی

- امروزه نوشهرگرایی موضوعی بسیار مهم و قابل توجه محسوب می‌شود چرا که هدایت و رهبری نسل پست مدرن طراحان را بر عهده دارد. بدین ترتیب نوشهرگرایی طیفی از رویکردهای مختلفی را که سنت‌های موجود مدرنیسم را رد می‌کنند، بیان می‌دارد. با توجه به این مسایل نوشهرگرایی همواره با انتقادهایی نیز مواجه بوده است که در زیر به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود:
- ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای جدید خانواده‌های وابسته به اتومبیل
  - کاهش آزادی‌های شخصی به علت وضع قوانین زیاد
  - بی‌عدالتی نسبت به گروه‌های اقلیت و کم درآمد جامعه به علت قیمت‌های بالای مسکن در محلات سنتی
  - تجمع ترافیک و آلودگی هوا به علت افزایش تراکم (Hikichi, 2003)

### ابزارهای طراحی محله نوشهرگرا

- نوشهرگرایی مجموعه‌ای از عوامل توسعه‌ای برای ایجاد جوامع بهینه و جذاب‌تر است. این عوامل موجب بهبود دسترسی و کاهش سرانه سفرهای وابسته به اتومبیل می‌شود.
- نوشهرگرایی ابزارهای معینی را برای طراحی یک محله در نظر می‌گیرد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:
- ۱- محله یک مرکز مشخص دارد. این مرکز اغلب یک میدان و یا فضای سبز و گاهی اوقات یک مکان مهم یا شلوغ می‌باشد. یک ایستگاه اتوبوس در این مرکز قرار داده می‌شود.
  - ۲- در مرکز ساختمان‌ها نزدیک به پیاده‌رو و به یکدیگر قرار گرفته‌اند و حس تعریف فضایی یک شهر را به وجود می‌آورند. ساختمان‌های نزدیک لبه‌ها که دورتر از مرکز و دور از یکدیگر قرار گرفته یک محیط روستایی را به وجود می‌آورند.
  - ۳- بیشتر مسکن در فاصله ۵ دقیقه پیاده‌روی (۱/۴ مایل یا ۴۰۰ متر) از مرکز قرار گرفته‌اند. خیابان‌ها برای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری با پیاده‌روهایی در دو طرف آن، مسیر ویژه دوچرخه‌سواری در هر جایی که نیاز باشد، تقاطع‌های مناسب، ابزارهای آرام‌سازی ترافیک که برای کنترل سرعت ترافیک به کار می‌رود و ابزارهای دیگری که برای تشویق سفرهای غیر موتوری طراحی شده‌اند.
  - ۴- گونه‌های مختلف مسکن وجود دارد - خانه‌های ویلایی، خانه‌های ردیفی و آپارتمان - بنابر این پیرها یا جوان‌ها، مجردها یا خانواده‌ها، مستضعفین و متمولین می‌توانند مکانی را برای زندگی انتخاب نمایند.
  - ۵- مکان‌هایی برای کار در نزدیکی محله شامل فروشگاه‌ها، ساختمان‌های اداری و واحدهای مسکونی - تجاری فروشگاه‌های متنوعی به میزان نیاز در دسترس ساکنین وجود دارد مانند سوپرمارکت‌های کوچک ادارات و دفاتر خدماتی مانند پست، عابر

نقلیه‌ی شخصی در بافت، تاکید ویژه‌ای بر تقویت و تجهیز سیستم حمل‌ونقل عمومی داشته و آنرا جایگزین بسیار مناسبی برای وسایل نقلیه‌ی شخصی می‌داند. نوشهرگرایی معتقد است ایجاد شبکه‌ی پیوسته‌ای از خطوط حمل‌ونقل عمومی به کاهش معضلات آمد و شد در سطح محله کمک کرده حجم قابل توجهی از بار ترافیکی در سطح خیابان‌ها کاسته شده و موجب حفظ انرژی و بهبود کیفیت هوا شده و ساکنین را به پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری برای عبور و مرور در محلات تشویق می‌کند.

### - ایجاد و مدیریت توقفگاه‌ها

توقفگاه‌ها نقش مهمی در هر برنامه شهری ایفا می‌کنند که اغلب برنامه‌ریزان شهری به آن به عنوان چاره کار می‌نگرند. این مسئله برای نوشهرگرایی امری مهم تلقی می‌شود به طوری که یکی از اهداف اصلی آن تشویق ساکنان به پیاده‌روی به جای رانندگی از نقطه‌ای به نقطه دیگر است و یکی از موثرترین راه‌های انجام آن را توسعه برنامه بهینه توقفگاه‌ها می‌داند که محدودیت‌هایی را برای تعدادی از وسایل نقلیه مجاز در یک مکان به وجود می‌آورد. (Rev-ell, 2007)

### - استفاده از ابزار طراحی جهت افزایش امنیت در بافت‌های شهری

نوشهرگرایی معتقد است احیاء اماکن و بافت‌های شهری وابسته به ایمنی و امنیت آن است. یک محیط امن و بی‌خطر، شرط لازم برای جذب مردم به سوی محیط امن و بی‌خطر، شرط لازم برای جذب مردم به سوی محلات داخل شهر است. تا هنگامی که فرد در مکانی احساس امنیت نداشته باشد، صحبت کردن از مسائلی چون منظر، حس تعلق، حس مکان و... بیهوده خواهد بود. نوشهرگرایی تاکید بسیاری بر استفاده از ابزار طراحی شهری در جهت افزایش امنیت در بافت‌های شهری دارد و معتقد است طراحی شهری مطلوب به امنیت هر چه بیشتر بافت‌های شهری کمک می‌کند.

### منافع نوشهرگرایی

- همانطور که گفته شد نوشهرگرایی تمامی سطوح قابل بررسی جوامع انسانی، از بلوک و خیابان گرفته تا کلانشهر و منطقه را مدنظر قرار داده و در رابطه با هر کدام اصول معینی را پیشنهاد کرده است که منافی را برای جامعه از جمله منافع محیطی، اجتماعی و اقتصادی به وجود آورده است که در زیر به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود:
- گزینه‌های مسکونی و تجاری بیشتر برای مصرف‌کنندگان
  - حمل‌ونقل پیشرفته و دسترسی برای پیاده‌ها و حمایت از طراحی جهانی
  - افزایش مسکن ارزان قیمت (توسعه بهینه مکان)
  - کاهش وابستگی به استفاده از اتومبیل، صرفه‌جویی در هزینه‌های مصرف‌کننده و کاهش سفرهای ماشینی که این امر موجب منافع اجتماعی می‌شود (مانند کاهش تراکم ترافیک، هزینه‌های پارکینگ، خطر تصادف، آلودگی و رشد بی‌رویه شهر)
  - بهبود قابلیت زندگی در جوامع، تعامل و پیوستگی



بانک و... یک سالن ورزشی.

۶- یک ساختمان فرعی کوچک باید در حیاط خلوت خانه‌ها ساخته شود که ممکن است به عنوان یک آپارتمان اجاره‌ای و یا به عنوان مکانی برای کار به کار رود.

۷- یک مدرسه ابتدایی باید در نزدیکی محله که همه بچه‌ها بتوانند از خانه‌شان تا مدرسه پیاده بپیامند، وجود داشته باشد. این مسافت نباید بیشتر از یک مایل باشد.

۸- پارک‌ها، مسیرهای سبز و زمین‌های بازی در نزدیکی هر مسکن وجود دارد. این مسافت نباید بیشتر از ۱/۸ مایل یا ۲۰۰ متر باشد.

۹- معابر درون محله شبکه پیوسته‌ای را شکل می‌دهند که شامل انواع سفرها و ترافیک پراکنده می‌باشد. محله توسط چندین راه به محله مجاور متصل می‌شود. این نقاط دسترسی ممکن است با یک دروازه یا نشانه‌هایی از بقیه جدا شود.

۱۰- معابر نسبتاً عریض هستند و ردیفی از درختان بر روی آنها سایه انداخته‌اند که ترافیک آرام و محیط مناسبی برای عابران پیاده و دوچرخه‌سوارها به وجود آورده‌اند.

۱۱- قطعات پارکینگ و درهای گاراژ معمولاً رو به معابر باز نمی‌شوند. پارکینگ‌ها به پست ساختمان‌ها منتقل می‌شود و معمولاً دسترسی به آن از طریق کوچه‌ها و راه‌های باریک میسر است.

۱۲- مکان‌های خاص و مهمی به ساختمان‌های عمومی اختصاص می‌یابد. یک ساختمان باید در مرکز برای ملاقات‌های محله در نظر گرفته می‌شود.

۱۳- محله باید خود گردان باشد و بتواند در مورد حفاظت، امنیت و تکامل فیزیکی خود تصمیم‌گیری کند. (TDM, 2003)

### مراحل طراحی محله نوشهرگرا

شهرسازی ذاتاً فعالیتی پیچیده و میان رشته‌ای است و توضیح آن به طر اجمالی امری مشکل است. مراحل زیر راهنمایی برای طراحی محله می‌باشد. اگر چه بیشتر آنها به توسعه‌های شهری بزرگتر و پروژه‌های محلی جدید مربوطند ولی بعضی از این تکنیک‌ها برای پروژه‌های میان افزا و توسعه‌های درون بافت قابل اجراست.

۱- ایجاد اصول برنامه منطقه‌ای: ایجاد یک برنامه جامع در مقیاس منطقه‌ای در ابتدای یک پروژه امری ضروری است. چنین برنامه‌هایی شامل موضوعاتی در رابطه با تهیه ساختار و حفاظت محیطی می‌باشد. مکان توسعه‌های جدید یا توسعه‌های درون بافت باید با بافت منطقه‌ای مربوط باشد تا بتواند پتانسیل‌های حمل‌ونقل و فضای باز را به حداکثر برساند.

۲- شناسایی نوع محله‌ای که طراحی می‌شود: یک توسعه شهری باید به عنوان یک محله سنتی جدید یا معادل انگلیسی‌اش دهکده شهری در نظر گرفته شود. یک پروژه کاملاً جدید در مکانی با زمینه سبز ممکن است به عنوان یک دهکده یا روستا یا مرکز شهری توسعه داده شود. یک دهکده (یا توسعه خوشه‌ای) یا مرکز شهری برای مکانی در یک راه ساده مناسب است و یک بخش تجاری کوچک برای آن کفایت می‌کند. یک روستا یا محله سنتی برای مکان‌هایی در تقاطع‌های شلوغ‌تر مناسب است و معادل یک محله شهری کامل می‌باشد. یک مرکز شهری (یا توسعه حمل‌ونقل محور) باید در یک شبکه حمل‌ونقل منطقه‌ای قرار گیرد که می‌تواند یک

مرکز خرید کامل با ادارات و کاربری‌های اجتماعی را حمایت کند. در همه این موارد، این برنامه‌های محلی باید به صورت فشرده، پیاده‌مدار و متنوع طراحی شود.

۳- تعیین مکان مرکز تجاری در سایت: این مکان باید در راه عبوری یا تقاطعی با حداکثر ترافیک باشد حتی اگر مکان موردنظر در مرکز سایت قرار نگرفته باشد. بدون ترافیک خرده‌فروشی‌ها از رونق می‌افتند مگر اینکه مکان بسیار جذاب باشد مانند ایستگاه‌های حمل‌ونقل با مکان‌های شاخص که ترافیک و پیاده را به سوی خودش می‌کشد.

۴- تعیین توسعه محدوده پیاده‌روی: محدود پیاده‌روی معادل با ۵ دقیقه پیاده‌روی از لبه محله تا مرکز آن است که فضایی در حدود ۸۰ هکتار را در برمی‌گیرد. مرکز تجاری از قبل تعیین شده باید محور اصلی کار در تعیین محدوده پیاده‌روی باشد. محدوده‌های اضافی باید برای پوشش بقیه توسعه سایت بدون در نظر گرفتن همپوشانی اصلی تنظیم شود. اندازه جغرافیایی محدود پیاده‌روی باید نسبت به تراکم آماری اندازه محله را تعیین کند که نسبت به تراکم آماری اندازه محله را تعیین کند که نسبت به عملکرد بازار مسکن می‌بایست تغییر کند.

۵- ترکیب عوارض زمینی، طبیعی یا انسان ساخت: عوارض باید ترسیم شده و در برنامه تلفیق شود. عوارض طبیعی مانند دریاچه‌ها، مسیل‌ها، تالاب‌ها باید برای مدیریت آب در مواقع بحرانی که زمین به خاطر توسعه غیر قابل نفوذ می‌شود، دست نخورده باقی بمانند. درختان انبوه و دریاچه‌ها باید با پارک‌ها و فضاهای سبز تعیین شده برای آنها حفظ شود. پوشش گیاهی خطی می‌تواند ساختار داخلی برای خیابان‌های مشجر به وجود آورد.

۶- تعیین مکان محدوده پیاده‌روی برای عوارض موجود: مراکز محدوده‌های پیاده‌روی باید با عوارض مهم زمینی در هر جای ممکن منطبق شود. در جایی که عوارض طبیعی تعیین کننده نیست، یک فضای عمومی یا یک تقاطع خاص کلیدی باید در مرکز هر محدوده پیاده‌روی گذاشته شود.

۷- متصل کردن مراکز محله به یکدیگر: در اینجا عوارض طبیعی در شبکه شهری تلفیق شده، مرکز تجاری اصلی تعیین شده و محدوده‌های پیاده‌روی ساختار محله مشخص می‌شود. حال، مراکز محله باید توسط راه‌های عبوری بزرگتر مثل بزرگراه‌ها، راه‌های اصلی و خیابان‌های اصلی شهر به یکدیگر وصل شوند. این راه‌ها باید مستقیم باشند اما ضرورتاً عمومی نیستند، همان‌طور که بیشتر راه‌های عبوری باید از شاخصه‌ها و ویژگی‌های طبیعی پیروی کند.

۸- مشخص کردن فضای بین راه‌های عبوری اصلی: از طریق به کار بردن راه‌های فرعی باید شبکه‌ای منعطف و کارآمد در سرتاسر این فضای شهری شکل گیرد. از لحاظ جغرافیایی نیازی نیست به کل محله متصل شود ولی باید ویژگی محلی داشته باشد. این شبکه باید برای ایجاد الگویی که وقتی که در نزدیک مرکز باشد کوچکتر و قابل نفوذتر می‌شود و به تدریج به طرف لبه‌های روستایی بزرگتر می‌شود تنظیم شود. سپس این الگو باید به قطعاتی تقسیم شود که ربط زیادی به ساختمان‌هایی که آن را اشغال می‌کنند دارد و نسبت فضای باز به تدریج به طرف لبه‌های محله بیشتر می‌شود.

۹- تفصیل و کدگذاری عناصر شهری در رابطه با ساختار عرضی آن: همه عناصر شهری باید برای حفاظت از محیط، از شهری گرفته تا روستایی به صورت تفصیلی شرح داده شوند. این برش عرضی یک سیستم طبقه‌بندی ایجاد می‌کند که موجب عدم پذیرش

سکونتگاه‌های شهری توسط جای‌گذاری عناصر عادی شهرسازی می‌شود. اینها تنوعی در شیوه زندگی به وجود آورده و از نیازها و تبعیضات ساکنین حمایت می‌کنند. این عناصر شهری که توسط یک برش عرضی تخصیص داده می‌شود باید با بیان دقیق و دیاگرام‌هایی که کد را به وجود می‌آورد توصیف شود. بدون کد، برنامه به صورت طرح جامع مصوری باقی می‌ماند که تاکید به اجباری بودن آن دارد. در حالی که یک برنامه تجویزی توسط کد هدایت می‌شود.

۱۰- اختصاص مکان‌هایی برای تسهیلات محلی و اجتماعی: موسسات اجتماعی مانند هر عنصر دیگری برای سلامتی جامعه ضروری هستند. اگرچه اغلب ایجاد آنها غیر ممکن است مگر اینکه وجه عمومی یا سرمایه خصوصی مازاد برای تامین آنها وجود داشته باشد. بازار عموماً سرمایه‌ای را برای ساخت ساختمان‌های تجاری و مسکونی خصوصی تامین می‌کند ولی نه برای ساختمان‌های اجتماعی که موسسات آموزشی، دولتی، تفریحی، فرهنگی و اجتماعی را در خود جای می‌دهند. مکان‌هایی برای موسسات محلی مانند مدارس ابتدایی، تسهیلات مراقبت از بچه‌ها و تالارهای اجتماعی باید در مراکز محله اختصاص داده شود. مرکز شهر باید مکان‌هایی برای موسسات منطقه‌ای مثل مدارس راهنمایی آژانس‌های دولتی، ساختمان‌های فرهنگی و مذهبی ایجاد کند. اگر برنامه تجویزی، چنین مکان‌های اجتماعی را به صورت دائمی حفظ کنند عموماً ثابت می‌شود که ساکنان خودشان ساختمان‌های اجتماعی را در موقع نیاز به وجود می‌آورند.

۱۱- تهیه مجموعه‌ای از ضوابط برای محله: یک محله برای حفظ ویژگی‌ها و کیفیت دیرینه‌اش به دولت محلی نیاز دارد. مجموعه‌ای از ضوابط باید برای تصویب توسط مقاطعه‌هایی که شرایط خرید یک قطعه زمین یا ساختمان را به وجود می‌آورد نوشته شود. این ضوابط باید توسط یک انجمن محلی تنظیم شده و توسط یک هیات اجرایی با نفوذ اجرا شود. انجمن محلی باید توان هزینه‌های مالیاتی حفاظت از فضاهای عمومی را داشته باشد. بخش کوچکی از هزینه‌ها باید برای پیشرفت‌های اجتماعی اختصاص داده شود و به محله در طی زمان اجازه دهد که در مورد اینکه چگونه چنین سرمایه‌هایی به بهترین نحو سرمایه‌گذاری شود - معمولاً برای قطعات اجتماعی حفاظت شده - تصمیم‌گیری کند.

۱۲- کنار گذاشتن برنامه‌ریزان: در بعضی مواقع در طی شکل‌گیری محله بعد از اینکه مسیر مشخص شد برنامه‌ریزان و توسعه‌دهندگان باید به نفع هیات برنامه‌ریزی منتخب ساکنین کنار بروند. (Dua-ny.2003)

### تجزیه و تحلیل

در تجزیه و تحلی مواردی که مطرح شد به منظور شناخت بهتر اصول نوشهرگرایی و مزیت‌ها و راه کارهایی اجرایی آن در توسعه‌های درون بافت به تفسیر بیشتر این اصول در جدول‌های زیر پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۱: مزیت‌ها و راهکارهای اجرایی اصول نوشهرگرایی

اصول نوشهرگرایی	مزیت‌ها	راه کارهای اجرایی
پیاده‌مداری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- کاهش سفرهایی که با استفاده از خودرو انجام می‌شود</li> <li>- چه از نظر تعداد سفر و چه از نظر مسافت</li> <li>- حفظ انرژی و بهبود کیفیت هوا</li> <li>- بهبود سلامت عمومی به علت افزایش پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری</li> <li>- استقلال بخشیدن به کسانی که رانندگی نمی‌کنند به ویژه کهنسالان و جوانان</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- استقرار مراکز عرصه کننده کالا و خدمات اساسی در فاصله ۱۰ دقیقه‌ای از بافت مسکونی</li> <li>- پیوستگی و استمرار اندازه‌های ساختمان‌ها، جزئیات معماری ساختمان‌ها و کفسازی و مبلمان شهری</li> <li>- ایجاد ارتباط پیاده به دسترسی پیاده در فاصله کم</li> <li>- نورپردازی مناسب جهت تامین روشنایی کافی در شب</li> <li>- استقرار کاربری‌های مختلط و فعالیت‌های متنوع در فضا</li> <li>- ایجاد فضاهایی برای مکث، استراحت و نشستن</li> <li>- تقویت فعالیت‌های جذاب برای تشویق ساکنین به پیاده‌روی</li> <li>- ایجاد تسهیلات لازم برای سهولت حرکت معلولان</li> </ul>
ایجاد شبکه‌ی ترافیکی پیوسته	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تامین آمدوشد محلی در مقیاس محلی</li> <li>- امکان استفاده از کوتاه‌ترین فاصله ممکن برای هر سفر</li> <li>- تقویت توسعه مراکز شهر</li> <li>- تامین محیطی ایده‌آل برای پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و حمل‌ونقل عمومی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- طراحی شبکه‌ای از خیابان‌های پیوسته با اولویت دادن به پیاده</li> <li>- تقویت استخوان‌بندی اصلی بافت و اتصال آن به ساختار اصلی شهر</li> <li>- پرهیز از به وجود آمدن معابر بن بست و دور برگردان</li> </ul>
ایجاد کاربری‌های مختلط	<ul style="list-style-type: none"> <li>- کاهش وابستگی به اتومبیل</li> <li>- حفظ فضای سبز و منابع طبیعی</li> <li>- افزایش سرزندگی</li> <li>- توسعه اقتصادی و متعادل‌سازی قیمت مسکن</li> <li>- القا حسن مشارکت اجتماعی با ساکنین</li> <li>- ایجاد فرصت‌هایی برای مرادوات اجتماعی بیشتر</li> <li>- خلق تنوع و ارتقاء کیفیت محیط</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- اختلاط کاربری مسکونی و خدماتی در محلات</li> <li>- مسکونی برای ایجاد سرزندگی و پویایی در بافت</li> <li>- تنوع کاربری‌ها در طبقات</li> <li>- استقرار کاربری‌های فعال در شب در فضاهای عمومی</li> <li>- رعایت اصل سازگاری در همجواری کاربری‌ها</li> </ul>

اصول نوشهرگرایی	مزیت‌ها	راه کارهای اجرایی
ایجاد گونه‌های مختلف مسکن در بافت	<ul style="list-style-type: none"> <li>کمک به تعامل مثبت اقشار مختلف مردم از هر سن و نژادی و با هر درآمدی</li> <li>تقویت تعهدات و پیوندهای شخصی و اجتماعی لازم در جوامع محلی مطلوب</li> <li>دستیابی به جامعه‌ای موفق و پر رونق که نمود عدالت در آن به خوبی آشکار باشد.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>احداث طیف وسیعی از گونه‌های مسکن با قیمت‌های متفاوت در محلات</li> <li>رعایت اصل تنوع در معماری ساختمان‌های جدید</li> <li>جذب جمعیت از اقشار مختلف درآمدی از طریق ترکیبی از مسکن خصوصی و عمومی و امتزاجی از خانه‌های شخصی و عمومی</li> <li>طراحی و برنامه‌ریزی مطلوب توسعه‌های مسکن عمومی</li> </ul>
افزایش تراکم در بافت	<ul style="list-style-type: none"> <li>صرفه‌جویی ناشی از تجمع (تراکم)</li> <li>جلوگیری از رشد افقی و گسترش هرز و بیش از حد شهر</li> <li>استفاده‌ی بهینه از زمین‌های داخل بافت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>افزایش تراکم ساختمانی تا حدی که به سیما و منظر شهری لطمه نزند.</li> <li>نوسازی و بهسازی بافت‌های مسکونی جهت جذب جمعیت و افزایش تراکم ناخالص مسکونی</li> <li>تدوین قوانین مدیریت زمین شهری در بافت فرسوده و اتخاذ تصمیمات اجرایی در مورد زمین‌های بایر</li> </ul>
حفظ و تقویت ساختارهای سنتی	<ul style="list-style-type: none"> <li>ارتقاء کیفیت محله</li> <li>حفاظت از هویت و شخصیت محله</li> <li>ایجاد خوانایی</li> <li>شکل‌گیری تصور ذهنی قوی ساکنین از بافت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تعیین لبه‌های مشخص برای محله</li> <li>تعیین مرکز محله در نزدیکی نقطه مرکزی محله</li> <li>استقرار کاربری‌های مختلط و تامین کننده نیازهای ساکنین در مرکز محله</li> <li>تقویت مرکز محله از طریق استقرار ساختمان‌های عمومی و مردم نهاد مانند کتابخانه‌های و مساجد، یک میدان و یا یک فضای سبز</li> <li>طراحی مرکز محله براساس اصول محصوریت، تناسب و مقیاس</li> </ul>
توجه به بناهای واجد ارزش تاریخی و بهبود کیفیت طراحی و معماری	<ul style="list-style-type: none"> <li>حفظ و تقویت هویت بافت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>شناسایی و حفظ بناهای واجد ارزش تاریخی و مرمت و معاصر سازی آنها</li> <li>پرهیز از تکرار بیهوده سبک‌های تاریخی و ارائه الگوی مناسب جهت همسازی اینبه نوساز با معماری تاریخی</li> <li>احیای سنت های ملی - منطقه‌ای</li> <li>توجه به مرزها و محدوده‌ی زمینه هر طرح</li> <li>طراحی به وسیله رجوع به سوابق تاریخی</li> <li>انسجام و یکپارچگی عناصر کالبدی</li> <li>طراحی هماهنگ با طبیعت و اقلیم محلی</li> </ul>
استفاده از مشارکت ساکنان در برنامه‌ریزی بافت	<ul style="list-style-type: none"> <li>اطمینان از تحقق طرح</li> <li>ایجاد سرمایه اجتماعی</li> <li>پایه‌ریزی مفهوم شهروندی و هویت شهری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>استفاده از نظرات ساکنین در تمامی مراحل فرآیند تهیه و اجرای طرح از طریق مصاحبه، پرسشنامه و...</li> <li>تشکیل جلسات متعدد بین گروه طراحان و ساکنین و نهاد‌های محلی به طور پیوسته و منظم</li> </ul>
حفظ و تقویت فضاهای باز عمومی و سبز	<ul style="list-style-type: none"> <li>تامین زیبایی و تعادل</li> <li>شکل دادن به محله</li> <li>ارتقاء کیفیت زندگی در محله</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>ایجاد یک فضای باز عمومی یا یک فضای سبز در فاصله ۵ تا ۱۰ دقیقه‌ای از مرکز محله</li> <li>ایجاد فضاهای عمومی و فضاهای تجمع در محله</li> </ul>
تقویت حمل‌ونقل عمومی	<ul style="list-style-type: none"> <li>کاهش وابستگی به استفاده از اتومبیل</li> <li>صرفه‌جویی در هزینه‌های مصرف‌کننده</li> <li>کاهش تراکم ترافیک</li> <li>کاهش مصرف انرژی و بهبود کیفیت هوا</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>قرارگیری مراکز عمده فعالیتی در نزدیک‌ترین فاصله ممکن از ایستگاه‌ها</li> <li>استقرار کاربری‌های سازگار که توسط حمل‌ونقل عمومی پشتیبانی می‌شوند.</li> <li>استقرار مدارس در مجاورت حمل‌ونقل عمومی</li> </ul>
ایجاد و مدیریت توقفگاه‌ها	<ul style="list-style-type: none"> <li>سرزندگی و زیبایی منظر خیابان</li> <li>استفاده‌ی بهینه از زمین‌های داخل بافت</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تشویق ساکنان به پیاده‌روی به جای رانندگان از نقطه‌ای به نقطه دیگر</li> <li>استقرار توقفگاه‌ها به بیرون از مسیر یا معبر اصلی</li> <li>ایجاد کاربری‌های چندمنظوره به جای محوطه‌های وسیع توقفگاهی و استقرار توقفگاه‌ها در طبقات</li> <li>کاهش تعداد توقفگاه‌های سطحی با ایجاد امکان پیاده‌روی و حمل‌ونقل عمومی</li> </ul>
استفاده از ابزار طراحی شهری در جهت افزایش امنیت در بافت‌های شهری	<ul style="list-style-type: none"> <li>ایجاد احساس آرامش برای ساکنین</li> <li>ایجاد حس امنیت و تعلق خاطر برای ساکنین</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>استقرار کاربری‌های مختلط</li> <li>امکان دیده شدن فضا از درون بدنه‌ها</li> <li>حذف گوشه‌ها یا نقاط کور و پنهان کم تردد و کم نور</li> <li>نورپردازی مناسب جهت تامین روشنایی کافی در شب</li> <li>داشتن وضوح کالبدی کافی برای استفاده کنندگان</li> <li>داشتن چشم‌اندازهای منسجم، مناظر خیابانی و علائم خوانا در معابر عمومی</li> </ul>



Spon press, London.

4- Dutton, John (2000), "New American Urbanism", Skira architecture library

5- Hikichi, Lynda (2003), "New urbanism and transportation:",

6- Lehrer, Jim (2004), "What is New Urbanism?" www. Newurbanism.org

7- Nozzi, Dom (2005), "Merits and principles of New Urbanism", <http://user.gru.net/domz/merits.htm>

8- Revell, John (2007), "making Canada's city more livable: the success of new urbanism depends on parking planning."

9- TDM Encyclopedia: Transportation Demand Management (2003), "New Urbanism: Clustered, Mixed use, Multi – model Neighborhood Design", Victoria Transport Policy Institut, www.vtpi.org

10- Wood, James (2005), "Neo traditional urbanism and town planning", book city

#### پی‌نوشت

1- Infill development

2- Sprawl growth

3- zonnin

#### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر جهت شناسایی اصول نوشهرگرایی در برنامه‌ریزی محلات شهری تهیه گردید با مروری بر نتایج به دست آمده از قسمت‌های قبل می‌توان اذعان داشت که در واقع اصول نوشهرگرایی به شکل دادن به محله‌های نسبتاً پرتراکم، قابل پیاده‌روی و دارای کاربری مختلط با یکدیگر تاکید کرده و ترکیبی از سبک‌های معماری، رشد هوشمند، مخالفت با توسعه‌های پراکنده و شهرسازی پایدار مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی را مدنظر قرار می‌دهد. در ارتباط با ضرورت شناسایی این اصول باید گفت که امروزه اصول نوشهرگرایی در مقیاس وسیعی در برنامه‌ریزی محلات شهری در نقاط مختلف جهان به کار گرفته شده و موفقیت‌های چشمگیری به دنبال داشته است. صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان شهری نیز استفاده از این اصول در برنامه‌ریزی محلات شهری را حمایت کرده و به کارگیری آن را لازمه شهرسازی پایدار می‌دانند. لذا شناسایی این اصول و مزیت‌ها و راهکارهای اجرایی آن می‌تواند راهگشای حصول به راهبردهایی جهت حصول به برنامه‌ریزی موثر در محلات شهری باشد.

#### منابع

۱- ارنست، رندال، (۱۹۹۹)، «منشور نوشهرگرایی»، ترجمه علیرضا دانش و رضا بصیری مؤدھی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

2- www. CNU.org2-CNU&HUD (2000), "Principles for inner city neighborhood design"

3- Duany, Andres (2003), "Neighborhood design in practice: in Peter Neal ed., Urban villages and the making of communities,



# مشارکت شهروندان سرمایه اجتماعی مدیریت پسماند

## WASTE MANAGEMENT

■ هاشم نوروزی فرد

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

تعدادی از عناصر اصلی که می‌توان سرمایه اجتماعی را با آن مورد اندازه‌گیری قرار داد عبارتند از: آگاهی به امور عمومی، سیاسی، اجتماعی، وجود انگیزه در افراد جامعه که در پی کسب این دسته از آگاهی‌ها برآیند، اعتماد عمومی به یکدیگر، اعتماد به نهادهای مردمی و دولتی، مشارکت غیر رسمی همیارانه در فعالیت‌های داوطلبانه در تشکل‌های غیردولتی، خیریه‌ای، مذهبی، اتحادیه‌ها، انجمن‌های صنفی و علمی و... در مجموع می‌توان گفت که یکی از معیارهای اصلی در شناخت سرمایه اجتماعی شکل و شیوه روابط اجتماعی افراد با یکدیگر و نحوه همزیستی آنها در جامعه مورد مطالعه است.

اگر سرمایه اجتماعی را ارتباط و شبکه‌های اجتماعی‌ای که می‌توانند اطمینان و حس همکاری را در میان افراد حاضر در شبکه‌های مورد بحث ایجاد کنند بدانیم، آنچه بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند نقش نهادهای جامعه مدنی در تشکل این سرمایه است. اگر ما مانند عنصری از یک سازمان مدنی به صورت همیشگی همدیگر را ملاقات کنیم احساس مسئولیت نسبت به همدیگر در ما پیدا می‌شود و می‌توانیم به همدیگر اعتماد کرده و در نهایت با هم همکاری کنیم. برای اینکه احساس اطمینان در بین باشد لازم است که ما همدیگر را ملاقات کنیم و ارتباط مدام با هم داشته باشیم.

### مولفه های سرمایه اجتماعی

مولفه های اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه متعامل قرار گرفته و هر کدام تقویت کننده دیگری اند از مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند که در ادامه به اختصار در مورد هر کدام از مولفه ها توضیح داده خواهد شد.

### تقسیم بندی سرمایه ها

بطور کلی سرمایه ها به چهار گروه به شرح ذیل تقسیم می شوند:

۱- سرمایه مادی (اقتصادی)

۲- سرمایه انسانی

۳- سرمایه فرهنگی

۴- سرمایه اجتماعی

### اهمیت و کارکردهای سرمایه اجتماعی

در دو دهه اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی در زمینه‌ها و اشکال گوناگونش به عنوان یکی از کانونی‌ترین مفاهیم، ظهور و بروز یافته است، هر چند شور و شوق زیادی در بین صاحب‌نظران و پژوهشگران مشابه چارچوب مفهومی و ابزار تحلیلی ایجاد کرد. لیکن نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و انتظارات گوناگونی را نیز دامن زده است.

سرمایه اجتماعی، مفهوم نوینی است که امروزه دربررسی های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح گردیده است. طرح این رویکرد در بسیاری از مباحث اقتصادی (علاوه بر حوزه های فرهنگی-اجتماعی)، نشان دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی و توسعه جامعه است

به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای نشان دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. همچنین وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود، به طوری که در مواقع بحرانی می‌توان برای حل مشکلات از سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرآیندهای موجود سود برد. از این رو شناسایی عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی اهمیت بسزایی دارد.

## ۱- اعتماد اجتماعی

اعتماد لازمه شکل گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است، اعتماد اجتماعی ایجاد کننده تعاون و همیاری است و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوتها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می شود. اعتماد اجتماعی برگرفته از عدالت - برابری و امنیت اجتماعی نیز زاینده آنها می باشد. آنتونی گیدنز، اعتماد و تأثیر آن بر فرآیند توسعه را زیربنا و زمینه ساز اصلی در جوامع مدرن می داند، هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد مشارکت و همیاری مردم در عرصه های اجتماعی بیشتر و آسیب های اجتماعی کمتر است (اکبری، ۱۳۸۳: ۱۱).

هرچه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد (RADIUS OF TRUST) بالاتری باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری نیز خواهد داشت. چنانچه یک گروه اجتماعی برون گرایی مثبتی نسبت به اعضای گروه های دیگر نیز داشته باشد، شعاع اعتماد این گروه از حد داخلی آن نیز فراتر می رود. (اکبری، ۱۳۸۳، ۱۵-۱۴)

به عقیده برخی صاحب نظران، اعتماد مهمترین بعد سرمایه اجتماعی است و ابعاد دیگر را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. اعتماد یکی از جنبه های مهم روابط انسانی است و زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می باشد.

## ۲- انسجام اجتماعی

جانانان ترنر به نقل از دورکیم می گوید انسجام وقتی رخ می دهد که عواطف افراد به وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شوند، جاییکه افراد متصل به جماعت، اجتماعی شده باشند، جاییکه کنش ها تنظیم شده و به وسیله هنجارها هماهنگ شده اند و جاییکه نابرابریها قانونی تصور می شود (اکبری؛ ۱۳۸۳: ۱۷).

دورکیم معتقد است وقتی جامعه ای افزایش یافته متنوع می گردد. رشد و افزایش تعاملات افراد به پیچیدگی و تخصصی تر شدن تقسیم کار و تراکم اخلاقی می انجامد و به تعبیر گی روشه از این جریان متحرک عمومی، لاجرم درجه بسیار بالایی از فرهنگ حاصل خواهد شد. و بنا بر این همین شدت روابط است که تمدن را در جوامعی می سازد که انسجامش دیگر از نوع ارگانیکی است. (همان: ۱۸-۱۹).

## ۳- مشارکت اجتماعی

مفهوم مشارکت قدمتی به درازای تاریخ زندگی اجتماعی بشر دارد که در طول حیات طولانی خود روند تکامل و دگرگونی را پشت سر گذاشته و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی خود تعاریف مختلفی به خود دیده است. کائوتری اعتقاد دارد که مشارکت به قدمت تاریخ بشری پیشینه دارد چرا که نظر و عمل مشارکت در بطن هر جامعه و در مفاهیمی چون دلبستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آنها نهفته است و از قدیم شالوده پیدایش اجتماعی - انسان شناختی نوع بشر تلقی شده است (اکبری؛ ۱۳۸۳: ۲۸). به نظر حال تعارض بین دیدگاه های عمل گرایانه و دیدگاه های عمدتاً فلسفی از مشارکت موجب شده است که مفهوم مشارکت تبدیل به یک مفهوم چند وجهی شود و در طی زمان با معنای متفاوتی هویدا شود. (ازکیا و غفاری؛ ۱۳۸۰: ۱۸۳).

به دلیل همین پیچیدگی است که تعریف واحدی از مفهوم مشارکت نمی توان یافت که همه صاحب نظران روی آن توافق داشته باشند، لذا تعاریف گوناگونی از مشارکت در حوزه های مختلف علوم انسانی وجود دارد

تعدد و گستردگی سازمان های محلی و غیر دولتی در یک جامعه، شاخص و بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است؛ تا جایی که جامعه ای مدنی به واسطه ی بسط و گسترش مشارکتهای اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می شود. نهادهای مدنی، تشکلهایی مردمی و غیر دولتی هستند که در حد فاصل توده های مردم با دولت وجود می آیند و بخشی از مردم را برای دست یابی به هدفی مشخص، و در یکی از حوزه های اجتماعی سازماندهی می کنند «دامنه فعالیت این نهادها که به منظور مشارکت سازمان یافته ی مردم تشکیل می گردند بسیار گسترده است. اتحادیه های صنفی، احزاب سیاسی، نگاههای اقتصادی خصوصی، شرکتهای تعاونی، گروه های هنری، مطبوعات، موسسات خیریه و حتی اجتماعات محلی مشتمل بر ساکنان یک خیابان و محله می توانند مثال هایی از نهادهای مدنی باشند» (ازکیا و غفاری ۱۳۸۳: ۲۹۲).

بنابراین مشارکت اجتماعی را می توان فرایند سازمان یافته ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف های معین و مشخص به منظور سهیم شدن در منابع قدرت انجام می گیرد. شهود چنین مشارکتی، وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن ها، گروه ها، سازمان های محلی و غیر دولتی است. (همان، ۲۹۳).

## اهمیت سرمایه اجتماعی در مدیریت شهری

سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی بوده و شناسایی آن به عنوان یک نوع سرمایه چه در سطح مدیریت کلان توسعه کشورها و چه در سطح مدیریت شهرها و سازمان ها، می تواند شناخت جدیدی را از نظام های اقتصادی - اجتماعی ایجاد کرده و مدیران را در هدایت بهتر کلانشهرها یاری کند.

هرچه سرمایه اجتماعی در یک نظام مدیریت شهری بالاتر باشد، موجب پایین آمدن هزینه های مربوط به تعاملات رسمی می گردد. این امر نشان دهنده آن است که هماهنگی بین اعضای نظام های اجتماعی براساس هنجارهای غیررسمی در حال تبدیل شدن به یک بحث مهم در جوامع مختلف است و به تدریج جایگاه مهم تری را در الگوهای اقتصادی نوین به خود اختصاص می دهد.

سوال محوری در بررسی سرمایه اجتماعی این است که شهروندان و مدیران شهری تا چه میزان به دیگران اعتماد دارند. این اعتماد نتیجه تعاملات اجتماعی موجود در گروه ها، انجمن ها و فعالیت های اجتماعی است. بنابر این اگر سطح اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد، به عنوان یک سرمایه باارزش تلقی می گردد. این سرمایه موجب پایین آمدن هزینه های تعاملات اجتماعی و اقتصادی و اقدامات مختلف در راستای توسعه شهر می گردد. افزایش اعتماد متقابل در یک جامعه شهری می تواند به نحو قابل توجهی کارایی نظام های مدیریتی را بالا ببرد و بعضی از صاحب نظران مدیریت، ارزش آن را برای یک سازمان از اطلاعات بالاتر می دانند (برگرفته از پروساک، ۲۰۰۰).

عضویت شهروندان در نهادهای مدنی را می توان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی دانست. نهادهای مدنی نظیر انجمن های صنفی، حرفه ای، شوراهای شهری و محلی، کتابخانه ها، کانون ها و انجمن های علمی، ورزشی، هنری، اجتماعی و گروه های حامی محیط زیست، انجمن های تجاری، کشاورزی و موارد مشابه از این



دسته هستند. سازماندهی افراد در نهادهای اجتماعی موجب پرورش و توسعه فرهنگ های صنفی و حرفه ای خاص در این نهادها شده و ضمن ایجاد سطح بالاتری از مشارکت و تعلق اجتماعی، موجب تسریع و کاهش بسیاری از هزینه های توسعه شهری می گردد.

### مشارکت شهروندان در بهبود مدیریت شهر

از مشارکت مردمی تعاریف متفاوتی ارائه شده است. و بستر مشارکت مردمی (شهروندی) را به مثابه شرکت فعال شهروندان در زمینه های گوناگون حکمرانی و امور مربوط به اداره جامعه شهری معرفی می کند (Roberts, 2004). ارنشتاین، مشارکت مردمی را سهیم شدن شهروندان در تعیین اهداف و سیاست های مربوط به شهر، تخصیص منابع مالی شهر، اجرای برنامه های شهری و نظارت بر آن ها میدانند (Arenstein, 1969). رابرتس در تعریف خود بیشتر بر مشارکت مردمی مستقیم تاکید می کند. مشارکت مستقیم به مشارکت بدون واسطه اطلاق می شود که در آن شهروندان به صورت شخصی و عادلانه در روند اداره شهر سهیم می شوند. او مشارکت شهروندی را روندی می داند که در آن شهروندان عادی همراه با مقامات رسمی به اخذ تصمیمات مهم مربوط به شهر می پردازند (Roberts, 2004). کالاهان به تعامل بین شهروندان و مدیریت شهر که بیشتر حول محورهایی همچون سیاست گذاری و ارائه خدمات شهری، به مثابه مشارکت شهروندی می نگرد. این دیدگاه نگاهی متفاوت از مشارکت سیاسی شهروندان است که بر حق رای و انتخاب مسئولان شهری توسط مردم تاکید دارد. در نظر او، مشارکت شهروندان تاثیر مستقیم و بدون واسطه ای بر شکل گیری سیاست های مربوط به شهر و اجرای آن ها دارد و به شهروندان به عنوان یکی از پایه های اصلی حکومت نگریسته می شود (Callahan, 2007).

مشارکت مدنی به معنی مشارکت مردم در تدبیر و چاره جویی برای امور عمومی، با توجه به یک سری منافع و اولویت ها و در قالب نهادها و شبکه هاست که به توسعه هویت شهروندی کمک کرده و شهروندان را در روند حکمرانی سهیم می نماید (cooper, 2005).

مشارکت شهروندان از پیش نیاز های اساسی برای موفقیت برنامه ها و به ثمر رسیدن تلاش های مدیریت شهری است. با مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، می توان از توانایی آن ها در جهت پیشبرد اهداف مدیریت شهری کمک گرفت و از سوی دیگر مشارکت، خود باعث توانمند سازی شهروندان می شود. نقش شهروندان در برنامه ریزی و سیاست گذاری برای شهر و دستیابی به توسعه حائز اهمیت است و مشارکت شهروندی، به مثابه یکی از مولفه های اساسی و لازم برای رسیدن به توسعه پایدار شهری در نظر گرفته می شود (portney, 2005). برای رسیدن به توسعه فرهنگ مشارکت ابتدا باید میزان مشارکت افراد در فعالیت ها و نگرش آن ها نسبت به اثرگذاری این فعالیت ها در زندگی فردی و جمعی و از طرف دیگر بسترها و زمینه های مناسب امکانات و شرایط لازم و موانع آن جهت حصول هر چه بیشتر در نظر گرفته شود، زیرا در حال حاضر در ایران ضرورت مشارکت داوطلبانه شهروندان کاملا احساس می شود (فهامی و همکاران، ۱۳۸۶). دیلمی (۱۳۸۸) بیان می کند که مردم از طریق مشارکت در تصمیمات، بهتر می توانند از دانش، تجربه، فراست و بصیرت آنهایی که کار را عرضه می کنند، در جهت بهبود روش ها و گسترش روابط کار در سازمان ها و جامعه موثرتر باشند، زیرا: ۱- امکان کمک به کار و استفاده بهتر از منابع را فراهم می آورد.

۲- نظرات و اندیشه های مختلف مورد بحث و نقد قرار می گیرد. ۳- مردم تصمیماتی را که خود در اتخاذ آن شرکت داشته باشند بهتر می پذیرند. ۴- مردم در اتخاذ تصمیماتی که در وضعیت آنها تاثیر مثبت می گذارد، مشارکت بیشتری خواهند کرد. ۵- مشارکت مردم در امور عامل تحرکات در کارایی مدیریت خواهد شد. تلاش برای ایجاد پیوند و افزایش سطح مشارکت اجتماعی شهروندان باید در اولویت های مدیریت شهری قرار گیرد. شهرداری باید از طریق ساز و کارهای مختلف و راهکارهای گوناگون در جهت توانمند ساختن شهروندان و سهیم کردن آن ها در اداره شهر بکوشند. لازم به ذکر است که این عمل باید طوری صورت گیرد که سهم شهرداری ها در مدیریت شهر کاهش یابد و شهروندان فرصت بیشتری برای ارائه استعدادها و توانمندی هایشان بیابند. به عبارت دیگر با مشارکت شهروندان در اداره شهر، توزیع قدرت شکل تازه ای می یابد و شهروندان نقش بیشتری در اداره شهر ایفا خواهند نمود (vanspeier, 2009). اولین قدم در ایجاد مشارکت، آگاه سازی شهروندان از طریق آموزش و اطلاع رسانی است با (آموزش چهره به چهره خانوار، آموزش در تجمع های شهروندی، در مراسم های مختلف: اعیاد و جشن ها، آموزش خانه سلامت، آموزش مدارس)، ابزارهای آموزشی برای آموزش به شهروندان شامل (نصب بنرها و تیزرها، بروشورها، اهدای کیسه برای پسماند و کیسه برای نان، اهدای هدایا، اطلاع رسانی گروهی و به خصوص ساخت برنامه های انیمیشن و پخش از سیما) می باشد. دومین قدم اعتماد سازی است، وقتی مردم علل تصمیم گیری را بدانند و در آن دخالت داشته باشند، از میزان خطری که آن ها را تهدید می کند آگاه باشند و معتقد باشند که تغییر نگرش و عملکرد آن ها خدمات شهری را بهبود می بخشد و نتایج خوبی خواهد داشت، مسلما نگرش مطلوب ایجاد خواهد شد. فرد باید باور کند که اقدام او برای پیشگیری مخاطرات زیست محیطی و حفظ سلامت خود و فرزندان او موثر خواهد شد. قدم سوم، جلب اعتماد شهروندان است، آن گاه شهروندان داوطلبانه اقدام به مشارکت می کنند. شناخت عواملی که بر مشارکت مردمی موثر است می تواند به مثابه اولین گام ها جهت افزایش مشارکت مردمی محسوب شود. (دانش یار، ۱۳۹۱)

### مشارکت شهروندان در بهبود مدیریت پسماند

امروز در نظام مدیریت شهری ایران «مدیریت پسماند» از مسائل اساسی شهرداریهای سراسر کشور محسوب می شود که هزینه ی قابل توجهی را بر ارکان خدماتی و اجرایی شهر تحمیل می کند. افزایش جمعیت، رشد شهرنشینی، گسترش فعالیت های صنعتی و تغییر الگوی مصرف سبب می شود تا سالانه میلیون ها تن زباله در کشور تولید شود.

ترکیب تولید پسماند در ایران با کشورهای اروپایی متفاوت است، چنانچه در ایران نزدیک ۷۰ درصد پسماندهای تولیدی «تر» و ۳۰ درصد آنها «خشک» و در اروپا ۳۰ درصد تر و ۷۰ درصد خشک است. برخی از کشور های آسیایی مانند چین از ۲۰۰ تن زباله، ۶ کیلو وات برق تولید می کند، این در حالی است که ۲۵ سال پیش در این کشور زباله ها به بدترین شکل ممکن مدفون می شد. یا کشورهای مثل ژاپن و کره جنوبی در حال ورود به سیستم جدید مدیریت پسماند می باشند. در این کشورها سطح درآمد ساکنان افزایش چشمگیری داشته و در نتیجه نوع و مقدار پسماند تولیدی در این کشورها مشابه کشور های اروپایی شده است. از این رو می توان گفت تفاوت زیادی

بین نوع و محتوای این مشکل در کشورهای صنعتی توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه وجود دارد. (روزنامه شهرآرا، ۱۶ بهمن ۹۱)

آثار سوء ناشی از زائادات و پسماندهای شهری، مدیریت بخش شهری را بر آن داشته تا همواره در پی راهکارهای مناسب جهت کاهش آثار سوء ناشی از اینگونه مواد باشند، یکی از این راهکارها جلوگیری از تولید زائادات و در مرحله بعدی بازیافت آنها می باشد که بدون در نظر گرفتن نقش کلیدی و اساسی تولیدکنندگان زباله های شهری، یعنی شهروندان، این راهکارها نافرجام خواهد ماند، بطوریکه اگر در برنامه های سازمان بازیافت شهرداری های استان ها و شهرها فرهنگ سازی در بین مردم وجود نداشته باشد تغییری در میزان زباله های تولیدی روزانه ایجاد نمی شود. بنابراین باید به دنبال شیوه هایی برای فرهنگ سازی در بین شهروندان بود که از جمله این راهکارها می توان به موارد زیر اشاره نمود: برگزاری کارگاه های آموزشی تفکیک زباله از مبدأ و برپایی دوره های آموزشی گروهی و فردی خانم های خانه دار؛ تشکیل تیم های مشارکتی در محله ها برای ایجاد و توسعه فرهنگ بازیافت؛ برپایی نمایشگاه های ثابت و سیار عکس و محصولات تولید شده از بازیافت و برگزاری نمایشگاه های آموزشی برای کودکان و استفاده از خلاقیت کودکان در گسترش فرهنگ بازیافت در خانواده ها؛ برگزاری همایش ها، طراحی و نصب سیلک و تراکت های تبلیغاتی در معابر عمومی؛ پخش تیزرهای تبلیغاتی و انیمیشن های آموزشی کوتاه خصوصاً به صورت طنز در سیمای آموزش دانش آموزان در مدارس به منظور آشنایی با مواد بازیافتی و توزیع جعبه های مخصوص کاغذ های باطله در مدارس؛ توزیع انواع بروشور و کیسه های زباله در رنگ های مختلف به صورت رایگان در بین مردم. (محمدرضایی، ۱۳۸۷)

فرهنگسازی و مشارکت همگانی پیش نیاز و تضمین کننده برنامه های مدیریت پسماند است که باید مورد توجه قرار گیرد. تا زمانی که فرهنگ صحیح تولید و نحوه انباشت و جمع کردن زباله در بین مردم نهادینه نشود، مدیریت پسماند آنطور که باید و شاید با موفقیت همراه نخواهد بود. لذا برای پایداری و کارکرد مطلوب یک سیستم مدیریت پسماند، علاوه بر وجود قوانین و استانداردهای مناسب (که بر اساس تحقیقات علمی و با توجه به نیازهای آینده تدوین شود) مشارکت و کوشش عمومی افراد جامعه نیز ضروری است. به بیان دیگر برای سرعت بخشیدن به کنترل و بهینه سازی روند مدیریت پسماند نیاز به همکاری عموم است. شاید این مواد زائد، بی مصرف به نظر برسند ولی از نظر منبع تولید دارای اهمیت هستند، به همین دلیل برای رسیدن به سامانه مدیریت پسماند استاندارد باید همه افراد را در این امر مشارکت داد و افکار عمومی را به سوی آن جلب کرد تا با رویکردی جدید فرهنگ جدیدی ساخته شود. کارشناسان معتقدند که کشورهای جهان سوم نتوانسته اند خود را به مدیریت پسماند استاندارد که در کشورهای توسعه یافته وجود دارد نزدیک کنند، در حالی که یکی از موضوعات جهانی، توسعه پایدار و محیط زیست است که در استانداردهای جهانی به آن توجه شده است و باید در سایر جوامع برای فرهنگسازی آن اقدام شود. (روزنامه شهرآرا، ۱۶ بهمن ۹۱)

در حال حاضر طرح های مختلفی برای بهره گیری بهینه از پسماندهای در دستور کار سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهرداریها قرار دارد که در میان آنها آموزش، اطلاع رسانی برای عموم مردم و بستر سازی به منظور استفاده از همکاری مردم و تفکیک زباله در مبدأ به عنوان مسایل و محورهای اصلی مورد توجه قرار دارد.

طرح تفکیک زباله تر و خشک از مبدأ یکی از اصلی ترین حلقه های زنجیر بازیافت و بهره برداری از زباله است که با مشارکت همگانی شهروندان قابل اجرا می باشد و اگرچه برنامه ریزی برای اجرای این طرح از سال های پیش مورد نظر بوده اما اجرایی شدن آن اخیراً به طور جدی در تعداد زیادی از شهرهای کشور مورد توجه قرار گرفته است و امکانات لازم برای انجام آن تا حدی فراهم شده است.

بخش اصلی تفکیک زباله تر و خشک در حال حاضر توسط بخش خصوصی انجام می شود، که زباله های خشک را از پسماندهای بیرون ریخته شده جدا می کنند اما نکته مهم در این زمینه آموزش دادن خانواده برای انجام این تفکیک قبل از بیرون گذاشتن زباله ها است.

اولین گام در راستای اجرای طرح تفکیک از مبدأ آموزش و اطلاع رسانی به شهروندان است. در واقع اشاعه فرهنگ جداسازی پسماندها در تمام سطوح به ویژه مراکز آموزشی و مدارس بسیار مهم و ضروری است. با آموزش و اطلاع رسانی به مردم زمینه مشارکت و هم کاری شهروندان در اجرای بهینه ی طرح فراهم می شود.

مواردی مانند ارتقا سطح فرهنگ و آموزش عمومی در ارتباط با تولید و دفع مواد زاید جامد و ترویج روحیه صرفه جویی، بهبود شرایط بهداشتی، کاهش آلودگی های ناشی از تولید زباله و حفظ محیط زیست، صرفه جویی در مصرف منابع طبیعی از طریق بازگشت مواد قابل استفاده به چرخه تولید و بهبود کیفیت مواد اولیه کارخانه کمپوست با هدف دستیابی به کمپوست مرغوب تر از جمله اهداف مهم طرح تفکیک از مبدأ است. همچنین بهینه سازی شیوه های جمع آوری و حمل و نقل مواد زاید جامد و نظافت شهری، کاهش میزان پسماندهای دفنی و افزایش طول عمر مراکز دفن، صرفه جویی در هزینه های جمع آوری و حمل و نقل زباله، کمک به اقتصاد شهر و ایجاد زمینه اشتغال و جذب سرمایه های بخش خصوصی از دیگر اهداف طرح تفکیک پسماند در مبدأ می باشد که می تواند نقش مهمی در بهبود مدیریت پسماند ایفا کند.

### نتیجه گیری

مشارکت و دخیل کردن مردم در مدیریت شهری، ضامن موفقیت طرح های شهری می باشد. باتوجه به مشکلات دفع مواد زاید شهری و آلودگی زیست محیطی که این مواد بر روی منابع طبیعی و اکوسیستم دارند، لزوم مشارکت شهروندان در مدیریت پسماند را ضروری کرده است. بدلیل مشارکت نکردن مردم، در تفکیک پسماندها روزانه حجم زیادی از مواد قابل بازیافت دفن می گردند که علاوه بر هدر رفتن سرمایه ملی، موجب تخریب و آلودگی محیط زیست می گردد. مشارکت شهروندان در مدیریت پسماند دارای مزایای بسیاری است با مشارکت شهروندان هزینه های پسماند کاهش می یابد، محیط زیست به شکل مناسب حفظ و پایداری آن محافظت می شود (دانش یار، ۱۳۹۱)

. باید به این نکته توجه شود که بازیافت پسماندهای شهری و خصوصاً پسماندهای خانگی که بخش اعظمی از پسماند شهرها را تشکیل می دهد می تواند کاهش مصرف مواد اولیه و منابع طبیعی را به دنبال داشته و باعث صرفه جویی در مصرف منابع طبیعی که بعضاً تجدید ناپذیر هم هستند گردد. از طرفی با بازیافت پسماندهای شهری می توان تا حدود زیادی معضل دفن زباله را حل نمود و به میزان قابل توجهی بر مشکلات ناشی از آن از جمله کمبود زمین

زباله ، سومین همایش ملی مدیریت پسماند.

۹- محمدرضایی، الهه، ۱۳۸۷، بررسی راهکارهای فرهنگی جهت افزایش مشارکت مردم در بازیافت پسماندهای شهری، سومین کنگره ملی بازیافت و استفاده از منابع آلی تجدید شونده در کشاورزی.

10- Arnstein , sherry R.(1969).A Ladder of citizen participation , journal of the American planning association , vol.35,no.4,pp.216-224.

11- Callahan , kathe .(2007).citizen participation : models and methods, International journal of public administration , vol.30,no.11,pp.1179-1196.

12- cooper ,terryl.(2005).civic engagement in the twenty – first century : toward a scholarly and practical agenda ,public administration review,vol.65,no.5,pp.534-535.

13- Roberts , nancy .(2004).public deliberation in age of direct citizen participation ,the American review of public administration , vol.34,no.4,pp.315-353.

14- portney , kent.(2005).civic engagement and sustainable cities in the united states public administration review , vol.65,no.5,pp.579-591.

15- RUSAK LARRY,KNOWLEDGE MANAGEMENT: SOCIAL CAPITAL AND TRUST,TALKING IN WASHINGTON DC IN OCTOBER 2000

<http://WWW.creatingthe21stcentury.org/Larry12-social-capital-trust.html>

van speier , jonathan.(2009) .citizen participation 16- influencing public decision making,public administration .revirw,vol.6,no.1,pp.156-159

برای دفن زباله فائق آمد لذا بازیافت پسماند و مدیریت اصولی آن امری ضروری و حائز اهمیت است. با توجه به اهمیت جدا سازی مواد قابل بازیافت در مبدا که از جنبه های اقتصادی، زیست محیطی و بهداشتی حائز اهمیت است می توان به این موضوع اشاره نمود که نقش مشارکت مردمی در مسیر بازیافت پسماند بسیار برجسته و برای شهرداری ها ضروری است. مشارکت مردمی با میل و رغبت جهت بهبود وضعیت زندگی خودشان مهمترین عامل جهت دستیابی به اهداف مورد نظر در زمینه بازیافت است. بدون مشارکت مردمی بازیافت در مبدا امری محال و غیر قابل انجام می باشد.

## منابع

۱- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی، تهران.

۲- اکبری، امین، (۱۳۸۳)، نقش سرمایه ی اجتماعی در مشارکت : بررسی تأثیر سرمایه ی اجتماعی بر مشارکت سیاسی، اجتماعی(مطالعه موردی روستای فارسینج از توابع سقز) دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

۳- پورعزیزی، بابک، (۱۳۸۸)، بررسی نقش مشارکت مردمی در بهبود مدیریت پسماند شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات .

۴- دانش یار، حدیث، ۱۳۹۱، مشارکت مردمی گامی مهم برای رسیدن به مدیریت صحیح پسماند شهری، <http://hadisdaneshyar.blogfa.com>.

۵- روزنامه شهرآرا، دوشنبه ۱۶ بهمن ۹۱، همکاری عمومی پیش نیاز مدیریت پسماند  
۶- سازمان نظیف و بازیافت مواد شهرداری شیراز، (۱۳۸۶)، قانون مدیریت پسماندها و آئین نامه های اجرایی آن.

۷- فهامی، الهام؛ محمد، مختارنیا؛ درویش، امیرکیوان و رضوان فر، احمد، (۱۳۸۶)، دیدگاه اعضای سازمان های غیردولتی منابع طبیعی تهران پیرامون زمینه های مشارکت در ترویج و توسعه منابع طبیعی، علوم ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران، نشریه: علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۳، شماره ۲.

۸- مجلسی، منیژه، (۱۳۸۶)، نقش مشارکت های مردمی در سیستم مکانیزه جمع آوری





## تفلیس؛ شهری در حال تغییر



■ صادق حیدری نیا

### معماری و شهرسازی

تفلیس با قدمتی چند هزارساله، فراز و نشیب فراوانی به خود دیده است؛ روی دیگر این ماجرا، دگرگونی‌های گسترده‌ی شهرسازی طی دو قرن اخیر در تفلیس است که به شکلی نسبتاً همگن رخ داده است. برای این شهر می‌توان با کمی اغماض چهار دوره‌ی مهم از گسترش فضای شهری را برشمرد که هر دوره همچنان هویت مستقل خود را حفظ کرده است. کهن‌ترین قسمت شهر، که آثاری از دوران باستان تا حدود دویست سال پیش را در خود جای داده، بر تپه‌های مشرف به رود کورا قرار دارد. (به گمان برخی زبان‌شناسان، نام این رود برگرفته از نام کوروش است) این بخش با آثاری نظیر بقایای یک آتشکده ساسانی، حمام، مسجد و کلیسای عصر صفوی، کاروانسرا و ابنیه‌ی قاجاری، خانه‌های دویست، سیصدساله، جاذبه‌های گردشگری بسیاری دارد. بعضی نام‌های فارسی نظیر نارین قلعه و سیدآباد (محل‌هی سیدها) هنوز در این بخش به چشم می‌خورد.

یک دستگاه تله‌کابین پایین‌ترین قسمت بافت تاریخی را به مرتفع‌ترین بخش آن در کنار دیوارهای برافراشته‌ی نارین قلعه متصل می‌کند. این مسیر را می‌توان از پله‌راه نسبتاً طولانی و زیبایی که در این بخش احداث شده نیز طی کرد. در همه‌ی کوچه پس‌کوچه‌های

تابستان امسال فرصتی دست داد تا سفری زمینی به منطقه قفقاز داشته باشیم، سفری که از ارمنستان آغاز شد اما مقصد اصلی آن تفلیس بود. تفلیس یا به قول گرجی‌ها Tbilisi شهری است با یادگارهای کهن ایرانی - اسلامی که امروز پایتخت کشور گرجستان است. این شهر که آبادترین و بزرگ‌ترین شهر ناحیه‌ی قفقاز است در دوران فتحعلی‌شاه قاجار و در پی عقد عهدنامه گلستان برای همیشه از ایران جدا شد اما دیرپایی حضور ایران در تفلیس، با این جدایی پایان رنگ نداشت. امروز، گرجستان به یکی از مقصدهای اصلی گردشگران ایرانی بدل شده است هرچند که کمتر کسی از این مسافران با تاریخ و آثار این شهر آشنا است. گرجی‌ها، مسیحیان ارتدوکس یا کاتولیکی هستند که به گسترش نمادهای مذهبی و احداث و آبادانی کلیساها اهتمام ویژه‌ای دارند. همین موضوع سبب گشته که آثار پرشمار مسیحی - که بعضاً عمری نسبتاً کوتاه دارند - بر آثار کهن ایرانی - اسلامی سایه افکنده و بیش از هر چیز دیگری توجه گردشگران را به خود جلب نماید. البته مهاجرت گسترده و گاه اجباری اقوام آذری و مسلمان هم طی دو دهه‌ی اخیر بر این مسأله تأثیرگذار بوده است.

بافت تاریخی، نشانه‌هایی از بازسازی و احیای ابنیه را می‌توان دید. تقریباً هیچ بنای جدید یا ساختمان مرتفعی که به منظر معماری این بخش از شهر آسیب بزند، به چشم نمی‌خورد. تبدیل خانه‌ها و بناهای قدیمی به مهمانسرا، کافه و رستوران، ترمیم سنگ‌فرش کوچه‌ها، ایجاد پله‌راه در بخش‌های مرتفع‌تر، راه‌اندازی حمام‌های صفوی با استفاده از چشمه‌های آب گرم منطقه، این بافت قدیمی را به بخشی زنده، زیبا و سودآور تبدیل کرده است. حمام‌های شاه عباسی، که روزگاری الکساندر دوما و پوشکین در آن آب تنی کرده و آنها را ستوده‌اند، امروز میزبان گردشگرانی از سراسر جهان است.

با جداسدن قطعی تفلیس از ایران در دوم آبانماه ۱۱۹۲ (۲۴ اکتبر ۱۸۱۳) روسیه‌ی تزاری به سرزمین‌های آبادی دست یافت که در برابر هزاران کیلومتر استپ‌های بی‌حاصل شمالی، بسیار ارزشمند بود. از این رو تفلیس را به مرکز قفقاز و نایب‌السلطنه نشین روسیه تبدیل کرد. همین اتفاق موجب گسترش شهر و رشد فزاینده‌ی آن شد. طی دوران قریب به یکصدسال حاکمیت تزاری بر این شهر، تفلیس نو در بخش غربی شهر احداث شد. این بخش که امروزه بخاطر مهم‌ترین خیابانش به روستاوی معروف است، از میدان آزادی یا لیبرتی آغاز می‌شود و با محوریت خیابان روستاوی (به نام شاعر گرجی شاتا روستاوی) به طول یک و نیم کیلومتر ادامه می‌یابد. خیابان‌کشی منظم، ساختمان‌های چندطبقه‌ی زیبا و مراکز فرهنگی و هنری و نهایتاً ساختمان پارلمان، مشخصه‌های این منطقه‌ی زیباست. هنوز در بسیاری از بخش‌ها می‌توان سنگ‌فرش‌هایی با بیش از یکصد سال قدمت را مشاهده کرد. پیاده‌روها همگی سنگ‌فرش است و بر فراز ساختمان‌های قدیمی، تابلوهایی به چشم می‌خورد که یادگار قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم هستند. در این قسمت از شهر نیز، احیای بناهای قدیمی به شدت در جریان است. آنچه بیش از هر چیزی جالب است، حفظ تمام و کمال روستاوی طی دوپست سال گذشته است. در این قسمت که ده‌ها کوچه و خیابان به شکل هندسی و با تقاطع‌های منظم در کنار هم قرار گرفته، هیچ بنای نامتناسبی را نمی‌توان یافت که از لابه‌لای ساختمان‌های قدیمی سرک کشیده باشد.

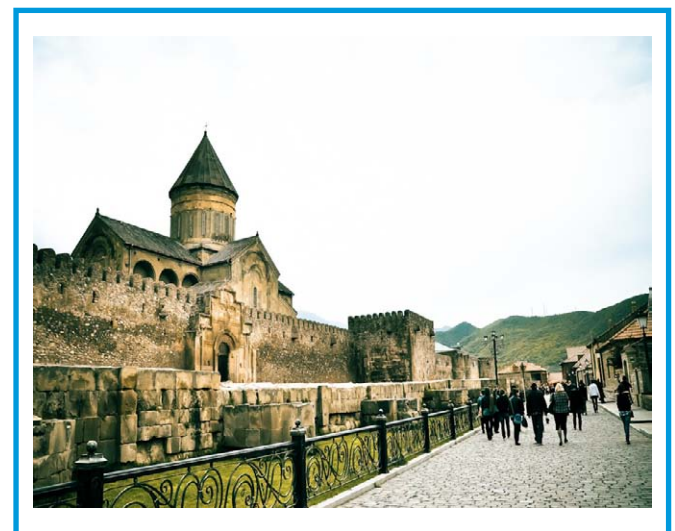
با انقلاب اکتبر در روسیه و برقراری حکومت تزاری، بار دیگر تفلیس دستخوش تغییر گشت. اما کمونیست‌ها هم بافت‌های تاریخی و تزاری را حفظ کردند و در کنار این دو، قسمت جدیدتری را احداث نمودند. در این بخش می‌توان ساختمان‌های مرتفع، دانشگاه‌ها،

پارک‌ها، مراکز خرید و نظایر آن را دید. خیابان‌ها و پیاده‌روها در این بخش از شهر، بسیار وسیع‌تر از روستاوی است اما یک نقیصه همچنان به چشم می‌خورد. بافت مسکونی به شدت متمایز از بافت اداری - تجاری است. درواقع خانه‌ها - که در این قسمت اغلب آپارتمان هستند - در پشت ظاهر زیبایی خیابان‌های اصلی پنهان شده‌اند. کوچه‌ها در مقایسه با خیابان اصلی، بسیار باریک و پرپیچ و خم هستند. ساختمان‌ها بدون پیروی از اصولی واحد ساخته شده‌اند. در آپارتمان‌های ده طبقه، تقریباً چیزی به نام نمای بنا یا مشاات وجود ندارد. اغلب نماها سیمانی و زشت هستند. راه پله‌ها و لابی به قدری بی‌پیرایه و ابتدایی است که بیشتر به اردوگاه‌های جنگ‌زده‌ها شبیه است. هر سازنده، تقریباً بنای ساخته شده را بدون هیچ آرایه‌ی ظاهری و داخلی تحویل می‌دهد و از این به بعد تکمیل بنا بر عهده‌ی خریدار است. در این میان آنچه مغفول واقع می‌شود نمای ساختمان و مشاات آن است زیرا کمتر اجماعی برای اصلاح وضعیت این بخش بین ساکنان شکل می‌گیرد. این وضعیت که متناسب با فرهنگ کمونیستی شایع شده، هنوز هم کم و بیش به چشم می‌خورد، به نحوی که امروزه نیز شرکت‌های بزرگ ساختمان‌سازی، خانه‌ها و آپارتمان‌ها را بدون هرگونه کفپوش، سفیدکاری، کابینت و نظایر آن واگذار می‌کنند.

با فروپاشی شوروی و استقلال گرجستان، این کشور مسیر سیاسی خود را عوض کرد، به نحوی که در ده سال گذشته به شدت به غرب متمایل گشت. دولت غرب‌گرای ساکاشویلی به این روند شتاب داد. این اتفاق تمام شئون زندگی گرجی‌ها را تغییر داده و در معماری و شهرسازی هم اثر گذاشته است. تفلیس - خصوصاً در پنج سال گذشته - به شدت دگرگون شده و به شهری مدرن با تبلیغات و ظاهری پر زرق و برق تبدیل شده است. هرچند که مدیران شهری با جدیت مشغول احیا و بازسازی بافت‌های قدیمی شهر هستند اما در چند سال گذشته بخش‌های جدیدی به شهر اضافه شده است. در منتهای غربی تفلیس، یک بافت جدید با ساختار ویلایی یا باغ‌شهر ایجاد شده که بعضی سفارتخانه‌ها (از جمله سفارت جمهوری اسلامی ایران) و خانه‌های دیپلمات‌ها در آن قرار گرفته است. در این بخش هیچ آپارتمان یا ساختمان بلندی ساخته نمی‌شود. همچنین احداث مجتمع خرید و مجموعه‌ی ورزشی مدرن، از جمله امکانات جدید این منطقه است. البته درباره‌ی پراکندگی مراکز خرید، باید این نکته را یادآور شوم که برخلاف شهری مثل تهران که در هر کوچه و خیابان چند مغازه یا حداقل یک خواروبار فروشی می‌بینید، در تفلیس مغازه خیلی کم است و فقط در خیابان‌های اصلی می‌توان فروشگاه‌ها را یافت. نهایتاً در یک محله، یک فروشگاه بزرگ چندمنظوره قرار دارد که اهالی نیازهای روزانه‌ی خود را از آنجا تهیه می‌کنند. سایر فروشگاه‌ها و مشاغل صرفاً در نقاط مشخصی متمرکز هستند. همچنین مشاغل کاذب یا دلالی (مشاور املاک و...) که این روزها مثل قارچ در شهر ما سبز می‌شوند، تقریباً در تفلیس وجود ندارد. تنها مغازه‌ای که نسبت به سایر مشاغل از پراکندگی بیشتری در سطح شهر برخوردار است، صرافی‌ها هستند و این موضوع احتمالاً متأثر از گسترش صنعت توریسم در این شهر است.

### پایتخت قدیمی

گرجی‌ها، با همان دقتی که بافت تاریخی و فرهنگی تفلیس را حفظ کرده‌اند، از پایتخت قدیمی خود یعنی مِتسختا (Mtskheta) که در







و اهالی می‌توانند در پیاده‌روهای وسیعی که مبلمان سنگی و قدیمی خود را همچنان حفظ کرده‌اند از این امکان استفاده کنند.

در عرصه‌ی حمل و نقل عمومی، تفلیس دارای دو خط مترو است که عمود بر هم قرار گرفته‌اند. متروی نسبتاً عمیق تفلیس حدود هشتاد سال قدمت دارد و احداث آن به زمان استالین باز می‌گردد. یک خط به صورت طولی و دیگری به شکل عرضی نقاط مهم شهر را به یکدیگر متصل می‌سازد. شهر یک و نیم میلیون نفری تفلیس این روزها با ماشین‌های مدل بالایی که اغلب از اروپا راهی گرجستان شده‌اند، کمی شلوغ شده، اما همچنان ترافیک آزاردهنده‌ای ندارد. مهم‌ترین سیستم حمل و نقل مسافران درون شهری، مینی بوس یا همان marshrutka است که تقریباً در تمام خیابان‌های شهر و به قیمتی مناسب در دسترس هستند. چند سالی است که پای این ون‌های روسی به خیابان‌های تهران هم باز شده است. البته تاکسی هم داخل شهر به نسبت فراوان است و از قضا در بین تاکسی‌ها می‌توان تعداد زیادی سمند و چندتایی پراید هم مشاهده کرد. چند سال پیش، یک هزار دستگاه سمند به صورت اقساط و به شکل تاکسی به گرجستان واگذار شد. البته تعداد انگشت‌شماری هم سمند شخصی در شهر وجود دارد. تمایل گسترده‌ی اهالی تفلیس برای استفاده از خودروی شخصی دو پدیده را به دنبال داشته است:



بیست کیلومتری تفلیس واقع شده هم محافظت کرده‌اند. این شهر کوچک و کم‌جمعیت با حدود بیست هزار نفر سکنه، یک موزه‌ی زنده و دیدنی است که به ثبت جهانی هم رسیده است. پس از انتقال پایتخت به تفلیس در قرن ششم میلادی، متسختا با کلیساهای متعدد به مرکز دینی گرجستان بدل شد. امروزه، متسختا یک شهرک توریستی و اقامتی برای تفلیس محسوب می‌شود. در خیابان اصلی شهر، هیچ خودرویی حق تردد ندارد و اهالی و گردشگران تمام محوطه‌ی تاریخی شهر را که مشتمل بر خیابان اصلی و کوچه‌های فرعی است پیاده طی می‌کنند. البته چند خودروی توریستی کوچک برای جابجایی گردشگران در نظر گرفته شده که اغلب افراد ترجیح می‌دهند پیاده در این شهر گردش کنند. کودکان و نوجوانان با اسکیت و اسکوتر در کوچه‌ها بازی می‌کنند و گردشگران با خیال راحت در خیابان قدم می‌زنند. خانه‌هایی با بیش از چهارصد سال قدمت - که بعضاً به مهمانسرا بدل شده‌اند - کلیساهای و مغازه‌ها در گوشه و کنار متسختا به چشم می‌خورد و همین امر موجب شده که این شهر در فهرست آثار جهانی ثبت شود. دو رودخانه مهم آراگوی و کورا، شهر را در بر گرفته‌اند. نورپردازی شهر به ویژه کلیسای جامع که در مرکز آن واقع شده، در شب، زیبایی فوق‌العاده‌ای به این شهر می‌دهد.

معبد «جواری» که در بالای صخره‌ای مشرف به شهر جای گرفته، اهمیت تاریخی مضاعفی نسبت به متسختا دارد. این معبد قدیمی با قدمتی نزدیک به هزار و پانصد سال در کنار ویرانه‌های بنایی سنگی قرار گرفته که به گمان باستان‌شناسان بقایای آتشکده‌ای ساسانی است. این بنا هم مثل اغلب نقاط تاریخی و فرهنگی تفلیس نورپردازی چشمگیری دارد و البته در زمره میراث جهانی به ثبت رسیده است. محل تلاقی دو رود کورا و آگورای در متسختا، از فراز این بنای تاریخی قابل رویت است. مدیریت شهری در تفلیس به دنبال آن است تا کل شهر تفلیس را به دلیل دارا بودن منظر تاریخی و آثار و بافت‌های ارزشمند، به ثبت جهانی برساند و با همین هدف، برنامه‌های گسترده‌ای در سطح شهر در حال اجراست.

### نمادها و مجسمه‌ها

گرچه‌ها علاقه‌ی زیادی به استفاده از نمادها و مجسمه‌ها دارند تا حدی که می‌توان تفلیس را شهر نمادها و پیکره‌ها نامید. در کنار نمادها و نشانه‌های مذهبی که به شکل گسترده‌ای توسط مردم استفاده می‌شود، نمادهای سنتی گرجی هم حضور پررنگی در نقاط مختلف شهر دارند. علائم تجاری و اقتصادی (مثل نام بانک‌ها و...) با نشانه‌های تاریخی و نمادهای فرهنگی طراحی شده‌اند. مجسمه نیز در نقاط مختلف شهر به وفور مشاهده می‌شود. نه تنها پیکره‌ی مفاخر گرجی به بهانه‌های مختلف در سطح شهر نصب شده بلکه، مجسمه‌های فرهنگی و نمادین زیادی مانند مجسمه عظیم‌الجثه‌ی مادر هم در این شهر به چشم می‌خورد.

### حمل و نقل و ارتباطات

برای آشنایی با وضعیت ارتباطات در این شهر، باید آن را به دو دسته‌ی مجازی و فیزیکی تقسیم کنیم در این صورت، می‌توان ارتباطات مجازی را نسبت به شبکه حمل و نقل عمومی، پیش‌رو و جلوتر دانست. در گوشه و کنار شهر، از هتل‌ها تا کافه‌ها و رستوران‌ها، تقریباً همه‌جا شبکه‌های اینترنت به صورت آزاد در دسترس است. جالب‌تر آنکه در بخش‌های مرکزی شهر، به خصوص حوالی دانشگاه دولتی تفلیس، اینترنت رایگان به صورت wifi عرضه می‌شود و گردشگران





وجود پارک بان و پمپ بنزین. در همه‌جای شهر، کنار خیابان‌ها و میدان‌ها، خلاصه هر جایی که توقف خودرو مجاز است، افراد میانسال یا بازنشسته‌ای حضور دارند که رانندگان را در پارک کردن راهنمایی می‌کنند. البته این افراد که دارای لباس واحدی هستند، هیچ‌گونه قبض یا نرخ مشخصی ندارند و به صورت غیررسمی پولی را به شکل انعام از راننده‌ها دریافت می‌کنند. وجود پمپ بنزین‌های متعدد و مدرن از ویژگی‌های دیگر این شهر است. حضور شرکت‌های مهم نفتی باعث شده که در فاصله‌ی چندصدمتری چند پمپ بنزین با نشانه‌های تجاری مختلف وجود داشته باشد. در هر پمپ بنزین چند نوع بنزین با کیفیت‌های مختلف و البته قابل قبول عرضه می‌شود. به دلیل وجود تعداد زیادی پمپ بنزین، تقریباً هیچ نقطه‌ی شهر، برای بنزین زدن صف تشکیل نمی‌شود.

و وجود پارک بان و پمپ بنزین. در همه‌جای شهر، کنار خیابان‌ها و میدان‌ها، خلاصه هر جایی که توقف خودرو مجاز است، افراد میانسال یا بازنشسته‌ای حضور دارند که رانندگان را در پارک کردن راهنمایی می‌کنند. البته این افراد که دارای لباس واحدی هستند، هیچ‌گونه قبض یا نرخ مشخصی ندارند و به صورت غیررسمی پولی را به شکل انعام از راننده‌ها دریافت می‌کنند. وجود پمپ بنزین‌های متعدد و مدرن از ویژگی‌های دیگر این شهر است. حضور شرکت‌های مهم نفتی باعث شده که در فاصله‌ی چندصدمتری چند پمپ بنزین با نشانه‌های تجاری مختلف وجود داشته باشد. در هر پمپ بنزین چند نوع بنزین با کیفیت‌های مختلف و البته قابل قبول عرضه می‌شود. به دلیل وجود تعداد زیادی پمپ بنزین، تقریباً هیچ نقطه‌ی شهر، برای بنزین زدن صف تشکیل نمی‌شود.

### نکته‌ی آخر: تفلیس؛ شهری در حال تغییر

کسانی که طی ده سال گذشته از این شهر دیدن کرده‌اند، تجربه‌های متفاوتی اندوخته‌اند و گزارش هر یک تفاوت جدی با دیگری داشته است زیرا تفلیس به سرعت در حال تغییر است و هر سال چهره‌ای نو پیدا می‌کند. پس به خاطر داشته باشید آنچه در این گزارش خواندید تصویری از تابستان ۹۱ (اگوست ۲۰۱۲) شهر تفلیس بود که به اختصار ارائه شد.





ناشران پیش از ورشکستی بخوانند

# اهالی فرهنگ و قیمت کتاب

خرید پنج جلد کتاب نه چندان حجیم با کاغذ معمولی و چاپ سیاه و سفید، می‌تواند تا یک صد هزار تومان هزینه را به خریدار تحمیل کند که واقعا مخاطب کتاب‌خوان را هم از رفتن به سمت و سوی کتاب‌فروشی‌ها پشیمان می‌سازد/ وزارت ارشاد اقدام به عرضه کاغذ با قیمت بسیار پایین‌تر از قیمت کنونی به شکل فراگیر کند. این دستور کار دیر یا زود می‌بایست اجرا شود، حال می‌توان اجازه داد پس از تعطیلی وسیع و گروهی کتاب‌فروشی‌ها و فشار یکباره افکار عمومی به این نهاد متولی رخ دهد یا پیش از وقوع اقدام کرد.

همان عقبه مالی و نهایتاً با کاهش تیراژ، صفحات و کیفیت کاغذ و چاپ به حیانتشان ادامه می‌دهند.

در حوزه نشر کتاب اما مینا، اصالت انتشار کتب است و به ویژه در سرفصل‌های غیرسیاسی و علمی و ادبی که سرمایه‌گذاری مشترک یا منفرد مؤلف و ناشر، منجر به رسیدن یک جلد کتاب به پشت و پتترین کتاب‌فروشی‌ها می‌شود، بر خورداری از عقبه مالی فرامتنی و سیاسی منجر به نگاه منفی فعالان آن حوزه شده و حتی درباره کیفیت اثر نیز تردیدهایی پیش می‌آید؛ بنابراین حتی چهره‌هایی که دارای چنین عقبه‌های بالقوه‌ای هستند، تلاش می‌کنند، مستقل کتاب‌هایشان را به زیور طبع بیاورند.

در چنین فضایی طبیعتاً افزایش قیمت کاغذ بیش از آنکه به نشریات فشار وارد سازد، به حوزه نشر کتاب ضربه می‌زند و قیمت کتب به شکل سرسام آوری افزایش می‌یابد که طبیعتاً با توجه به فضای اقتصادی کشور و کاهش قدرت خرید، رغبت مخاطب عام برای خرید کتاب را کاهش می‌بخشد و این اتفاق، بخش چشمگیری از درآمد نشرها را که بر همین خرده‌فروشی‌ها استوار است، سلب می‌نماید. متأسفانه عرضه اقلام جانبی در کنار کتاب در کتاب‌فروشی‌ها و کافه کتاب‌ها نیز نتوانسته مخاطب عام را برای حوزه کتاب به قدر کافی حفظ کند و تنها سرعت ریزش مخاطب کتاب را تا اندازه‌ای کاهش داده است.

سرانجام آثار افزایش شدید بهای کاغذ به پشت جلد کتب رسیده و قیمت کتاب‌هایی که هم‌اکنون با چاپ‌های تازه وارد بازار می‌شوند و به ویژه کتبی که فرصت تجدیدچاپ یافته‌اند، با رشد عجیب قیمت همراه شده‌اند که نه تنها مخاطب عام را از هزینه برای خرید کتب غیرضروری باز می‌دارد که حتی بخشی از قشرهای فرهنگی و کتاب‌خوان را نیز ناخواسته واداشته سراغ نسخه‌های الکترونیک و رایگان کتب برونند!

در اقتصاد پایه، هیچ‌گاه کتاب در میان نیازهای ضروری قرار نمی‌گیرد و طبیعتاً خوراک، پوشاک و مسکن در اولویت نخست هستند؛ بنابراین، طبیعی است در شرایطی که قرار باشد بخشی از هزینه‌ها کسر شود یا اولویت‌بندی در اقتصاد خانوار شدت بگیرد، نیازهای ضروری آخرین گزینه‌هایی است که دستخوش کاهش می‌شوند. پیش از آن‌ها اما نوبت به کاهش یا حذف اقلامی می‌رسد که حذفشان سلامت و کیفیت زندگی را دستخوش تغییرات شدیدی نمی‌سازد.

یکی از مهمترین کالاهایی که چنین ویژگی دارد و به نام اقلام غیرضروری حذف می‌شود، کتب و نشریات است. نشریات با راهکارهایی همچون جذب آگهی و پشتیبانی مالی جریان‌های حامی‌شان به حیات خود - هرچند با دشواری - ادامه می‌دهند و به واقع به واسطه آنکه نشریات و به طور خاص روزنامه‌ها با عقبه مالی خاصی انتشارشان آغاز می‌شود، با



کافه کتاب از نسخه غربی‌اش به خوبی در ایران کپی و بومی شد اما جنبه کافه بر کتاب چربیده و عملاً کمک عمیقی به افزایش فروش کتب نکرد.

ماجرا اما آنجا جالب می‌شود که بهای کتب، اهالی فرهنگ و مخاطب پیگیر و کتاب خوان را هم وادار به زیر پا گذاشتن حق مؤلف کرده و در محافل خصوصی فرهنگی نیز بعضاً بدون قبح درباره مطالعه کتب از روی نسخه‌های الکترونیک سخن به میان می‌آید و این گروه که سرمایه اصلی و ماندگار حوزه کتاب کشور به شمار رفته و تنها امید کتاب فروشی‌ها، توسعه این گروه بود، نیز رو به تقلیل نهاده و برگرفته از فشارهای اقتصادی، یا خرید کتاب را به حداقل ممکن کاهش داده‌اند و یا از جمع مشتری‌های این حوزه خارج شده‌اند.

جریان سومی که در کاهش فشار به نشرهای مختلف موثر بوده و البته این لطف به یک اندازه مشمول نشرها نمی‌شده، خرید وسیع کتب توسط نهادهای فرهنگی از جمله متولیان کتابخانه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و... بوده که متأسفانه با کاهش بودجه حوزه فرهنگ در یک سال اخیر، خرید کتب جزو ردیف‌هایی بوده که در بودجه به حداقل ممکن کاهش یافته و از این جهت حتی نهادهای فرهنگی نیز گلايه‌مند هستند، چرا که توان پوشش نیازهای جمعیت تحت پوشش خود را به قدر کفایت نداشته‌اند اما قطعاً باز هم ضربه اصلی را کتاب فروشی‌ها متحمل شده‌اند.

در چنین شرایطی اصلاً عجیب نیست که خبرهایی درباره تعطیلی برخی کتاب فروشی‌ها و احتمال تعطیلی برخی دیگر شنیده شود و بازار کتاب به مرحله پایین کشیدن اجتناب ناپذیر کرکره مراکز عرضه کتاب برسد و با همین نمودار رشد قیمت پشت جلد کتب و هزینه‌های جانبی اداره کتاب فروشی‌ها، بعید نیست این وضعیت فراگیر شود.

هم اکنون خرید پنج جلد کتاب نه چندان حجیم با کاغذ معمولی و چاپ سیاه و سفید، می‌تواند تا یک صد هزار تومان هزینه را به خریدار تحمیل کند که واقعا مخاطب کتاب خوان را هم از رفتن به سمت و سوی کتاب فروشی‌ها پیشیمان می‌سازد و متأثر از همین قیمت‌های نجومی و کاهش قدرت خرید اهل مطالعه، تیراژ برخی کتب به زیر هزار نسخه تقلیل یافته است. با این مختصات، انتظار می‌رود وزارت فرهنگ و ارشاد در عوض واردات و عرضه کاغذ به قیمت هر بند ۶۰ هزار تومان، اقدام به عرضه کاغذ با قیمت بسیار پایین‌تر از کنونی و عرضه یارانه‌ای کاغذ به شکل

فراگیر کند تا کتاب فروشی‌ها توان چاپ کتاب با قیمتی که این کالا جنبه لوکس پیدا نکند را داشته باشند. این دستور کار برای وزارت فرهنگ و ارشاد دیر یا زود می‌بایست اجرا شود، حال می‌توان اجازه داد این اتفاق پس از تعطیلی بسیار وسیع و گروهی کتاب فروشی‌ها و فشار یک باره افکار عمومی به این نهاد متولی رخ دهد یا پیش از وقوع چنین شرایطی اقدام کرد.

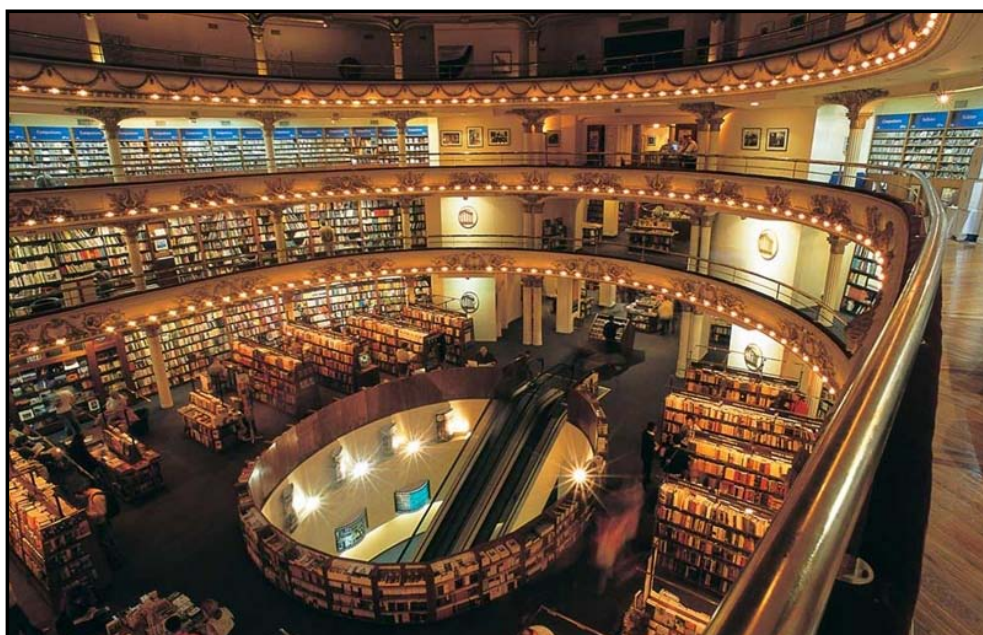
همچنین هر چند منطق حکم می‌کند تا نشرها برای ادامه حیات از مطبوعات تقلید نکرده و نماینده یک گروه سیاسی نشوند، در عین حال اتفاق بدی نیست که نشرها به سمت جذب اسپانسرهای صنعتی برای نشر کتبشان بروند؛ به عبارت ساده‌تر، نشرها می‌توانند در آغاز یا پایان صفحات چاپ تازه هر کتابشان با توجه به اقبال مخاطبان نسبت به هر کتاب و اهمیت و قیمت اثر، صفحاتی را با قیمتی مناسب برای تبلیغ یک کالا یا یک برند صنعتی

همچون صفحات تبلیغاتی ابتدا یا انتهای نشریات فرهنگی اختصاص دهند و از قبل چنین تبلیغاتی بخش چشمگیری از هزینه چاپ کتاب را تحصیل کرده و با هزینه‌ای به مراتب پایین‌تر کتاب‌هایش را منتشر کنند. همچنین می‌توان پیشنهاد کرد در عوض درج تبلیغات محصولات یک شرکت، تنها در یک صفحه ابتدایی یا انتهایی ذکر کرد که این کتاب با حمایت مالی شرکت طرف قرارداد نشر یافته یا امکان بازنشر را پیدا کرده که برای پرستیژ شرکت‌های بزرگ یک اتفاق مثبت است و در هزینه‌های تبلیغاتی چنین شرکت‌ها و موسسات اقتصادی و مالی که سالانه بعضاً صدها میلیارد تومان هزینه تبلیغاتی انجام می‌دهند، ارقام چند ده و چند صد میلیون تومانی اصلاً دیده نمی‌شود.

چنین رویکردی البته مستلزم آن است که مؤلفان و ناشران در تصمیمی مشترک پا بر غرور خود گذاشته و برای حفظ اقتصاد حوزه کتاب که متضمن حفظ یکی از ستون‌های فرهنگ کشور است، حاضر به چنین مشارکتی با حوزه‌های اقتصادی غیر فرهنگی شوند و از موضع بالا نیز با چنین نهادهایی برخورد نداشته باشند و به چشم طرف قرارداد همراهی کنند

توسعه فروش نسخه‌های الکترونیک کتب از سوی خود ناشران داخلی در نسخه‌های متناسب با آی‌پد و سایر کتاب‌خوان‌ها منضم به نسخه صوتی با صدای نویسنده یا یکی از چهره‌های مشهور نیز راهکار دیگری است که هنوز مورد توجه نشرهای داخلی قرار نگرفته و در رویکرد صنعتی به نشر ایران می‌تواند بسیار کارآمد باشد، کما اینکه نشرهای خارجی در این زمینه سودهای کلانی را از آن خود ساخته‌اند.

در صورت عملیاتی شدن چنین طرح‌هایی، می‌توان امیدوار بود با همزمانی سیاست‌هایی همچون تزریق حجم انبوهی از کاغذ یارانه‌ای به نشرها، شاهد بهبود وضعیت بازار کتاب و تعدیل قیمت گذاری کتب نیز بود. حال باید صبر کرد و دید آیا نشرها در پی چنین سازوکارهای اقتصادی خواهند رفت یا چشم انتظار کمک‌های بلاعوض و خریدهای کلان نهادهای فرهنگی که با اوضاع کنونی اندکی بعید است، ورشکستی را تجربه می‌کنند؟



یک کتاب فروشی در آرژانتین؛ ابعاد و جایگاه چنین فروشگاه‌هایی در هر کشور می‌تواند بیانگر جایگاه کتاب در آن کشور باشد

منبع: تابناک کد خبر: ۳۰۳۵۷۸



# نسل قانونمدار در راه است

■ شیرین هادی زاده



پرسیدم: «بخشید، شما آخرین نفر هستید؟» نگاه حیرت‌انگیزی به سرتا پای من انداخت، گویی از سیاره‌ای دیگر آمده‌ام و سؤال نابجایی پرسیده‌ام، به نقطه‌ای نامعلوم اشاره کرد و گفت: «همین جاها بایست، اتوبوس که آمد، بیا داخل». نتوانستم سکوت کنم، بلند گفتم: «یعنی چه؟ اینطور که نمی‌شود». نمی‌دانم واقعا نشنید یا...

ما که همیشه از کودکی در گوشمان از حق و ناحق، از پایمال نکردن حقوق یکدیگر (ولو به ظاهر کوچک) گفته‌اند، پس چرا چنین بی‌تفاوت شده‌ایم؟! چرا غالباً از سهم خود ناراضی هستیم و پیشی گرفتن هموطنمان را، آنگاه که حق اوست، تاب نمی‌آوریم؟ مگر مایی که در صف و ترافیک‌های گره‌خورده شهر حق را ناحق می‌کنیم، همان‌هایی نیستیم که زمان وارد شدن به محلی، به خود اجازه نمی‌دهیم پیش از همراهمان از در عبور کنیم؟! آیا دلایل و انگیزه‌های پیشی گرفتن ما از هم در انواع صف‌ها اعم از ورودی واگن مترو، اتوبوس، خرید، ماشین‌های مانده پشت چراغ قرمز و... منطقی و آگاهانه است؟ آیا واکنشی به مغلوب کنش پیشین شدن و جبران مافات کردن نیست؟ سرشار از پرسش‌های بی‌پاسخ، دلخور از کم‌توجهی‌ها، سعی کردم دورترین فرد را پیدا

**متروی میدان انقلاب / ۳:۱۵ بعدازظهر / پله برقی:**  
به سرعت خود را به پله برقی می‌رسانم. نشان «روی پله برقی ندوید» را می‌بینم و صبر می‌کنم تا پله‌ها خودشان زحمت بالا بردن من را بکشند.

به لطف همشهریانی که حالا زیگراگ روی پله‌ها ایستاده‌اند، حتی اگر می‌خواستم هم نمی‌توانستم روی پله‌ها حرکت کنم تا زودتر به مقصد برسم. یاد شرایط مشابهی افتادم که در سفری (خارج از ایران)، دوستی که همراه من در مترو بود، با ایستادنم در سمت چپ پله‌برقی، به من تذکر داد: «یادت باشد اگر نمی‌خواهی روی پله‌ها حرکت کنی، سمت راست بایست تا کسانی که عجله دارند، بتوانند از کنار رد شده و بالا بروند». آن روز، کمی هم شرمسار از بی‌توجهی‌ام، یاد گرفتم تمام فضاهای شهری و عمومی، راست و چپ و حق تقدم دارند، حتی آن زمان که پیاده هستیم.

**میدان انقلاب / ساعت ۳:۲۵ بعدازظهر / ایستگاه اتوبوس‌های پرسرعت:** در حالیکه چند دقیقه بیشتر فرصت نداشتم تا قبل از شروع کلاس، به مؤسسه برسم، خود را با عجله به صف درهم پیچیده اتوبوس رساندم و از یکی از خانم‌ها

کنم. پشتش ایستادم تا اتوبوس بیاید.

به خوبی آگاهی که کنش‌های اجتماعی ما، به مثابه حلقه‌های زنجیری عریض و طویل هستند که حادث شدن یکی، واکنشی در پی داشته و حلقه بعدی زنجیر را شکل می‌دهد، رشد می‌کند و از مجموعه‌های کوچک و بزرگ اجتماعی سردرمی‌آورد. مثل شکل گرفتن یک تک‌سلولی و بعد تکثیر تصاعدی آن. چنانچه عملکرد ابتدایی مثبت بوده باشد که چه نیکوتر از این اما اگر «خشت اول» کج بود، آن وقت با این دیوار ناسور چه کنیم؟!

سرزمین‌مان، با تمام وسعت و امکاناتش، مایه مباحث ایرانی‌هاست مگر آن زمان که پاره‌ای کوتاهی‌ها و شتابزدگی‌های بی‌مورد، فرهنگ و اخلاق شهروندی ما را زیر سؤال می‌برد. ما ایرانی‌ها، حتی خارج از ایران هم به «به روز بودن» و اینکه شیفته داشتن آخرین مدل از هر چیز باشیم، شهره‌ایم؛ از پوشاک و خوراک گرفته تا پیچیده‌ترین و گاه گران‌ترین فناوری‌های الکترونیک. اما از آنجا که معمولا در جریان ساخت و شکل‌گیری آنها نبوده‌ایم و گام‌به‌گام وارد زندگی‌مان نشده‌اند، با مناسب‌ترین و درست‌ترین روش بهره‌گیری از آنها آشنا نمی‌شویم. در نتیجه با داشتن کمترین آموزش و دانش لازم از آنها استفاده‌ای شتابزده و گاه نابجا می‌کنیم.

این نکته بر هیچ کس پوشیده نیست که آموزش و فرهنگ‌سازی، رکن اصلی پیشرفت و تعالی فرهنگی هر جامعه‌ای است. تا به حال به نگاه جست‌وجوگر و دقیق کودکان در مکان‌های عمومی دقت کرده‌اید؟ دیده‌اید چطور گام‌به‌گام، رفتار «آدم‌بزرگ‌ها» را تقلید می‌کنند و چنانچه عملکردی را نپسندند، اعتراض می‌کنند؟ با رها شنیده‌ایم کودکان امروز، سرمایه فردای مملکت هستند. کودکان، رفتارهای فردی و اجتماعی را با الگوبرداری از آنچه در خانواده و محیط پیرامونشان می‌بینند، می‌آموزند. آیا الگوهای مناسبی پیش چشم‌شان قرار می‌دهیم؟

توجه به آموزش و فرهنگ‌سازی که باشد، قانون هم معنای واقعی خود را پیدا می‌کند و انتظار قانونمدار بودن برای تمام افراد جامعه بدیهی و ضروری خواهد بود. «چرا» یکی از محبوب‌ترین کلمات پرسشی کودکان است و تا پاسخی برای «چرا»یشان نیابند، به آنچه از آنها خواسته شده، عمل نمی‌کنند. باید برایشان توضیح داد که «چیست» و «چرا» اینگونه باید باشد، قانع که



شدند، پیروی می‌کنند. این روند آشنایی، یادگیری و پیروی از قانون همیشه همراه ماست. یادمان هست سال‌های بسیاری که کمر بند ایمنی، شیئی زینتی و گاه اضافی (!) تلقی می‌شد. اما این روزها، به لطف آموزش‌ها و تعابیر گوناگون، در خیابان‌ها که سرمی‌گردانیم، کمتر سرنشینی را می‌بینیم که کمر بند نبسته باشد. اکنون همه آموخته‌ایم برای حفظ جان خودمان کمر بند را ببندیم. «حجت» قانون بر ما تمام شده و حال قانون نیز می‌تواند با نهایت سخت‌گیری، با متخلف برخورد کند. حتی دیگر افراد جامعه هم با مشاهده کوچک‌ترین تخلف و تخطی در این مهم، می‌توانند نسبت به آن اعتراض کنند.

آنهایی که قانون را رعایت می‌کنند، به گردن قانون این حق را دارند که خواهان برخورد با متخلف باشند؛ تخلفی که گاه می‌تواند ناشی از ناآگاهی باشد و نامعرضانه. بیشتر افراد برای کاری که انجام می‌دهند، انگیزه دارند، به نتیجه‌اش اندیشیده‌اند و تصمیم به انجامش گرفته‌اند، حتی اگر این گام‌های تصمیم‌گیری، در کسری از ثانیه صورت گرفته باشد؛ آنجا که با دور زدن تمام کسانی که صبورانه پشت سر هم در صف ایستاده‌اند، کوتاه‌ترین راه را برمی‌گزینیم، تا زودتر به خواسته‌مان برسیم؛ آنجا که در سفر، از شانه خاکی جاده می‌تازیم، خاک به خورد مردم ساعت‌ها در ترافیک مانده می‌دهیم و «زرنگی» می‌کنیم؛ آنجا که به سادگی «حقی» را پایمال می‌کنیم؛ همان جایی که به آنچه داریم، قانع نیستیم، تقدم را نمی‌شناسیم، با هزاران ترفند، راهی ناحق می‌یابیم تا آن کسانی را که به حق سر راه پیشرفت ما هستند، کنار بزنیم؛ آنجا که بذر خشم و مقابله به مثل را در باد می‌پاشیم و توفان درو می‌کنیم؛ آنجا که کم‌کم، جهت رود برمی‌گردد، سکوت حاکم می‌شود و قبح حق‌کشی می‌ریزد. «بی‌ادبان» که زیاد شوند، «بی‌ادبی» باب می‌شود، ملاکی عینی برای تمیز دادن درستی از نادرستی نمی‌ماند و دیگر نمی‌شود چون لقمان حکیم، «ادب» از بی‌ادبان آموخت. باور کنیم که تن به پارتی‌بازی، رانت‌خواری، اختلاس و تمام قانون‌شکنی‌های عظیم دادن، از همان خرده‌خلاف‌های مدنی شروع می‌شود، از همان دورزدن هموطن در صف.

اما هنگام پایین آمدن از اتوبوس می‌بینم و می‌شنوم: «مامان جان، صبر کن خانم پیاده بشوند، بعد ما سوار می‌شویم». بارقه‌ای از امید در دلم روشن شد. نسل قانونمداری در راه است.



## عملکرد حوزه معاونت امور عمرانی استانداری تهران



استان تهران با ۱۲ میلیون و ۸۸۳ هزار نفر، پرجمعیت ترین استان کشور است که بیشترین میزان شهرنشینی را به خود اختصاص داده است. سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ حاکی از آن است که از سه میلیون و ۷۳۳ هزار و ۱۹۰ خانوار، بیش از سه میلیون و ۴۰۰ هزار خانوار در مناطق شهری زندگی می کنند.

با وجود تراکم جمعیتی در استان تهران اینکه به ۸۹۰ نفر در هر کیلومتر مربع رسیده است اما داده های تحقیقی نشان می دهند که شاخص جمعیتی سهم استان تهران در کل کشور از ۰۹/۶۱ در سال ۸۵ به ۲۱/۱۶ در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. بنابراین رشد جمعیت تهران کماکان بیشتر از رشد جمعیت کشور است. از این رو رسالت خطیر خدمات رسانی بهتر به شهروندان تهرانی وظیفه مسئولین استانی و ملی را افزایش داده است پس باید استانداری تهران با همکاری و همدلی مسئولین شهرستانی، فرمانداران و شهرداران استان در جهت پیشبرد اهداف دولت خدمتگزار گام های مؤثرتری را بردارد.

سفرهای ریاست محترم جمهوری به استان تهران و دستاوردهای سه دوره سفرها بطور کامل اهمیت موضوع را مشخص می کند که از مجموع ۹۰۴ مصوبه و دو هزار و دویست و چهل و شش پروژه تعیین شده تا کنون قریب به هزار و سیصد پروژه به بهره برداری رسیده است و بقیه در دست اجرا است و در این خصوص مبلغ بیست هزار و دویست و پنج میلیارد ریال از محل اعتبارات استانی، ملی و تسهیلات سفر صرف پیشرفت پروژه های مذکور شده است.

در زمینه مسکن مهر تا کنون بیش از سیصد و بیست و هشت هزار واحد توسط ادارات کل در سطح استان بلاخص در شهرهای پرنده، پردیس و اندیشه به بهره برداری رسیده است و ۸۶ هزار واحد دیگر آماده واگذاری است.

با توجه به گستردگی برنامه های عمرانی، این معاونت به دنبال اجرای سیاست های دولت، برنامه های مذکور را پیش برده است که این پیشرفت را می توان در سایر فعالیت های عمرانی مشاهده کرد. برای نمونه سرانه فضای سبز استان تهران از ۱۶/۱ متر مربع در سال ۱۳۸۹ به حدود ۱۹ متر مربع در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است. همچنین طرح مطالعاتی جداسازی سامانه های آبیاری فضای سبز از آب شرب با همکاری وزارت خانه های کشور، نیرو و شهرداریهای استان در حال اتمام می باشد.

در زمینه مدیریت پسماند و ساماندهی مراکز دفن می توان گفت اقدامات خوبی طی این چند سال زیر نظر کارگروه استانی مدیریت پسماند انجام شده است و اخیراً نیز با شناسایی پیمانکاران واجد شرایط جهت سرمایه گذاری به منظور ایجاد و بهره برداری از سایت های دفع پسماندهای ویژه پزشکی و صنعتی در اراضی موصوف به هوشنگ آباد - عزیز آباد در جنوب غربی و گود ابعلی در شرق استان طی فراخوان

عمومی شاهد آماده سازی زیرساختها و استقرار دستگاه های زباله سوز در مراکز یاد شده در سال آینده باشیم.

لازم به ذکر است درخصوص برخورداری شهرهای استان از طرح توسعه شهری می توان به ۱۲ نقطه شهری دارای طرح تفصیلی و ۲۴ نقطه دیگر که دارای طرح جامع شهری می باشند اشاره کرد همچنین شهر اوشان، فشم و میگون دارای طرح هادی شهری و شهرهای فرون آباد، احمدآباد مستوفی، ارجمند و شمشک با طرح هادی روستایی اداره می شوند و نیز طرح ضوابط حفاظت از بافتهای تاریخی شهر ورامین توسط سازمان میراث فرهنگی کشور به استان ابلاغ شده که در دست پیگیری می باشد.

درخصوص تشخیص صلاحیت بیش از یازده هزار پیمانکار و مشاوره که از طریق سامانه «ساجات» ثبت نام کرده اند قریب به دو هزار و شصت شرکت تأیید و بیش از هشت هزار و چهار صد شرکت دیگر رد صلاحیت شده اند.

در حوزه حمل و نقل و سوخت اقدامات خوبی انجام شده است برای نمونه ۱۵۱ جایگاه CNG در سطح استان هم اکنون فعال می باشند و ۳۷ جایگاه دیگر نیز در دست احداث هستند و همچنین امیدواریم در جهت کنترل ترافیک در سال ۹۲ شاهد اتصال خط ۳ مترو تهران به اسلامشهر و احداث پروژه مترو ایستگاه شاهد، فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره) و پرنده باشیم.

که با شکل گیری شهرستانهای قرچک و پردیس در سال جاری و با وجود ۴۲ شهرداری رسالت ما در امر خدمات رسانی به مردم شریف استان بیشتر شده است که با برگزاری جلسات متعدد با مسئولین استانی و شهرستانی و بازدیدهای مستمر سعی داریم با برطرف نمودن مشکلات شاهد بهره برداری طرح ها و پروژه های عمرانی در کوتاه ترین زمان و رعایت استانداردهای مربوطه باشیم. درخصوص نظارت بر عملکرد شهرداریها و شوراهای اسلامی این امر با جدیت تمام در دفتر امور شهری و توسط گروه امور حقوقی و شوراها و اعزام تیم بازرسی به شهرداریها و بازدیدهای دوره ای پیگیری و به مسئولین مربوطه گزارش می شود.

و اما با سکونت یک میلیونی جمعیت استان در روستاها و تنوع پخشایش جمعیتی در ۸۱۷ روستای استان و از طرفی نو پا بودن مدیریت دهیاران در ۲۸۵ دهیاری و کمبود منابع درآمدی و با وجود جمعیت مهاجر فاقد تمکن مالی، دهیارها را با مشکلات عدیده ای علی الخصوص کمبود سرانه های عمومی مواجه نموده است که باید به طور ویژه این امر مدیریت شود.

و در آخر از زحمات تمامی مسئولین دستگاههای اجرایی، فرمانداران، شهرداران، دهیاران و تمامی مدیران و همکارانم در حوزه معاونت امور عمرانی کمال تشکر را دارم و آرزوی سال خوبی توأم با موفقیت برای همه آرزومندم.

محمد رضا محمودی

معاون امور عمرانی استانداری تهران



# عملکرد دفتر امور شهری و شوراهای استانداری تهران در سال ۱۳۹۱

از دیگر موارد می توان به پیگیری کلیه مکاتبات مربوط به قائم مقامی شورای اسلامی شهر گلستان که در سال ۹۰ منحل شده است و شهر تازه تأسیس پرند و پاسخ به استعلامات حقوقی مطروحه از سوی شوراهای اسلامی شهر، روستا و بخش و حتی شهرداریها و فرمانداریهای تابعه استان و رسیدگی به تخلفات اعضای شوراهای و تکمیل پرونده های مربوطه جهت طرح در هیأت حل اختلاف استان که بخش عظیمی از فعالیت گروه امور حقوقی و شوراهای می باشد بر شمرده و همچنین در زمینه آموزش بیش از هفتاد و هشت هزار نفر ساعت در قالب ۴۰ دوره تخصصی ویژه کارکنان شهرداریها و شهرداران محترم و نیز یک دوره آموزش شهروندی تحت عنوان «تفیک زباله از مبدأ» توسط شهرداری اسلامشهر برگزار گردید و نیز با همکاری معاونت آموزشی سازمان شهرداریها و دهیاریها چهار عنوان کتاب در زمینه اطفاء حریق، امداد و نجات، انواع گرہ ها در آتش نشانی و مجموعه ضوابط و مقررات ناظر به کارکنان شهرداریها به چاپ رسیده است همچنین تا کنون بیش از هزار و هشتصد نفر در کمیته طرح طبقه بندی مشاغل کارگری تطبیق وضعیت شده اند.

لازم به ذکر است که خوشبختانه در سال جاری شاهد رشد ۱۵ درصدی بودجه و ۱۴/۵ درصدی میزان خدمات عمومی شهرداریهای استان نسبت به سال گذشته بوده ایم همچنین شهرداری های رباط کریم، صالحیه و نصیر شهر موفق به ارتقاء درجه شده اند که در این رابطه آمارها حاکی از آن است که ۶۷ درصد از شهرداریهای استان دارای درجه بین ۴ تا ۸، ۱۹ درصد کمتر از ۴ و ۱۴ درصد دارای درجه بیشتر از ۴ می باشند که امیدواریم با همت شهرداران استان درجهت ارتقاء درجه شهرداریها و خدمات رسانی بهتر به شهروندان در سال آتی اقدامات خوبی صورت پذیرد و همچنین شاهد شروع به کار ۵ سازمان تازه تأسیس در شهرداریهای ورامین، گلستان و کهریزک بوده ایم.

درخصوص گروه ارزیابی عملکرد شهرداریهای استان و وظایف آن می توان گفت که با تشکیل تیمی از کارشناسان با تجربه دفاتر شهری و فنی در شش ماهه دوم سال ۹۰ و بازدید از شهرداریهای استان و جمع بندی نقاط ضعف و قوت و انعکاس آن به مسئولین استانی بر آن شدیم که با تقویت و انسجام بیشتر این کار را در سال ۹۱ ادامه دهیم که از اهم اقدامات تیم ارزیابی در سال جاری به بررسی عملکرد ۱۶ شهرداری باقی مانده از طرح ارزیابی سال ۹۰ و معرفی شهرداریهای نمونه اشاره کرد و با شروع به کار دور جدید ارزیابی از اواخر آبان ماه تا کنون ۱۵ شهرداری مورد ارزیابی قرار گرفته اند و گزارش این تیم نشان از برطرف کردن بسیاری از نقاط ضعف توسط شهرداریها و ایجاد رقابت سالم در بین شهرداران می دهد.

و اما در آخر باید از زحمات تمامی همکاران مجموعه دفتر شهری، فرمانداران و شهرداران محترم و تمامی مسئولین دلسوز استانی بخصوص معاون محترم امور عمرانی استانداری تشکر و قدردانی نمایم که با ارشادات خود ما را در انجام وظیفه خطیری که بر عهده مان است یاری رساندند و امیدوارم که تمام زحمات ما مقبول درگاه حق تعالی و مردم خوب استان تهران واقع گردد.

منوچهر ثنایی موحد

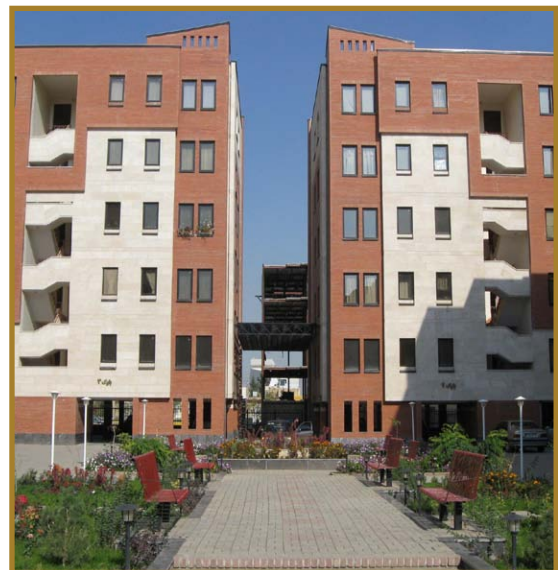
مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری تهران

استان تهران شامل ۱۶ شهرستان، ۴۲ شهر و جمعیتی بالغ بر ۱۲ میلیون نفر می باشد که شهرستان بهارستان با هفت هزار و هشتصد و پانزده نفر و شهرستان فیروزکوه با ۱۶ نفر در هر کیلومتر مربع به ترتیب بیشترین و کمترین تراکم را در میان شهرستانهای استان دارا می باشند.

لازم به ذکر است در سال جاری شاهد شکل گیری شهرستانهای قرچک و پردیس و شروع به کار شهرداریهای پرند، احمد آباد مستوفی و شمشک بوده ایم که به لحاظ تازه تأسیس بودن توجه و پیگیری خاصی را می طلبد.

و اما درخصوص گزارش عملکرد این دفتر در سال جاری به اختصار می توان گفت که اهم فعالیت ها حول محور نظارت بر عملکرد شهرداریها و شوراهای اسلامی شهرها می باشد که در جهت تعامل بیشتر شهرداریها با مسئولین استان بطور مستمر در هر ماه همایش شهرداران با موضوعات خاصی برگزار می شود که تا کنون نتایج خوبی به دست آمده که از آن جمله می توان به تشکیل کارگروه مالیاتی، بازرسی و حقوقی و همچنین انعکاس مشکلات شهرداریها به دستگاه های اجرایی که برای نمونه می توان به مکاتبه با نهاد ریاست جمهوری درخصوص تعیین تکلیف اخذ مالیات از سازمانهای وابسته به شهرداریها و مکاتبه با مقام عالی وزارت کشور درخصوص مشکلات ناشی از افزایش تعرفه حق بیمه کارگران ساختمانی اشاره کرد.

از جمله اقدامات دیگر این دفتر می توان به اختصاص ۱۰۰ مورد شناسه ملی به شهرداریها و سازمانهای وابسته و پیگیری شناسه مختص شوراهای اسلامی شهرها و همچنین ثبت بودجه تمامی شهرداریها از سال ۸۵ تا ۹۱ در سامانه بودجه شهرداریها و یا به پیگیریهای متعدد با سازمان امور مالیاتی و دارایی استان درخصوص صدور احکام مربوط به ذیحسابان شهرداریهای استان جهت دریافت اعتبارات استانی اشاره نمود.



تهران مباحث فرهنگی اجتماعی وجود خارجی نداشت، اما در حال حاضر این رویکرد به رویه‌ای مشخص تبدیل شده و باید حرکت خود را به سمت بهتر شدن ادامه دهد.

### ایستگاه مطالعه در شهرداری شهرکرد رونمایی شد همزمان با دهه مبارک فجر ایستگاه مطالعه در ساختمان اداری شهرداری شهرکرد رونمایی شد



در مراسم رونمایی از این ایستگاه، شهردار شهرکرد، مدیر کل کتابخانه های عمومی استان، سخنگوی شورای اسلامی شهر، شهروندان و جمعی از مدیران شهری و فرهنگی حضور داشتند.

بهروز صادقی مدیر کل کتابخانه های عمومی استان در سخنانی اظهار داشت: طرح ایستگاه مطالعاتی به منظور افزایش کمی و کیفی مطالعه و کتابخوانی در جامعه، ایجاد شده است. وی افزود: در این ایستگاه ۱۵ عنوان کتاب با محوریت دین، ادبیات، تاریخ، زن و خانواده، علوم و فنون، نوجوانان، خردسالان و کودک در اختیار علاقمندان قرار داده شده است. صادقی گفت: هر ایستگاه ظرفیت سه هزار جلد کتاب دارد که با توجه به حجم رفت و آمد و مراجعات و فضای موجود در محل استقرار ایستگاه کتب لازم در آن تعبیه می گردد. وی هزینه راه اندازی و تجهیز این ایستگاه مطالعاتی را ۵۰۰ میلیون ریال اعلام کرد و افزود: در حال حاضر ۱۴۳ ایستگاه در نقاط مختلف کشور راه اندازی شده است.



### انتقال تجربه «رویکرد اجتماعی»

رئیس شورای عالی استان‌ها رویکرد شهرداری تهران در تبدیل شدن از سازمانی خدماتی به نهادی اجتماعی را مثبت ارزیابی و پیشنهاد کرد شهرداری‌های دیگر کشور نیز از تجربیات شهرداری تهران در این زمینه استفاده کنند.

به گزارش شهر نوشت، در پنجاهمین اجلاس شورای عالی استان‌ها، کمیسیون فرهنگی اجتماعی طرحی را پیشنهاد کرد که در صورت تصویب نهایی آن، شهرداری‌های سراسر کشور ملزم خواهند شد از سازمانی خدماتی به نهادی فرهنگی اجتماعی تبدیل شوند. این رویکرد از سوی دکتر محمدباقر قالیباف به عنوان راهبرد بلندمدت شهرداری تهران چند سالی است که به اجرا گذاشته شده است. مهدی چمران، رئیس شورای عالی استان‌ها با بیان اینکه مطرح شدن چنین موضوعی در شورای عالی استان‌ها به منزله طراحی ساختار جدید اجرایی برای شهرداری‌ها نیست، گفت: «هم‌اکنون و پیش از تصویب این طرح در شورای عالی استان‌ها، برخی شهرداری‌های کشور موضوع تبدیل شدن به نهاد فرهنگی اجتماعی را در دستور کار خود قرار داده‌اند و ما در شورای عالی قصد داریم تمام شهرداری‌ها را ملزم کنیم این رویکرد را در طرح‌ها و پروژه‌های خود داشته باشند. وی رویکرد شهرداری تهران در تبدیل شدن به نهاد اجتماعی را به طور قطع مثبت ارزیابی کرد و افزود: چند شهرداری دیگر نیز نظیر اصفهان و مشهد این رویکرد را در برنامه‌های خود قرار دادند؛ در اصفهان این رویکرد طی یک برنامه ۵ ساله طراحی شده و شورای عالی استان‌ها نیز نظرات خود را در این رابطه به آنها اعلام کرده است. رئیس شورای اسلامی شهر تهران با بیان اینکه در تهران تمام پروژه‌های عمرانی باید با تهیه پیوست اجتماعی به انجام برسد، گفت: ممکن است در برخی موارد تهیه پیوست‌های اجتماعی پروژه‌ها آن گونه که شورای شهر در نظر داشته انجام نشده باشد اما مهم این است که این رویکرد به امری حتمی در شهرداری تهران تبدیل شده و جزو وظایف آن تعریف شده است.

چمران به نظر برخی از اعضای شورای عالی استان‌ها مبنی بر اجرای این روند در برخی شهرداری‌ها پیش از تصویب شورای عالی اشاره کرد و گفت: این طرح به عنوان یک سند بالادستی تهیه می‌شود؛ قصد داریم در کمیسیون مربوطه بندی را به طرح اضافه کنیم که شهرداری‌های سراسر کشور به منظور تغییر رویکرد خود از سازمان خدماتی به نهاد اجتماعی، از تجربیات شهرهایی نظیر تهران استفاده کنند تا مجبور نباشند در این مسیر تمام فعالیت‌های خود را از صفر شروع کنند. رئیس شورای عالی استان‌ها با بیان اینکه پس از تصویب این طرح در شورای عالی استان‌ها، سند تهیه شده برای اجرا به شهرداری‌های سراسر کشور از جمله تهران ارسال می‌شود، تأکید کرد: «اگر یک شهرداری مانند تهران که خود در این زمینه فعال است، احساس کرد آنچه در این سند وجود دارد به اهدافش کمک می‌کند، از آن استفاده می‌کند اما اگر محتوای این طرح همان چیزی باشد که شهرداری تهران در حال حاضر هم آن را اجرا می‌کند، این طرح را به عنوان یک طرح تکمیلی و سند ملی در اختیار خواهد داشت و فعالیت‌های خود را براساس رویکرد خودش ادامه می‌دهد. رئیس شورای اسلامی شهر تهران تصریح کرد: زمانی در شهرداری



## تصویب بودجه ۱۱ میلیارد ریالی سازمان کشتارگاه صنعتی شهرداری ارومیه

نادر اعظمی، مدیر عامل سازمان کشتارگاه صنعتی شهرداری ارومیه از تصویب بودجه ۱۱ میلیارد ریالی سازمان خبر داد و گفت: کشتارگاه صنعتی شهرداری ارومیه در طول ۲۴ ساعت شبانه روز برای ارائه خدمات بهینه فعال می باشد.

وی با بیان اینکه توصیه می شود همشهریان از گوشت های ممهور به مهر دامپزشکی با هدف جلوگیری از به خطر افتادن بهداشت و سلامت جامعه استفاده کنند افزود: به لحاظ ورود افراد سودجو به عرصه کشتار دام که هدفی جز سودجویی ندارند و عدم توجه آنان به سلامتی گوشت مورد استفاده مردم و عدم رعایت بهداشت و وجود بیماریهای مختلف مشترک حیوانات و انسان، ضروری است همشهریان از خرید و استفاده گوشت دام های کشتار شده در خارج از محل کشتارگاه صنعتی و فاقد مهر دامپزشکی خودداری کنند.

اعظمی در بخش دیگر از سخنان خود به ذبح رایگان دام در اعیاد مختلف در طول سال اشاره کرد و اظهار نمود: تمامی اعضای دام های کشتار شده در کشتارگاه توسط دامپزشکان حاضر در سازمان معاینه می شوند تا از سالم بودن گوشت ارائه شده برای مصرف مردم اطمینان حاصل گردد و از همشهریان برای فرهنگ سازی استفاده از دام سالم و اطمینان از سلامتی گوشت مصرفی درخواست می شود کلیه دام های خود را در مراسمات مختلف در کشتارگاه صنعتی به کشتار برسانند.

مدیر عامل سازمان کشتارگاه صنعتی شهرداری ارومیه، قرار گرفتن در محدوده شهر و انتقال کشتارگاه از محل فعلی به جاده شهید کلانتری را از دلایل مهم عدم توسعه و عدم وجود فعالیت های عمرانی معرفی نمود و اذعان داشت: مشکل اصلی سازمان وجود هزینه های سرسام آور انرژی مصرفی است که در تعرفه ها، اداری حساب می شود در صورتی که این هزینه ها با وجود فعالیت های خدماتی و بهداشتی باید در تعرفه های خدماتی و بهداشتی احتساب گردد.

وی همچنین فرسودگی ساختمان موجود سازمان کشتارگاه صنعتی شهرداری ارومیه را که ۴۸ سال از تأسیس آن می گذرد از دیگر مشکلات عمده این سازمان عنوان نمود.

اعظمی همچنین در ادامه با بیان اینکه به منظور جلوگیری از فرار دام و ورود حیوانات وحشی به داخل میدان دواب، سازمان اقدام به دیوارکشی واحداث ۴۷ غرفه مسقف با مساحت بیش از دو هزار و ۵۰۰ مترمربع جهت نگهداری دام با اعتبار بالغ بر ۳۵ میلیارد ریال اقدام نموده است.

وی همچنین از دیگر اقدامات عمرانی در سازمان را جدولگذاری، جوب کشی، دیوار کشی، احداث سرویس های بهداشتی با ۱۰ چشمه، اتاق دامپزشک، نمازخانه، سالن غذاخوری و ... عنوان نمود.

## شناسنامه دار شدن بیش از ۶ هزار درخت در سنندج

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری سنندج، سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری سنندج در جهت شناسایی و بررسی درختان و فضای سبز شهر سنندج اقدام به شناسنامه دار کردن کلیه درختان مناطق سه گانه نموده است.

مدیرعامل سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری سنندج اظهار داشت، در راستای حفظ و گسترش فضای سبز به ویژه درختان معابر که به نوعی از نمادهای پایدار فضای سبز شهری هستند نسبت به شناسنامه دار کردن درختان سطح شهر اقدام شده است.

اسماعیل نسب هدف از اجرای این طرح را جلوگیری از قطع بی رویه درختان و تشخیص به موقع بیماریها و آفات درختان اعلام کرد و گفت: با همکاری واحد های فضای سبز مناطق سه گانه بیش از ۱۴ هزار درختان ونهال های سطح شهر جهت پلاک کوبی شناسایی شده است.

وی مهم ترین اقدام برای کاهش آلودگی هوا را کاشت درخت و اجرای فضای سبز در سطح شهر دانست و اعلام کرد برای اجرای عملیات پلاک کوبی درختان سطح شهر ۱۲۰ میلیون ریال از منابع استانی هزینه شده است.

اسماعیل نسب از پلاک کوبی بیش از ۶ هزار درخت در سطح شهر خبر داد و بیان کرد در این پلاکهای ۸ رقمی اطلاعاتی حاوی آدرس معابر اصلی، نوع گونه درخت و کد متغیر انحصاری درخت درج شده است.

## احیا و ایجاد دکه های جدید فروش مطبوعات با ضوابط قانونی جامع

با اعتباری افزون بر یک میلیارد ریال، ۱۰ دکه مطبوعاتی جدید برای فروش اقلام فرهنگی، روزنامه و مجلات در سمنان ایجاد می شود.

قائم مقام سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری سمنان با اعلام این خبر افزود: طبق قانون، شهرداری باید دکه ها را از سطح شهر جمع آوری کند، اما ما خود بانی ایجاد این دکه ها به صورت ساماندهی شده و جدید در شهر شدیم تا مردم بتوانند از این دکه ها اقلام فرهنگی و جراید را به آسانی تهیه کنند. محمد رضا خطیبی گفت:

در همین خصوص جلسه ای با حضور نمایندگان فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز بهداشت، نظارت بر اماکن عمومی، فرمانداری و خانه مطبوعات در این سازمان برگزار شد. خطیبی گفت: ما شعار سمنان شهر اخلاق را سرلوحه کارها قرار دادیم و در شهر اخلاق هم باید شاخص های فرهنگی ارتقاء یابند و معتقدیم هزینه کردن در بخش فرهنگی سرمایه گذاری برای آینده است. مدیر عامل سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری سمنان هم با تشریح موانع و تنگناهای موجود در این طرح، از اولین گام جهت تدوین آئین نامه های جامع به منظور احداث دکه های مطبوعاتی شهر سمنان ابراز رضایت کرد. محمد بهرامی خاطر نشان کرد: اتکا به سود حاصل از فروش مطبوعات، کفاف هزینه های دکه را نمی دهد و برنامه ریزی برای فروش سایر اقلام در کنار مطبوعات ضروری است.



## برگزاری نمایشگاه و همایش روابط عمومی شهرداری‌ها به فروردین ۹۲ موکول شد

مدیر کل روابط عمومی و امور بین الملل و امور مجلس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور اعلام کرد: طی روزهای اخیر تماس‌های فراوانی از سوی روابط عمومی شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته، با دبیرخانه برگزاری همایش و روابط عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور مبنی بر تغییر زمان برگزاری این رویداد به علت تراکم کاری روابط عمومی‌ها در اسفند ماه صورت گرفت و ما علیرغم برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته و آماده بودن تمامی بخش‌ها برای اجرای کار به علت احترام به این خواسته مدیران و کارشناسان روابط عمومی، زمان برگزاری را به ۲۷ الی ۳۰ فروردین ماه سال ۹۲ موکول کردیم.

وی در ادامه اظهار داشت: هدف از برگزاری این همایش و نمایشگاه معرفی آخرین دستاورد و توانمندی‌های شهرداری‌ها و دهیاری‌های سراسر کشور، انتقال تجربیات و همچنین ارتقاء سطح علمی و عملی مدیران و کارشناسان روابط عمومی می‌باشد.

کفاح افزود: همزمان با برگزاری این نمایشگاه، کارگاه‌های آموزشی پیشرفته روابط عمومی شهری، مدیریت و برنامه‌ریزی ارتباطی، تبلیغاتی و رسانه‌ای در روابط عمومی شهری با حضور استادان برجسته دانشگاه‌های کشور برگزار می‌شود.

وی با بیان اینکه برگزاری این کارگاه‌های آموزشی نقش مهمی در ارتقاء سطح علمی شرکت کنندگان دارد اظهار داشت: پس از اتمام این دوره‌ها به مدیران و کارشناسان روابط عمومی حاضر در این کارگاه‌ها از سوی مرکز پژوهش‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و انجمن متخصصان روابط عمومی گواهینامه‌ای اعطاء می‌شود که در ردیف آموزش ضمن خدمت و ارتقاء شغلی شرکت کنندگان در سازمان خود محسوب می‌شود. علاقمندان می‌توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر با تلفن دبیرخانه ستاد برگزاری این همایش به شماره ۰۲۱-۸۸۵۱۱۸۱۵ تماس بگیرند.

## نمایشگاه ماشین‌آلات و تجهیزات شهرداری‌ها در کیش

نمایشگاه ماشین‌آلات و تجهیزات شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور از ۲۹ بهمن تا ۳ اسفند در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی جزیره کیش گشایش یافت. در مراسم افتتاح این نمایشگاه مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، معاون پشتیبانی توسعه و منابع سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تولیدکنندگان ماشین‌آلات و تجهیزات راه‌سازی و زیباسازی شهری حضور داشتند.

این نمایشگاه با ۵۰ غرفه در محیطی به وسعت سه هزار متر مربع برپا شد و هدف آن آرایه توانمندی‌های تولیدکنندگان کشورمان در زمینه مدیریت شهری، ماشین‌آلات شهرداری‌ها، مبلمان و ماشین‌آلات نظافت شهری بود.

تجهیزات ترافیکی، وسایل پارک‌های بازی، محیط زیست، دوربین‌های کنترل ترافیک و سرعت، تجهیزات و سامانه‌های پیشرفته توسعه فضای سبز، موزاییک و قطعات بتنی و آتش‌نشانی از دیگر موضوعاتی بود که شرکت‌های داخلی و با به نمایندگی از کشورهای ایتالیا، آلمان، بلژیک، چین و ... توانمندی‌های خود را به معرض دید عموم قرار داده‌اند.

شورای عالی هماهنگی حمل و نقل و ایمنی کشور تشکیل می‌شود

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، هیئت وزیران بنا به پیشنهاد رئیس جمهور و به استناد اصول یکصد و بیست و هفتم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی تصویب کرد؛ به منظور اجرای ماده (۱) قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت و یکپارچه سازی، ساماندهی و مدیریت واحد

حمل و نقل درون شهری و برون شهری و هم افزایی اقدامات و پیشگیری از فعالیت‌های موازی در وزارتخانه‌های مرتبط با حمل و نقل، با انتقال وظایف و مسئولیت‌های شورای عالی هماهنگی ترابری کشور و کمیسیون ایمنی راه‌ها و شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور، شورای عالی هماهنگی حمل و نقل و ایمنی کشور تشکیل می‌شود.

بر این اساس، شورای یاده شده متشکل از رئیس جمهور (رئیس) و وزیران راه و شهرسازی، کشور، صنعت، معدن و تجارت، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، رئیس جمعیت هلال احمر و فرمانده راهور نیروی انتظامی، رئیس شورای عالی استان‌ها و پنج نفر از متخصصان و صاحب‌نظران کشور در امر حمل و نقل و ایمنی به انتخاب رئیس جمهور است.

دبیرخانه شورای عالی در نهاد ریاست جمهوری تشکیل می‌شود و دبیر آن با حکم رئیس جمهور منصوب می‌شود. وظایف و اختیارات هیئت وزیران نیز در این زمینه به شورای عالی حمل و نقل و ایمنی کشور تفویض می‌گردد.

بر اساس این مصوبه، تصمیمات و مصوبات اکثریت اعضا یا وزیران عضو شورای عالی (حسب مورد) در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران بوده و با رعایت ماده (۱۹) آیین نامه داخلی هیئت دولت قابل صدور است.

همچنین شورای هماهنگی حمل و نقل و ایمنی استان به ریاست استاندار و با حضور مدیران کل وزارتخانه‌ها و سازمان‌های عضو شورای عالی مستقر در استان و فرمانده انتظامی استان تشکیل می‌شود. بر این اساس، وظایف و اختیارات شورای هماهنگی حمل و نقل و ایمنی استان و دبیرخانه آن بر اساس دستورالعملی است، که به تصویب شورای عالی می‌رسد. این مصوبه از سوی محمدرضا رحیمی؛ معاون اول رئیس جمهور برای اجرا ابلاغ شده است.

## فراخوان انجام مطالعات در حوزه مسایل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با مدیریت شهری و روستایی

مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور انجام سه مطالعه در حوزه مسایل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با مدیریت شهری و روستایی را به دانشگاه‌ها، مشاورین و مراکز پژوهشی ذیصلاح واگذار می‌نماید.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی سازمان در نظر دارد انجام مطالعات «تدوین سازوکار مدیریت آسیب‌های اجتماعی در شهرها و روستاهای کشور با تاکید بر نقش مدیریت شهری و روستایی» و «بررسی نحوه گذران وقت شهروندان با تاکید بر نقش مدیریت شهری و روستایی» و «تدوین سند راهبردی فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور» را در حد معاملات متوسط به دانشگاه‌ها، مشاورین و مراکز پژوهشی ذیصلاح واگذار نماید.

شرح خدمات مطالعات و فرم‌های پیشنهاد فنی و مالی در تارنمای imo.org.ir (زیر شاخه مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی، ذیل عنوان فراخوان و مستندسازی انتخاب مشاوران) موجود می‌باشد. پیشنهادهای فنی و مالی در پاکت‌های جداگانه و سر بسته تا تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۶ در دبیرخانه این مرکز، واقع در تهران-بلوار کشاورز-ابتدای خیابان نادری-پلاک ۱۷-طبقه دوم، دریافت می‌گردد. تکمیل اطلاعات خواسته شده در بخشنامه ۱۰۰/۳۱۳۹۰ مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۶ (موجود در تارنمای مرکز مطالعات) الزامی است. لازم به ذکر است که پنج درصد از رقم قرارداد به ناظر علمی پروژه اختصاص داده خواهد شد.

## ارومیه

عملیات عمرانی پروژه پیاده‌روسازی پارک دانشجو در حد فاصل پل میدان امامت تا آب‌بند شهر چای به طول بیش از هزارمتر مربع در دو طرف رودخانه در حال احداث است. با توجه به نقشه معماری این طرح کناره‌های این پروژه به صورت شیب‌دار طراحی شده تا از آن جهت فضای سبز استفاده شود.

## اراک

استاندار استان مرکزی از تصویب کلانشهری اراک در شورای عالی معماری و شهرسازی خبر داد و گفت: این مصوبه توسط وزارت کشور به استانداری ابلاغ شده است. علی‌اکبر شعبانی‌فرد در جمع خبرنگاران افزود: با این مصوبه سال آینده ردیف بودجه‌ای خاص شامل کلانشهر اراک خواهد شد که این بودجه به منظور بهبود و تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل شهری، ساماندهی ترافیک و اجرای تقاطع‌های غیر همسطح هزینه می‌شود.

## اسفدن

به منظور بهبود ارائه خدمات به شهروندان نظارت بیشتر بر عملکرد واحدهای صنفی، اصناف شهر اسفدن ساماندهی می‌شوند. آقای یاری شهردار اسفدن افزود: برخی متصدیان پروانه فروش ندارند و برخی دیگر مدت اعتبار پروانه کسب آنان گذشته است که در این طرح ساماندهی خواهند شد.

## اصفهان

سرپرست سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری اصفهان اعلام کرد: همزمان با هفته درختکاری بیش از ۱۰۰ هزار نهال رایگان در مناطق ۱۴ گانه توزیع شد.

## ایلام

عملیات آسفالت معابر سطح شهر توسط شهرداری ایلام آغاز شد. شهردار ایلام گفت: این عملیات به طور گسترده در تمامی نقاط سطح شهر که عملیات حفاری در آنها انجام شد، صورت می‌پذیرد و افزود آسفالت و لکه‌گیری خیابان‌های شهر و یکی از برنامه‌های استقبال از سال نو خواهد بود.

## بندرعباس

معاون فنی و عمرانی شهرداری بندرعباس با اشاره به فرار رسیدن سال ۱۳۹۲ و پیش‌بینی ۹ میلیون مسافر نوروزی از بازسازی و بهسازی پارکینگ با صرف اعتباری بالغ بر ۷ میلیارد ریال خبر داد و گفت این پروژه تا پایان سال ۹۱ به بهره برداری می‌رسد.

## بندرگز

شهرداری بندرگز در راستای استاندارد سازی وسایل بازی پارک‌ها و همچنین افزایش روحیه نشاط و شادی در کودکان، وسایل بازی استاندارد را جایگزین وسایل بازی غیر استاندارد کرد.

## مرند

شهروندان مرندی می‌توانند از طریق ایمیل و پیامک، درخواست‌ها و پیشنهادات خود را به شهرداری ارسال نمایند. شهردار مرند گفت: شهروندان بهترین گزارش دهنده به شهرداری هستند و پیشنهادات سازنده آنها باعث عمران و آبادانی بیشتر می‌شود و علاوه بر واحد ارتباطی مردمی (۱۳۷) می‌توانند با شماره پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۰۹۹۰۱۳۷ و ایمیل marandshahr با شهرداری در ارتباط باشند.

## نوشهر

شهردار نوشهر اعلام کرد، سه هزار متر زمین از فضای محوطه شهرداری جهت استفاده عموم شهروندان آزادسازی می‌شود و همچنین افزود نخستین شهربازی مخصوص کودکان با مشارکت بخش خصوصی و با هدف جذب توریست در آینده افتتاح خواهد شد.

## یزد

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری یزد، به منظور افزایش کیفیت خدمت رسانی و کاهش زمان پاسخگویی، سامانه پرداخت عوارض خودرو از طریق دفاتر پیشخوان دولت فراهم گردید. استقرار سامانه پرداخت عوارض خودرو در دفاتر پیشخوان، واگذاری نخستین خدمت شهرداری به این دفاتر است که گامی اساسی در فرآیند برون‌سپاری به حساب می‌آید.

# سرمایه اجتماعی

نوع آگاهی موجب علاقه‌مندی و دل‌نگرانی است؛ اعتماد به امنیت خود و نسبت به سایر افراد و نهادهای اجتماعی (نوعی منش هنجاری که مستلزم مقابله به مثل و رفتار غیرخودخواهانه است)؛ و مشارکت، در شبکه‌های رسمی و غیررسمی یا در انجمنهای مدنی که براساس فعالیت داوطلبانه افراد عمل می‌کنند. عمده‌ترین عناصر در سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی در ۵ محور عمده زیر خلاصه می‌شوند:

زندگی سازمانی؛  
مشارکت در امور عمومی؛  
مشارکت در امور داوطلبانه؛  
انجمن‌پذیری غیررسمی؛ و  
اعتماد اجتماعی.

رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی کشورها ۵ یافته عمده دارد: اعتماد و هنجارهای مدنی با رشد اقتصادی قوی‌تر در ارتباط است؛ عضویتها در انجمنهای داوطلبانه عموماً با کارایی اقتصادی بهتر کشورها رابطه‌ای ندارد؛ اعتماد به نهادهای رسمی مستحکم رابطه مثبت و قوی دارد و در کشورهایی که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی، از نابرابری کمتری برخوردارند، این رابطه بیشتر و بزرگ‌تر است؛ بین سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی ارتباط وجود دارد؛ و شاخص سرمایه اجتماعی به‌طور مثبت و معنی‌داری با رشد بیشتر در ارتباط است. کشورهایی که از این شاخص به میزان بیشتری برخوردار بودند، میزان بیشتری از درآمد سرانه، آموزش بهتر، جمعیت‌های مدنی‌تر، نابرابری درآمدی کمتر و نهادهای رسمی قوی‌تر از کشورهایی که میزان کمتری از این شاخص را داشتند، به خود اختصاص داده بودند.

از اواسط دهه ۱۹۹۰م، سرمایه اجتماعی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی پارادایم جدید توسعه، مورد توجه قرار گرفت. سرمایه اجتماعی را می‌توان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی‌اند و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند. این منابع که از طریق اجتماعی‌شدن مناسب حاصل می‌شوند، دربرگیرنده اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی از پیوندهای اجتماعی هستند که به گرد آمدن افراد به‌صورتی منسجم و باثبات در داخل گروه، به‌منظور تأمین هدفی مشترک منجر می‌گردد. سرمایه اجتماعی مفهومی چند بعدی است که دلالت‌های متفاوت و تعاریف بدیل چندی از آن وجود دارد. در ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی که اساساً بخشی از ادبیات نوین توسعه بشمار می‌آید و در ۲ دهه اخیر رواج و گسترش چشمگیری یافته است، با انبوهی از تعاریف روبرو می‌شویم که هر یک دلالت‌های ویژه‌ای را در حوزه‌های روابط میان شخصی و میان‌گروهی در سطح نظام‌های خرد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی (Societal) و فرهنگی در نظام‌های مختلف اجتماعی بازگو می‌کنند.

با وجود تفاوت‌های گاه بسیار فاحش دلالت‌های این تعاریف، ۲ مقوله مشترک را پیوسته می‌توان تمیز داد:

تسهیل و گسترش روابط اجتماعی با توجه به اهمیت این روابط برای ساماندهی بهینه زندگی اجتماعی؛ و  
نتایج اجتماعی مطلوب ناشی از کاربرد این روابط تسهیل شده برای ایجاد و انسجام اجتماعی و رفاه.

مفهوم سرمایه اجتماعی به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد، تقریباً با تمام موضوعات و مسائل مطرح در حوزه انسانی و اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند. تحقیقات متعدد مؤید تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر سلامت و کاهش نرخ جرائم است.

مفهوم سرمایه اجتماعی از ۳ جزء ترکیب شده است:

آگاهی، یا دانش نسبت به مسائل اجتماعی (نوعی منش‌شناختی). این

## Social Capital



10 مجموعه اسکان اضطراری برپا شده در پارک های جنگلی تهران به زودی افتتاح می شود

## سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران

آموزش و ارتباط با شهروندان راه اندازی گردید. در صفحه اصلی این درگاه بخش های مختلفی از جمله اخبار، گزارش تصویری و نقشه راهنمایی شناسایی ستادهای مدیریت بحران منطقه ۲۲ گانه تهران دیده می شود. همچنین سایر لینک های این درگاه شامل: درباره سازمان پروژه ها، مدیریت بحران، پرسش های متداول، ارتباط با فصلنامه دانش مدیریت بحران، سازمان در عرصه بین الملل علمی - پژوهشی، انتشارات، مخاطرات، آموزش، شبکه پژوهشگران مدیریت بحران، پیوندها، گمانه های ژئوتکنیکی، گروه دوام، مانورهای مدیریت بحران، سامانه تخمین خسارت، نقشه قنوت، گروه های مدیریت بحران اماکن شهر تهران، کوهستان پاک و ایمن می باشد.

لینک گروه دوام از مهم ترین بخش های این درگاه می باشد که مخفف «داوطلب واکنش اضطراری در محلات» است. طرح گروه دوام که در مرحله آزمایشی قرار داد با ایجاد تشکلهای کوچک و کارآمد و دانش محور در سطح محلات و با هدف افزایش آمادگی شهروندان و مشارکت دادن داوطلبان مردم به صورت سازماندهی شد. در محله های ۴ و ۶ و ۸ و ۱۰ و ۱۷ در حال اجرا می باشد. پس از بررسی نتایج پروژه و بر اساس مصوبه ۹۴ شورای اسلامی شهر تهران، تصمیم و گسترش پروژه در کلیه محلات شهر تهران ظرف مدت ۴ سال در دستور کار این سازمان قرار گرفت که امید است با اجرای کامل و آموزش مستمر داوطلبین این طرح، در هنگام بروز حادثه میزان تلفات و خسارات حداقل باشد.

این درگاه در آدرس [tdmmo.tehran.ir](http://tdmmo.tehran.ir) قابل دسترسی می باشد.

در بین کشورهای جهان، ایران به لحاظ وقوع حوادث غیر مترقبه جزء ۱۰ کشور بلاخیز دنیاست و از ۴۰ حادثه طبیعی شناسایی شده بیش از ۳۰ مورد آن در ایران اتفاق می افتد و این در حالیست که جمعیت کشورمان ۱ درصد جمعیت جهان را تشکیل می دهد ولی ۶ درصد تلفات بلایای طبیعی در آن رخ می دهد.

با این مقدمه وجود یک سازمان منسجم و با برنامه جهت پیشگیری، آموزش و مدیریت بحران ضروری به نظر می رسد و در سال ۱۳۷۸ کمیته ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی، به عنوان عالی ترین نهاد در این حوزه، تصویب کرد که شهرداری تهران با مساعدت معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور و با بهره گیری از همکاری سایر وزارتخانه ها و نهادهای مربوطه، طرح جامع مدیریت بحران شد تهران را تهیه و ارائه نماید که در نهایت این طرح در اواخر سال ۱۳۷۹ آماده و در خرداد سال ۱۳۸۰ به تصویب اجلاس کمیته ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی رسید.

براساس بند ۱ مصوبه طرح جامع مدیریت بحران شهر تهران، شهرداری تهران ملزم به تشکیل ستاد مدیریت بحران شهر تهران با هدف پیشگیری، آمادگی و مقابله و بازسازی در بحران گردید و شهرداری تهران از سوی وزیر کشور به عنوان رئیس این ستاد منصوب گردید. این ستاد در تیرماه سال ۱۳۸۳ و با تصویب شورای اسلامی شهر تهران به «سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران» ارتقا یافت. درگاه اینترنتی این سازمان در سال ۱۳۸۴ و با هدف اطلاع رسانی و

# رویکردی نوین به ساخت مدارس

نام کتاب: زبان طراحی مدرسه

مؤلف:

Prakash Nair (پراکش نیر)

Randall Fielding (رنالد فلدینگ)

مترجم: ثمانه ایروانی

ناشر: انتشارات سازمان شهرداری ها دهیاری های

کشور

چاپ اول ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه در ۱۸۰ صفحه

بها: ۲۰۰۰۰ تومان

## زبان طراحی مدرسه

الگوهای طراحی برای مدارس قرن بیست و یکم

Prakash Nair, Randall Fielding

مترجم: ثمانه ایروانی



کتاب ایده پردازی محض نیست بلکه به مثابه یک کتاب مرجع و راهنمای عمل می تواند به متولیان حوزه برنامه ریزی درسی و به ویژه به معمارانی که دست اندرکار طراحی و ساخت مدارس جدید هستند بینش جدیدی بدهد و نگاه آنها را متحول سازد. همچنین می تواند به عنوان منبع مفیدی برای ارزیابی شایستگی های آموزشی در مدارس موجود قابل استفاده باشد. شایستگی هایی که مستقیم یا غیر مستقیم در دلپذیر ساختن و هم در کارآمد ساختن محیط مدرسه نقش ایفا می کنند.

ایران کشوری است که در یکصد سال گذشته شاهد تلاشهای فراوانی برای نوسازی و توسعه بوده است. با این همه هنوز بسیاری از کانونهای جمعیتی، از اجتماعات روستایی تا شهرهای کوچک و متوسط و بخش های مهمی از شهرهای بزرگ در شرایط پیشا مدرن به سر می برند و چالش میان سنت و مدرنیته به نحوی برجسته و مشخص به چشم می خورد. سیاستهای اجتماعی برای تحقق اهداف و برنامه های رفاه اجتماعی به حد مطلوب خود دست نیافته است. مشارکتهای اجتماعی در برنامه های توسعه در سطح قابل قبولی قرار ندارد و میزان سرمایه اجتماعی که از عوامل زمینه ای و کلیدی نیل به توسعه به شمار می آید در بین بسیاری از گروه های اجتماعی و اجتماعات موجود کشور پایین است. در این میان بحث آموزش در اشکال و دوره های مختلف زندگی اهمیت بالایی به خود اختصاص داده است.

مطالعات فراوانی درباره تاثیر برنامه های آموزشی در ابعاد مختلف

چرا بناهای بسیار از مدارس ما آنقدر دلگیر و بی روح اند که در دانش آموز و معلم شوقی بر نمی انگیزند؟

معماران و سازندگان این بناها چه تصویری از مدرسه داشته اند که آنها را با این شکل و شمایل در مقابل دیدگان ما قرار داده اند؟

این آیا به دلیل آن نیست که در طراحی فضاهای چنین مدرسی، به اصول علمی معماری و تحقیقات برجسته آموزشی مبتنی بر دانش و تجربه بشری و نیازهای روحی و روانی دانش آموزان توجه نشده است؟

و آیا این بدان معنا نیست که بین تحقیقات یادگیری و برنامه ریزی آموزشی از یک سو، و فضاهایی که برای یادگیری ایجاد می شوند گسیختگی وجود دارد؟ با این گسیختگی چه باید کرد؟

برای پاسخ به این سؤال و سؤال هایی از این دست، نویسندگان کتاب نخست این نکته را توضیح می دهند که مدارس تنها مکانی برای یادگرفتن نیستند، بلکه بیش و پیش از آن، کانون هایی برای پرورش جان و تجلی گاه روح یادگیری اند. آنها به ما می گویند که چگونه می توان ساختمان های مدارس را که ما در آنها آموزش می بینیم، چنان سر و شکل داد که این فضاها به کانون هایی شوق انگیز و جذاب برای رشد و پرورش کودکان و نوجوانان، این رهنوردان راه فردا، تبدیل شوند.

کتاب زبان طراحی مدرسه اثری است که توانسته است تحقیقات آموزشی را به شیوه ای دل انگیز با پلان گذاری، برنامه ریزی و طراحی مدارس ترکیب کند و از این جهت باید آنرا کاری بدیع دانست. این





# Contents

<b>Note</b>	2
<b>Special Report</b>	
- Social capital; A forgotten unsociable fact/M.Roshtamkhani/S.Heidarinia	3
<b>Idea and Research</b>	
- Role of social capital in Public Control on Urban Management/ M.H. sharbatiyun	14
- A contemplation on Social Functions of social capital in organisations/ N.shuheni	20
- Quarter , Suberbs and the social capital/ A.Amin.Nasseri	22
<b>Dialogue</b>	
- Citizen Confidence and urban management/ Interview with A.Mahakey	30
<b>Municipalities According to Documents</b>	
- Hidden figures of social capital in net so much past /A.Jalali	31
<b>Urban Law</b>	
- Urban Law and citizen Right	34
<b>Councils and Participation</b>	
- Studying The place of Participation in Urban Planning and Urban Development	35
- Social capital and Environment Behaviors in Iran / Q.Khoshrfar- S.Salehi	42
- ???	53
<b>World Experiences</b>	
- Cities Redesigning, Modernity, Efficiency and Equality/ Trans by: H.Nazariyun, K.Zallnezhud & etall	60
<b>World Cities and Municipalities</b>	70
<b>Instruction</b>	
- Citizen Participation; A social capital in waste Management/ H.Noruoizifard	73
- ???	80
<b>Souvenir</b>	
- Tebilisi; A changing city	85
<b>Brief News</b>	89
- A Glance at Cities/ Urmia – Boshar – Tehran - Khorramâbâd - Yazd - Mashhad - Gorgan	
<b>Province Report/ Tehran</b>	
<b>Org.News</b>	
<b>Glance at Cities</b>	
Esfâden – Bandar Gaz – Marand – Yazd	
<b>Urban Terminology</b>	
- Social capital	
<b>WebSite/ M. Toolâbee</b>	

**New Publication**

Address: No. 1182, Mir Lane corner, Cross roads of Keshavarz Blvd. and Kargar - e shomali, Tehran

Tel: 63901283 - 85 Fax: 66428089

ISSN: 1606-7495

http://www.imo.org.ir

E.mail: shahrdariha91@yahoo.com



- **Social capital; A forgotten unsociable fact**
- **Role of social capital in Public Control on Urban Management**
- **Quarter , Suberbs and the social capital**
- **Citizen Confidence and urban management**
- **Hidden figures of social capital in net so much past**
- **A proposal principals of Newurbanism in Planning of Urban Quarters**
- **Tebilisi; A changing city**

